کارکنان وظیفه‌مند ریاست نشراتی مجلات آغاز پنجاه و پنجمین سالگرد استقلال

کشور و استقرار رژیم جمهوری را بحضور بنیانگذار مجدد ملوکانه رژیم دولت و صدراعظم اعضای محترم

کمیته مرکزی، اردوی جوان و پاسداران افغان و گارد ملت نجیب و دیگر افغانستان تبریک میگویند.



Ketabton.com

(c) kabobton.com: The Digital Library

خطاب به مردم

متن دری بیانیهٔ رادیویی بناغلی محمدداؤد رئیس دولت وصدراعظم که‌از رادیوافغانستان‌برودکاست گردید

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هموطنان عزیز نجیب‌وقدرشناس افغانستان

بمناسبت این رستاخیزملی‌وتحول شگفت انگیز سیاسی که دروطن عزیز ماافغانستان‌رخ داده است، بازهم مراتب تبر یکات بی نهایت صمیمانهٔ خود ورفقای قهرمان خو یش راکه به‌تاسی ازارادهٔ بالقو ۀملت افغانستان جانبازانه بامر عظیم تاریخی ملی اقدام‌نمودندوسنگ تهداب‌اولین‌جمهوریت افغانستان را گذاشتند به‌همه‌مردم نجیب وزحمت‌کش‌کشور وبخصوص به اردوی فداکار و جوان افغانستان تقدیم میدارم .

همچنان از پشتیبانی پر شور وشوق مردم افغانستان که ازروز اول تاسیس رژیم‌جمهوری‌دروطن‌ابرازداشته اند اظهار سپاسگزاری و تشکر می‌نمایم .

هموطنان گرامی میدانندکه تاریخ استر داد استقلال افغانستان در حقیقت ٦ جوزاست اما ازسالیان درازمعمول برین شدکه یاد وبود آن روزمقدس ملی در اول سنبله تجلیل گردد. امسال هم به‌پیروی ازتعامل گذشته خو د راوجداناً مکلف میدانم تا تبریکات خود ورفقای خودرا به مناسبت این روز فرخنده‌بهمه هموطنان گرامی تقدیم کنم .

سه پیکا ر بزرگ ملت‌افغانستان د ر برابر تجاوز استعمار گواه بزرگ وانکا رناپذیریست از فدا کاری ، وطن دوستی و عزم شکست‌ناپذیر مردم ما .

استرداد استقلال کشور که‌پنجاه وچهار سال قبل بهمت رهبران جلیل‌القدر افغانستان‌وبه نیروی اردو ولشکر های ملی وفداکار ملت افغان صورت‌گرفت باردیگر نمونهٔ کاملی ازهمین مفهوم بود . ماخدمات‌فراموش ناشدنی اعلیحضر ت غازی امان‌الله‌خان واعلیحضرت‌غازی‌محمد نادرشاه شهیدوآن مردان بزرگ‌راکه‌درصف‌اعلای مجادله بابیگانه گـان قرار داشتند و قربانیهای فرزندان‌این سر زمین راکه بارشادت فطری و آزادی خواهی در راه‌آزادی جان سپردند، به نظر تقدیر واحترام نگریسته به‌ارواح تمام شهدای معرکهٔ استقـلال درود فـرا وا ن‌میفرستیم .

هموطنان گرامی خواهران و برادرا ن عزیز!

مامطابق به شرایط وقانون‌تکامل جامعه علماً وعملا بـر حسب پلان وبه یاری خداوندبزرگ وهمکاری مردم خویش قدم بقدم برای اجرای‌تحولات‌بنیادی درحیات اقتصـادی ـ اجتماعی وسیاسی‌جامعه اقدام‌خواهیم کرد .

این وعده ایست که درروزاول اعلا میه جمهوریت برای مردم افغانستان دادۀ شـــدامیدوارم که بیاری خدای‌توانا من ورفقایم تاآخرین رمق‌حیات‌به ایفای این وعده صادق و وفادار خواهیم بود- ولی حتماًاین سوال مهم درافکار عامـۀ مردم ماوافکار عامۀ جهـان به‌وجود خواهد آمدکه ما چـرا منافع خانوادگی وطبقاتی خودرادرراه منافع ملی وطبقـات محروم کشور قربان کرده‌ایم. جواب گویای این سوال‌این استکه ، سیاست غیرعادلانه‌وضدملی رژیم سلطنتی طـی دهۀ اخیر، وعکس العمل های‌مشهو د تمام طبقات مـردم افغانستان خصو صاً منورین‌وطن علیه آن ،و هـمچنـا ن مشاهدۀ تحولات سریعی کـه‌درسیمای منطقه وجهان بـه منفعت آزادی وترقی وبه زیان‌استبداد- ارتجاع و استعمار بوجودآمد به وجدان هیچ فردوطن پرست افغان اجازه‌نمیداد که دربرابر همۀ این فجایـع‌خاموش بنشیند - روی ایـن احسـاس مسئو لیت وطـن‌پرستانه بودکه ما طوریکـه دربیانیهٔ اول خود اعلام‌داشتیم«برای سعادت آینده و طـن، بیرق جمهوریت ودمو کراسی‌واقعی ومعقول راکه اساس‌آن برخدمت به اکثریت مـردم‌افغانستان بـرقرار بـاشد » برافراشتیم . ودر راه تأمین‌حقوق کامل مردم و اعتـراف کامل به اصل حاکمیت ملـی‌گام اول را بـه لطـف خـدا برداشتیم .

هموطنان عزیز آگا هند،آن امیدهای دیرینه وآن‌آرزوهای نیکی که ده سال قبل باحسن‌نیت ابراز شده بود، نه تنها درنظر گرفته نشد ،بلکه رژیم‌سابق برعلیه مصالح و منافع طبقات محروم وضددموکراسی‌واقعی وترقی وپیشرفت‌کشور عملی کـرد، وطـن عـز یـزماافغانستان سر زمین دارای منا بع طبیعی نسبتا فـراوان،خاك حاصل خیز، نفوس بـا استعداد وزحمت کش، کلتوروتمدن کهن، ولی وضع کشور ماوروزگار مردمش علی الرغم‌همۀ این عوامل مساعد . د ر اثرسلطۀ رژیم منسوخ گذشته‌رقت انگیز است .

هموطنان عزیز !

درطی ده سال گذشته سراپای جامعۀ مارا در ساحـات مختلف اقتصادی ، اجتما عی‌وسیاسی ،بحران عمیقی فـرا گرفت که اینك به بررسی‌آن‌مختصراً پرداخته میشود :

در ساحۀاقتصادی:

اقتصاد کشورکه با تطبیق‌دوپلان پنجسالۀ اول ودوم‌رشد نسبی میبافت . بارکود مواجه گردید وبطرف ورشکستگـی کامل سوق داده شد . پـلان‌گذاری اقتصادی تابع امیـال ذهنی اشخاص گردید موثریت‌لازم خودرا در امـر رشـد اقتصادی کشور ازدست داد آهنگ رشد اقتصادی کندتر گردید وتجمع سرمایه بوجود نیامد ازحجم سرمایه‌گذاریهای دولتی برای انکشاف اقتصادی ازیکسال تاسال دیگر کاسته شد. پس انداز ها و سرمایـه گـذاریهـای خصو صی برای ایجاد صنا یع جلب نگردیـد به طور مثال مجموع سرمایـه گذاری هادرپلان پنجساله‌دوم که ٢٦ر٦٠ ملیارد افغانی بود درپلان نام نهاد پنجسالۀسوم به ١٩ر٣٥ ملیارد افغانی‌تقلیل یافت هرگاه تطبیق چندپروژه محدود پیشبینی شده پلان‌دوم راکه آنهم بکمك کشور هـای دوست صورت گرفت استثنا قراردهیم ،اقتصادکشورطی‌دهۀ اخیر، با ملاحظۀ رشد نفوس سالانه ، صعود قیم و تناسب رشد کشورهای مشابه درحال رشد عوض اینکه گا می به‌جلو بردارد، به‌عقب گام گذ ا شته است . درنتیجۀ این وضع در عاید ملی کشور افزایش قابل ملاحظۀ به وجود نیامد وازآن هم قسمت عمدۀ آن همه ساله بعوض اینکه‌سرمایه‌گزاری‌گردد براههای‌غلط وبوالهوسیهاحیف ومیل گردید. سرمایه گذار ی خصوصی درپلان پنجسالۀاول ٩ر٦ فیصد مجموع سرمایـه گزاریها راتشکیل میداد . در حالیکـه درپلان نـام نهـاد پنجسالۀ سوم ،به ٦ر٧ فیصد تقلیل یافت . باوصف اینکـه در اثر تطبیق دوپلان پنجسالۀ اول ودوم اقتصادی زیربنا و تهداب اقتصادی کشور تـا اندازۀ ریخته شده بود . ولی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دم افغانستان

ازآن زمینه های مساعد به هیچگو نه کنترولی بر اسعارخارجی در کشور قایم نشد منفعت تکامل اقتصادی و و نرخهای اسعاری سا بق‌بر اقلا م عمده صادراتی برداشته شد سیاست پولی‌دولت درساحه اسعار خارجی تابع نوسانات ودست بازیهای‌بازار سیاه گردید نه تنها با نمایندگی های خارجی‌و تاجران خارجی طبق قانون معامله نگردید ،بلکه‌برای آنهاهمه امتیازات خلا ف مقررات داده شده وبدین‌وسیله اقتصادکشور را تضعیف وورشکست نمودند. خلاصه اینکه طی ده‌سال اخیر نابسامانیها وبی‌بند و باریهای عام وتام از لحاظاقتصادی درجامعه ما حکمفرما بود واین امر اقتصاد کشوررادرآستانه ورشکست قرار داد و موجب کندی کامل رشدصنعتی و تر قی اقتصادی واجتماعی مملکت گردید .

در ساحهٔ اجتماعی :

سطح زندگی ، فرهنگ‌وصحت دروطن ما متا سفا نه در نازل ترین سطح جهانی‌قرار دارد. طی دهه اخیرسطح زندگی مردم افغا نستان مرتبا‌پائین آمد ومخارج زندگی بالا رفت که بار سنگین و تحمل‌ناپذیر آن هرسال کمرشکن‌تر می‌شد قیمت بطور سر سام‌آوری بالا رفت ولی معا ش مامورین‌پائین‌رتبه ومستخدمین‌دولت اجرت کارگران از حد بخور ونمیر تجاوز نکرد فقروبیکاری در جامعه سیاه روزی وآواره‌گی مردم شدت یافت‌بیماری درمیان مردم بیش از پیش شیوع پیدا کرد معارف‌وفرهنگ ملی‌به انحطاط‌گرائید عدم مصئونیت و عدم تطبیق‌قانون درجامعه حکمفرما گردید مطلق العنانی ، ظلم و ستم‌مستبدین و متنفذین ومامورین عالی رتبه بی‌رحم شدت یافت‌فساد در دستگاه دولت بالا گرفت و به رسوائی کشیددستبرد از بیت‌المال از ثروت ملی مملکت واز کیسه مردم‌رایج گردید اختلاس ،ارتشاء احتکار ، قاچاقبری ، تقلب‌وسود خواری بطورروز افزون شیوع یافت از این رو عرصه‌زندگی که به اکثریت مردم ما محدود بود، تنگ تر گردید .

درساحهٔ سیاسی :

سیا ست داخلی دولت درده سال گذشته برپایه فریب و تقلب سیاسی خدعه و عوام‌فریبی استوار بود. دست زدن به انواع تهد ید و تحریک‌اعمال سیاست زور و ایجاد وحشت و سیا ست تبعیض‌وامتیاز در برابر گرو های مختلف مردم سیا ست تفرقه‌و تفتین میان اقوام افغانستان شرط استقرار و بقای رژیم‌سلطنتی پنداشته میشد .

تحر یك قوای ارتجا عی‌وتشویق آنها به تاخت و تاز علیه وطن پرستان آن هم‌به بهانه و در تحت اسم به اصطلاح «دمو کراسی» درسیا ست داخلی رژیم منسوخ گذشته مقام بلندی داشت .

سیا ست اختناق و فشاربه مردم تحمیل میشد از ظلم و ستمگری وبیعدالتی زورآوران دفاع گردید و داد مظلومان خواسته‌نمیشد.فساددرمیان مردم وبخصوص‌درمیان نسل جوان‌عمداترویج داده‌میشدسیسه وتفرقه های ضد ملی صورت میگرفت از دموکراسی‌فلا بی سوء استفاده های سیاسی بعمل می‌آمد وپارلمان‌بیك ماشین رای دهی وصحه گزاری براعمال ضد ملی رژیم‌وبیك دستگاه‌چپاول وغارتگری ازخزانه بیت‌المال وجیب مردم‌مبدل گردیده‌بود حقوق‌وآزادی های حقیقی مردم روز به روزسلب میشد و عملا پایمال میگردید. قانون جنگل و زورگوئی و خود سری بسرکشور حاکم بود .

مشخصه سیا ست رژیم‌گذشته رادرتحت عنوان‌عمومی سیاست بیطرفی ،سیا ست‌استفاده جوئی‌تشکیل میداد . از قضاوت آزاددر سیاست‌خارجی سخن گفته میشدولی

در عمل قضاوت آزاد مردم‌در هیچ مساله اساسی زمینه تطبیق پیدا نکرد ـ دولت درسیاست خارجی خو یش صادق نبود فریب و تزویرسازش وکرنش از مشخصات این سیاست بود .

نه آه وفریاد مظلو مان و نه زنگ های‌خطریکه ازهرطرف بصدا درآمده بود نتوانست‌آن‌رژیم مغرور را از حال‌بدبخت و فلاکت بار وطنش ملتفت‌سازد دیگر امید اصلاح بکلی قطع گردید و جز سر نگون ساختن چنین رژیمی ر اه دیگری وجود نداشت .

ولی وضع آشفته و فلا کت‌باریکه رژیم گذشته به میراث ماند طالب وظایف سنگین ازجانب ماست .

عقب ماندگیها درهمه شئون‌زندگی اجتماعی ا قتصا د ی فراوان و بزرگ است که‌باید رفع گردد نارسا ئیهای زیادی در شیوه های کاروجود دارد که باید اصلا ح شود وضع اقتصادی کشورسخت برهم ودر هم و بی نظم است مشکلات گوناگونی‌درحیات اجتماعی مردم موجود است ـ دستگاه اداره دو لت‌فوق العاده فاسد وفر تو ت است بی‌عدالتیهای اجتماعی‌درکلیه ساحات زندگی آشکار است فقر و بیکاری بیماری وبی سوادی در جامعه مسلط است تبعیض و نا برا بری‌نتایج نامطلوبی را ببار آورده است وبهمین ترتیب د هها مشکل دیگرکه‌باید حل‌گرددو صدها وظیفه مبرم ملی که‌باید انجام گیرد .

اما باید دید که آیا میتوان‌این‌همه مشکلات را به یك بارگی حل کرد ؟ وآیا میتوان‌تمام وظایف ملی را که در برابرما قرار دارد فوراً انجام‌داد .

تجربه برخی ازکشور های‌دیگر که به رشد اجتما عی اقتصادی خویش آغاز کر ده‌اند موید این‌است که‌شتا ب زدگی ودست‌زدن بهر وسیله‌ممکن و ناممکن برای رفع فوری عقب ماندگی های‌قرون‌و اصلاح فوری تمام امو ر کاریست طفلانه وعملی استبی نتیجه لهذا باید با درایت و متانت با سنجش دقیق و با استفاده از حد اکثر امکانات بغرض اصلاح‌جامعه‌و تامین شرایط برای بهبودی وضع مردم آغاز کرد .

باید قدم بقدم ساحه‌فعالیت‌های عملی رابسط وگستر ش

بقیه در صفحه ۱۰۴

(c) kelkton.com: The Digital Library



مرحوم اعلیحضرت امان‌الله خا نغازی



مرحوم اعلیحضرت غازی محمـد نادرشاه

احسا

ملت نجیب

پیکارهای بزرگ ورستاخیزهای عظ

فریاد (آزادی) ازحنجرهٔ رهبران س

بقلم فیض محمد عاطفی

روحیهٔ آزادیخواهی از مو ا هـب طبیعت است که‌دست قدرت‌آن رادر ضمیر انسان بودیعت گذاشته‌است ملل جهان باتو جه به استعدادفطری وشرایط ذهنی تاریخ ، کلتـــو ر و معتقدات اخلاقی و عوامل اقلیـمی و جغرافیائی خویش بصورت نسبـی ازین مو هبت بر خور دار میباشند. ملت هائی وجود دارند کـــه ارزش آزادی را بصورت اکتسا بی فـــرا میگیرند وتوده هائی نیـز مو جـود میباشند که‌به شکل شعـــور ی و معنوی باین خصیصهٔ والا وقیمتدار تعلق خاطر دارند.

ملت افغان شامل دسته‌از ملل است که‌استقلال خصیصهٔ طبیعی آ نست در اعماق دره هـای سـر سبـز ، کوهپایه های شامخ وقلل جبال،در دل وادیها ودر کنار چشمه هـــای خروشان وجو یبار ها، در هر کنـج وکنار این سر زمین باستانی‌مردمانی بسرمی برند کـه‌در زوایـای رو ح پر شور ورز منده‌آنها شورو غو غای بزرگی از احساس آزا دیخواهی‌موج میزند دست استعمار وقدرت نفـوذ عمال وآبادی ایشان در طول تاریخ کهن ما نخواست که‌این ملت د لیر باچنین روحیه‌سرشارازآزادی‌طلبی فطری ، راه کمال را بپیماید وبـا تعمیم علم و دانش بصورت اکتسابی نیز روح آزادی را صـیقل د هـــد

زمامداران ورهبران عالیقد ر ملت افغا نستان درجریان تاریخ مبارزات ملی این حقیقت را بخوبی درك کرده بودند که آمادگی‌معنوی مردم مابرای حصول آزادی از تمام خصو صیات ذهنی دیگر متمایزتر ودر خشنده‌تر است ونقطه‌اتکاء هر لیدر با کفایت در تاریخ کشور ما مستند به همین اندیشه وانگیزه بوده است وتاریخ شاهد است که نتایج تمام مبارزات مادر پهلوی‌درك‌همین احساس‌آزادی خواهی فطری ملت افغان خوبتـرو عالیتر به ثمر رسیده است وفصـل زرین وبا شکوه‌مجا دلات ومبا رزات دیرینهٔ ما را نیز همیـن حقیـقـت درخشان جلوه گر میسازد .

سه پیکار عظیم‌ملت افغان دربرابر قوای مجهزوعصری مستعمره جویان گواه بزرگ وانکار ناپذیر یست که بنیاد اصلی آن را آمادگی ذهنی‌ملت افغان برای استر داد آزادی تشکیل میدهد.

استر داد استقلال‌کشور که‌پنجاه وچهار سال قبل بهمت رهبـرا ن جلیل القدر افغان وبه نیروی اردوی باشهامت وفدا کاریهای کا فهٔ ملت نجیب ماصورت‌گرفت بار دیگرنمونه کاملی از همین‌مفهوم بود .

مرحوم اعلیحضرت امان الله خان شاه مخلوع ، درشرایطی به‌سلطنت افغانسان رسید که مملکت عملادر زیر نفوذ وسیطره استعمار بسـر میبرد وآن مرد تر قیخـواه چـون بخصوصیت های‌ذاتی وآمادکی ذهنی ملت افغان آگاهی‌داشت تو أم‌باعلام

خپلواکی اوه افغانستان خوان رژیم

سپیڅکال دافغانستان خلك په داسی حال‌کښی دهیواددخپلواکی پنځه‌پنځوسمه کالیزه‌نمانځی چه زمونږ په تاریخ کښی نوی پاڼه اوښتی ده داسی پاڼه چه افغان ولس په تیره بیـا محرومه ډله له‌کلونوراهیسی دهغی درالللو په انتظارکښی وه .

دافغا نستان دملی او ستررهبر ښا غلی محمدداؤد په لارښودنه اودافغان دلهرمانه‌اردو په میرانه، افغانستان دجمهوری نظام په منځ ته راوستلوسره دغه پاڼه په زرینو کرښو سره ښکلی کړه .

داسی نظام چه‌که خدای کول دوطن دصادقو اوسرتیرو خدمتگارانو اوفداکار و اومحرومیت ګالللو خلکو په مرسته به تعمیم ومومی او په خپلوپښوبه ودریږی .

دافغانستان خلك‌په‌تیرو خلوروپنځوسو کلو کښی دسیاسی خپلواکی په سیوری کښی د صنعتی ، زراعتی، اجتماعی اوفرهنگی پرمختك خواته دخپل فقراودخپلی اقتصادی ناتوانی سره سره خپل بشری تکل ونه ځنډاؤ، خو خرنګه چه‌دتیر فاسدنظام پهوروستیولسوګلو کښی ملـی او عا مه ګټی‌همیشه د شخصی ګټو په مقا بل کښی قربانیدلی، زمونږ دخلکو دغه هلی ځلی اوتکل کوم خای ونه ټیواوپرته له دی چه دیوشمیر مفسدو، استفاده غوښتونکو اوز ورګړو عناصرو جیبونه دنامشروعو پانګو په وسیله ډك شی، بیوزلی اونادار، وږی اوناروغ ولس ته یـوه لویشت قدرګټه ونه رسیده بلکه ولس موږ ته ورځ دیوشمیرطماعواو بارسوخو قاچاقبرانو په وسیله دبی وزلی، فقراوبدبختی کندی ته نژدی کیده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

س آزادی در اعماق فطرت
ب افغان نهفته است



مرحوم محمود طرزی

م سردم ما هنگامی به رسیده است که
در گوشها و دلها طنین افگنده است

سلطنت ندای آزادی کشور را از حنجره خویش بلند کرد وبا این پیام جان بخش روح تازه ای درکا لبد مردم دمید سر تاسر مملکت کانون جوش وخروش ومر کز هیجان و احساسات آزادی طلبی گرد ید همان فریاد استر داد آزا د ی بود که دلهارا مملو از شوق‌وشعف وسینه هارا سرشار از وجدومسرت ساخت.

وافغا نستان در سه جبهه پکتیا ، کندهار وننگرهار علیه دولت‌انگلیس دست به جهاد و قیام ملی زد و پشتیبانی تمام طبقات ملت راکمائی نمود.

مبارزات پیگیر وقهر مانانه ار دو وملت ما ادامه یافت ودرجبهه پکتیا که‌رهبر عالیقدر آن ا علیحضر ت شهید محمد نادرشاه (رح) محصل استقلال بودند این حر کات وسیع باقهر مانی هاورشادت های دلیرانه به‌ثمر رسید وقوای‌دشمن با ضربات مداوم ومدبرانه‌آن مرد بزرگ ودیگر همراهان وهمکاران شان مجبور به عقب نشینی گردید استعما ر که پیشروی صفوف‌مبارزین را بادقت ازنظر میگذرانید فر صت رااز دست نداده وبزور شمشیرمجا هدین‌افغان واداربه قبول شکست خو د وباستر داد آزادی افغا نستان‌تسلیم شد.

در پهنای این مبارزات تاریخی‌که با نیروی شمشیر وتدبیر درایت کامل وبا قر بانی فر زندان این سرزمین صورت گر فت ترا وشات فکری وتبلیغات موثر شاعر و نویسنده توانای‌افغان مرحوم محمود طرزی نیزفصل‌درخشانی رادر تاریخ کلتوری ومطبوعات ا فغا نستا ن کشوده بود آثار مهم فر هنگی‌وادبی ومقالات پر شور وحماسی مرحوم طرزی در سراج الا خبا ر وغیره ودر آن شرایط اختنا ی زمینه رشد فکری واحساسات‌طبقه‌با سواد وپیشرو کشور را برای یك مبارزه عمیق وآمادگی‌برای‌استر دادا‌ستقلال خوبتر مساعد سا خته بود.

ماخدمات فراموش ناشد نی آن مردان بزرگ راکه در صف اعلای مجادله بابیگانگان قرار داشتند و قربانیهای فر زندان این مرز وبوم راکه بارشادت فطری وآزادیخوا هی درراه آزادی جان‌سپردند وبالخاصه فدا کاریهای خالصانه ارد وی افغانستان رابه نظر تقدیر وتحسین نگریسته به‌ارواح‌تمام شهدای‌معرکه استقلال تحفه‌های‌تحیات‌درود‌فراوان میفرستیم وامید واریم درپر تو رژیم نوین جمهوریت که‌غایه وآمال‌دیرینه ملت نجیب مابود، تحت قیا دت فرزند نامور افغان نبا غلی‌محمد داؤد رئیس‌دولت‌ومو سس جمهور ی افغانستان بتوانیم درراه سعادت و ترقی کشور و ملت خویش وحفظ آزادی وصیانت‌وطن‌باتلاش و فدا کاری و صداقت مصدر خدمت شویم وگامهای استواربرداریم تااین‌روحیه آزادیخواهی بزیور علم وفضیلت آراسته گردد .

زنده باد آزادی ما
پاینده باد جمهوریت ما
آباد ومترقی باد افغا نستان

(فیض‌محمدعاطفی)

دخپلواکی په‌نیرو خلورو پنځوسو کلونکښی دافغانستان دباشهامت‌ولس دپاره فخر، بدبختی

وه، محرومیت ، مایوسی، بندگی او غلامی وه، خودولس دهیڅ یوفرد دټولوبدبختیو آواز چانه اوریده، غوږونه کانړه ، زبونه له رحم او مهربانی نه تش و اود زړه نظام سترګو دمحروم اوفقیرملت دبدبختی دپاره اوښکی نه درلودی .

دافغانستان خلك دخپلواکی دعلی اووالمی قهرمانانو په سرښندنو سره دانګلیس دزاړه استعمار دجګړوبه مقابل کښی خپله خپلواکی

وساتله‌او خرنګه چه‌دخپل‌پنځه زره‌کلن‌تاریخ په دوروکښی چاته داسارت اوغلامی سر ټیټ نکړ، دانګلیسی استعمارزړی پالیسی‌همدغه

میرنیولس فطری‌حق ونشولمسیولی اوافغانستان خپله خپلواکی ددوی له ستونی خخه راوایست

اودخپلواك ژوند خاوند شو .

اوس چه موږ دجشن دترتیب او تنظیم دجرګه‌گی‌په‌پیشنهاد اودافغانستان‌دجمهوریت په مقصد اودسیما‌او دافتصادی بنی‌دتقویی‌د پاره‌دحکومت په‌منظوری دزیات‌لګښت‌دمخنیوی

په منظوردمبرکال دجشن ورځی د عمومی رخصتیوپه ډول نمانځو ، دنوی نظام دبقا، دافغانستان اعتلا اوترقی اودهیواد دنوی رژیم

تکامل دپاره دعاګوو اوددولت رئیس، خپلو ټولووطنوالو، وروڼو اوخویندو دخپلواکی کالیزه اودجمهوری نظام مبارکی وایو او د

جمهوریت دودی اودوام دپاره دزړه له کومی خپله هیله څرګندو وو .

تل دی دافغانستان خپلواکی او جمهوریت ژوندی دی د جمهوری نظام مؤسس

(c) ketabton.com: The Digital Library



مرحوم سپه سالار غازی شاه محمود خا ن

روح جمهوری

درتن افغان زاردو روح جمهو ری‌دمید

خاك راه‌موکب اردو بدیده تو تیا ست

هرتن پژ مرده زاروح نو ینی‌تازه‌کـــرد

نظم‌جمهوری ما اندر وطـــن آ ب‌بقا ست

از:سهره



خاطرهٔ پایدار قربانیان شهیدای معر که استقلال

تقدیم به

قهرمانان

لحظات بکندی میگذرد ،یکنوا خـــت ، خسته کننده ودیر پا .گوئی زمان از حرکت

ایستاده ونظم آنبر هم خورده است .دقیقه ها ثانیه ها مرده اند ،سکوت وسکـــو ن شبانگاهی با تاریکی وظلمت یکجا شده و

این آرامش کذابی از یك شب عمیق‌وحادثه آفرینی خبر میدهد .رفقای ما این رادمردان مبارز،این همسنگران جسور وبا تنها مت

که هدف پاك ومقدس دارند وجز ترقـــی وتعالی افغا نستان عزیز آرزوی دیگـر ی ندارند ،دور هم جمع شده اند .سیمـا ی نجیب ،چهره های مردانه وچشمان نافـــذ شان نمایا نگر تصمیم و ارادهٔ قا طع شان

است .ترس واضطراب وجود ندارد . هر کدام از جان مایه گذاشته وبرای پیروز ی وبهروزی حاضر به قربانی وایثار هستند. باهم در موردشروع ،ترتیب وتاکیك وظیفه ایکه دارند حرف میزنند ،رفقا فوق العاد ه

حساس ونکته گیر هستند .روی نقشه هاخم میشوند .محا سبه میکنند دقیق میشو نـد جوانب واطراف هر موضوع را می سنجند و ازین بر داشت ها ارقام واعـداد درست و حسابی بر میدارند بخوبی میدانند که برای

عقب نشینی پلی در پشت سر خود ندارند زیرا این حرکت مترقی‌است که باید پیروز شود. لحظه بی ازحرکت دگر گون گشتـهٔ

تاریخ است .آغازی است ،جنبشی اسـت زمزمهٔ خفته است ،برق نوری است که خبر از رعد میدهد که دنیا را میلر زانـــد و پیشقر اول برقی است که چشمها را خیره میسازد

در رویای خوش وسکر آوری فرو میرونـد به رفقای مبارز ما.به این رادمردان تاریخ

می اندیشم که نه از چوبهٔ دار بآن نما ی بشکل ووحشتنا کش ،نه از ساطور تیـز

جلاد نه از حبس ،نه‌از تبعید ،نمی هراسند آنها زندگی را برای مردم ،قوم واجتمـا ع خویش میخواهند .وهدفی جز ریشه کـن

کردن جبروستم ذفر وفلاکت ،تـــر قـــی و تعالی خلقهای رنجیده و مظلـــلـــو م ندارند .ابر های سیاه وغلیظـــی آسمان را پوشانیده وظلمت را دو چندان کرده بـه عملیات ما کمك می کند دوست قهرمانم که سر مست از بادهٔ پیروزی بودبا احسا سات گرمش چنین می گوید :

رفیقم آهسته تکانم میدهد وبخود میایم. صدای رسا ومصممش را میشنوم که‌میگوید: شروع عملیات نزدیك است آماده شوید به ساعتم مینگرم ،ده دقیقه فرصت زیـاد ی است بسرعت نظر به وظایف تقسیم شده

خود وعساکر دلیر با شهامت وتجیب خودرا تجهیز میکنیم،اوامرداده شده‌است‌ساعت‌س، شروع میشود .هر کدام ما ،هر عسکر مـا همچو کوهی استوار ومتین گام بر میداریم کوچکترین تردیدی ،ذره‌ئی اضطرابی،اندکی

تشویشی که از آن بوی ، جبن ،ترس وبیم استشمام شود در ایشان نمی بینیم ...تانك ها به غرش در میایند صدای سهمناك شان

در دل شب طنین می افگند وپیروزی را ،– سعادت را نوید میدهد ... هر کدام باخشم طوفانی ومهیبیکه از دیر باز دروجود شان لانه کرده است ،و به شکل عقدهٔ بزر گی تبارز نموده بود ،بوظایف خویش شروع‌می نمایند .لحظات بسر عت میگذرند ،همه‌چیز طبق پلان با نظم وترتیب خاصی پیش‌میرود رفقا وظایف خویش را به نیکوئی انجام‌می دهند ،همه از جان مایه گذاشته انـد از صدای ماشینند ارو مقاو متهای مذبوحانه آن ها، تهیه‌راسند سینه را سپر میکنند .. و بالاخره کامیاب می گردند .

دیگر آن طلسم شکسته شده اسـت . دیگر آن جادو افسون ندارد .تاریخ ور ق خورده است ،ما پیروز شده ایم ،صبح دل انگیز وروپایی نزدیك میشود وشب را ، سیاهی را وسکوت را با خود به یکبار گی

محو کرده جانآن را نور روشنی وروشنائی فرا میگیرد ،زمان نکوین میباید ورهبـــر قهرمان ودوران سازها ،آن فرزند مبارز و عصنگر اصیل ما که دوش بدوش درپیکار

علیه خصم ودشمنان آزادی با ما سهیم بود اینك با داش هر فرد نجیب این کشور را با بهترین کلمات وعمیق ترین جملا ت‌بنعو شایسته ای ،با شهامت خاصی ادا مـــی نمایند :

جمهو ریت بر ایتان مبار ك!

* * *

چگونه میتوانم ،با کدام احسا سوقلمی از این «آورد» واز آن «بر گشت «سخـن بگویم .هر لحظه اش دنیای خاصی بود وچه خوب شد که بخیر گذشت .

اکنون همه چیز دلخواه و دلنشین است اکنون خورشید ،آسمان وطبیعت ازآن ماست نورو روشنائی درخشش دیگری‌دارد ،اکنون زمین بارور، دریای پرخروش ،افق‌دلپذیرما، برای ساختن‌وبوجود آوردن‌دنیای نوین‌باماواز ما، است .خلق های رنجدیده وستم کش صمیمانه باعشق وعلاقهٔ یك نفر افغان برای ساختن وپردا ختن دنیا ئیکه در آن کینه‌ها طرد میشود ونو بودن،نو آوری مطرح است از دل وجان کار خواهند کرد .

قهرما نان !درود بر شما ،وبر روح عا لی وهمت بزرگ تان

قهر مانان !سلام بر شما که فرزندا ن مبارز ،صالح وواقعی این کشور هستیـد سلام بر شما که همچون شیرنی هراس،هم

چون عقاب تیز چنگ وهمچون شاهین بلند

پرواز وپر غرورید .سلام بر شما که‌باظلم وستم ملی مبارزه کردید،گلوی اهر یمنان ودشمنان خاك وازادی رادر بدید وبا پاشنه

های آهنین خویش آنرا لگد مال نمود یـد سلام بر شما بر شمادر هرکجا که هستید، بر شما که اکنون در برابر اجتماع وطن و قوم خویش سر فراز وسر بلند ید .

قهرمانان! این تغییر ،این جنبش،این تکامل بزرگ ،مهم وزیبائی است که تا اکنو ن نظیر آن به این خوبی ،به این شایستگی چنین دلیرانه وشرا فتمندا نه به هیچکس‌و

به هیچ مردی داده نشده است .ما سوگند میخوریم که این امانت بزرگ را تا آخرین

قطرهٔ خون خویش نگاه‌کنیم وشعار ماهمیشه چنین باشد :

جاوید باد جمهور یت

(c) ketabton.com: The Digital Library



روزنه اوداخلاقو اصلاح اساسی لار

ونه ووت چه معتقشو. په‌دی معنی سره په خطاانخته کیدل نورخلاص شول چه‌هغه دخدای له فرمان خخه سرغړول اوددە له خوادسزااو جزاسیب وشمیرل شی. په‌حقیقت‌کی یی داسی عقیده وکړه چه مکافات اومجازات وجودنه لری اوخوشی یی خان ته داسی خندونه اوزولنی پیداکړی دی هغه خه چه ورته پاتی شول داژ چه یوازی انسان دی چه دخطا اوتقصیراحساس یی کړی اویخپل قضاوت سره یی سوچ وکړ چه ښایی زیات نوردخطامرتکب ونه ګرځی .

ددی ډول ژوند اودهغه ژوند ترمنځ چه په آسمانی حکیمانه ډ ارشاداتو بنادی، ډیرعمیق اودقیق توپیرموجوددی ، یعنی دهغه حیات سره ډیرفرق لری چه په هغه‌کی انسان زیار باسی خوپه هرخای کی‌که خه‌هم خپله یې نه وینی ، دپاك خدای داوامروتابع و اوسی اودمخالفت لاره طی نه کړی .

په دی ژوند کی تل یوباطنی اویتپولیسی دانسان په اخلاقواوکړووړو حتی دده په هغو اندیښنو چه‌په‌مغزو اوزړه‌کی یې‌درنیږی . پیړه‌کوی اوشیه اوورځ په تیاره اوړا اویه اجتماع اوانفراد خلاصه په هغوحساسیو خایّونو کی چه دده په حرم هیڅوك نه شی خبریدلای، تړیوه قطعی اودقیق کنترول اومخصوصی کنتی اومراقبت لاندی دی . کله چه انسان دزړه له کومی اوپه واقعی توګه له دی مفکوری اوعقیدی خخه مستفید شی اوتل خپل خان دیوه باطنی پولیس ترمراقبت لاندی په قطعی صورت احساس کړی ، نوبیا هیڅکله خپله پښه چپه نه‌ږدی اودهوس اوشهوتونوزړه قیزه نه‌پریږدی

دغه بحث چه اوس دهغه په مطالعه پیل‌کوو دهلکانو ددینی روزنی موضوع ده . زیارایستل کیږی چه په دغه بحث کی بی له تعصب خخه دامسئله ترخیړنی اوغور لاندی ونیسم چه‌آیا ددین اصول ټول دبشر مخصوصا دخوانانو اونوی نسل دپاره لازم دی‌که نه . که ددینی اصولولزوم فرض کړی شی نودماشومانو ددینی روزنی دپاره کومه لاره ښایی چه غوره او انتخاب شی، خودپرژراوپه ښه توګه خپل مقصد او هیلی نه‌ورسیږو اوداعرابی پەشان دمقصود کعبی ته درسیدلوپه منظوردترکستان په دښتوکی سرګردانه اوستړی ستومانه نه شو. آیاپه دی باره‌کی دمور اوپلار او نورو روزونکو اودروزنی دمؤثرودستګاو وظیفه خه‌ده اوخه ښایی چه دوی یی وکړی خوددوی زیار اوکوښښ شندونه شی اوګټوره نتیجه لاس ته راوړی .

یوله مغومعماګانو خخه چه پښرتل دهغو دحل په هکه کی دژوندانه معماده ، ددغی معما حل‌کول دانسان په‌تك لاره او دده‌دسر توښت.په‌ټاکلوکی په‌زړه پوری تاثیرکوی. ددغی معماخواب یاانسان خالص مادی پایی یه خدای باندی معتقد او مؤمن ګڼر شوی

غربیانو دژوندانه معماته خواب ورکړ چه به نتیجه‌کی یی دخدایی افکارو ټولټول شو دغرب مادی پوهانو دژوندانه بیدایښت یو تصادفی کارو باله اوهیڅ یوه دشعور خاوند علت ته یی دحیات په شروع اوادامه کی‌کوم دخالت ورنه‌کړ. دغربیانو دپاره داډول تفکر یوداسی بنسټ ډچه دهغه په اساس هرشی دبدلون موردوګرځیدل‌کنای اوناوړتوب‌نسبی‌امر اود اجتماعی دودتابع اوپه‌پای‌کی له‌موهومواو افسانوی شیانو خخه وبلل شوه .

په‌زړګونوزړګونو‌کلونه تیرشوچه بشردخدایی عقیدی تروړانګو اوبیړغ لاندی شپی ورځی تیرولی په خدای اومابعد الطبیعت باندی اعتقاد کول دبشرپه زړه اوروح کی تلوډکړی ډ په آخرکی‌یی دارنګه اعتقاددیوی تاریخی اوپخوانی مسئلی په شان ترنظرلاندی ونیو اولکه یوخام اوبی تجربی خوان دژوندانه نوی صحنی ته وردخل شو. اوقصدیی وکړچه نوربه پلاربايد انګاونه لری اودژوندانه دلاری دطی کولودپاره ښایی په خوښدلو بیل وکړی اویخپل قدرت باور اواعتماد ولری .

ده لایه صواب اوخطااعتقاد لاره اوپوهیده چه‌هغه وخت په‌خطا اخته‌کیږی مکرډیر وخت اود نوړو په‌حقوقو او حیثیت باندی تجاوز ونه کوی

مګراوس په دغه ماشینی ژوند کی داتیر شوی کنترول اومراقبت وجودنه‌لری او انسان آزاد دی‌کولی شی خپ یی چه زړه وغواړی هغه بی له دی چه باطنی کنترول اوایمانی مسئولیت احساس‌کړی په خوراوسره پای ته ورسوی، یوازی ددولتی‌قوانینوپوخفیف سپوری ورباندی شته چه هغه هم‌کولی شی په یوه چل سره خان تری خلاص کړی یاخودشخصی اواجتماعی وجدان له خوایوخه ضعیف کنترول حس کوی هغه هم په هرخای کی تل اودهرچا سره وجود نه لری . لیکن دغه هم ددینی عقایدو دآلارو لرخه نتیجه ده چه ورته پاتی شوی ده‌که نه وجدان به نوخه وی اوهغه ته به خجالت خه نتیجه ولری اودهغه کنترول به په خه ډول تمثیل‌کړی شی .

پخوانیو خلکو له خرافاتو اوخیالی عقایدو خخه مخ وګرځاوه اودمریحیت په‌آسمانی دین‌یی منګولی ولګولی اومسیحی شول، مګراوسنیو اروپاییانو دتجددپه‌جامه‌کی خپل‌موروثی اخلاق د «اجتماعی ارتیاؤ» په نامه ومنل اوعملی‌کوی یی . په حقیقت‌کی د (خدای) کلمی خپل خای - دهاجتماع» کلمی ته ورپریښود اوهغه خه چه پرون له «پاك خدای» سره دمخالفت په نامه ناوړه شمیرل کیدل، اوس له «اجتماع» سره دمخالفت په نامه ناوړه بریښی، مګرددغودواړو مفکورو اساسی‌فرق‌دادی: کله‌چه دتلنی‌تمدن مفکوره‌یوازی په‌موجوده ژوند بناشوی اوپرته دډنیاله‌خوورخنی وجدانی‌او اجتماعی‌مسؤلیت‌او موقتی سزا خخه دیلی‌کومی ابدی‌سزا لسوی اوسخت مسئولیت اودایمی ژوند چه‌سعادت اوشقاوت ذلت،وعزت‌آرامی‌او ناآرامی‌یی‌ددی‌دنیا په‌اخلاقی‌رفتارپوری‌مربوط وی‌انتظاراوعقیده‌نه‌ده

یکی‌مثل‌شوی‌په‌دی‌مفکوره کی‌داخلاقواوقوالینو دعملی کولو دپاره دومره قوی اومؤثر عامل نشته کو م چه په مذهبی عقیده‌کی موجوددی خکه مذهبی مفکوره خپل اصلی هدف اوحقیقی غایه داخلاقو پیروی بولی اوهرډول سعادت او رفاهیت په اخلاقی رفتارپوری مربوط ګڼی اوهغه مکافات اومجازاته چه ابدی آرامی او ناآرامی ورپوری تړلی ده اوددی وړدی چه انسان شپه اوورځ دهغه دلاس ته راوستلو دپاره زیاروباسی اوهغه پرته له دی جهان‌خخه په‌بل جهان‌کی صورت مومی اوپه هغه وخت‌کی خپل‌عمل دلاری‌مل‌دی اوبی له‌پاکی اوسپیڅلی عقیدی قانونی اومذهبی رفتار خخه بل هیڅ شی دنجات وسیله نه شی کیدای اوداوسیله یوازی اویوازی ددی دنیاپه مذهبی رفتارپوری اړه لری، نوباید اوس له انصاف اووواقع بینی خخه کاروانستل شی چه له دی دواړومفکورو خخه کومه یوه دبشری نظام سولی اوامنیت اودبشر دهرډول سعادت‌او آرامی دپاره لوی عامل اوښه وسیله ده ، په ځغړده سره ویلی شوچه دانصاف خاوندان هیڅ وخت دآسمانی قوالینو له بی نظیره امتیازاتو خخه ستر ګی

بقیه‌در صفحه۹۸

ژوندون شخصیت های بزرګ اسلامی رامعرفی میکند

نویسنده قاری عبدالرحیم عینی

حضرت‌عمر (رض)

نام اصلی این شخصیت اسلامی‌عمر بوده پدر شان خطاب بن نفیل میباشد ۱۳ سال بعد از عام الفیل تولد گردیده اند که در سال ۵۸۱ م مطابقت میکند .

قبل از اسلام به تجارت اشتغال داشته جهت حل وفصل منازعات مردم قریش رول‌مهم داشت. وقتیکه حضرت پیغمبراسلام به رسالت مبعوث شدند از جمله معاندین سر سخت محسوب میشد ولی عهد خلافت ایشان در تاریخ ،دور قدرخشان دوره فتح ونصرت ودوره عظمت اسلام محسوب میشود چنانچه فتوحات اسلامی در اینوقت تا سر زمین های فارس وروم پیشرفت نمود عدالت وبرابر ی‌درتمام‌قلمرو شان‌حکمروائی داشت .

در مورد تشرف شان به اسلام ابن عباس «رض» چنین روایت میکند که: به پیغمبر اسلام ۳۹ مردویکزن بیعت کردند وبامسلمان شدن حضرت عمر «رض» تعدادشان به.٤٠نفر بالغ گردید .

حضرت عمر «رض» علت اسلام آوردنش‌را چنین حکایت میکند :

«من از زمرهٔ معاندین سر سخت حضرت پیغمبر «ص» بودم .در یکی از روز های گرم که بمقصداذیت حضرت محمد ویارانش از خانه برآمد مدر اثنای‌راه مردی از قبیله قریش مرا دید وگفت :

در حالیکه دین بخانه ات در آمده و خواهرات «فاطمه «به اسلام رو آورده است بی این کار میروی ؟از شنیدن این سخن آتش خشمم مشتعل شد.بخانه خواهرم‌آمده ودروازه خانه اش را کوبیدم .

پرسید شد که‌کیستی ؟گفتم :ابن‌خطاب درین اثنا خواهرم با دو نفر صحیفهٔ ای در دست داشتند وآنرامیخوا ندند ازشنیدن نام وآواز من هر کدام بطرفی پنهان شدند وصحیفهٔ خود را فراموش کردند ،خو هرام ایستاد ودروازه را بروییم باز کرد برایش گفتم:ای‌دشمن جانت! شنیدم که تو به دین محمد گرائیدی دستم را بالاکردم وبامشتی اورا کوبیدم خون ازسرش جاری شده . خواهرم بگریه آغاز کرد وبمن گفت: ای‌ابن خطاب آنچه میخواهی بکن من به اسلام گرویدم ودین محمد را قبول‌کردم در حالیکه آتش غضبم زیاد تر میشد وارد خانه شدم‌و بالای تختی نشستم درین اثنا نظرم به پارچهٔ از نوشته رسید که به گوشهٔ ازخانه گذاشته‌شده‌بود، گفتم‌این‌نوشته چیست ؟حضرت عمر در آنوقت‌از جملهٔ باسوادان بوده وآنرا بمن بده‌گفت :نمیدهم چون تواهل‌آن نیستی زیرا تو پاك نیستی واین کتاب را جز پاکان احدی گرفته نمیتواند .حضرت عمر رض میگوید :هر قدر اصرار کردم بمن نداد تا اینکه غسل کردم وخود راپاك نمودم وقتیکه آن نوشته را گرفتم دیدم نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحیم .هنگامیکه باین نام‌وصفات مقدس فکر کردم لرزش براندامم طاری شد صحیفه از دستم به زمین افتادبار دیگر گرفتم دیدم که آیهٔ کریمه .سبح الله مافی‌السموات والارض وهوا العزیز الحکیم نوشته بود وهر وقتیکه به اسما میا رك میدیدم بی‌خودمیشدم‌وقتیکه‌چندآیهٔ مابعدآنرا

بقیه در صفحه۹۸

(c) Ketabton.com: The Digital Library

روزهای داغ درشرق میانه

محمد بشیر رفیق

درین روزها بازبحران شرق میانه توجه محافل خبری وسیاسی جهانرا بخود جلب‌کرده است .

درهفته گذشته اسرائیل باربودن یك طیاره ملکی لبنانی که درکرایه شرکت هوا پیمایی عراق‌بود، یکباردیگر چهرهزشت خودرانشان داد. این طیاره ربایی‌که درتاریخ ربودن طیاره هایی سابقه است، مسافرت هوایی رادرشرق میانه‌مخصوصاً کشورهایی که‌درچوااسرائیل قرار دارند، باخطرجدی مواجه ساخت . تاکنون طیاره هایی‌که ربوده شده عموما روی مقاصد خاصی ازطرف یکعده اشخاص صورت گرفته است . ولی اسرائیل به سویه دولتی به‌این کار آغاز کرد وجالب این است‌که موشی دایان وزیردفاع اسرائیل این عمل خودرا با منطق خاصی که‌دارد، چنان توجیه‌کردکه گویامیخواست جارج حبش رئیس جبهه‌خلق فلسطینی‌راکه قرار بود درین طیاره سفرکند بربابد ؟

شورای امنیت مؤسسه ملل متحد، برای اولین باربدون اینکه ویتوی امریکا بکار رود اسرائیل رابخاطراین عمل شوم آن به شدت تقبیح‌کرد ، وبعلاوه پنج عضودایمی این شوری که درواقع بزرگترین قدرت جهان راتشکیل میدهند، نیزبصورت‌انفرادی عمل‌زشت اسرائیل رادرطیاره ربایی به سویه دولتی تقبیح کرد .

این عمل اسرائیل درواقع یکباردیگر محافل دیپلوماتیك جهانرا متوجه بحران شرق میانه ساخت .

بااینکه انورالسادات رئیس جمهوری مصر تلاش زیادی برای یافتن یك راه صلح عادلانه درشرقمیانه بعمل آورده است، ولی هنوزاین بحران دروضع نه جنگ ونه صلح دوام دارد.

درحالیکه ماموریت گونارجارنیگ سفیر اکبیر سویدن درمسکو ومیانجی ملل متحد درشرق میانه به‌بن بست مواجه شده‌ودراثر لجاجت اسرائیل راهی برای مذاکرات صلح سراغ نگردید. قراراست کورت والدهایم سرمنشی ملل متحد درچند روزآینده ازکشور های شرق میانه دیدن کند وزمینه رابرای ادامه ماموریت یارینگ آماده سازد .

کورت والدهایم در وقتی تصمیم گرفته‌است ازشرقمیانه دیدن کند ومذاکراتی بااولیای امور عرب واسرائیل انجام بدهدکه هیچ راهی برای صلح درین منطقه وجود ندارد. جزاینکه کشور های‌بزرگ اسرائیل راوادار سازند.تاطریقی رابرگزینند که درآن روزنه صلح نمایان باشد.

درینجای شك نیست که دوابرقدرت امروزی جهان یعنی اتحاد شوروی وایالات متحده‌امریکا هردوطالب صلح درین منطقه‌هستند. امانظریات شان درمورد صلح تمایز فراوان دارد .

درحالیکه اتحاد شوروی مایل است تمام مسایل شرقمیانه به شمول مساله فلسطین و احقاق حقوق مردم آواره آنکه هسته اساسی این بحران راتشکیل داده است حل گردد . ایالات متحده تاحد زیاد ازنظریات اسرائیل پیروی میکند. ولی هردوکشوردراعمال وتطبیق فیصله نامه مورخ ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ـ شورای امنیت موافقت دارند ومیخواهند بر اساس و مبنای این فیصله‌نامه‌راهی برای حل این‌بحران پیداشود .

ناظران سیاسی عقیده دارندکه کورت والد ماایم‌دراثر تماس‌های‌دایمی‌بادو قدرت‌بزرگ جهان به این سفردست می زند. زیرا بعداز بحران هندوچین که تاحدی زیاد روبه پایان میرود بحران شرقمیانه درواقع یگانه بحران بزرگ جهانی امروز است که هرروز احتمال یك جنگ بزرگ درآنجامی‌رود .طبعاً درچنین جنگی کشور های بزرگ جهان بی علاقه مانده نمی توانند. عرب هاعجالتاً یگانه وسیله که دردست دارند ومی توانند از آن راه بردول غربی مخصوصا ایالات متحده امریکا فشاروارد آورند تاسیاست نرم‌تری‌راند بحران‌شرقمیانه درپیش بگیرد نفت است. اگرچه یك روزنامه سوسیالیست فرانسه نوشته است که‌انگلستان وایالات متحده امریکا مساله نفت واستفاده سیاسی ازآن رااخیرا مورد بررسی قراد داده وپلانی طرح کرده اندکه اکثرکشورهای عربی امریکاودول غرب راازراه نفت تهدید کنند . میدان های هوایی ومناطق ستراتیژی آن‌کشور هارابوسیله قوای نظامی اشغال کنند. امااین پلان درجهان امروز بیشتر جنبه تخیل خواهد داشت . اگرمسافرت کورت والد هایم، مانند ماموریت یارینگ‌درشرقمیانه‌ناکام‌گرددیگر روزنه امیدی برای استقرار صلح درین منطقه ازطریق دیپلوماسی باقی نمی ماند وآنگاه عرب هاناگزیر خواهند بود وسایل دیگربه شمول نفت رادرحل این بحران مورد بررسی قرار بدهند .

زیرابقول اکثرناظران قرارداد نظامی ایکه بین مصرو عربستان سعودی امضاء گردیده کشور اخیرالذکر رابیش ازبیش درین بحران گمانیده است وعلی‌الرغم نفوذ امریکا مردم سعودی مایل اندرپیکار عرب هادر مقابل صهیونیزم سهم بیشتر بگیرند .

ازطرف دیگراردن درنظردارد پلان نافرجامی راکه به منظوروروی کار آوردن یك کشورمتحد عربی‌به شمول ساحل عربی اردن طرح کرده بود، دیگردنبال نکند. نابتواند روابط عادی سیاسی بامصر وسوریه که درسال های ۱۹۷۱ و۱۹۷۲ هردوکشور بااردن قطع رابطه کرده بودند برقرار سازد .

این اقدام دروحدت عربهاتاثیر زیاد وارد خواهد کرد وپیکار شان رابااسرائیل قوت وقدرت بیشتر خواهد بخشید .

درهرصورت باآنچه گفته آمد عجالتا درحالیکه شرقمیانه روزهای داغی راسپری میکند یگانه امیدبة سفرکورت والدهایم است تادیده شود که آیااسرائیل نرمش نشان میدهد ویا به لجاجت گذشته خود ادامه دادن میخواهد .

اگراین سفربه یك نتیجه نسبی هم برسد، امیدحل این بحران ازطریق صلح قوت خواهد گرفت درغیرآن عرب هاچنانکه خودمیگویند جز جنگ راه دیگری نخواهند داشت .

روز ملی اندونیزیا



دیروز ۱۷ـاگست مصادف بود باروز ملی اندونیزیا درست درهمین روزبودکه کشور اندونیزیا بعدازجنگ عمومی دوم درسال ۱۹۴۵ آزادی خودرابدست آورد وبه استعمار طولانی هالند درآن سرزمین خاتمه داد .

اندونیزیا بعداز حصول استقلال با طرح پروگرامهای الکشافی ودنبال نمودن یك سیاست مستقل وآزاد مجاهدت کافی بعمل‌آورد تابرمشکلاتیکه زاده استعمار بود پیروز گردد ومعضلات گوناگون اقتصادی اجتماعی وفرهنگی راازمیان بردارد .

کشور اندونیزیا که درحدود ۷۲۵۳۴۰ میل مربع مساحت دارد، متشکل از ۱۳۶۶۰ جزیره میباشد .

اندونیزیا بادا‌شتن ۱۲۰ ملیون سکنه از لحاظ نفوس ازبزرگترین کشور های اسلامی میباشد وازلحاظ کثرت جمعیت درجهان به درجه پنجم قرار دارد .

علایق وارتباطات دوستی بین افغانستان و اندونیزیا ازدیر زمان باینطرف موجود است .

درسال ۱۹۵۵ که اولین اجتماع کشورهای آسیایی وافریقایی درباند ونگ انعقاد یافت افغانستان ازچهره های ممتاز درآن اجتماع بشمارمیرفت ودولت اندونیزیا میزبان نخستین اجتماع کشور های آسیایی وافریقایی بود.

کنفرانس باندونگ وجوه مشترك کشورهای آسیایی وافریقایی راروشن تر ساخت زیرا اکثراین کشورهاشامل لست ممالك در حال رشد میباشند . وبه نحوی ازانحاء دوره از استعمار رابشت سر گذاشته اند .

اجتماع باندونگ این حقیقت را آشکار تر ساخت‌که مشکلات‌کشورهای آسیایی وافریقایی تقریباباهم مشابه است واین کشور هامیتوانند بانزدیکی وهمبستگی بیشتر با دشمنان مشترك خویش که عبارت ازعقب ماندگی اقتصادی انحطاط فرهنگی بیروکراسی وامثالهم میباشد مبارزات آگاهانه ، جدی وپیگیر بنمایند واز تجارب همدیگر درین راه استفاده کنند .

اکنون که ملت اندونیزیا روزجصول‌استقلال خودرا تجلیل مینماید ماخودرا درین خوشی بارادران اندو نیزیا بی خود سهیم‌میدانیم.

وآرزو داریم تامناسبات دوستی وعلایق برادرانه بین دوکشور توسعه مزید یابد .

وهمچنان توقع مینماییم تاکشور اندونیزیا درمساعی خود برای ساختمان یك جامعه مترقی به پیشرفتهای قابل تذکری نایل آید .

پرسش مسائل

بوسه به پیغام

چرادفعتاً برك میز نند

غرضم اینست‌که در بسیاری موارد برك زدن آنی موتر فاجعه بار می آورد و اینك من چشمدید خودرا مختصراً شرح میدهم. البته فاجعه ایکه درموتر سرویس‌لین‌ولایت... رخداد کدام تصادم ترافیکی نبود ، دریور برك زد بخاطر اینکه گوسفندی رازیر عراده نکند ولی راکبین موتر بشدت تکان‌خوردند واز جمله یکی از راکبین موتر که‌نصوار انداخته بود به اثر این تکان محتویات دهان خودرا قورت داد ... لطفاً به دریوران بگوئید تااینطور ناگهانی برك نزنند وباعث قورت شدن نصوار دهن‌کسی نشوند .

غلام‌فاروق احمد ی

* * *

به خواستگار ها بگوئید

پدری هستم متوسط الحال که درمشکل عجیبی گیر آمده ام .دختر کوچکترم اندکی زیباتر بود و خواستگاری آمد و تقاضای از دواج کرد ، من‌هم قبول کردم و دختر کوچکم راکه هژده ساله بود بخانه شوهر فرستادم حال دختر بیست ساله ام کوزه را به‌کاسه میزند و کاسه رابه چمچه و چنان رادیو درامی در خانه برپا کرده‌که چه‌عرض کنم ، لطفاً به تمام خواستگاران عزیزگوشزد نمائید که‌اگر بخواستگاری دختری میروند خوب دقت کنندکه آن دختر دختر بزرگتر باشد نه دختر دوم وگرنه دختر بزرگتر روز کار پدر ومادر را از حسا دت خراب می‌کند .

غ،ص، ازسید نورمحمد شاه‌مینه

* * *

چالاکی‌دست‌را یاد گرفته اند ؟

این مطلب‌را بنویسید تا مرجعی که وظیفه کنترول چنین اشخاصی را بعهده دارندملتفت باشند . موضوع ازینقرار است که خربوزه فروشان فن چالاکی دست را یاد گرفته‌اند. ازیك خربوزه چشك میدهند و خربوزه دیگری را «تول» میکنند . چنانچه خودم بازی‌خوردم وقتی بمن چشك داد ، دیدم خربوزه اش‌قند واری شیرین است ، خوش شدم و گفتم «تول‌کو» وقتی‌که خربوزه را بخانه بردم «کدو سرش شرف داشت » باورکنید بالای قاش های خر بوزه بوره پاش دادم و خوردیم، چون پول رفته بود ناچار خوردیم دگه .... پسانتر چرت زدم تاعلت این مساله را پیدا کنم ، موضوع از دوحال خارج نیست یا اینکه خربوزه فروش چالاکی دست راباد داشت و شور خوردنی خربوزه چشك دادگی رابایك خربوزه کدو مانند تبدیل کرده‌بود ویااینکه علاوه از چشم بندی ذایقه بندی‌هم وجود دارد وخربوزه فروش زبانم را منتر کرده وبه اینطریق خربوزهٔ ناشرین بنظر زبانم شیرین آمده ... من‌راز این‌مطلب را نفهمیدم ، اگر شناور بفهمد؟!؟!

غلام دستگیر،ص

(c) ketabton.com: The Digital Library

بخوانیدو باور کنید

مارکبری، مسافری نابینا!

کانوپانتاوی ، خانم ۶۳ساله تایلندی به بنکاك آمد تاخواهر خویش فینا، راکه چندسال پیش درپایتخت تایلند ازدواج کرده بود ، ملاقات کند. خانم پانتاوی درایستگاه هووالا معونك پیاده شد وبیك تاکسی کهنه سوار گردید تابه قسمت کهنه شهر بنکاك برود .

تاکسی کهنه ازمیان خیابانهای مزدحم وپر مانع ناحیه چینایی نشین عبور کرد ومهمان از سبت عقبی زندگی وجنب وجوش شهر بزرگ راتماشامیکرد وقتی موتر بعلت چراغ سرخ ترافیکی توقف‌کرد ، خانم کاوو احساس نمود چیزی به پشتش خلید، به تصور کدام نقص تخنیکی موترچندان به آن توجه نکرد گوجه چهار تاپنج مرتبه آن شی به تخته پشتش خلید، مگرنخواست آرامشش اخلال شود او تمام این‌مسایل رامتوجه وضع خراب تاکسی تلقی نمود .

خانم‌زمانی متوجه این‌ناراحتی بصورت جدی شدکه درزیربیلك شانه ابتداء متوجه یکنوع خارش وقنقنك شدوسپس احساس نمود شئی نرمی به پشتش چسپیده است وقتی خانم به پائین نظرانداخت به سرحد مرگ وحشت کرد مارکبچهٔ رادیدکه ازمیان پشتی سیت موتر بیرون می خزید ، خانم‌کاوو درحالیکه کلام دردهانش خشك شده بود میدید که چگونه مارکبچه ازبازوهاوشانه‌اش بالارفته ودرگردنش حلقه زد، سپس ماراورا رهاکرده مجددا میان پشتی سیت موتر ناپدید شد .

خانم کاووبیك جهت خودش رابه گوشه موترورسانده دروازه راباز‌کرد وفریاد زنان‌به روی سرك پرید، نامی پرومارانندهٔ ۲۵ ساله تاکسی متوجه جریانی که‌دربشت‌سرش رخداده‌بود شده حدس زدکه شاید راکب پول نداشته به این بهانه خواسته است خودش راازپرداخت کرایه گوشه کند، او سر بدنبال آن خانم گذاشت‌اما ازفریاد وصداهای‌آن زن‌اینقدرفهمید که شبی ایرا درموترگذاشته است . راننده با احتیاط پشتی سیت موتررافات کرده دچارترس ووحشتی زیادشد، دیدکه یك مارکبچه در خالیگاه پشتی کلچه زده وزبانك می زند فورا پشتی راسرجایش قرار داده بسرعت خود را به اولین پاسگاه پولیس رسانید ازآنجا بیك نفرازمارگیران انستیتوت‌پاستور تیلفونی جریان موضوع رادرمیان گذاشت .



پانتاوی بوسیله یك تکسی کهنه بشهر رفت

مارتقریبا یك متروسی سانتی طول داشت وغده هایش پراز زهرتثبیت شده، آنقدر زهر داشت‌که کافی بود با گزیدن راکب را در طرف سه ساعت به دنیای دگر بفرستد ٤پاه بارفقنك های راکه خانم‌کاوودرپشتش احساس نموده، ازدندانهای ماربود امامار بر حسب تصادف تیمه سینه بند راگزیده وزهرش را دران خالی کرده‌بود.

اینکه مارچگونه به موتر راه یافته، راننده موترتکسی نمیداند چون راننده هرروز چاشت برای صرف نان واستراحت مختصر درحصه توده بوری توقف میکند، به‌گمان غالب ماردر همانجا به‌موتر بالاشده و راننده متوجه‌آن نشده است، زیرا راننده همیشه موتررازیر سایه درختها پارك کرده دروازه های آنراباز می گذاشت .

دریور تکسی



... ودر این تکسی یك‌مارکبرا نیزوجودداشت

ذخیرهٔ مواد
در غار های نمکین زیر زمین

حد اکثر تا چهار سال‌دیگر نخستین کار خانه مولد برق جهان که با هوای فشر ده ذخیره شده کار خواهد کرد ،در حوالی‌آماده بهره برداری خواهد بود وبرق را به بهای نازلتری تولید خواهد کرد . کار خانجا ت مولد برق توربین گازی‌که بیشتربرق شمال المان را تامین می نمایند ،در حال حاضر مجبور هستند تقریباً یك سوم از برق تولیدی شان را بمصرف تولید هوای فشرده برای احتراق گاز برسا نند .

در کارخانه جدید هو نتور ف دیگر توربینها در ساعات پرمصر ف‌برق مجبوربه تولید هوای فشرده نخواهند بود، بلکه در ساعا تیکه بار شان سبك است ،معمولا هشت ساعت ،هوای فشرده ای‌تولیدخواهند کرد که‌در غار های زیر زمینی ذخیره‌گشته وطی ساعا تیکه مصرف برق بحد اعلامیرسد مورد استفاده قرار خواهند گرفت .

برای ذخیره کردن هوای فشرده فعلا دو غار زیر زمینی هر یك بظر فیت ۱۸۰۰۰۰ متر مکعب آماده میشو ند که ، برای ۳۶ تا ۱۲۸۰م .و. کافی خواهد بود .توربین های گازی سنتی طی کار مداوم حدا کثر ٦٠ ام .و. تولید می نمایند .

بعلاوه در منطقه نامبرده غار های نمکی‌به ظرفیت ٦٠٠٠٠٠ متر مکعب برای ذخیره کردن تا ٦٠ ملیون متر مکعب گاز طبیعی آما ده میشوند وباالمال خواهند توانست در هر ساعت حد اقل ۱۵۰۰۰۰ متر مکعب‌گاز طبیعی در ساعات حد اعلای مصرف به توربینها برسانند

غار های نمکی نه فقط برای ذخیره کرد ن نفت خام ، هوای فشرده وفراورده های‌مشابه مناسب میباشد ،بلکه همچنین برای انباشتن زباله های سیمی کیمیاوی ورادیو اکتیف محققان آلمان هم اکنون سر گرم تکمیل روند هائی برای انباشتن این زباله های خطرناك در غار های نمکی میبا شند .

بانداژ جدید
برای شکستگی از فیبرشیشه ای

گچ گرفتن استخوان بزودی جزو روایات گذشته قرار خواهد گرفت .برای نخستین بارو بر روی ۵۹۵ بیمار یك بانداژ بسیار محکم از فیبر شیشه ای آزمایش کرده اند که ،بمراتب برگچ گرفتن استخوان رجحان دارد .

در کانگرس جراحان در مونیخ .اطبا ی نامبرده گزارشات جامعی در باره تجربیات‌با ماده جدید تقدیم داشتند .بموجب این گزارشات فیبر شیشه ای سبکتر وسر یعتر از گچ قابل بکار گرفتن میباشد وبسر ای پوست هم بهتر است .باندی که با هارتز مصنوعی ویك ماده انقباضی حساس در برابر نور مرطوب شده است‌بدوریامی‌پیچند

وسپس آنرا پنج دقیقه زیر نور ما فوق بنفش قرار میدهند .بدینگونه ماده مصنوعی مزبور ده برابر سخت ترومقا ومتر از بانداژ های گچی میشود وبعلاوه بید رنگ قدرت تحمل بار بدن را دارا میباشد .بعلاوه چون بمراتب نازکتراست ممانعت آن از حرکت عضو شکسته بسی کمتر است .

بانداژ جدید برای داکترجراح نیز امتیازاتی دارد. بهنگام پیچیدن آن موانعی‌هایی پیدا نمیشود تا شروع تشعشع مافوق بنفش می توان شکل آنرا دستکاری کرد وعملا اشعه رونتگن را بدون اشکال از خود عبور می دهد .

(c) kayhan.com: The Digital Library

راپورتر جنایی ژوندون گزارش میدهد

یک حادثه رو

● چطور موضوع کوچک فامیلی باعث حادثه رقت انگیزی میگردد

● این جوان پدر و برادرش را کشت و برادر دیگر را شدیداً مجروح کرد ...

● عبدالله برادر کوچکتر میکوشد تا مانع برادرش شود ولی، اولین گلوله اورا از پای درمی آورد.



14/5/52 465

دوچهره ازقاتل

ژوندون

چهرهٔ جوان کمی غمگین به نظر میرسد، بیکاری او را رنج میدهد ساعتهاست بدنبال پول از جایی به جایی گشته وبالاخره به اینجاآمده.. پدر بابی میلی به گفته های پسرش گوش میدهد محمد ظاهر جوان(۳۵) ساله میگوید :

– من بیکار شده ام، پول ندارم... اولاد هایم... زنم ... همه پریشان مانده ایم ... تا کمی پول برایم بدهید من دکان لباس شویی خودرا بازمیکنم وباز پول شماره میتم .... پدرحالت غمگینی بخود میگیرد . . لحظه یی سکوت میکند وبعد جواب میدهد :

– نه ... مه پول ندارم ...

جوان تعجب میکند ... آخر او میداند که پدرش پول دارد... گفتگوی آنها به درازا میکشد ... صدای بگو مگوی شان فضای اتاق کوچک وقدیمی ساز را پرمیکند ... برادران دیگرهم به اتاق میایند ...

مدتی بعد گفتگوی پدر وپسر به شاجره یی شدید مبدل میشود تا آنجا که محمد ظاهر به سوی الماری میدود .. تفنگچه پدرش را بر میدارد بسوی حاجی عبدالواحد پدر پنجاه وپنج ساله خود نشانه میگیرد ..

عبدالله برادر کوچکتر میکو شد تا مانع اینکار شود ولی اولین گلوله اورا از پای درمیاورد ... گلولهٔ دوم فاصلهٔ کوتاهی را در اتاق طی میکند ودر شقیقه پدر مینشیند .... اوهم بدون اینکه فرصت فریاد کشیدن را پیدا کند بزمین میافتد متعاقب آن سومین گلوله در فضای اتاق رها میشود، محمد طاهر برادر دیگر فریادی میکشد و بزمین میافتد . ..

زنان و اطفال فریاد میزنند . ... وحشت زده به هر سو میدوند و همسایه ها را به کمك میطلبند .... قاتل لحظه یی به اجساد پدر و برادرانش که د رخون غوطه ورند مینگرد آنوقت ناگهانی متوجه میشود که مرتکب چه عملی شده است . فریادی میکشد وهمانجا می نشیند.

هنوز اعضای خانواده از ترس ووحشت بیرون نیامده اند ..وهیچ کدام نمیدانند که چه کنند ؟ .... همسایه ها تك تك بربام اتاقها آمده

(c) ketabton.com: The Digital Library

اولین گلوله عبدالله راازپای درآورد ودومین گلوله درشقیقه پدرنشست

سه گلوله

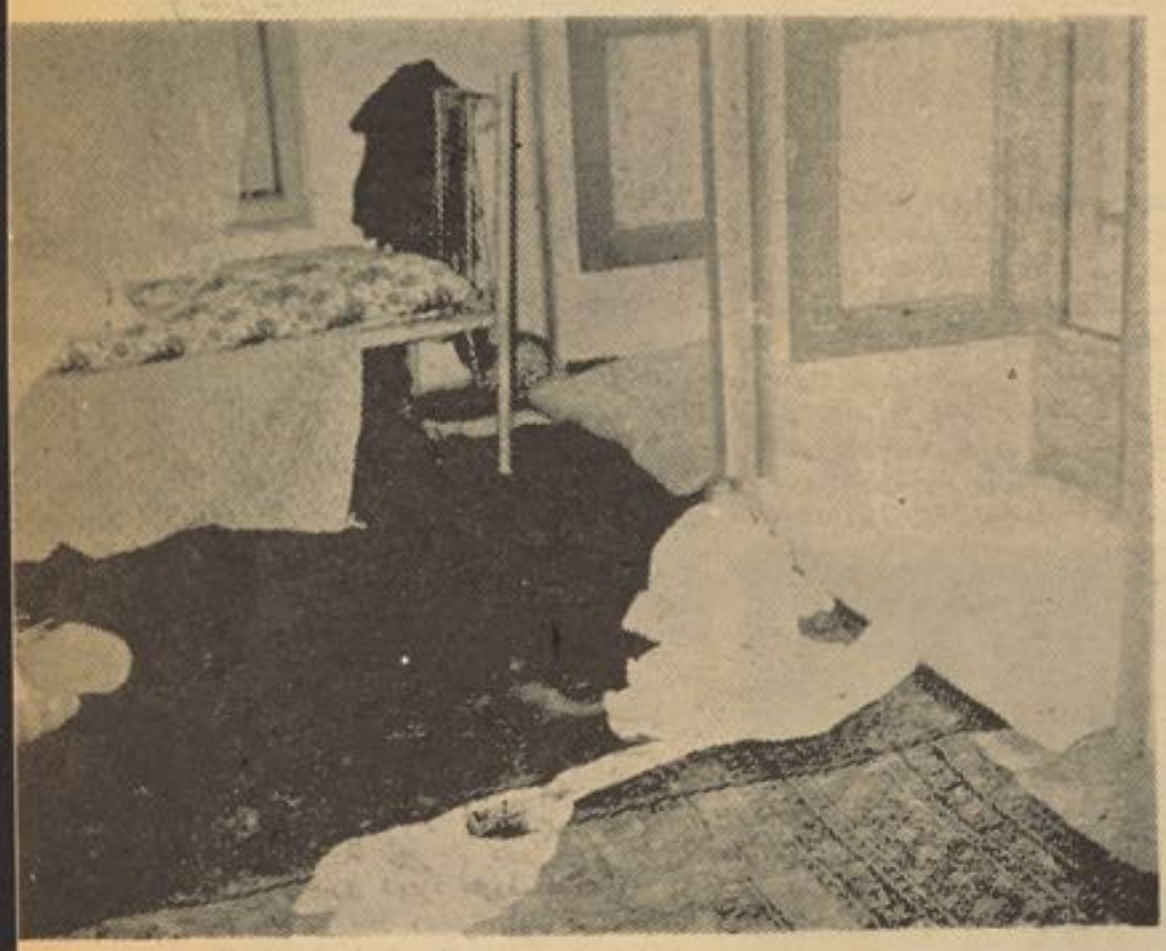
قاتل لحظه‌یی به‌اجساد پدروبرادر ش مینگرد وآنوقت ناگهانی‌متوجه میشود که‌مرتکب چه‌عمل‌وحشتناکی شده‌است

اند و محمد ظاهر را می بینند که جسد مجروح محمد طاهر برادرش‌را بردوش گرفته و از خانه بیرون میشود ..

دیگران تازه بخود میایند ... مرد ها جسد حاجی عبدالواحد وعبدالله جوانش را بسوی شفاخانه میبرند وزنان ضجه وناله سر داده به هر سو میدوند . ..

دقایق یکی پی دیگر میگذرد ... عقربه های ساعت ده قبل ازظهر روز پنجشنبه رانشان میدهد که صدای (آژیر) موتر های پولیس در کوچه های گذر «تنور سازی» طنین میاندازند ...

محمد ظاهر که (۳۵) سال عمر دارد از دواج کرده و دارای شش اولاد است، ودرمنزلی نزدیک‌حویلی پدرش زندگی میکند . پیشه اش پاس شوبی بود . .. اما از چندروز به اینطرف بیکار مانده وامروز آمده بود تا از پدرش پول بگیرد و باآن دکانی باز کند .



پولیس چه میگو ید ؟

ما قاتل را نزدیک شفاخانه در حالیکه جسد برادرش محمد طاهررا به شفاخانه انتقال میداد دستگیر کردیم . .. او در تحقیقات ابتدایی **منکر قتل برادروپدرش شدواظهار** نمود که اینکار توسط مادر اندرش صورت گرفته است اما وقتی تحقیق ادامه یافت به عملی که انجام داده‌بود اعتراف کرد واعضای خانوده نیز گفته های او را تائید کردند .

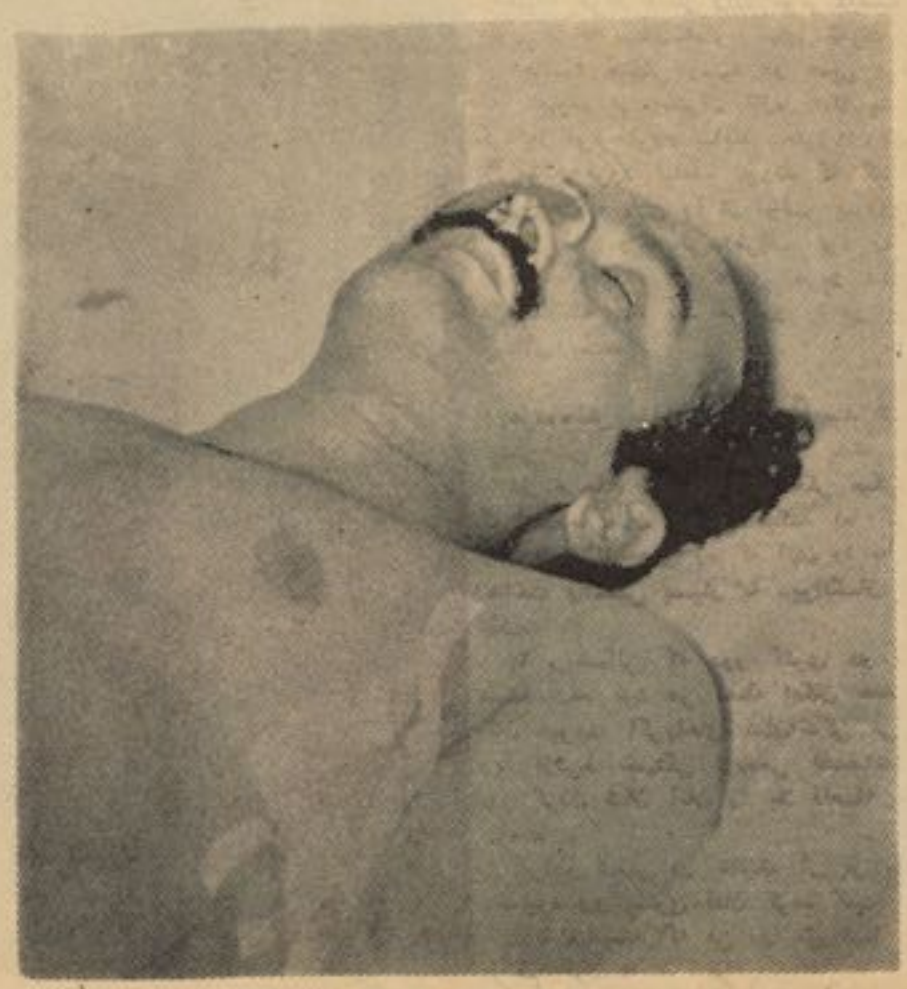
پولیس میگوید :

ـ حاجی عبدالواحد پدر قاتل و عبدالله برادرش در راه شفا خانه وفات کردند و محمد طاهرکه شدیدا مجروح شده بود فعلا از حالت کوما بیرون شده ودر شفاخانه بستر است .

پولیس میگوید تا حال اسلحه بدست نیامده وجستجو برای‌یافتن تفنگچه ادامه دارد .

بقول پولیس انگیزه این حادثهٔ رقت انگیز علاوه از موضوع پو ل، کشیدگی های فامیلی نیز بوده‌است.

قاتل تحت نظارت بوده وتحقیق موضوع برای روشن شدن حقایق جریان دارد .



طاهر که زخمش خطرناک بود

این دونفر در همین اتاق کشته‌شدند

(c) Iranian.com The Digital Library

انگشتان این مرد بخون

درفلوریدا خطرناکترین قاتل‌عصر گرفتارشده و پولیس درصدداست پرده‌از فجیع‌ترین حادثه‌قرن بردارد.



لوسیل پلاس یکی از روز های پرخاطرهٔ خویشرا در زندگی هرگز فراموش نمیکند . درجه حرارت آنروز فوق العاده گرم بود . وبعداز ظهر به منتهای شدت خود رسیده بود .

ایر کندیشن اطاق هوای تفت‌آلود وگرم را داخل خانه میساخت وموتر های تیزرفتار که در فاصله صدمتری عمارت قرار داشتند چون شهاب ثاقب بیك پارچه آهن مذاب تبدیل شده بودند .

ساعت یك بعداز ظهر روز مذکور بودکه سوزان دختر موی دراز وبلوند ۱۷ ساله از مکتب عازم خانه اش شد .

وقتی دختر ومادر پشت میز غذا قرار گرفتند دختر به مادر ش گفت :

ـبعد از صرف غذا قرار است یکتن از دوستان مرابه ساحل ببرد آنجا در نظر است عده گیتار بنوازند .

ـاین دوست توکه ترا به ساحل میبرد چه کسی خواهد بود وچه نام دارد .

ـ وی به جبری شپیرد معروف است .

هنوز صحبت مادر ودختر پایان نیافته بود که شپیرد باموتر داتسون خود جلو منزل شان توقف کرد .

هرچند شپیرد در نظر مادر سوزان مرد موقر ومحترمی جلوه مینمود لوی در هر حال مشکل بود قبول نماید که دختر بی تجربه وخرد سال او را مرد بیگانه ای در برابر چشمانش به محل رقص وآوازخوانی ببرد .

وقتی که سوزان سوار موتر شد وموتر از خانه وی فاصله گرفت مادرش در کتابچه **یاد داشت خود برسبیل احتیاط یاد داشت کرد ـ فلوریدا ـ ۷۱۲۸ـ۴۲۰ .**

بسیار احتمال دارد که لوسیل پلاس در اثر عجله‌ای که داشت در موقع یاد داشت نمبر پلیت برخی اعداد را پس وپیش‌نوشته باشد .

این اشتباه بعداً برای دوایر امنی و پولیسی مشکلات زیادی بار آورد .

شام همانروز جورجیا جوزیپ خوا هر خوانده شانزده ساله سوزان دختر موی‌سیاه **و ورزش نیز خانه ای را که در آن** بسر میبرد ترك گفت .

چون نه تنها سوزان بلکه خواهر خوانده اش نیز شب‌به منزل‌بر نگشتند لاجرم‌والدین آنان به پولیس مراجعه کردند .آنان توقع داشتند که پولیس بلافاصله‌دست به‌فعالیت خواهدزد ودریك ساحه وسیع به‌جستجوی گمشد گان خواهد پرداخت ولی این امیدبه یاس تبدیل گردید .زیرا پولیس به ایشان گفت شما دیوانه هستید آیا خبر دار ید که هر شب چه تعداد دختران وپسران به منزل شان بر نمیگرد ندعدم باز گشت دختران شما نیز به حیث یك جریان عاد ی تلقی میگردند .

لوسیل پلاس به یکتن از افسران پولیس یاد داشتی را سپرد که **در آن نمبر پلیت** موتر جبری شپیرد یاد داشت شده بود .

ما موران پولیس‌بادل ناخواه برای‌اطمینان

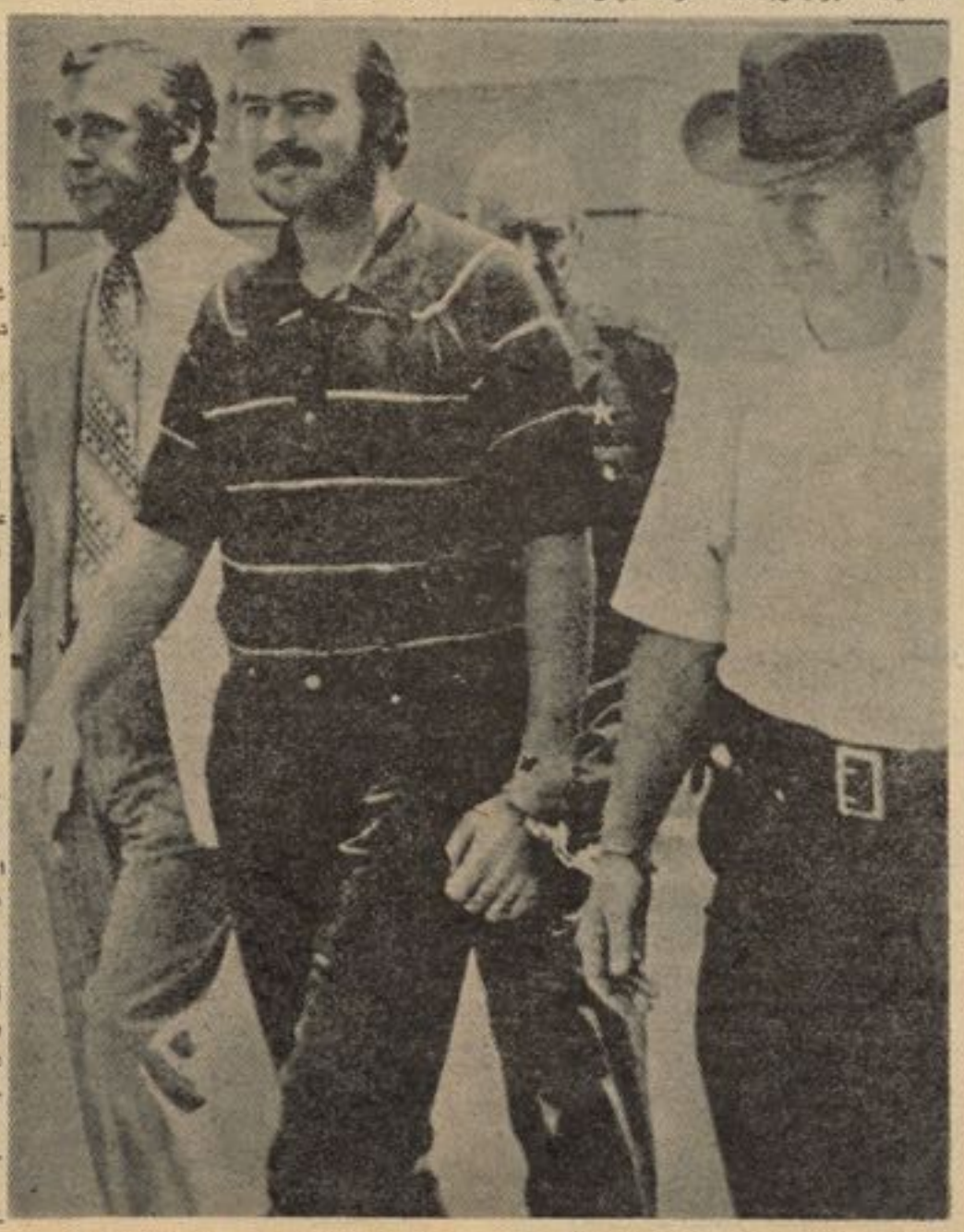
نانسی تروتر که ازتلسه «فیشرجان به سلامت برد

لوسیل پلاس گفت :

ـخانم در ین مورد که نمبر پلیت به کدام موتر تعلق دارد تحقیق خواهد شد .

روز دیگر دفتر پولیس به لوسیل پلاس تلفونی اطلاع‌داد‌که‌به‌چنان‌نمره موتری در دفتر ترافیك ثبت نشده است .

میرمن لوسیل در جواب گفت :شاید در



مامور نظمیه سابق گرهارد شیفرکه ۲۷سال‌ازعمرش میگذرد هنوز هم می خندد ، درحالیکه اورااز‌محبس جهت محاکمه می برند . اویکی ازجنایتکاران خطرناك‌عاصراست دریك‌پیکس ازنزداو البسه‌واشیایی راپیداکردندکه متعلق به شش تن ازقربانیان او بود .

موقع یاد داشت در ترتیب نمره هااشتباهی رخ داده باشد ولی در هر صورت باید موتر مذکور دستیاب گردد .

یك هفته گذشت ولی از سوزان وجورجیا اثری مشهود نگشت .

بی کفایتی مامورین پولیس در عدم کشف

مالك موتر داتسون حوصله وشکیبا یی مادر سوزان را به تحلیل رساند ونزدیك بود دیوانه شود بالاخره خودش‌رفت دفترپولیس وشروع به بررسی وتحقیقی دفتر ترافیك کرد .

بالا خره بعد از گزشت ماها مامورین امنیتی دریافتند که **موتر داتسون به چه** کسی ارتباط دارد به این معنی که موتر **به شخصی بنام گرارد جان شپیرد مربوط** بود ونامبرده **در هشتاد میلی اوك لندپارك** دریکی **از عمارات کرایی بسر میبرد .**

این شخص به اتهام جرمی که مرتکب شده بود دوران یك سال حبس‌خود را در **محبس آن محل میگذشتاند .**

قضیه اتهام وی نیز جالب بود :

در یکی ازروز های‌ماه جولایی‌دختر موی سیاه شانزده ساله ونانسی هجده ساله که گیسو هایش تا کمرش میرسید در حاشیه سرکی که کمتر مورد استفاده ترافیك قرار میگیرد ودر حومه هوچینی‌مین قرار داشت منتظر بودند تا موتری از آن محل بگزرد و آنان را از آنجا بر دارد .

دیری نگزشت که موتری به را نندگی گیرارد شیفر کنارد ختران توقف کرد.این **شخص لباس‌ملك‌قریه‌رابتن داشت‌گیراردشپیرد** درحالیکه **هردو دختر رادر موتر داشت بعداز** عبور ازیك سلسله‌سیر گهای خلوت بالاخره در حاشیه جنگلی رسید در همین موقع بود که نامبرده از دختران تازه آشنا یش‌تقاضا کرد از موتر فرود بیایند .هنوز ان دو دختر از موتر فرود نیامده بودند که گیرارد دو عدد ولچك فولادی را از موتر بیرون کشید وهنوز آن دو دختر اطراف خود را پورر بلدنشده که در دستهای هردو دخترولچك ها انداخته شد بعد هر دو را در درخت گهنه‌ای بست .

هردودختر مقاومت را سودمند ندانسته منتظر سر نوشت خویش گرد یدند .

در مرحله نخست آنان فکر میکردند که گیرارد با آنان شوخی میکند اما گیرارد دست به کار های زد که آنان را به وحشت انداخت وعملش بسیار به دیوانگان شباهت داشت .

با ریسمانی که دور گلوی دو دختر بسته شده بود هر لحظه امکان خفه شدن آنان میرفت اگرپاهای شان‌اندکی می لغزید ویا ازفرط خستگی زیادمی نشستندریسمان دور گردن شان آنان را بلا فاصله خفه می ساخت .

گیرارد شفیر در حالیکه از ین منظر حظمیبرد رو بسوی آنان کرده گفت:

ـآیا میفهمید که من در حق شما چه‌کاری خواهم کرد ؟

چون ازطرف دختران جوابی نشنید خودش بجواب سوالش پرداخت .

ژوندون

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳۲ دختر آلوده است!



سوزان پلاس وجورجیایسوپ (ازراست به‌چپ) آخرین بارباشیفر دیده شدند ولی چند ماه بعد اجساد آندو درگودالی پیدا شد

من شما را به پرده زوشان فروخته ا م وحالا معامله گران فرا میرسند وکار شما انجام می پذیرد . گیرارد شپیر ربع ساعت دیگر این منظره را وراند از کرد بعد به موتر ش سوار شد واز محل بسر عت نا پدید گردید .

از ین ماجری پوره سه ساعت گزشت تایولا- ونانسی توانستند خود را از بند آزاد بگردانند .

ودر حالیکه هنوز ولچکسهای فولادی در دستهای شان بود به اولین آبادی خود را رساندند رئیس شپیرد وقتی از پس جریان آگاه شد فورا او را از وظیفه اش برکنار کرد. از جانبی هم به اثر تعقیبات پولیس تحت تعقیب قرار گرفت .

طرز دفاع شپیرد خیلی جالب‌بود چنانچه وقتی در مقابل محکمه قرار گرفت در برابر سوالات وکلای مدعی العموم اظهارداشت که من میخوا ستم محض بدختران عملا نشان بدهم که سوا رشیدن در یك موتر بیگا نه چه عواقب وخیمی بدنبال خود دارد .دیگر کدام نظر سویی علیه شان نداشته ام از همین سبب شما میبینید که حتی یـــك سر مویی به ایشان خیانت نشده است .

اما این دلایل قناعت قضات را فرا هم کرده نتوا نست وشپیرد که‌یك وقت وظیفه پولیسی را نیز انجام میداد زندانی گردید.

اگر قضیه مفقودی سوزان‌پلاس وجورجیا جوریپ با موتر آبی دانسون دنبال میگردید وبا حبس شپیرد ارتباط داده میشد بدو ن ترد یدرشته محکمی را بدست محکمه می داد .

اما شپیرد در خلال تحقیقات گفته بود که سوزان وجورجیارا هرگز نمیشنا سد معهذا وقتی شپیرد را با مادر سوزان رو بـــرو کردند مادر سوزان بدون آنکه تردیدی از خود نشان بدهد گفت :

«واین همان‌جوانی است‌که‌دخترم رادریکی از روز های گرم‌تا بستان باموتر داتسو ن خود از جلو نظرم برد .

یکتن از مامورین قضایی به تایید حرف های مادر سوزان گفت ما هم فکر میکردیم این همان جوان مطلوب وگمشده ما خواهـد بود .

منزل مسکونی شپیرد دقیقانه تلا شـــی گردید ولی کوچکترین وسیله که بتوانـــد اختطاف دختران را ثابت بگرداند بد ست نیامد .

هنوز چارروزاز گرفتاری شپیرد نگزشته بود که یك بر خورد اتفاقی کار مامو رین پولیس را در کشف حقایق خیلی آسا ن ساخت .



گودالی که اجساد دودختر‌جوان ماه ها پس ازمرگ شان پیدا شد

قضیه ازین قرار بود که چند صد متر دور تر از محلی که شپیرد پولا ونانسی‌را به درختی بسته بود شخصی که معمو لادر سواحل شناعقب اشیای گمشده میگردد یك تعداد پارچه های استخوان انسانی راکشف کرد .مراتب به پولیس گزارش داده شد و بلا فاصله یك یونت قوای پولیس منطقـه مشبوه را تحت محاصره گرفتند ولوازمـــی را جمع آوری کردند که بعدآبه اثرتحقیقات معلوم گردید مربوط به جور جیا وسوزا ن میباشد .در ین موقع بود که نه تنها منزل مسکونی شپیرد بدقت زیاد تـلاشی گردیـد بلکه خانه مـا درروی نیـز از نظر تفتیش و کنجکاوی دور نماند .

اما در منزل مادر شپیرد یکسیای بدست آمد که گفتند به پسرش تعلق داشته . وقتی محتویات یکسیارا ملاحظه کردند عبارت از یك سلسله اشیایی تشکیل میداد که با

بقیه درصفحه ۹۵



در ین عمارت مادر شیفر زندگی میکند اونمیدانست که‌در همین عمارت اشیا متعلق به قربانیان پسرش رویهم انباشتـه شد ه است



ایندو دختر شانس داشتند که‌گرچه دردام‌شیفر افتادند وشیفر رشمه هایی رابدورگردن آنها محکم کرد اماآنها موفق به نجات خـودشدند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

عکسو نه

از داخل

نیا یش برای پیروزی جمهـو د ی



از تاریخ استقرار رژیم جمهو ری‌در کشور ، در هر گوشه و کنـار مملکت نشاط و سرور بی پایان‌دیده‌میشود . هر کس و هـر صنف از مردم ، بزعم و قدرت خویش‌از این‌دگر گونی میمنت اثـر استقبـا ل میکنند .

عکاس ژوندون دراین میان ازیك‌پیر مرد و جـوا ن ا یـن عکس خبری را بر داشته است که‌درحال‌نیا یش برای پیرو زی نظام جمهوری هستند .

بولانی و منتو در رهگذار گردوخاك



این عکس از یك گوشهٔ د کـان « بولانی و کباب منتو » بر داشته شده است که بر علاوهٔ هجوم مگس بدرو دیوار و پتنو سبهای‌آن گرد و خاك نیز یك لحظه ازسمپاشی‌دست بر نمی‌دارد . اگر رو غتیا پال های شبار والی توجه نکنند، بدون تر دید صحت و عافیت مشتریان این دکان ونظایر آن را که در شهر ما تعداد شان کم نیست در معرض خـطر قرار خواهد داد .

کمانت به چند ؟

وقتی عکا س ژوندون این‌پیرمردکو ژ پشت را دید بیادشعر معروف افتاد که :

تازه جـوانی ز سر ریشخند — گفت به پیری‌که کمانت بچند؟
پیر بخندید و بگفت ایجـوان — دهر ترا نیز د هد رایگان !

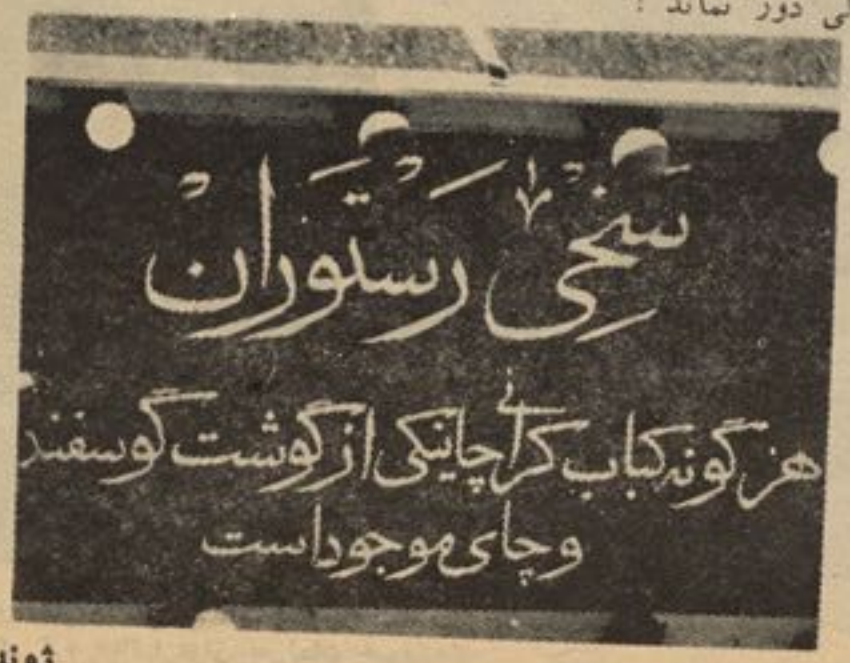
اما همینکه بـاو نـزدیك شد ومخصوصا « کمان » پشتش رابدقت نگریست متوجه شد که این« کمان‌پیری » نیست، بلکه انبان‌لوازمیست که از بازار خریداری نموده و بخانه می برد !



هر گو نه ؟!

درجمله بلند بالائی که در لو حهٔ سخی رستورانت «نقش شده‌است کلمه « هرگونه » در جلو « کـباب‌کرایی » بهمان اندازه باعث تعجب میشود که چا ینکـی از «چا ی» ازیرا تاکنون « چاینکی از گـوشت گوسفند و چای » را ندیده، نچشیده‌ونه شنیده ایم .

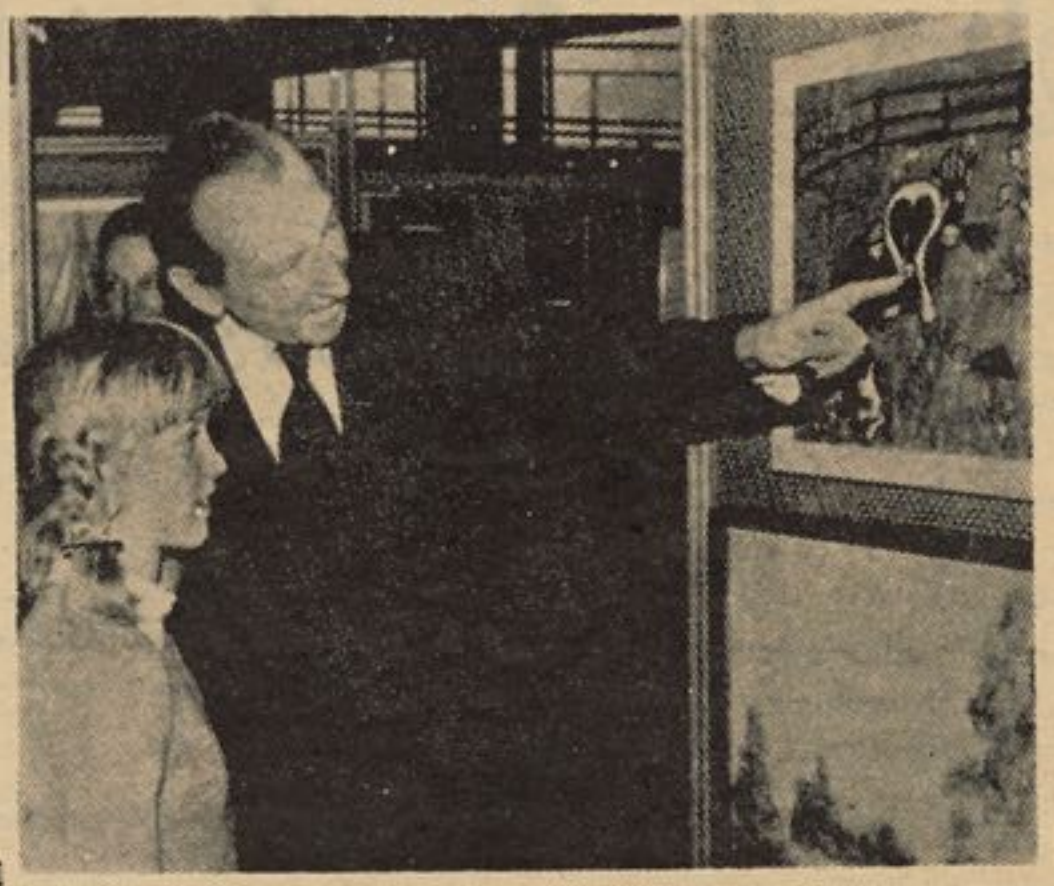
البته این ابتکار سخی‌رستورانت‌باید از نظر کیمیـا اثـر مفتشا ن بناروالی دور نماند !



ژوندون

(c) ketabton.com: The Digital Library

یکصد هزار طفل نقاش



اخیرا نندارتونی از آثاریکصدهزار کودك نقاش از ۲۷ کشور جهان در عمارت موسسهٔ ملل متحددر نیویارك‌دایرشد. دراین نندارتون که به نفع صندوق یونیسف«موسسهٔ حمایهٔ طفل» دایر شده بود، آثار نخبهٔ اطفال بنمایش گذارده شد .

در جمله کسانیکه ازاین نندارتون‌دیدن کردند ، سر منشی موسسهٔ ملل متحد بنا غلی کورت‌والدهایم‌نیز شامل بود . این عکس دکتور والدهایم را حین مشاهدهٔ یك‌تابلووومذاکره بانقاش آن نشان میدهد .

ورزش های تعویضی

یك سایکل سکی با زانو جهت ادامهٔ ورزش زمستانی با استفاده از امکانات دیگر ا ز طرف‌کمپنی‌فرانسوی بنام «کوپ میتال» ببازار عرضه شده است این سایکل‌دوتوته را میتوان بالای جاده ها وتپه های ریگی که سنگهای کلان وجغل زیاد نباشد مورد استفاده قرار داد .



کسانی که سکی باز ی بلدباشند در ظرف چند ساعت استفاده ا ز سایل آنرامی آموزند. سایل سکی « سکنی رولر) به دو نوع عرضه می شود . قیمت نوع ساده وسبك آن برای کم وزن ها با لغ بر ۱۱۰ مارك بوده و نوع قویتر آن دو چند قیمت دارد .

درخارج

سیلو یا بجای سو فیا

سیلویا دیر نیسیو ، هنر پیشهٔبیست ودو سالهٔ ایتالوی‌که‌اززیبایی کافی نیز بر خوردار است با وجودعمرکم از مشاهیر جهان سینما شده وتااکنون در بیش از دواز ده‌فلم جهانی رول های اول‌را بعهده داشته است .

یك کارگردان معروف امریکا یی‌در مورد سیلو یا گفت که :

« باو نقش هایی را خواهم‌سپردکه ده سال پیش آن نقش ها را سوفیالورن بعهده داشت » .



(c) ketabton.com: The Digital Library

انسان دلوړی ځل دپاره



او تو لیلنتال

- **حتی هغه وخت چه هلـکۀ، « اوتولیلنتا » هیله درلوده چه دمرغه په شان فضاته والوزی**
- **داهغه هیله وه چه ده لږه برخه یی لاس تـــه راوستله.**
- **«اوتو» پخپل شاهکار سره دهوانور د ی دقهرمان نوم وگاټه.**

«ودریږه بناغلی لیلنتال ، یو ه شیبه وگوره!» دا هغه جـملی و ی چه عکاس تر خپلو پنډو تورو جامو لاندی په لوړ آواز ادا کړی . دد ه دباسه په پنځو سس فوټه لوړ والی کښی دپتنګ غوندی یو عجیب شکل په هوا کښی څرخید ه.

له فضا څخه ددغه الو تو نکـــی پیلوټ په لوړ آواز داسی خواب ورکړ :«زه خپل زیات کو ششش کـــو م ملګریۀ مګر دباد څارنه نشم کولای. هغه وخت چه «او تو لیلنتال» خبری کولې، سیلی ودریده اوده سپکه الو تکه دغو نډی ښکته خوا تـــه والو تله. عکاس عکس وا خیست اوپه خوشا لی سره یی چیغه وکړه: «ډیر ښه! ماعکس وا خیست »،خو هیچا دده غږته توجه نه در لـوده. «اوتو لیلنتال» دروغ رمټ ښکـــته کیدو په هغه کښی ډپه داسی حال کښی چه دهغو خبر لیکو نکو شور



اوزور چه غوښتل یی دیوه وا قعـی الوتنی نندار ه وکړی، دغره د لمنی خواته نږدی کیـــده چه د نـــړ ی دهوا نورد ی دډیر لو ی ســړ ی سره مرکه وکړی .

دوی هغه وخت لیلنتال ته ورسیدل چه هغه له خپلی الو تکی څخه خـان خلاصاوه کال ۱۸۹۵ ژاو لیلنتا ل ثابته کړه چه بشر الو تلای شی حتی په داسی وخت کښی چه هیچا ددی هڅه نه وکړی چه یو انجن لرونکـی الوتونکی ما شین جوړ کړ ی.

لومړنی خبر لیکو نکی چه الو تکی نه نږدی شوی ژوو یل:« ښا غلی- لیلنتال ، دخپـــل د غه عجیـــب ماشین په باره کښی څه ووایه.»

او تولیلنتال خپل وارخطا غوندی نندارچی ته مو سکی شواو وی ویل: «دازما دوه وزره الو تکه ده دا څکه چه یولاندنی او بل پاسنی وز رونه لری.

د ۱۳ لمبر نوم می ورباند ی اینښی او تر اوسه می دری دوه وزره الوتکه جوړه کړیده چه دوزرونو اندازه یی ۱۸،۵ر۱۰ ـ۲۰ مر بع مترو تـــه رسیږی. دغه الوتکی ډیری ټینګـی دی چه پخپله زمادپاره دتعجب وړدی. مایه یوه ساعت کښی د ۲۵ میلـه باد په جریان کښی الو تنه کړ ید ه لکه چه تاسی دغه صحنه و لیده . اوه، دغه دی عکاس ، هیله لرم چه عکس موښبه اخیستی وی ملګر یه!»

«اوتو لیلنتا ل »نسبتاً غلـی او متواضع سړی ژ،خود اهیله ورسره وه چه خپلی اختراع شاوخواته خپره اونور خلك دی ته تشویق کړی چه دغه راز تجربه سرته ورسوی .

ترده پخوا زیاتو خلکو هڅه کړ ی وه چه وا لوزی ،دوی زیاتره مړه یا ټپیان شوی ژ، مګر او تولیلنتا ل له نوو فضا نوردانو څخه ژده د غـــه مسلك په دقت او علمی افکارو سره تعقیب کړ اودغه ژوره خیړنه دالو تو دپاره ددغه دعزم مانع ونه ګرځیده.

حتی له هغه و خته را هیسی چه «او تو لیلنتال »په ۱۸۵۰ کال کښی

څرنگه فضا ته والوځو ؟

هلك ډ، دالو تو هیله یی در لوده . ده‌او دده وروړحتی یوداسی‌الوتونکی جوړ کړچه شپږ وزرونه یی درلود او تاکل شوی ډچه دیوه مر غـــه په‌شان دخپلو وزرونوپه رپو لوسره هواته والو زی .دغه تجربه نا کامه شوه مگر لیلنتال تر خپلی مړ ینـی پوری عقیده درلوده‌چه‌دی کولای‌شی یوداسی الو تو نکی ماشین جوړکړی چه‌دفضا خواته والوزی او خپله لار خلاصه کړی.

له‌ښه مرغه دخپل هـــدف او د هوانوردی دعلو مو دپر مختیا دپاره لیلنتال تصمیم ونیوچه دخپلی بـی ماشینه الو تکی په الوزولو ســر ه ترخو ځه‌یی په‌وسه‌وه، خپلی تجربی سرته ورسوی.

دنورو علمی پر مختگونو په‌شان الو تنه چټکه پر مختیا و نکړه.زیاتو فضا نوردانو هڅه وکړه‌چه الوتونکی ماشین جوړ کړی ،خود نا کا مـی سره مخامخ کیدل. دوی دمر غا نو دخیړ لو هڅه وکړه خو ژرپه‌دی و پوهیدل چه ددو ی‌د وزرونو حر کت دومره چټك ډچه ډوره خیړ نه یـی ممکنه نه‌وه. خو وروسته دعکا سی کامره اختراع شوه . دعکاسی په‌مخ باندی دمرغانو دو زرونو دخو خولو ئېتول ددی امکان منځ ته راوړ چـه ددوی د وزرو نو کارپه تفصیل سره وخیړل شی .

حتی دغسی یوه خیړنه دلیلنتال په‌شان دیوه سړی دپاره په مـخکه کښی هم کافی نه‌وه لیلنتال **یووخت** داسی لیکلی ډ: «هغه طریقه چه‌مونږ پکښی دباد دنه انتظام سر ه‌مخامخ کیدای شو، پخپله په‌فضا کښـی د اوسیدو له لاری ممکنه ده.»

په‌دی ترتیب «اوتولیلنتال» خیړنه وکړه، وی لیکله جوړه یی کړه او والو ته. دکار په شروع‌کښی ،البته دی دنورو په‌شان دنا کامیو ســره مخامخ ډ

دلیلنتال لو مړی لمبربی ما شینه الو تکه لکی نه درلوده او تصاد فاً په‌الو تنه کښی ناکامه نشوه.دوهمه الوتکه لکی در لوده خو په الو تنه کښی ناکامه شوه. لیلنتا ل لو مړی زیارو ایست چه‌له یوی تختی څخه په‌ټوپ وهلو سره هواته والو ز ی اوبیایی هڅه وکړه چه دباد دجریان په‌مقابل کښی دغره دلمنی خوا تـه ځان ورسوی . ددریم لمبر ا لو تکی سره، لیلنتال په‌دی بریالی شـــو چه‌له ځمکی څخه والوزی ،خو د غه الوتنه ډیره لنډه وه.

دریمه الو تکه په۱۸۹۱کال کښی جوړه شوه. دغه الو تکه یوه لـکی

پاتی په ۹۷ مخ کی



(c) Ketabton.com: The Digital Library



ازطریق تفریحات سالم،

چشم تانرا معالجه کنید

اطفال درطول مدت روز مشغول بازیها وتفریحاتی میشوند که درحقیقت برای تداوی شان تجویز گردیدهٔ واین بازیها قدرت بینائی شانرا تقویت مینماید.

تداوی باآلات طبی درین واقعات کمتر صورت گرفته واضافه ترازطریق بازیهای تفریحی بتداوی پرداخته میشود.



متخصصان چشم برای اصلاح و تقویت دید اطفالیکه دچار بعضی عوارض چشم از قبیل دو بینی (احوال) میباشند میتود های را بوجود آورده اند که درعین حالیکه بازی و تفریح برای اطفال شمرده میشود یکنوع تداوی نیز بحساب میرود.

این میتود تداوی موفقانه دریکی ازباغ های اطفال شهر مسکو تطبیق شده و نتایج مثبتی نیز ازآن بدست آمده است. درین جادر طول مدت روز اطفال مشغول بازیها وتفریحاتی استند که در حقیقت برای تداوی شان تجویز گردیده وقدرت بینائی شانرا تقویت مینماید.

هریك ازاین بازیها برای نوعی از نواقص چشم تجویز گردیده واطفال بان مصروف میشوند. آنها باشوق وعلاقمندی زیادیوقانه هارا پر تاب نموده ودقیق میشوند که کدام یك بلندتر می رود. گرچه یك بازی تفننی وتفریحی است اما یك تمرین طبی خیلی مهم بشمارمیرود که برای چشمهای دو بین یا احوال کشف گردیده است. حتی بمقصد تداوی از نباتاتیکه در خانه ها نگهداری میشود نیز کار گرفته میشود باین معنی که طفل دارای عارضهٔ چشم همه روزه تحت نظرو هدایت دکتور معالج رنگ هاو برگ های گل وبته ها راکه درخانه نگهداری نموده انداز نظر شکل وفورم و رنگ یکی را با دیگری مقایسه نموده وبانها دقیق میشوند. این تمرینات دراصلاح نقص چشم اطفال کمك زیاد نموده وطبیب معالج از روی آن دربارهٔ اصلاح نقصیهٔ چشم شان قضاوت

بقیه درصفحه ۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

چیش از انکه به طبیب جر سید

زیر نظر : ذکی

بگژدم گزیدگان چکونه کمک مینمائید

۱ ـ اولا بصورت فوری و عاجل تقریبا به‌اندازه ۱۵ سانتی متر بالاتر از ناحیه وخذه شده‌یك بنداژ محکم تطبیق میگردد و بعد از هر ۱۵ دقیقه برای یك دقیقه باز می شود تا جریان خون مختل نگردد.

۲ـ ثانیا ناحیه‌وخذه شده‌تو سط یك آلهٔ جار حه که قبلا جوش دا ده شده با شد را ویا باوسایل د یگر ضدعفونی شده‌باشد شق‌میگردد اما به خاطر باشد که این شق کاملا جلدی باشد و به اعضای دیگر و عضلات صدمه وارد نکند سپس ناحیه وخذه چو شیده شده و مواد چوشیده شده به خارج انداخته شود.

۳ ـ اگر در مواضعی باشیم که یخ بدستر س ما باشدپارچه ها ی یخ را گرفته بالای ناحیه وخذه‌شده برای مدت ۱۵ و یا ۲۰ دقیقه قرار میدهیم زیرا یخ ناحیه وخذه شده را سرد ساخته از امتصاص و جذب زهر گژدم جلو گیری میکند.

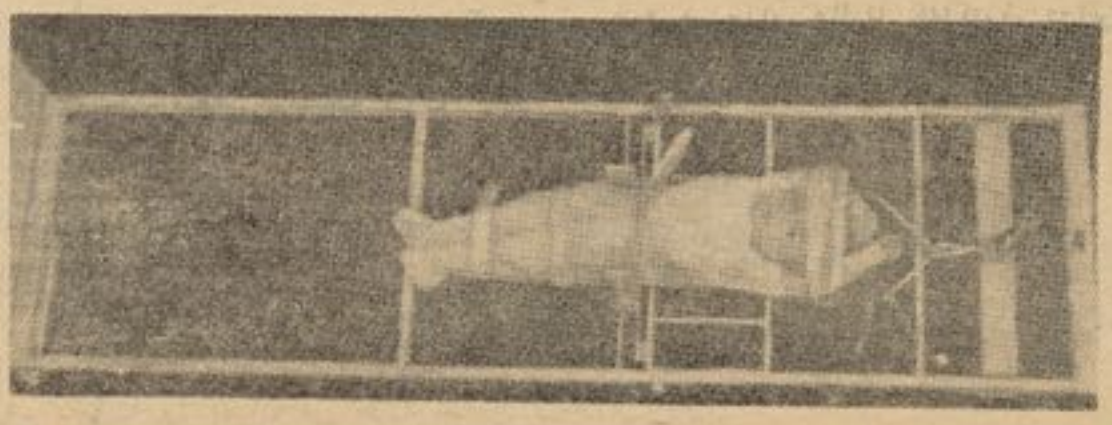
با میتود های که در بالا ذکر شد میتوانیم از امتصاص زهر گژدم جلو گیری کنیم ولی این‌کمك ها هرقدر عاجل وبزودی‌نزد مریض انجام شود به همان اندازه از آن نتیجه بهتر بدست می آید .

میتود جدید رادیو گرافی اطفال نوزاد

چو ن رادیو گرافی اطفال نوزاد خصو صا تا سن سه سا لگی مشکلات زیادی راایجا ب میکند زیرا قرا ردادن اطفال به وضعیت های مطلوب آنقدر اسان نیست و لازم است چند نفر از قسمت ها ی مختلف طفل محکم بگیرند از نیرو اطبای اطفال اکا دمی علوم‌طبی اتحاد شوروی با همکاری شعبه تکنا لوژی ساختمانی مرکزی آنکشو و ترتیبات مخصوص جهت رادیو گرافی اطفال نوزاد تهیه کرده اند که بااین میتود، را دیو گرا فی این گونه اطفال خیلی آسان شده است .

طفل رادر یك کپسول مخصوص جا ی می د هند ، کپسو ل مذکور از ما ده های تر کیبی که اشعه رونتگن را اجازه عبور میدهد ساخته شده است کمر بند ها ئیکه از این ماده ساخته‌شده است‌قسمت سر، گردن، کمر،زانو، پاها ودست های طفل را محکم میکند کپسول مد کو ر به چنگ که د ر یك میله متحرك قرار گرفته است آویزا ن میشود میله مذکور در قسمت فو قا نی پایه محکم شده است

معاینات و تحقیقات شعاع ایکس را میتوان به و ضعیت د ل خوا ه انجام داد از حالات عمودی وافقی استفاده کرده میتوانیم به این‌منظور یك پایه و میز مخصوص نیز در دسترس است و فقط تو سط یك نفر ترتیبات مذکور فعال ساخته شد ه میتواند برای تو ضیح بهتر اینك عکس ترتیبات مذکور را خد مت خوانند گان محترم تقدیم میکنیم .



کپسول مخصوص برای را دیوگرافی اطفال

چگونه کمك مینما ئید

بباغلی محمد داود متعلم صنف دهم لیسه آقچه:

چا قی عبا ر ت ا ز یك ترا کم غیر عا د ی مواد شحمی

پرسینده محترم چاقی عبارت از یك ترا کم غیر عادو مواد شحمی تمام عضویت میباشد که در نتیجه وظایف نور مال عضویت را مختل ساخته و مشکلا ت حیا تی بر ا ی شخص عاید میکند برای بمیا ن آمدن چا قی فکتو ر های زیا د ی عامل بنیه‌ـ فامیلی ارتیست همه در بوجود آمدن چاقی ارزش دارند فکتور عمده که ۶۰ تا ۸۰ فیصد در مورد چاقی قابل ارزش است اول غذا است عوامل رواحی و تشوشات وظیفوی غدوات افراز داخلی از قبیل غده پی نخامیه غده در قیه و قشر مخفظ فوق الکلیه و غدوات جنسی همه عواملی است که چاقی را سبب میشود .

در جواب این سوال شما که پرسیده اید چگونه میتوان چا ق شد باید بگویم که چاقی از حد زیاد یك نوع مریضی است و نبا ید شما به آن علاقمند شوید ـ اگر خیلی ضعیف و ناتوان میباشد از شکر انواع شیرینی ها غدا هایی نشا یسوی وشحمی د ر پهلو ی مواد پروتینی وویتامین ها زیاد تر استفاده کنید.

نباغلی عبدالله ناصری از پلخمر ی:

لکنت ز با ن د ر صو ر تیکه کد ا م نقصا ن عضو ی موجود نباشد یك‌اختلال کاملا روحی بوده و نزد مریضان بملاحظه می رسد در خصوص پیدایش آن گفته میشود که فکتو رهای رو حی واضطرا بی باعث بو جود آمد ن آن می گردد.

لکنت زبا ن بدو قسم است نزد بعضی اشخاص هنگا م تکنت تشنجات عضلات بلعوم و حنجره تقلصات عضلات وجه حجاب حاجز دیده میشود درین اثنا یك حرف و یاکلمه بمشکل بصو رت انفلا قی ومشدد به قسمیکه حرف اول آن بصور ت مکرر ادا میشود به ملاحظه میرسد مشکل دیگر آن طوری است که هنگام تکلم نزد بعضی اشخاص بعضی حر و ف کلمات از کلام افتیده ویك نوع خلا در کلمه و یاجمله باقی میماند در قسمت تداوی آن که شما پرسیده اید میگوئیم که لکنت زبان با تداوی هایی بخصوص زیر نظر دوکتوران عقلی و عصبی اجرا میشود.

(c) kelkhton.com: The Digital Library

روزنه ای بسوی تاریکیها

یادداشت از: لیلا ـ تنظیم از دیده‌بان

وقتی قدم به درون اتاق میگذارم نگاهم درصدر اتاق بمردی می افتد

که چهار زانو روی دوشك نشسته است . لباسش مرتب است اماگره نکتائیش سست شده است . مرد

لبخند میزند ومن درصورتش خیره میشوم . صورتی که گرد وپف کرده است وهیچ خاطرهٔ را در من زنده نمیکند. باتردید قد می جلو

میگذارم وهنوز لب ازلب بازنکرده‌ام که عمه خندهٔ میکند ومیگوید :

ـ لیلا! چرا اینطورقیافه گرفتی؟ محسن خان را نمی شناسی ؟

نگاهم را بصورت عمه میدوزم و سرم را بعلامت نفی تکان میدهم و میگویم :

ـ نه .

مرد مثل اینکه نفسش گرفته باشد، خنده بریده بریدهٔ میکند و میگوید :

ـ مهم نیست که لیلامرا بیاد میاورد یانه ؟ مهم اینست که من اورا کاملابیادمیاورم.آنوقت هاخیلی

کوچك بود، خیلی، مثل یك گربه ملوس ناز نازی .

مرد اشکی راکه گرد چشمانش حلقه زده است بادستمال سفید رنگی پاك میکند وبعد میگوید :

ـچرا ایستادی؟ چرا نمیشینی .

بابی میلی کنار عمه می نشینم و اوبا انگشتان خشك شده اش نیشگونم میگیردو آهسته میگو ید:

ـ نگفتم این پیراهن را نپوش ؟

من حرفی نمیزنم و صدای گرفته مرد دراتاق می پیچد :

گفته ، حالابگو به چقدر پول احتیاج داری ؟

ـ دختر جان! عمه همه چیزرا بمن

من سکوت کردم وحرفی نزدم . مرد نیم نگاهی بصورت من انداخت، سرش راکمی جلوتر آورد وبعد گفت :

ـ پدرت آدم جالبی بود، درواقع دوست خوبی هم بود، من نسبت باو دین بزرگی بگردن دارم و امیدوار هستم باکومك بتو این دین را ادا کنم .

مکثی میکندوآن‌وقت‌آه بلندی‌میکشیدو می‌گوید :

ـ زندگی بازی های عجیبی دارد من هیچوقت فکرنمیکردم پدرت‌چنین گرفتاری یی پیداکند ویااینقدر زود بمیرد . بهرحال حالاباید بفکر آینده بود، می فهمی دخترم بفکرآینده .

عمه باچاپلوسی نگاهی بصورتم می اندازدو میگو ید.

ـ لیلا! چراساکتی ؟ چرا حرف نمیزنی ، محسن خان یکی ازدوستان خوب پدرت است . باید هر مشکلی داری به اوبگویی .

بی مقدمه گفتم :

ـ من چیزی ندارم بگویم عمه ،

وقتی محسن خان می فهمد ما چه احتیاجی داریم، دیگر لازم نیست من صحبتی بکنم .

محسن خان شتا بزده میگو ید .

ـ بلی، بلی . حرف تو درست است دخترم . من همه چیزرامیدانم بهمین جهت تصمیم گرفته ام پنجاه هزار افغانی در اختیارت بگذ ارم تا خانه ازدست نرودسرشس‌را جلو تر می‌آورد ومی گوید .

ـ همین مبلغ کافی است دخترم؟

نمیدانم چرا پیشنهاد محسن خان خوشحالم نکرد،امابی‌تفاوت میگوئیم:

ـ بلی‌کافی است . اما ..

محسن وسط حرفم‌می دودومیگوید

ـ ناراحت نباش دخترم، من برای بازگرفتن این پول عجلهٔ‌ندارم هروقت که موفق شدی میتوانی‌آنرا بمن بپردازی، تازه من‌بازهم میتوانم به تووبه خواهرت کومك کنم. البته تاوقتیکه توبتوانی کاری پیدا کنی و

خوانندگان عزیز ژوندون قضاوت میکنند

محترم دیده بان !

بدینو سیله از گشایش صفحه‌جدیدی درمجله ژوندون که براستی دراین اواخر دستخوش تغییر های‌چشم گیرشده برای‌تان تبریك‌عرض می‌کنم. (روزانه ای بسوی‌تاریکی‌ها)راستی که دریچه است که به آن چشم ژرفنگر می‌تواند به سیا هی‌های شب زندگی، که گلیم تیره رنگش رابربخشی ازجامعه ما پخش‌نموده است، راه یابد .

این بخش فراموش شدگان، که‌مافقط گاهی از کنار آن عجولانه میگذریم واگربسیار بااحساس‌باشیم‌لبخند ترحم آمیزبرآن میزنیم، جزو ازجامعه مابوده واساس آن را دست‌های بلند بالای خود افراد جامعه و شرایط نابسا مان اجتماعی بنیا ن گذارده است. این‌گو رستانی است که درلجن آن قربانیان بی مبالاتی‌ما، شرایط نامساعد زندگی ، فقر استیصال ودرماندگی تاگلو غرق‌شده اند واکنون مذبوحانه در آن دست وپا می‌زنند، تعفن این‌لجنزار همه جاپخش شده و ماسعی می‌کنیم فقط بابستن مخزن بو ی‌بدآنرا احساس‌نکنیم‌واین سعی‌ایست سخت نابخردانه ودور از خواست‌زندگی یی است که بطرف پیشرفت وشکوفانی پیش میرود .

این لکه های سیاه که دامنجامعه راآلوده ساخته است، اگریك کمی به صورت ژرف بنگریم ناشی‌ازشرایط نامساعد خود جامعه ومولد نادرستی های آن است . گر چه‌یکی دومرد بااحساس حاضر شدند تابافداکاری دست نامرادلیلا رابگیرند واورا نجات بدهند . ولی سوال پیدا می شود که سرنوشت هزار هالیلا که‌اکنون دراین لجن متعفن دست وپای میز نه‌چه میشود ؟

آیامیتوان باچسپیدن به معلول‌علت راازبین برد ؟

جواب بسیار ساده است . نمی توان بانجات یکی دونفر لجن را از بین بردپس بایدماوشما تلاش نماییم بنیاد واساس این لجن وشرایطیکه انها را بمیان می آورد ازبیخ وبن‌برکنیم .

م‌د،ازکارته ۳

(c) ketabton.com: The Digital Library



زندگی خودو خواهرت‌را تامین کنی.

نیم نگاهی بصورت عمه انداختم لبانش تابناگوش ازخنده باز شـده بودو بنظر میرسید که‌از بزرگواری محسن خان سخت خوشحال است .

باوسواس همیشگی گفتم :

ـ اما پرداخت این پول برای من خیلی مشکل است، شمامیدانیدکه..

حرفم نیمه تمام ماند ومحسن با شتا بزدگی گفت :

منهم عجلهٔ ندارم .

عمه ازجایش بلند شد و بطر ف در رفت . اماپیش از اینکه از اتاق بیرون برود، محسن باصدای گرفته اش گفت :

ـ لازم نیست بخاطر من زحمت بکشید، من باید بروم .

عمه نیم رخ برگشت وگفت :

ـ هیچ زحمتی نیست، شما باید چیزی بخورید . تامن برگردم لیلا پیش شما میماند .

دلم نمیخواست عمه مرا تنهـا بگذارد وبرود، اماعمه رفته بود ومن چاره نداشتم جزاینکه تابر گشتن اوهمانجا بنشینم .

محسن نگـاهی بدربسته اتاق انداخت وگفت :

ـ من ظرف دوسه‌روزآینده ممکن است پول راتهیه کنم، اماتا آنوقت دخترم، توباید یکبار بیایی خانه ما.

بی اراده وباتعجب پرسیدم :

ـ خانهٔ شما ؟

ـ بلی : مگر چه عیبی ما رد تـو بهتراست با خانوادهٔ من آشناشوی من هم دختری به‌سن وسال تودارم.

من حرفی نداشتم بزنم . واقعاً چه باید میگفتم، دلم میخواست هر چه زودترعمه برگردد ومرا از این بن بست بر ها ند.

محسن هم خاموش چشم بمـن دوخته بودو حرفی نمیزد. یکبـار تصمیم‌گرفتم به بهانه ازاتاق بیرون بروم، اما درهمان لحظه در، صدایی کرد وعمه بایك سینی ویك گیلاس شربت وارد اتـاق شد ومستقیمـا بطرف محسن خان رفت . درسـت درلحظه که‌گیلاس راجلواومیگذاشت نجوایی کرد، نجوای گنگ ونامعلوم کـه برای من کـاملاغیرمنتظربود و کنجکاوی ام رابرانگیخته بود .

دلم میخواست بفهمم که عمه‌چه گفت :

ومحسن خان چراسرش را تکان داد ودزدکی نگاهی بصورت مـن انداخت ؟

ناتمام

(c) Ketabton.com: The Digital Library

برگزیده آلفرد هیچکاک



این داستان بکلی حقیقت دارد

اثر: کنستا نتین رکس

Konstantin Rex

ترجمهٔ س .وعا ج

حادثهٔ که درشب ۲۷می ۱۹۳۶ در کارگا ه نقاشی «موریس دوال» واقع پرسلاو بوقوع پیوست ، تاامروز بشکل مر موزشس د ر حافظه ها باقی ماند .آن حادثه عجیب بود، اسرار آمیز بود، باور نکردنی بود...

درآن حادثه یك هنرمند ،یك نقا شس معروف بقتل میرسد ونقشی قاتل در تابلوی نقاشس باقی میما ند !

• • •

موریس دوال از یك پهلوبه‌پهلو ی‌دیگر میغلتید. او خیلی ناراحت استو خوا ب از چشمانش پریده ... ساعت ،وقایقی قبل‌از نیمهٔ شب را نشان میدهد.

دوال از جابر خاسته، دستش را بروی قلب ناراحتش فشار میده ده .

او احساس میکند که گویی زره آهنینی را بدور سینه اش بسختی نصب کرده‌اند ...

نخستین برق «الماس‌ك» بفاصلهٔ یك ثانیه زنجیر سیاه شب را پاره میکند و غر شس رعب انگیزی متعاقب آن ،پنجره های اتا ق کوچك خواب را میلرزاند .

شتیلا ،همسر جوان نقاشس که تا اینده م روی بستر عریض فرانسه ای، پهلو ی‌دوال آرام غنوده است، فریاد زده از خواب‌میپرد.

مردکه خود وحشت زده‌است ، میگو ید:

«آرام باشس !» ... ولحظه ای بعد چراغ خواب را روشن میکند. سپس از بستر برخاسته ،کوت حمام رابشانه می اندا زدواز اتاق خواب بیرون میرود .



وقتی دروازهٔ اتاق بشدت بسته میشود ، ارتعاشش محسو سی سرایای شتیلا را فرا میگیرد ،ولی فریاد تند وقهر آلود و ی که میگوید «کمی آهسته تر !»بگو شس نقا شس نمیرسد .... دروازه مسدود است و هوا ی توفانزا بکلی تاریك و ترس آور ....!

شتیلا وحشت زده رو ی بستر نشسته، لحاف را بادستان لرزان روی زانو انشس که بسینه اش چسپیده است ، میکشا ند و اسم مر ریس باصدای خفه وملتمس‌ا زمیان لبان خشکیده اش بیرون میپرد ... «موریس!» این صدا ،فریادی هست که میبا یست مانند رعد منعکس‌گردد، ولی حروف لرزان در فضای تاریك اتاق خواب با ناتوانی محو میشود .... شتیلا بانگاه بیچاره‌متکای چملك شدهٔ دوالرا روی بسترش می‌بیند ...

شتیلا خیلی جوان است . هنوز بیست سالگش تمام نشده بخشس زیادی از زیبایی دارد و موریس راتاسرحدپرستش دوست میدارد.

•

برای او مبارزه میکند . تلاشس دارد او را خوبتر بشناسد و بیشتر کمکشس‌کند ..دوال بااخلاق عجیب خودش گا هی اورا سیلی میزند ، ولی شتیلا نه‌تنها عکس العمل بدی نشان نمیدهد، بلکه میرود مو های موریس رانوازشس میکند. بآغوشش میرود تا باردیگر پرتابش کند .... این وضع البته برای یك زن جوان د رد انگیز است .شتیلا ند ریجاً خودرا تنها می بیند ...

اشتباه زن جوان درین است که ماجرا رابه مزاج وکراکتر شوهر شس نسبت میدهد... درحالیکه حقیقت چیز دیگر یست :

شك وتردد شدیداً کنسترول اعصا ب موریس دوال رابرهم زده،برای وی ناراحتی روانی ایجاد کرده‌است . وی بخو دشس مشکوك است ، به هنرشس‌وبه‌شهکار هاییکه ازمویك نقاشس وی بیرون می آید ..

حتی بجهان وبمظاهر طبیعی پادید پر از تردید میتگرد . دوال از هفته ها وماهها با اینطرف افکار عجیبی‌رادرخود پرورشس‌میدهد این افکار وخیالات بزرگ میشوند ،قو ت میگیرند وتدریجا بشکل تصو را ت گیرنده در می آیند و رو ح حساس او را میفشارند .بر داشت این فشار بر ای هنرمندیکه تمرین نداشته است تادر تقویت روانی اشس سعی کند، کار ساده ای نیست.

موریس دوال سی سال دارد .بنام یك نقاش بر استعداد و هنر مند یکه در رشته اشس نبوغ دارد، در محیط شناخته شده،ولی او استعداد خودشس را تأیید نمیکند و در نبوغ خودشس شك دارد .

موریس ازین هم رنج میبرد که باو صف آنکه دربر سلاو زندگی دا رد و تبعهٔ آلمان میباشد ،اورا فرانسوی میگو یند ومهمتر از آن اینکه پدرو مادرش نیز فرا نسو ی بوده اند ..از پنهم میشد بسادگی بگذرد ، اما ناگوار تر از همه این بود که پدرکلانش از طرف مادر یهودی بود ... از این صدا همیشه رنج‌میبردکه گویی‌در مغزش انعکاس داشت: «موریس دوال ،هنرمند غیرمستعدی که ملیت خاصی ند ا رد ... مو ریس دوال نقاشی های خودش را به سرعت میفرشد و مانند یك مالیخولیا کار می‌کند ، موریس‌دوال به پول احتیاج شدیدی دارد و... »

واین انعکا سا ت که ترا و یدهٔ مغز بیمار خودش بوده است ،او را در ژرفنای اندوه میکشاند ،خرد وحقیر ش میسازد واعتما د را به نفس خودش نابود مینماید .در حقیقت رنج میبرد از اینکه نبوغ قابل اطمینا نی در رشتهٔ کار خودش ندارد ،از اینکه مشکلا ت مادی وی مانع آسایش فامیل او شده ...، از اینکه نطفهٔ ترس ووحشت بطـوری در وجودش نمو کرده که حتی از بر هم خوردن دوپلهٔ دروازه از جا میپرد ...

اگر تما یلات و ی تو سط یك روانکاو مقتدر مورد مطالعه قرار گیرد ،باین نتیجه خواهد رسید که موریس دوال‌در حقیقت نه تنها ازفرانسه نفرت ندارد ،بلکه در آرزوی رسیدن بان کشور زیبا است ..

فرانسه زیباست ، هنر را پرورش میدهد وهنر ور را باوج شهرت میرسا ند ،ولی دوام زندگی درفرانسه ،مستلزم‌پول فراوان است ... وموریس دوال پول ندارد !

عاقبت روزی فرا میرسد که موریس دوال امکانات رسیدن بآن‌سر زمین‌را خیلی‌نزدیك می بیند ... ولی چه اتفاق می افتاد در آن شب که موریس را سرا سیمه میسازد ؟ موریس چرا احساس میکند که سفربپاریس معنی سفر بسو ی مرگ را دارد ؟... این آواز چگونه در مغز وی انعکاس میکند ؟

• •

هوای توفانزا همه شهر را احتوا کرده است .شتیلا نمیتواند بیش از آن در اتاق خواب باقی بماند .آهسته ،با پاهای برهنه از اتاق خارج‌میشود .کارگاه نقاشی موریس دوال در انتهای دهلیز باریك قرار دارد . شتیلا دوًمتاً ملتفت میشود که از سورا خ کلید ،نور برق به بیرون میتابد .گوش بدر میسپد تا چیزی بشنود

لحظه‌ای همه جا خاموش است .

بعد آوازقدمها رامیشنود ،قدمهای انسا نیکه بشدت وگویی غضب آلود اینطرف وآنطرف میرود .می ایستدوبعد روی‌چوکی می نشیند بعد صدای شوهرش بگوشش میرسد .شتیلا تمام نیروی خود را بگوش منتقل میسا زد تابفهمد شوهرش در آن انزوا چه میگوید.. از لحن موریس دوال پید است که گو یی با شخص دیگری صحبت میکند ،مزتباصدای آندیگر اصلا بگوش نمی آید ...

شتیلا ،بعداً صورت مکالمهٔ شوهرش را اینطور بیاد می آورد :

«شما اصلا چطور باینجا داخل شدید ؟»

کسیی پاسخ نمیدهد وموریس بشد تمی گوید :

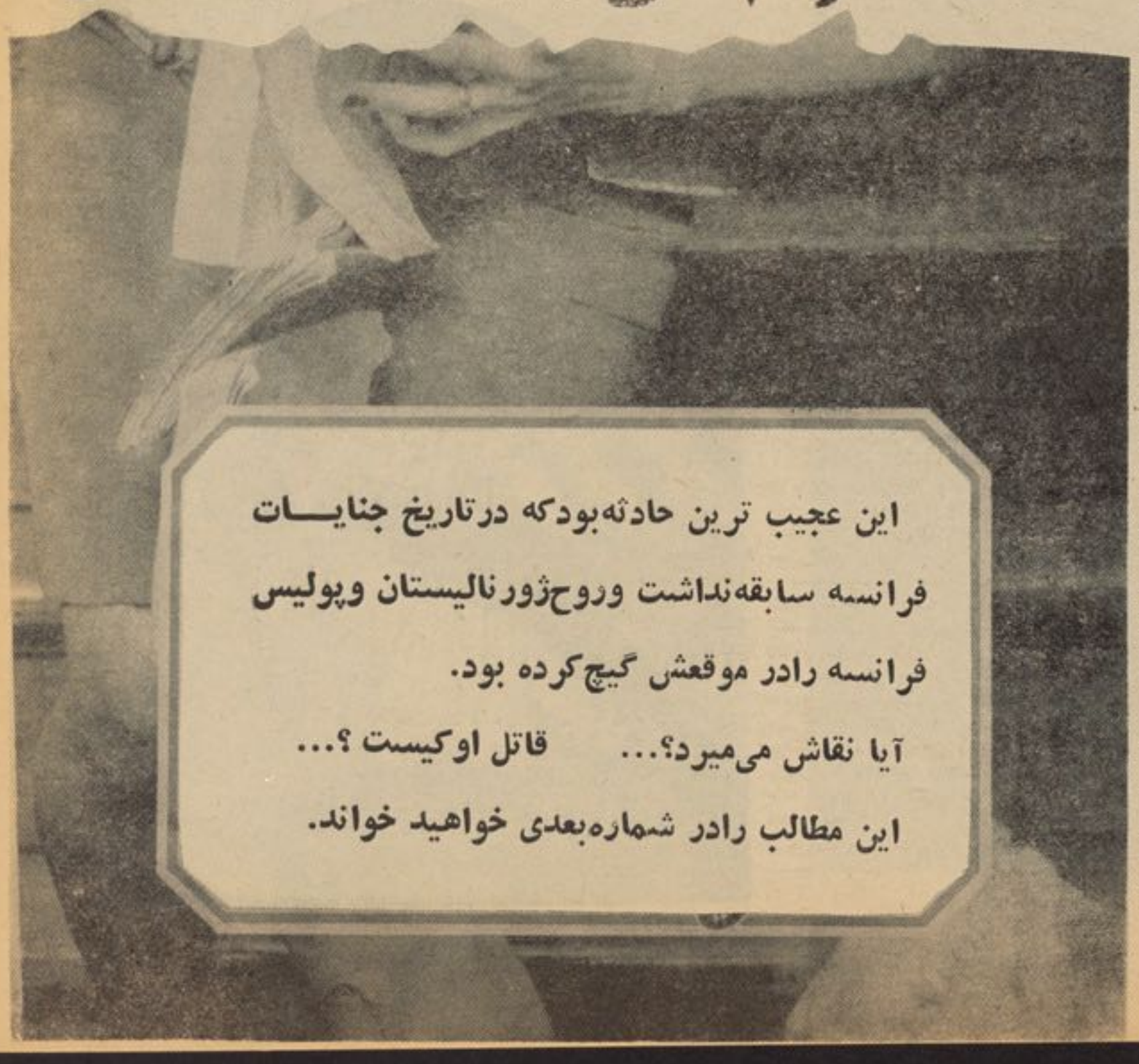
« آخر چیزی بگویید ؟»

باز هم سکو ت . سپس آواز قد مها به گوشش میرسد .یك انسان هیجان زده ،به

(c) ketabton.com: The Digital Library



آیادرخواب می بینید یا دربیداری



این عجیب ترین حادثه‌بودکه درتاریخ جنایات فرانسه سابقه‌نداشت وروح‌ژورنالیستان وپولیس فرانسه رادر موقعش گیچ‌کرده بود.

آیا نقاش می‌میرد؟... قاتل اوکیست ؟...

این مطالب رادر شماره‌بعدی خواهید خواند.

چپ وراست اتاق قدم میزند .باز هم‌صدای موریس :

«میگو یید ،از پاریس ؟»

موریس این جمله رابقدری بلند میگوید که شتیلا وحشت میکند .موریس به تعقیب آن فریاد گوش خراش میپرسد :

«از چه وقت اینجا آمد اید ؟،آخر از من چه میخوا هید ؟»

باز هم سکوت بر قرار میشود .ولی در اصل باید موریس دوال پاسخی برای سئوالات خود گرفته باشد ،زیرا بار دیگر اظهار میکند :«خوب است ،من نقش شما را میکشم .ترمیم قیافهٔ شما کار ساده ایست بهتر است روی چوکی بنشینید !... نه ،نه ایستاده بمانید !... بلی همینطور !»

موریس جملات اخیر را با صدای فشرده ومضطرب ادا میکند ...

شتیلا ،همسر جوان موریس دوال بعداً حکایت مینماید که : صدای شوهرم طنین ناجور داشت‌پیدا‌بودکه‌زیر فشار خوردکننده ای قرار دارد .بعد از ادای اینکه جملا ت موریس دیگر حرفی نزد وسکوت ممتد ی‌بر قرار شد ...»

شتیلا خود نمیداند چه‌مدتی عقب دروازهٔ کار گاه نقاشی شوهرش ایستاده ..ولی تدریجاً خسته میشو د.در پاهایش احساس ضعف وناتوانی میکند ودر حالیکه بخش اعظم قوای روحی وجسمی خود را از کف داده است ،بر میگردد بسوی اتاق خواب شتیلا به بستر می افتد ،ولی بیداراست با خودش حرف‌میزند :«اگرانسانی صداهایی میشنود ،در حالیکه آن صداها وجود خارجی ندارد ،این خودش یك بیماری است ...این بیماری را در اصطلاح طب چه نام گذاشته اند ؟... آری ،«شیزوفرینی»...

شتیلا گریه میکند ،گریهٔ بی صدا و خاموش .... تنها دلش میگیرید وآب زلالی از گوشهٔ چشمش فرو میریزد ..باو صف آن ،او اشتباه میکند ،شوهرش بیمار نیست موریس بمرض شیزوفرینی مصاب نشده... شتیلا یقیناً باین اشتباه خودش پی خوا هد برد. موریس دوال یك انسان کاملا نورمال است ومغزش بدرستی کار میکند ...مغز مطلب اینجاست که او احساس بسیار قوی وحیرت انگیزی دارد ،احسا سیکه سایرین کمتر از آن بر خورد ارند .احسا سیکه خودش نیز تاحادثهٔ آتشب از آن بی خبر بوده است ...

* *

وقتی سیاهی‌شب جایش‌را بنور خورشید رها میکند ،شتیلا هنوز بیدار به بستر خوابش افتاده ... هنوز بستر نقاش‌خالی است .

زن جوان از بستر فرود می آید ،دوشس میگیرد وصبحانه راآماده میسازد .در حالیکه وی هنوز به مطبخ هست ،موریس دوال‌وارد میشود .رنگ چهره اش پریده، برق غضب بشکل غیر طبیعی از چشمان بزرگش‌میجهد. وی حرفی نمیزند .حتی «صبح بخیر »نمی گوید .

شتیلا جرات نمیکند از وی سوال نما ید اعتراف به اینکه وی عقب درواز ۀکار گاه استراق سمع کرده است، کار درستی‌نیست بنابران شتیلا خاموش است وبا خود می اندیشید که اگر امکان سفر به پار یس‌میسر آید، یقیناً همه چیز درست خواهد شد یگانه حرفی که موریس موقع صرف‌صبحانه میزند ،اینست :

«تمام شب کار کردم ... تا آنکه بپایان رسید .بلی کارش را بکلی تمام کردم.»

شتیلا سعی میکندلبخند بزند،ولی موریس لبخند او را نمی بیند .

شتیلا بعد تر متوجه میشود که موریس باز هم میتپید .آهسته میرود ،درواز ۀکار- گاه را اندکی گشوده ،می بیند که موریس تابلوی بزرگی را بوسیله مقوامیپوشاند ...

بقیه درصفحه ۱۰۷

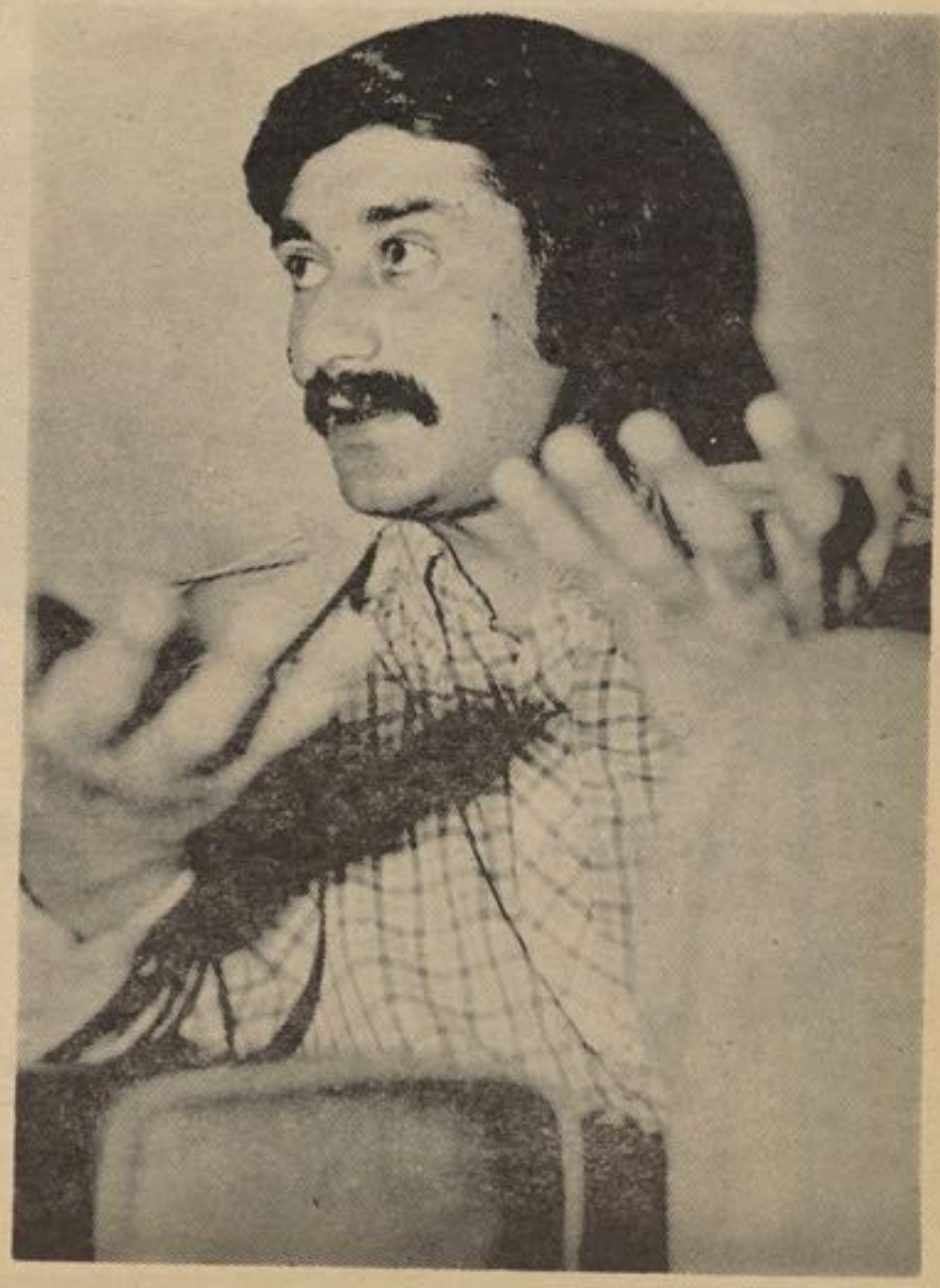
(c) Ketabton.com: The Digital Library

ظاهر هویدا

هویدا میگوید: مانباید تفاله‌موزیك غربی رابارديگر بردهن گذاريم.

بنظر هویدا، خواننده‌های ماتجمل‌پرست‌اند واین تجمل پرستی‌مانع‌رشدموسیقی سلیم‌است.

هویدامیگوید: موسیقی‌خرابات بیشتریك حرف است برای امرار معاش تا تلاش برای ارتقای هنر موسیقی.



حالا طاهر هویدا پیش رو یم‌نشسته است .هنرمندی که‌برای همه ما سیما ی شناخته شده‌یی است، حتی برای مر دم آنسوی **مرز های ما، هنوز هم آهنگ کمر** باریك او یك آهنگ موفق است .یك آهنگ دلپذیر است ولی او فقط خواننده آهنگ‌کمر باریك نیست ،یا بهتر بگو پیم فقط آهنگ کمر باریك شاهکار او نیست ،بلکه او می تواند آهنگهای بهتری‌بخواند، باصدا ی‌خوبی که‌دارد.

برازندگی صدای هویدا ،در مخصو ص بودنش است یك آواز سنگین وپر طنین **باپیهای فراوان واربا همین صدا بودکه آهنگ** کمرباریك را، مشهور ساخت وخود نیز با **آن آهنگ مشهور شد. بیشتر از پیش .** حالا اوپیش رویم نشسته است تابا او صحبت کنم ولی از اوچه بپرسم ؟اینکه از غذا هاچه رابیشتر دو ست دارد ویانخستین باری که‌پشت مکروفون نشست چه احساسی برایش دست داد ،حتماً باین‌پر سش‌هایم می‌خندید ، پرسش هایی که ازشدت تکرار نزوح آور شده اند، وآنهگی فایده‌اش‌چیست که‌طاهر هویدا ،مثلا ،آشك را بیشتر دوست دارد یا قورمه پلو را.

بگذاریه او از خودش‌بگو ید ،از هنرش ازموسیقی کشورش، از برداشت ها ی هنریش چراکه او خوا ننده آگا هی است خواننده‌یی که‌در پهلوی خواندن ،چیزها ی دیگری هم می فهمد ،می فهمد که‌یك‌هنرمند چه‌باید بکند چه رسالت دارد وچه التزامی.

روی چوکی نشسته است وبرای پروگرام رادیویی خودش پار چه تمثیلی می نویسد که‌من می پرسم:

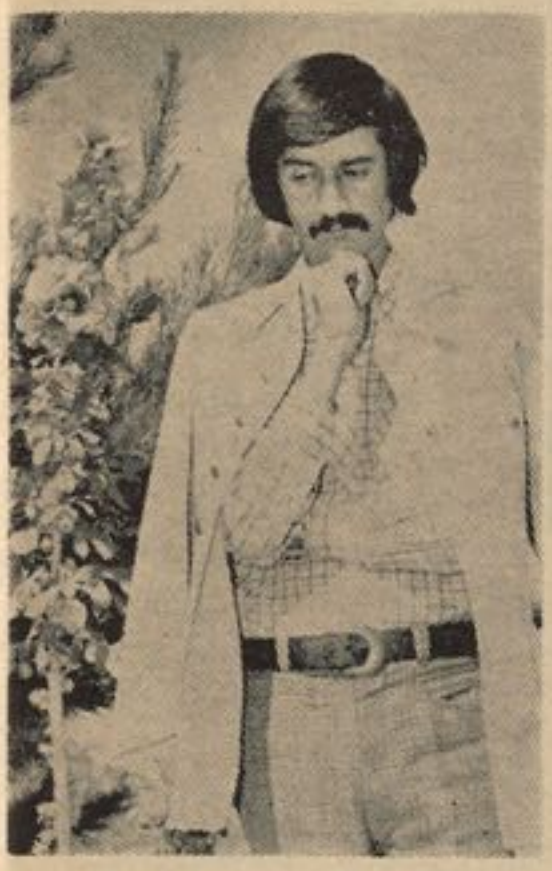
ـهویدا چرا گریز زدی،چرانرانه هایت رادریك کشور دیگر مشهور سا ختی آخر **این .... سخن مراقطع میکند :**

ـحق نداری نامش راگریز بگذا ر ی، **من رفتم، من ازاینجا سفر کردم تا تجربه** بیاموزم، تا موسیقی دیگران را ببینم و تصاورفا در پهلوی آن برای خودم شنوند ه **پیدا کردم .**

دستها یش را بسوی من دراز می‌کند، مثلیکه میخواهد دقیقا چیزی را بشمارد، انگشت های درازش را بترتیب بحته‌میکند وادامه مید هد :

ـ تصور کن اینجا سه ملیون شنوند ه داشتم آنهم درصورتیکه **تمام همین سه** میلونی که رادیو دارند ورادیو میشنو ند، هواخواه صدای من می بودند ،در حا لیکه بارفتن‌خود ۲۵ملیون شنونده دیگر بر این صدا افزون کردم خوب حالا **این حق‌را** داشتم یانه ؟

هویدا بی آنکه پاسخ مرا بشنود ادامه میدهد :



ـگذشته از آن من‌در روز هایی از اینجا رفتم که میکروفون خواندن بدست چند نفر محدود می‌لغزید واز انحصار آنها بیرون‌نمیشد ،من‌علاقه داشتم که بخوانم اماچگونه میخواندم تو بگو چگو نه میخواند م .

حرف رابجای دیگری میگشا نم :

ـچرا آهنگ‌کمر باریك تواینقدر سوکسه **پیداکرد ؟**

باعجله پاسخ میدهد :

برای اینکه یك آهنگ اصیل افغا نی‌بود **باسایه های فولکلوریك !**

مردم آهنگی را دوست دارند که ازمیان خودشان برخاسته باشد، خود شانرا در آن ببینند ،حدا قل چیزی از زندگی شانرا در آن ببینند وکمر باریك ازآن شمار بو د.

من عقیده دارم که هنررا مطابق خواست جامعه باید تولید کرد، هرچندکه‌در موسیقی بعد هنرهای دیگر نمیشود که نیاز مند ی جامعه رادر نظر گرفت .

می پرسم :

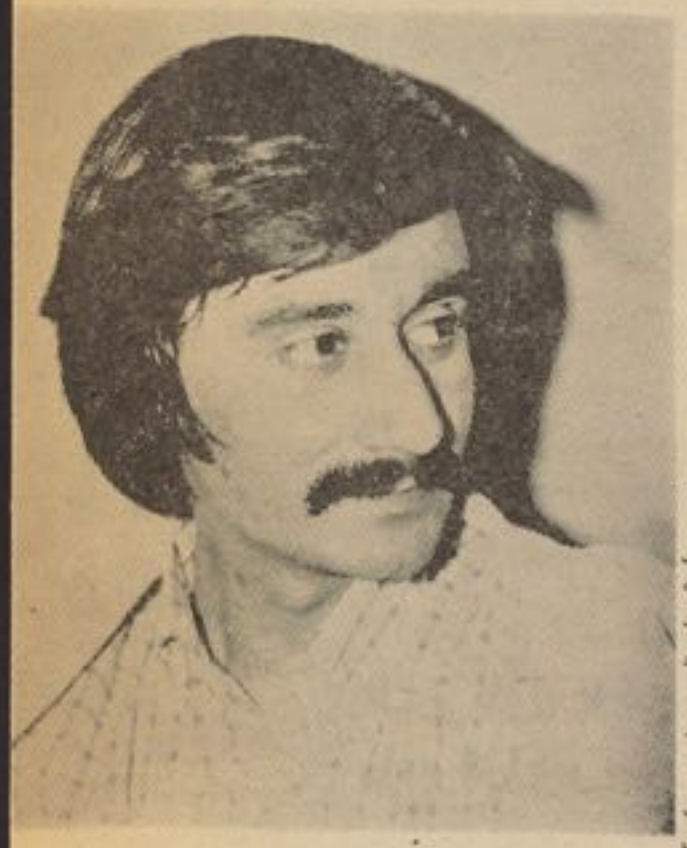
ـدرمورد مو سیقی معاصر چه فکر میکنی، آه عویق می کشد ومیگو ید :

درمورد موسیقی معاصر ما خیلی حر ف هاست که‌باید گفت ولی من در آغازمیخواهم بگویم ،این درست نیست که‌گر و هی میگو یند، هنر در جا معهٔ ما خریدار ندارد چراکه درعمل خلاف این‌امرثابت‌شده است،

(c) ketabton.com: The Digital Library

آهنگهای فولکوریک هرگز موسیقی اصیل را نتوانستند نمایش بدهند چون در این موسیقی دستکاری بعمل آمده بود

او کمر بار یک



شنونده یی که سی افغانی یعنی معاش یکروز خودرا میگذارد وبه‌شنیدن‌یك کنسرت می‌رود .تماشا گری همین مبلغ پولشی‌را که‌بازهم مصرف یکروز خانوادهٔ او ست در بهای یك تکت تیاتر میگذارد وتماشا گر دیگری که‌بازهم یك تکت سینمارا با هزار تبشس وتلاشس وبقیمت مزد روز آنهٔ خودشس بدست می آورد نشانه های از استقبا ل‌هنر

اند. وگرنه چه کسی اورا مجبور سا خته است که‌این کار را بکند .و گرنه چه‌کسی براو تحمیل کرده است که باید فلان فلم رابه بینی وفلان‌کنسرت ویاتسیاتررا . پس هنر در شرایط مو جود درمیان مر دم ما خریدار دارد وکسی که‌باورش ندارد حتما حقایق مسلم‌را نادیده .میگیرد .

اما وضعیت مو سیقی معاصر ما .

میخواهم سخن را ازتیاتر های شخصی آغازکنم ، تیاتر های‌که حالا ریشه‌کن شده اندولی تا تیرات ناگوار آنها هنوز هم‌هست مردمی که بیا یکوبی وابتذال عادت کرد ه اند چگونه ممکن است که‌یك تیاتر جذ ی‌ر استقبال کنند، مثلاً از مقتشس گو گو ل خوش شان بیاید ویااز خسیس مو لیر ، تیاتر های شخصی ذوق گرایی ها یی بسی بنیادرا تعمیم بخشیدند واین عمل‌نادر ستی بود نمونهٔ آن در مو سیقی ،آهنگها ی فولکلو ریك بود. آهنگ های فولکلو ریك واقعا فو کلو ریك نبودند .

درجواب هو یدا میگو یم :

چگونه ممکن است که آ هنگهای فولکلوریك .فولکلوریك نباشند در حالیکه این‌آهنگها مو سیقی اصیل را نمایشس دادند.

اوبشدت می خندد:

متاسفانه این اندیشه درست‌نیست‌آهنگها ی فولکلوریك هر گز مو سیقی اصیل را نتوانستند نمایشس بدهند چون در این موسیقی دستکاری بعمل آمده بود ،درشعر درآهنگ ودر شیوه بیان مو سیقی اصیل افغانی.

ازهویدا می پر سم:

پس مو سیقی اصیل‌ما، بنظر تو کدا م موسیقی است .

هویدا میگو ید :

مو سیقی لو گری، موسیقی هزار گی و امثال آن حالا اگر قرار باشد که‌ما موسیقی ملی‌واصیل خود را زنده کنیم نقطهٔ ثقل کارخود را ،شلاآباید برروی مو سیقی لوگری بیفزایم وآنو قت با اتکاء بدانشس موسیقی نابه های اصیل مو سیقی خودرا برون کشیم واین عمل هنگامی مقدوراست که‌موسیقیدان های ورزیده ودانشمند،این‌عمل دشوار را آغاز کنند .

درآنز مان در اصالت این آهنگ هاشکی نخواهد بود در حالیکه من د ر ما هیت فولکلوریك آهنگ های فولکلوریك شك‌دارم واشاره یی هم که‌یکبار در مصاحبه اصلاح سانیس نمودم صرفا بهمین آهنگ ها ی فوکلوریك رادیو متوجه‌میشود ،شما خودفکر کنید وقتی خواننده بی‌بخواند ، تولك‌مرغ مه للو، این آهنگ فو کلوریك است، .

ازهویدا می پر سم:

تو خودت تاحالا چقدر آهنگ خو ب خواندی ؟

طاهر هویدا که‌گویا منتظر این پر سش است میگو ید :

سی‌تا... تاحال سی آهنگ لبت‌کردم ام که‌هشت تای آنها از نظر من قابل شنید ن نیست ومی ماند در حدود بیست آهنگ‌دیگر ودر واقع من خواننده بی‌هیتم که‌از همگی کمتر خوانده ام بی شائبه میگو یم:



ولی همین آهنگ های‌اندك تو .آهنگهای خوبی اند .

او می خندد ومن می پرسم :

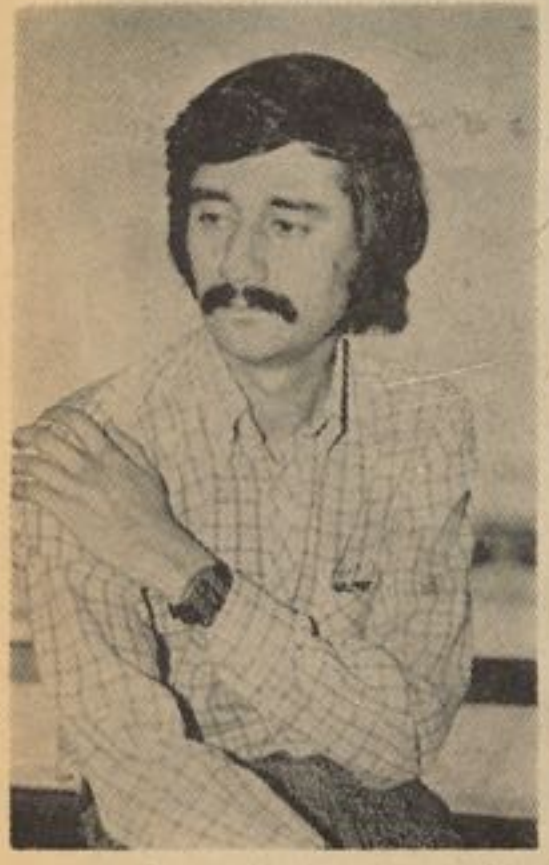
ـتو از صدای خودت راضی هستی ؟

او سکوت می کند و میخواهد که‌از پاسخ دادن سر باز زند که‌من بار دیگر تکرر از میکنم وهویدا باهمان صراحت همیشگیش میگو ید:

ـمن تا حدی از صدایم خو شم می‌آید ، مخصوصاً اینکه شخصیت ها ی حر فه یی ووارد در مو سیقی صدای مرا تحسین کرده‌اند، یادم می‌آید در اتحاد شور وی یك موز یسن آگاه وقتی صدای مرا شنید گفت:

وسعت صدایت باور نکردنی است ظاهر توبانهای صدایی که‌داری میتوانی یك خوانندهٔ خوب شوی ولی من عقیده دا ر م

بقیه درصفحه ۸۸

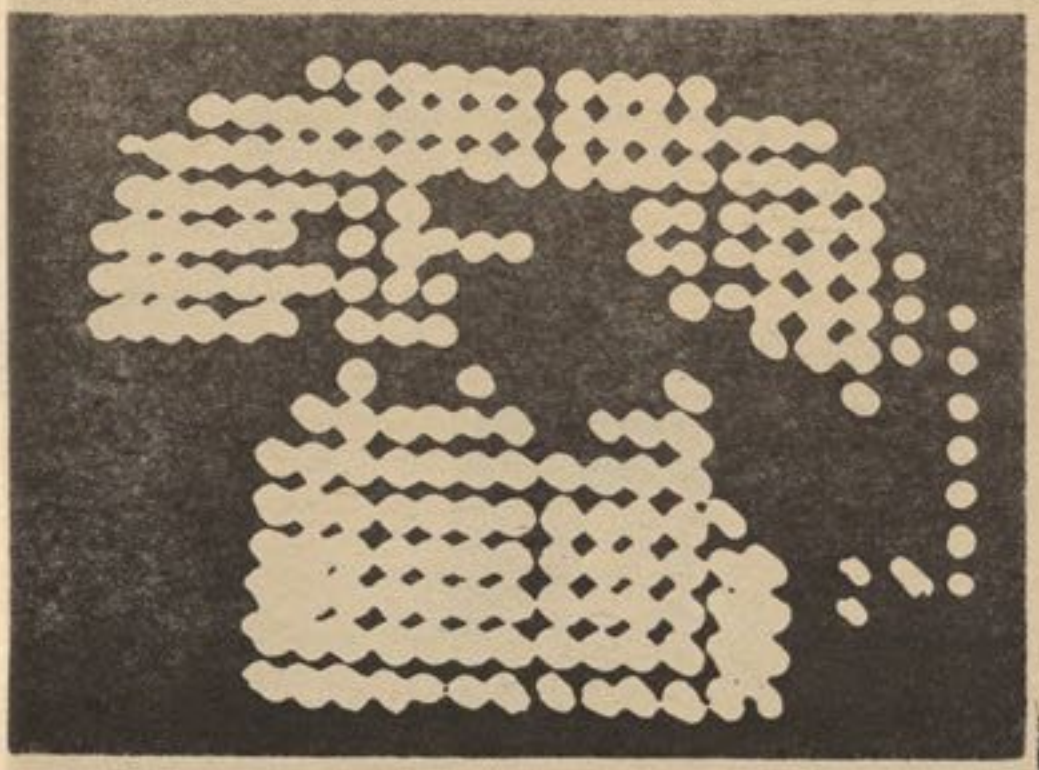


(c) Kayhan.com: The Digital Library

از شگفت انگیز ترین اختراعات زمان ما

با پوست بدن نیز میتوان دید

اختراع یك دانشمند کالیفرنیایی به نام داکتر پاول باخی ریتا عملا مفهوم کلمه (دیدن) را برای اکثریت نابینایان دربردارد.



یك نابینا برای اولین بار تیلفون را باین شکل دید.

نابینایان از همان بدو پیدایش عین احساس انسانهایرادارند که باچشم می بینند .

باوصف حصول نتایج قابل توجه در زمینه ـ باز هم فراهم آوردن تسهیلات وامکانات برای اینکه همه نابینایان بتوانند دنیای ماحول خود را ببینند تا امروز محدود مانده است .

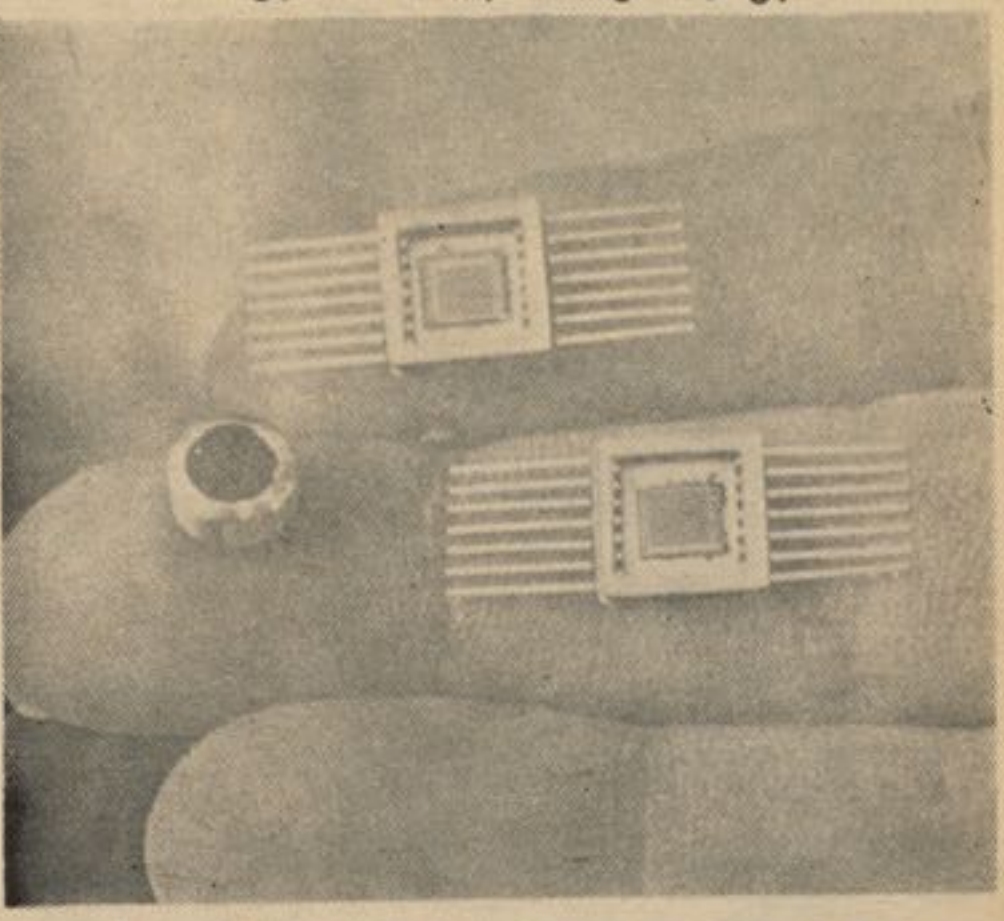
رسم الخط نابینایان ـ ارشیف فیته ثبت شدهٔ تیپ ـ سگهای رهنمای کوران ـ عصا چوب سفید و انواع دگر اختراعات مشابه امکان آزادی تحرك رابرای نابینایان حتی ازلحاظ روحی هم تضمین مینماید .

صرف نظر از بعضی تفصیلات دانش بشری در ساینس وتکنالوژی فی الواقع به مرحله پختگی رسیده است .

یك پروفیسر امریکایی بنام پاول باخی ریتا راه کاملا جدید تحقیقاتی را در مورد کمك به نابینایان در پیش گرفت واستفاده ازین طریقه به نتیجه پر سرو صدایی انجامید . اومشترکا باتیم همکار ان خود که متشکل از میخانیك هابود سیستمی راجهت استفاده نابینا یان مورد مطالعه قرار داد که مخفف آن تی وی ـ اس ـ اس یعنی «سیستم تعویضی احساس دیدن» میباشد در عقب این مخفف تی ـ وی ـ اس ـ اس چیزی جز این وجود ندارد که با استفاده ازین طریقه نابینایان می توانند تصاویر وعکسها را بشناسند ـ البته نه از طریق چشم بلکه به کمك جلد !

تخنیك تی وی ـ اس ـ اس تاامروز آنقدر انکشاف کرده که اشکالی برای استفاده عملی آن وجود ندارد. اما این سیستم باید تکمیل شود. بنآ بدون تحریك امیدواری کاذب میتوان هم اکنون اذعان کرد که این طریقهٔ جدید «دیدن» درآینده قریب برای نابینایان کمك موثری خواهد شد. تمام کارها ازیك چوکی خارج ازاستفاده یك داکتر دندان شروع شدکه دریك لابورمخصوص در انستیتوت اف ویژوال

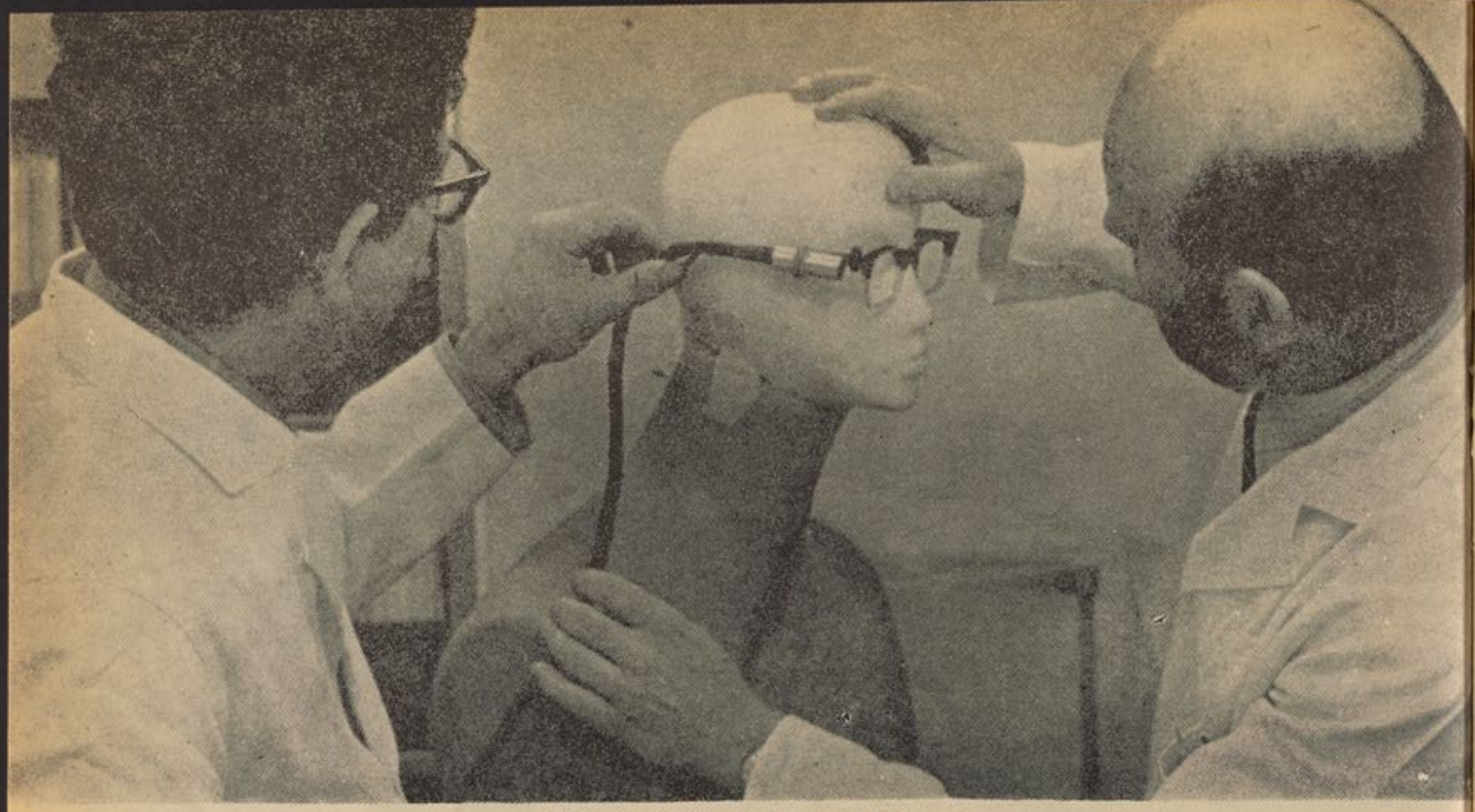
اینها وسایلی هستند که دیدن بوسیله جلد راممکن میسازند .



الکترودها باید بدین شکل بافته ودوخته شوند

صفحه ۲۶

(c) ketabton.com: The Digital Library



پروفیسر برروی مودل پلاستیکی‌این شهکار تخنیك را آزمایش‌میکند

ساینس‌درسانفرانسیسکوی‌کالیفرنیا گذاشته شده بود آغاز یافت .

در داخل پشتی‌چوکی دانشمندان یك شبکهٔ جال مانند راباٴصد نقطهٔ تماس شونده نصب کردند . یك کمره تلویزیونی از طرف نابینای مورد ازمایش بحرکت انداخته شد وعوض چشم طبیعی تصاویر اجسام واشیاء رائبت کرد.

تصویر نقطه یی تلویزیونی توسط یك‌آله تعویض کنند ه به‌نقاط متحرك تبدیل گردید وبه روی جلد نابینا که به پشتی چوکی با نقاط تماس شونده در تماس بود منتقل شد. از طریق سلول تنبهی جلد و مجرای رشته های عصبی جسم « اطلاع تصویر »به‌مغز شخص مورد آزمایش انتقال یافت ودر آنجا به شکل‌تصویر جسمی که توسط کمره اخذ شده‌بود د رآمد وبه این ترتیب تصویر برای نابینا قابل رویت شد .

داکتر باخی ریتا که از جملهٔهیات مدیره انستیتوت سمیت کتل ول میباشد در مورد بدست آمدن این نتیجه اظهار داشت : بعقیده من برای مغزبی اهمیت است که«اطلاع تصویر» را از طریق چشم گرفته سپس به مغز انتقال یابد. یا از راه جلد بدن وبه کمك کمره تلویزیو نی این کا رصورت گرفته واز مجرای رشته عصبی به مغز منتقل گردد.

این آلهٔ سحرآمیز صرف ٦ پوند قیمت دارد .

د رخلال این مدت آلهٔ مذکور انکشاف زیاد کرده است تجهیزات چوکی داکتر دندان که صد ها پوند قیمت داشت ـ اکنون به یك‌سیستم ساده وکوچك تلویزیونی که٦ پوند ارزش دارد تبدیل شده است .

یك تغییر محسوس دیگر که در آلهٔ مذکور وارد شده اینست که تصویر در عوض تکان های حرکی اکنون توسط ضربان برقی ضعیف

لطفا ورق بزنید



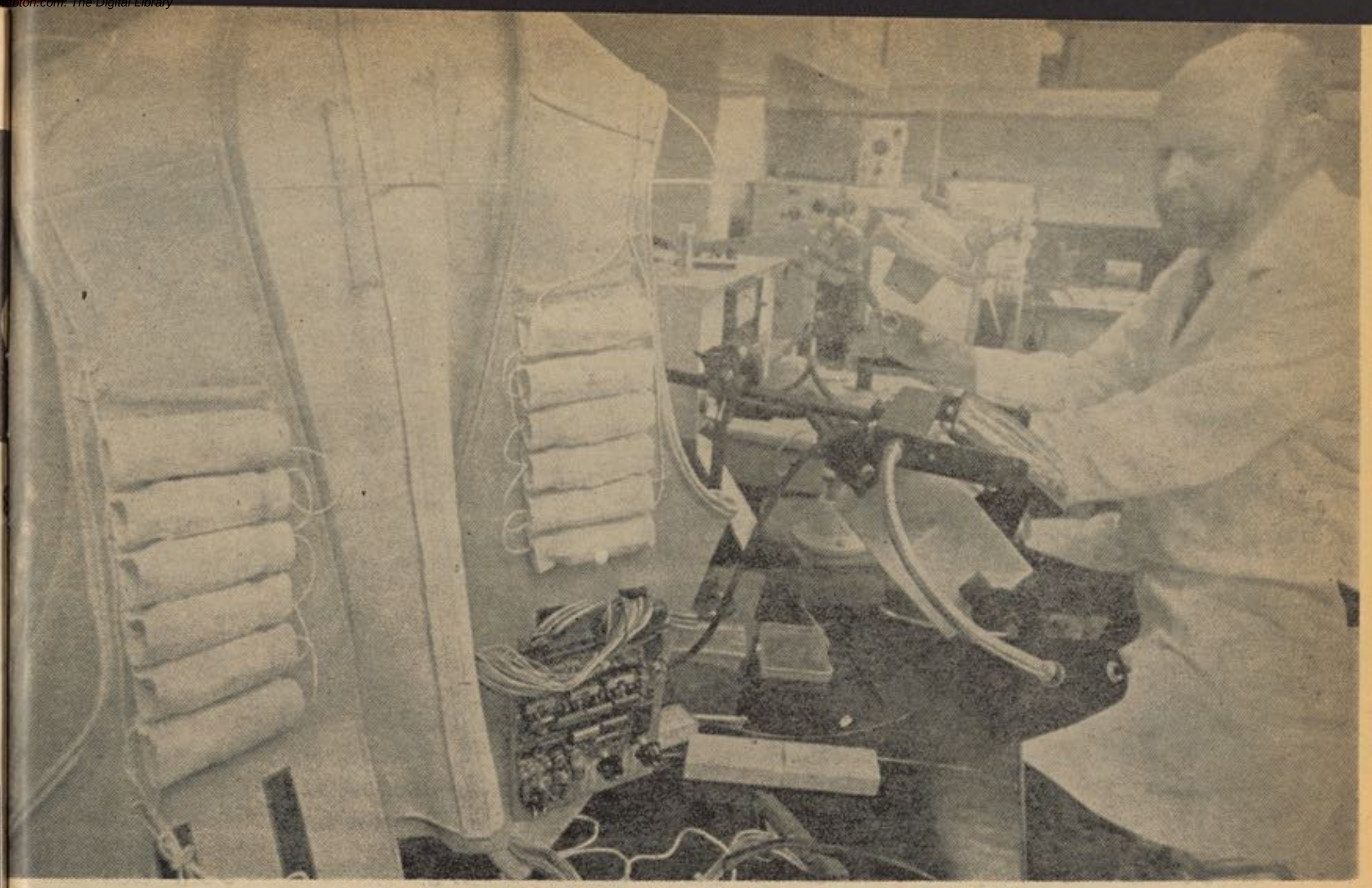
تلویزیون ریزدرچنین عینکی‌تعبیه‌شده‌است



یك محصل نابینا بوسیله این‌آله تمرین دیدن میکند

صفحه ۲۷

(c) ketabton.com: The Digital Library



فزیکدان مشهور ، کوینس، که‌درابداع «وا سکت نا بینایان»سهم موثر دارد .

به روی جلد منتقل‌میگردد. مدت‌دوام این ضربان برقی بین ده تا سه صد ضربان در میکروثانیه نظر به سایه روشن تصویر نوسان خواهد داشت به این وسیله‌کوران خواهندتوانست باتماس به این آله تا به چارده نو ع تون خاکی رنگ را از هم تفریق کنند. در عین زمان کمره سنگین تلویزیونی به نصب یك عینك سبك نگان دار تعویضی گردیده است . «اطلاع تصویر «بالای یك پارچه‌جالی مانند که دارای ۲۵۶ نقطه های (زیمولاتور)برقی‌میباشد انتقال‌میبابد اما درین اواخر انکشاف دیگری هم روی داده است. زیرا تعدادزیمولاتور ها چهارچند شده است. تصاویریکه توسط این هزار زیمولاتور به جلد واز آنجا به مغز مرد کور منتقل میگردد از لحاظ کیفیت بسیار روشن وصحیح میباشد .

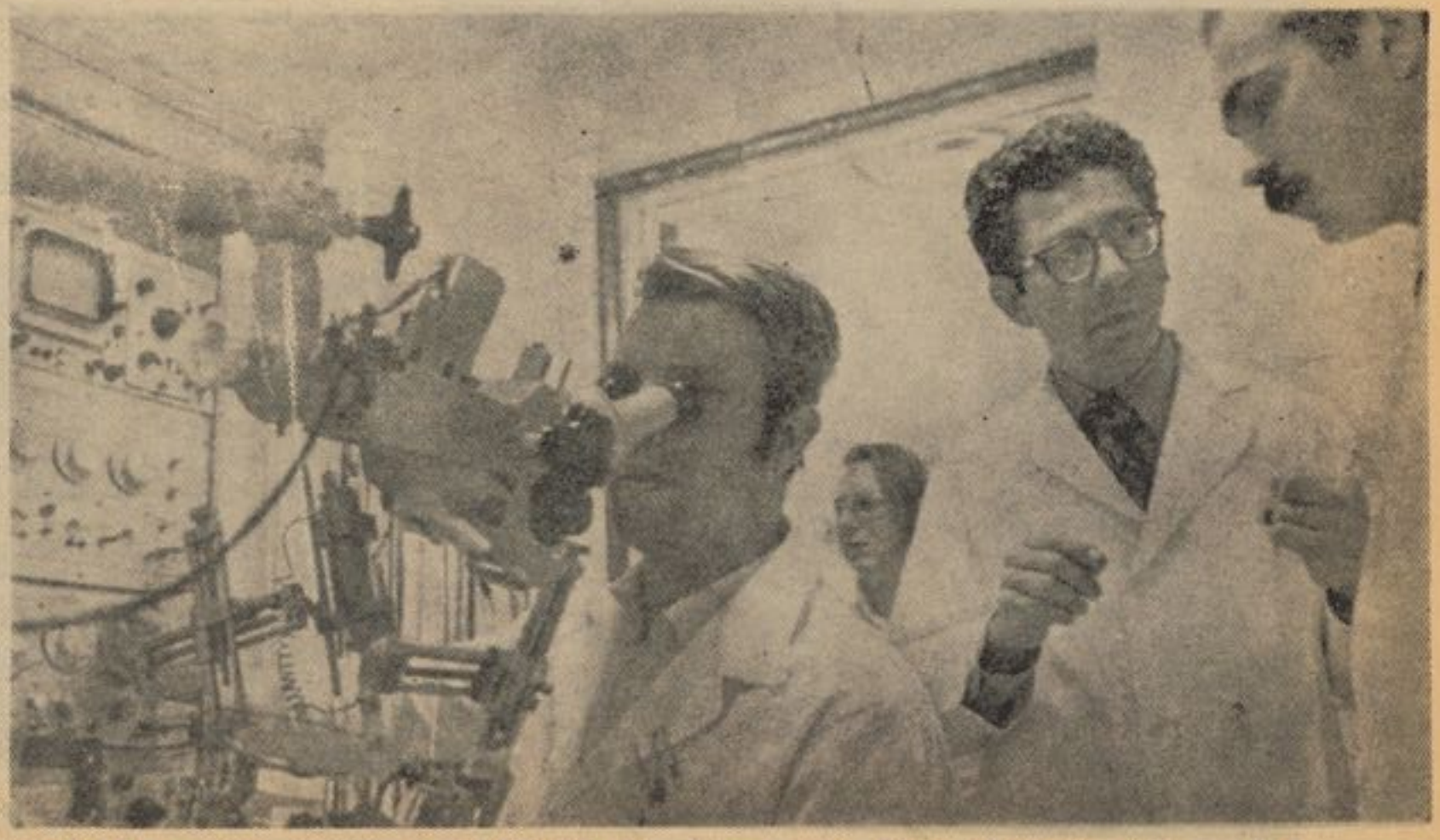
قدر مسلم اینست که دیدن‌ازطریق پوست باید تمرین شود. تدریس صورت استفاده از دستگاه تی‌وی – اس– اس برای شاگردان نابینا تا حد تصویر ساده میباشد. نخست خطوط ثابت وسپس خطوط متحر ك برای نا بینایان توسط دستگاه تی‌وی اس–اس نمایش داده میشود. متعاقبا اجسام گیو متریك مانند دایره ها– مربع ها – مثلثها واهرام نمایش داده شده و آنگاه با تصاویر پیچیده تری مانند حروف الفبا آشنا ساخته میشوند .

به اثر تمرین وممارست استاد می شوند .

داکتر باخی ریتا معتقد است که هر نابینا پس از گذشت ده تابیست دقیقه تمرین نخستین، شخصا قادر خواهد شد کمره را کنترول کند . پس از فعالیت ده تا پانزده ساعتهٔ دستگاه شخصی نابینا اصلا ارتعاش وضربان برق را به روی جلد خود متوجه نمی شود ودگر احساس‌نمی کندکه نقطه هایی‌گیرنده تصویر به پشتش تماس میگیرد .

مفاد دگرش مطابقت باز مان‌است: کورها نخست یك تصویر ازحواشی شی را در مغز شان مجسم میسازند.

وهم باید متوجه بودکه‌پرسپکتیف برای یك‌کور کاملا بیگانه میباشد مثلا برای یك کورسکهٔ پولی که در



پروفیسر داکتر پاول باخی ریتا(نفر دوم، سمت‌راست) حین‌مناقشه باسایر همکاران خویش در لابراتوارتحقیقاتی دیده میشود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوران باید بیاموزند که اشیا غیر از آنچه آنها احساس مینمایند معلوم میشود

دست دارد همیشه گرد می نماید . به کمك دستگاه تی وی- اس- اس این تصویر تغییر میکند . اگر بطور مثال سر خود را خم سازد یابصورت مایل قرار دهد در آنصورت تصویریکه توسط کمرهٔ تلویزیو نی اخذ گردیده در مغز مایل منعکس میشود . و حتی تصویر ازطرف شخص نابینا هم مایل اخذ میشود.

پروفیسر داکتر باخی ریتا به آله تی وی- اس-اس در محیط تجر به ارزش زیاد قایل است .

شخصی که ازین سیستم استفاده میکند صرف یك مقدار محدود وکم «اطلاع دیدن» را دریك مرتبه اخذ میکند . داکتر باخی ریتا میگوید : این عمل شبیهه به آنست که انسان در یك اتاق تاریك از فلاش عکاسی یك دفعه استفاده کند: مقدار خبر که یك انسان میتواند درین فاصله زمانی هضم نماید کافی نیست که ویرا قادر سازد به آنچه در ماحولش تجلی میکند کاملا آشنا شود.

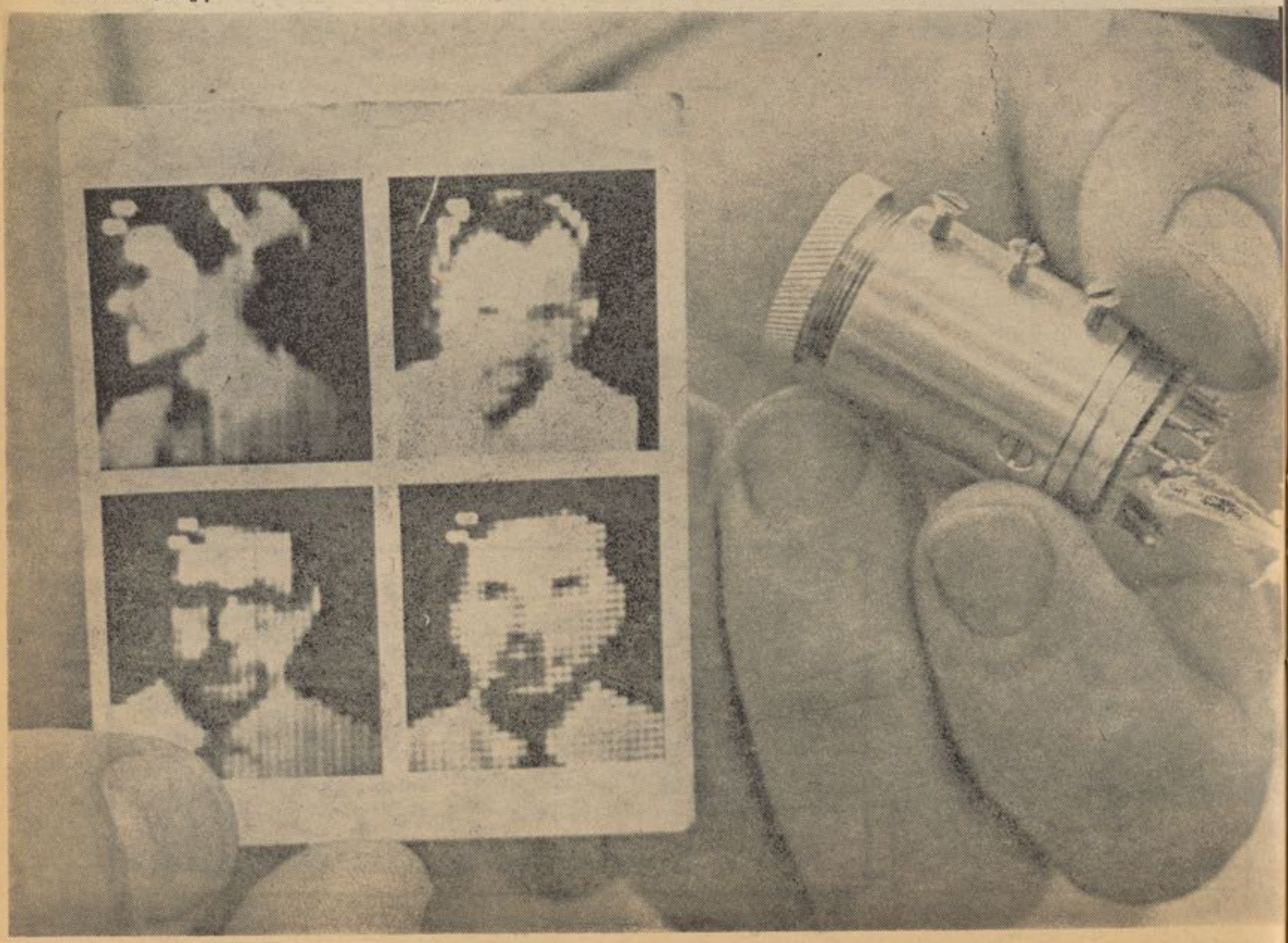
بابوجود آمدن امکان دیدن امید کار کردن برای نابینایان بیشتر شده است :

پروفیسر و همکارانش توانسته اند اثبات کنند که استفاده ازدستگاه دیدن مخصوصا در امور تربیتی و حرفوی مفید و قابل توجه میباشد . نه این ترتیب آنها میخواهنددستگاه تی وی- اس اس بیشتر برای ادامهٔ تحصیل آن عده محصلین که کور مادر زاد میباشند مورد استفاده قرار گیرد درین قسمت بازهم ساحه دید دارای ارزش میباشد . مخترع آله مدعیست : کوران باید بیا موزند که اشیا غیر از آنچه آنها احساس مینمایند معلوم میشود برای کورا ن باید نخست رویت اجسام تناسب‌ها وساحه را خالی ساخت و فهماند .

نتیجه تعلیم از طریق استفادهٔ سیستم جدید بیشتر به استعداد و لیاقت شخص تحت تجربه بستگی دارد. دانشمندان متوجه شده اند که آن عده از شاگردان نابینا که رشته های ساینس مهندسی وانجنیری را انتخاب کرده اند توانسته اند بهتر ازین سیستم استفاده برند.

کارلز کولیتر میخانیك تیم دانشمندان تحت رهبری پرو فیسر داکتر باخی ریتا درینباره مینگارد : بسیار عجیب است وقتی انسان میبیند که یك نابینا باجرات وارد لابوراتو شده بطرف یك شی که خواسته اوست میرود و آنرا از جایش به سهولت میبردارد همچنان بسیاری از نابینایان که اکنون ازین کمره های تلویزیونی استفاده‌میکنند بسیار راضی به نظر میرسند، زیرا آنها میبینند. اما گاهی هم انسان متوجه عکس توقعات خود میشود . چنانچه باری یك مرد کور از داکتر باخی ریتا خواهش آرزو کرده بودکه یکبار قیافهٔ همسرشرا با استفاده‌از آله تی‌وی - اس‌اس ببیند این آرزویش از طرف داکتر بر آورده شد .

بقیه درصفحه۹۲



(c) Ketabton.com: The Digital Library

مطبوعات جهان ازین صحبت میکند که :

قلب صنایع

● حکومت بن سعی دارد تا از سقوط تولید ذغال وفولاد جلوگیری کند.

● رو هر ـ منطقه صنعتی آلمان اکنون به ویرانی کشیده میشود.

در گذشته ـ بخش روهر را آلمانیان بنام انبار آهن، یاد نموده وا ز آنجا تمام مواد خام صنعتی و خو ن صنایع نظامی در رگ های را پش جریان می یافت. دراینجا انسا نان ثروتمند وغول های سر مایه چون گروپ وتیشسن آلمان را با دودهای دود کش های فابریکه به تیره‌گی خفه کننده پو شانیده وزمین راغبار سیاه رنگ ناشی ازدودذغا ل‌سنگ درهم بیچیده است د ر اینجا امپراطوری های عظیم فولاد وآ هن حکومت میکنند. هم‌چنان درکرانه‌های گل آلود دریای روهر ماشین جنگی قیصر ووفرهرویاپیشوا (هیتلر) برای حراست ازاین غول های صنعتی براه افتادند.

جهان بیرون ،به وادی رو هربه خاطر اینکه لشکر های غول آسای آلمان برای به ز نجیر کشید ن همسایگان کشور های دیگر برامی افتادند ـ بچشم نفرت می نگرند.

زمانیکه دود کش های سر بفلك کشیده رو هر زیر ضربه ها ی بمباردمان متحدین می لر زید بسیاری از رهبران سیاسی و مغز های ـ اقتصادی خواها ن آن بو د ند که‌دیگر نباید به‌این دود کش ها اجازه قدا فراشتن داد.

ولی رویا های این اشخا ص‌واز جمله مور گانتو که‌میخواست تا منطقه صنعتی رو هر توسط نیروی بین‌المللی کنترول شده وآن رابیك محل زراعتی تبدیل نمایند به‌تحقق نپیویست وباتلاشس های آلمان‌غرب وبمیان آمدن «معجزه‌های اقتصادی» پس‌از جنگ دوم ـ رو هر زندگی صنعتی رادو باره از سر گر فت. دودکش های جدیداززیر خاکستر جنگ سر بلند نمود.

معادن قدیمی شروع به بهر ه برداری نموده ومعدن های جدید کشف گردید.

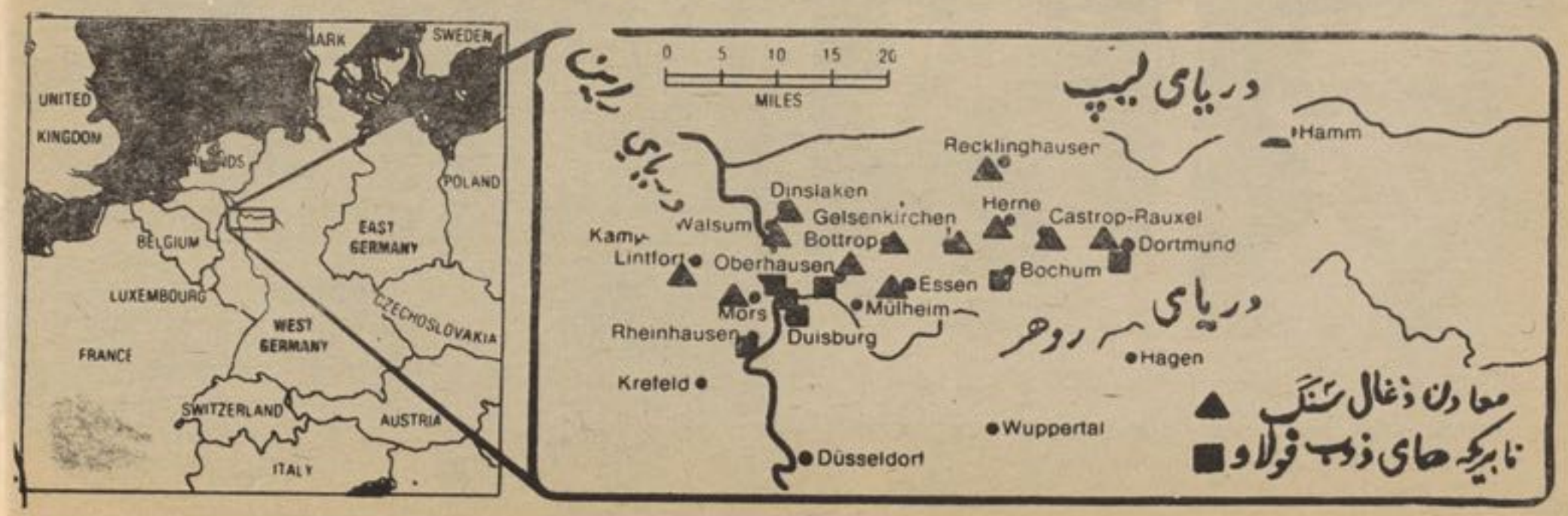
آسمان خراش های صنعتی در پردرآمدترین ایالت آلمان بحسا ب انسن ودو سله رف قد برافراشتند می‌رفت درسال گذشته کمترین عاید روهر زمانی محل صنایع جدا جدا بوده‌ولی حالا بحیث یك‌واحدصنعتی عظیم که‌درآن ۱۰میلون انسان‌نفس می‌کشد تبدیل شده‌است .در ظرف چندسال از همین قلب پر آهن میلیون تن ذغال وفولاد بیرون آمد وبه‌آلمان قدرال آن قدرت را بخشید تادر زمره بزرگترین قدرت ها ی صنعتی ارو پای امروز درآید.

امروز همه چیز دگرگون شد ه است. رو هریا قلب صنایع آلمان اکنون‌گاه‌گاهی بصورت‌نا منظم‌حرکت نموده وتکان‌های‌ترس آورمی‌خورد. بین قیمت بلند ذغال ر و هر و منا بع انرژی دیگر چو ن نفت ـ گازو انرژی اتمی منابع‌عظیم روهر دروضع بدی قرار دارد. معد نی به‌دنبال معدن ترك‌می شود .در ماه اخیر آخرین مخزن‌ذغال سنگ‌ساحل روهر جابیکه در درازای‌دو سده هم چنان شکو فان بود، بسته شد..هم چنان قیمت سر بفلك کشیده ذغال سنگ روهر ضربات سنگینی به مناطق فولاد وارد سا خته وا ین ضربه هابه اندازه شدید است که بسیاری فابریکه‌هااز روهر نقل‌مکان نموده است. ولی تراژیدی تر ین رویداد در این حقیقت تلخ نهفته است که:

رو هر که‌به صو ر ت سنتی



دود ذغال سنگ ،خطر جد ی برای کار گران دارد .



تصویر بزرگ نمای از منطقه‌صنعتی رو هر

(c) ketabton.com: The Digital Library

به‌خاطر پاك نگهداشتن محیط زیست بشر اکنون نسبت به‌ذغال‌سنگ به‌نفت توجه بیشتری وجود دارد

آلمان خالی میشود!



یك خانواده کارگری

رابدست آورد.

هیچ پایانی وجود ندارد :

ریشه های اساسی درد سرروهر دراین نهفته‌است که **این محل به شدت روی صنایع ذغال‌متکی است. درحقیقت کاهش در تولید های** ذغال روهر، اکنون چشم‌گیر است. درسال ۱۹۶۰ رقم تولیدات به‌۱۴۲ میلیون تن می رسید در حالیکه امسال این رقم به ۱۰۰ میلیون‌تن کاهش یافته‌است. همین آغاز کاهش است. به عقیده بسیاری ناظران اقتصادی، تاسال ۱۹۷۵ این رقم‌به ۷۰میلیون کاهش خواهد یافت وبه‌این ترتیب در در آزای۱۵ سال کاهش پنجاه‌فیصد را نشان میدهد. به این ترتیب فکرمی‌شودکه این‌رقم بی‌پایان بوده‌و فرجامی به آن دیده نمی شود.

درزمانیکه خبر بحران انرژی جهانی با حرف درشت در صفحه های اول روزنامه های بزرگ نشر می‌شود کاهش در تولیدات ذغال سنگ خبر تکان دهنده است.

باآنهم ،وادی روهر- هم‌اکنون درحدود ۶۰ بیلیون تن ذخایر ذغال سنگ دارد که‌در پرتو مصارف کنونی می تواند مصارف آلمان را تا ۵۰۰ سال تکافو نماید.

ولی مطلب روشن اینست که قیمت مصارف خیلی زیاد شد.

بگفته یك اداره چی صنعت‌در آلمان «یك معدنچی آلمان در هر مرحله کار فقط ٤تن ذغال‌می‌تواند استخراج کند. درحالیکه‌یك معدنچی‌آسترالیایی بنابر موقعیت خوب زمین در همان مدت ٤٠تن بهره می گیرد».

این حقیقت ، بخاطر بلند رفتن دستمزد هاو کاهش ارزش مارك بمیان آمده ویك تن ذغال سنگ‌را ٦دالر قیمتر از ذغال سنگی‌که وارد می‌شود، بلند برده است.

مطلب دیگر اینکه ، ذغال سنگ اکنون‌بیکی از «نامنا سب تر ین» منبع انرژی تبدیل شده و آنا نیکه برای پاك نگهداری محیط زیست



محل های کارگری سر زمین‌روهر روبه ویرانی میرود

صنایع جر منی مانند دیگر صنا یع روزبروز اتکاء بیشتر به نفت می نماید. مواد سوخت مایع که‌درسال ۱۹۵۵ فقط ۲۵فیصد مصارف انرژی را درآلمان می‌ساخت. اکنون به ۵۵ فیصد می رسد. ودر حدود ۹۵فیصد این مواد از بیرون وارد می شود.

انتقال از مصارف ذغال به نفت روی حقایق تلخ اقتصادی استوار است، در طول سال ها ، معدنچیان آلمان سعی کردند که‌برای بدست آوردن ذغال ژرفتر در خاك رو هر به کاوش بپردازند. هر قدر که آنان عمیقتر کاوش کردند به همان اندازه بهره کمتری بدست‌آورده و انسان مبارز می کنند به شدت‌به آن مخالف اند. برای پاك نگهداری محیط روز به‌روز صنایع اتکای‌بیشتر به‌نفت می نمایند.

ولی بآنهم حکومت آلمان از کاهش تولیدات ذغال سنگ روهر به تشویش‌اند. زیرا این‌امر بی‌نظمی را در اسکان مردم بوجود آورده است. درسال ۱۹۶۰- معادن‌رو هر تا ۵۰۰٫۰۰۰ کارگر مرد رااستخدام نموده بود در حالیکه امروز این‌رقم به ۲۰۰٫۰۰۰ نفر می رسد. همچنان ممکن‌تاپایان سال‌جاری۱۱٫۰۰۰معدنچی از روهر رخت بر خواهند بست.

بقیه در صفحه ۸۹



دودکش ها هرروز بیش از پیش‌فضای شهر را آلوده می‌سازد

خپلواکی

دجمهوریت په‌غیږ کښی

دو جدی په‌قلم

*** افغانستان هر څلویښت کاله و رو سته قیا م اواوښتون ته ضرور ت درلود.**

*** اقتصادی خپلواکی زمونږ خپلواکی بشپړ ه کولی شی.**

د جوزا ٦ ـ ورځ د اسیا پـه تاریخ کی ډیره لو یه ورځ ده ځکه چه ٥٤ کاله د مخه په دغه نیټه دافغانستان په‌یوه وړه رقبه کی یو لوی تاریخی ولس یو قـوی او پیاوړی استعمار ته په سر داسی گوزار ورکړ چه متفکرو ماغـزو ئی په خپله د خپل ناروا کار نقشی‌او پرو گرامونه غلط وښودل .

دافغانانو فکر اوعمل دو خـت ډیر ستر استعماری طاقت ته چه په اصطلاح په استعماری قلمرو کی ئی لمرنه ډو بیده د عبرت داسی یو درس ورکړ چه دوخت دستـر سیاسی اقتصادی اونظامی طا قـت وسلی دسیسی او پیسی نوری د ملتونو د ملی ارادی په مقابل کښی بی ثباته او بی اثره ذرایع دی .

د برتانوی استعمار په پرسیدلی خان چه دهغه وخت د یوسیا سی او اجتماعی سر طان پـه څیـر ئـی جـر ډی هـر ی خوا ته غځیدلی وی د افغانانو دی ضربی د استعمار په ماهیتونو کی تغییر راوست له همد غه و خته استعماری ما غزو ته نوی فکر پیدا شو او له همدغه وخته مستقیـم استعمار غیر مسـتقیم ا قتـصا دی فکری او کلتوری استعمار ته ځای پریښود اوله افغانانو سره دیـوی پیړی مصرو فیتو نو دوخت‌استعمار ته وښودل چه له یو داسی ملـت سره د زور ازمویل چه خان دنړی له پیاوړ و ملتو نو سره په سیالی کی‌ټیټ نه بولی خان‌ته دځا نـی‌او مالی زیا نونو اوتاوا نونو اړولونه پرته بله نتیجه نه لری له همدغـه وخته و پوهیدل چه‌دنورو اولسونو ځخه استعماری او استثماری ګټی اخیستل له سترو زیانونو سـره مرادف کار دی نو ځکه ئی لـه افغانانو سـره دمخـا مـخ مقابلی سیستم پر یښود اولـه نورو لارو چارو څخه په‌استفاده سره ئـی د افغا نانو په مقابل کښی خپله کینه سپره کړه.

د افغانستان د خپلـوا کـی د بیر ته ګټلو اغیزه او انګیزه د آسیا اوآفریقا په‌نورو هیوادوکی فور ی وه د آسیا او افریقا د عظیمو قارو لویو ولسونو د سر په سترګـو ولیدل چه د نـړی ستر استعما ر تقریبا د یوی پیړی په اوږده موده کی په ټول قدرت او طاقت ځـا ن درقبی په لحاظ دافغا نستان غوندی کوچنی هیواد سره مصروف کـړ خوبریالی نشو دغـه استعمار ی طـاقـت پـه ټـو لـه (١٩) پیړی کی دوه ځله موقع ومونډله چه د افغان ولس ستونی ته‌لاس نړدی کړی خو په هرځلی د دغـه مستقیم تسلط موده ډیره لنډه‌شوی ده او د ملیونو سخت مقاومـت او مبارزی د استعماری تسلطونو موده ورلنډه کړی ده.دتاریخ او سیاست پوهان شلمه پیړی پخواله هغه چه داتوم دپیړی نوم ورباندی کښیږدی

په آسیا او افریقا کی د ملـی خپلواکی د نهضتونو پیړی بـولی حقیقت هم دا دی چه له اوږده او درانده خوب نه د آسیا او افریقا دلویو قارو ویښیدل داسی لو یـه پیښه وه چه ددی پیړی فکری او صنعتی انقلابونه‌او علمی اوتخنیکی عظیم تحولات ئی تر شعاع لاند ی راوستل .

په‌دغه لوی جهانی اوښتون‌اوبدلون کی افغان ولس د ملی نهضتو نو دقهر مان اوعلمبردار صفت وګټلی شو .

افغان ولس خپله پوره سیاسی خپلواکی دشلمی پیړی په شرو ع کی واخستله یوازی ئی دخپـلـی خپلواکی په بیرته ګټلو قناعـت ونکړ بلکه خپل کوچنی هیواد ئی د آسیا د نورو ولسونو د پـاره د مبارزی یو ډګرو ځاوه .

ژوندون



زمونږ ملی خپلواکی ددا ســی‌ځوانانو دملی‌غور ځنګ په بر کت‌ګټلی شوی ده همدوی به‌داوطن او دهغه ځوان نظام (جمهوریت) ساتی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغان لوی ولس څلویښت کاله دبیړنۍ خایه غرور په فضا کښی د نیمګړی سیاسی خپلواکی په غیږ کښی د ((خیر او خیریت)) ترشعارونو لاندی غافل وساتل شو.

دافغانستان له خپلو ا کـــی ګټلو نه وروسته دهند دنیمی قاری آزادی د افغان قهرمان ولس او افغانی ملی زعامت دوهم لوی هدف ډله همدغه امله دهند دبحر لـــه څنډو څخه د افغا نستان په لوری مهاجرتو نه شروع شول او دلویی آسیا مبارزینو د څان دپاره یـــو مسئون ټاتوبی پیدا کړ او افغا ن ولس موقع ومونده له چـه نـو رو ولسو نو ته دآزادی او نـــجات درسونه ور کړی.

د تاریخ او سوسیو لوژی پوهان ډیر ځله دی پوښتنی ته په ځواب برا بړولو بوخت شوی دی چه لویی پیښی او لوی کسان یودبل سـر ه لوی کسان دی چه لویی پیښی ایجاد وی یو جامع خواب چه دغی پوښتنی ته موندل شوی دی دا دی چه لویی پیښی او لوی کسان یودبل سر ه مستقیم ارتباط لری .

د وخت د امارت په غیږ کی د (افغان امان) ظهور د هغو پیښـو نتیجه وه چه استعماری بقایا وو او دسیسو را پیدا کړی وی خوان امان الله دخپل پلار دامارت د ناز او نعمت په غیږ کی د ملت دردونو اوخوږونو نارامه کړی ؤ ده په هغه وخت کی کاملا محسو سوله چـه (صورت می خپل واك ټی د بل دی) هغه پوهیده چـه پـردی لاس د افغا نستان زعامت فلج کړی دی ، هغه ناروا بلله چه د هیواد حساس ماغزه دامتیازاتو او القابو سلسله د غرور او بی ځایه افتخاراتو په نشه کی بیده وساتی هـغه اراده وکړه چه خپل عزت او عمظت د خپل ملت په عظمت او د خپلی قاری په عظمت کی تامین کړی له همدغه امله ټی په ستر زړه ورتوب سره ځان پاچاهی ته چه دوخت دفیودالی سیستمو نو په مقابل کی یـــوه ضروری پدیده وه ورساوه او بیائی خپل لاس ته وروستلی اقتدار د خپلی هغی نقشی د عملی کولو د پاره یوه وسیله وګرځولو چه دلوی افغانستان او ستری قاری آسیا د آزادی او نجات د پاره ټی لرله .

داعالی مفکوره چه ددغه لوی ملـت د تمایلاتو ارتیا وو او محرومیتونو څخه پکښی الهام اخستل شوی ؤعملی شوه افغا نانو خپله دلاسه ورکړی خپلواکی بیرته وګټله خو د وخت زعامت یوازی په سیاسی خپلو ا کی قنا عت ونکړ بلکه د اقتصادی خپلواکی دپاره ټی په یو لړ اجتماعی او اقتصادی اصلاحاتو ددی دپا ره چه دخپل سر نوشت په ټاکلو کښی دملت اراده دخیله وی په افغانستان کښی داسی مشورتی سیستمونه ایجاد شول چه د یـوی واقعی دیمو کراسی دپاره دیوی مقدمی حیثیت لری. دښمنانو په افغانستان دا ښه و رځ ونه لو رو له اونه یی غو ښتل چه افغا نستان دخپلواکی دنهضتونو د علمبرداری نه وروسته دسیمی دانة لابو نو اوریفور مونو رهبری هم په غاړه واخلی له همد غه امله یو خل بیا په دا سی یوه ټو لنه کښی چه داختناق یوی خطر ناکی دورې یی سیاسی شعور دومره کمزوری کړی ؤ چه دامانی دوری غټو اصلاحی او تنویری هلو ځلو له یوی دسیسی سره دمقابلی دپاره چمتو نشـــوی کړی .

دسیسه بریا لی شوه، په افغانستان کښی دیو لار ښودل شوی اوښتون دیا زه دهغه وخت برابر شوی مقدمات ګډوډ شول اوافغانستان مجبور کړی شوچه دملی خپلوا کی په غیږ کښی دغیر مستقیم استعمار تر ګوزارونو لاندی د جمود اوسکون یوه اوږده دوره تیره کړی.

افغان لوی و لس څلویښت کا له دبی ځایه غرور په فضا کښی دنیمګړ ی سیاسی خپلوا کی په غیږ کښـــی د «خیر او خیریت دی» ترشعارونـــو لاندی غافل وسا تل شو .

په پخوانی سیستم کښی چاداسی یوه خبر نشوه کولی چه زمونږ خپلواکی نیمګړی ده ددغسی یو درددخرګندولو دپاره زمینه نه وه چه داستعمار په چاره باندی د لوی افغانی پیکر څخه دیوی توټی دپریکیدو څړیکی نه دی غلی شوی. خو دافغا نی ټو لنی پـــاك سپیځلی پیکر دکټا فتونو دجذ بولو دپا ره دوامداره مقاومت نلـــری او په افغا نستان کښی یـو څـــل بـــیا د غـه تـا ر یـخـــی حقیقت تکرار شو چه دا ملت دهری نیمی پیړی نه وروسته قیام اوښتون اواصلا حی ریفورمونو د پا ره خپل شدید تمایل ښیی یعنی د قلابـــی نهضتونو په لفافه کښی مسکنی دوا کانی نه دی بریا لی شوی چه دا ملت دنیمی پیړی نه زیاته موده بیـــده وسا تلی شی .

دافغا نستان معا صر تا ریخ ته یوه لنډه کتنه څر ګنده وی چه داحمد شاه بابا دلویی شهنشاهی د سقوط نه و روسته له استعمار سره دمخامخ مبا رزی په ټو له یوه پیړی کی هر ځلو یښت اویاپنځوس کاله وروسته افغانانو خپل قیام دمو فقیت یوی مهمی مر حلی ته رسو لی دی لکه چه په ۱۸۴۱ـ کښی دافغان او انګلیس په لومړی جګړه کښی افغانانو لوی تا ریخی بری و ګا ټه بیا ځلویښت کاله وروسته (۱۸۸۱) کال کښـی دافغان او انګلیس په دوهمه جګړه کی دغه ستر بریا لیتوب تکرار شـــود سیا سی خپلوا کی ستر بریالیتوب هم تقریبا په همدو مره یوه مـو ده «یعنی په ۱۹۱۸ء کال کښی لا س ته را غی چه با لاخره ځه د پا سه نیمه پیړی و روسته دانتظار په سختـو لحظو کښی دجمهوریت اوښتـون ددغو نه هیردو نکو لویو خا طرا تو په لړ کښی خپل ارزښت نـاك مقام ونیو . ولسونه ملی خپلواکی ته له دی امله هوسیږی چه هغه دآزادی یـــوه وسیله بو لی ملی خپلوا کی په ظاهر کښی زمونږ په هیواد کښی پـــردی تسلط پای ته و رساوه اوملت یـــی دوا قعی آزادی په لور څو ګامه نژدی کړ .

پیړ ندل شوی آزادی ته درسیدو دپا ره دنورو لارو ضرو رت محسوس ؤ په دی بر خه کښی دملت دتمایلاتو دتسکینو لو دپاره دقلابی دیموکراسی نسخه تجویز شوه مګر دی زاړه درمل چه خپل خاصیت یی دلاسه ورکړی ؤ دملت دردونه لږ نه پلکه زیات کړل.

جمهوریت حقیقتا یوه مجر به نسخه ده چه دملت دنا روغـــی ،لوږی او ناپوهی معا لجه کوی اوپه واقعی توګه دیمو کرا سی او آزادی تامینوی. ملت خوشا له دی چه سږ کال دخپلی ملی خپلوا کی کا لیزه د جمهوریـــت د خو شالیو په فضا کښی لمانځی خو داخو شحا لی په زړو نو کښی ځای لری دجشن بیر غو نه شنـــه او سره چرا غونه یی مظاهر نشو بللی.

دخپلواکی او جمهوریت نه ترکیب شوی خوشا لی په ټول ملت اړه لری ځکه یی ددی ویاړ او خوشا لی هر ګلی نور نو داسی جشنو نه ایجابـوی چه دسا تیر یو او تفریح امتیازات ممتازو قشرونو ته وښښی او نورو خلکو ته لا لهاندی او ستومانتیا په برخه کښی ور کړی .

خپلواکی او جمهـور یـــت ، پر مختګو نو هوسا پیو اودوامداره خوشا لیو ته د رسیدو وسا یل دی له همدغه امـلـه زمـــونـــږ د جمهـوری نـظـــام د ا ســـی یوه فیصله چه د ملی سپما په منظوریی دجشن تز ئینات اومرا سم له منځه وړی دی په حقیقت کښی دخپلواکی او ا قعی ارزښت ته اهمیت ورکول دی. او خپلوا کی هغه وخت واقعی ارزښت لری چه مونږ دخپلی ملی سپماله لاری اود نورو انکشا فی پرو ګرامونو په وسیله ځانونه له خپل کوره پوره کړو اوخپله اقتصادی خپلوا کی تامینه کړی شو .



خوان عسکر چه دملی خپلواکی اواوجمهوریت ساتو نکی دی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۰۰ طفل در یك سال:

در کـــام آب

سالانه ۵۰۰ طفل درجمهوریت فدرال آلمان درآب غرق میشوند.
درین راپور سعی شده به‌والدین کمـــك بعمل آید تاآنها اطفال‌شانرا دربرابر ایـــن سرنوشت شوم محافظت کنند.
برای کودکان هربارکه‌خودرا درآب‌مـــی اندازند ۱۵متر شنا کفایت‌میکند وطی این فاصله، نموداری ازفعالیت کودکان‌بشمار میرود .

«اینکه »متوحش ومضطر ب د ر باغچه منزل کنار استخراب ایستاده جسد بحرکت دخترش را در میان آب می‌بیند . پدر بسرعت طفل‌غرق شده را از آب بیرون می آورد. مادر طفل فورا بطرف تیلـفون رفتـه از هرکجا که میتواند تقاضای کمـــك می‌کند .

چند لحظه نگذشته بود که موتـر امبولاس شفاخانه رسید. یك داکتر



این پسر جوان که‌در یك جهیـل‌درآب به‌غرق پرید، وباثر آن‌گردنش‌شکسته غرق شد

ژوندون

وصایای ژوندون

توصیه های که برای شنـا وران هم مفید است :

*آب بازی در دریا هاو بندهای آب همیشه با خطراتی همرا می باشد . بنا بر این شنا در حوض های آببازی مطمئن تر است .

*تاز مانی عمق آب برایتان معلو م نشده ـ با سر در آب نپرید. اکثر وقایع مرگ آور از همین بی مبالاتی وبی احتیاطی نشات میکند.شکستن سرـ کله و گردن به اثر پرش‌درآب بوقوع می‌پیوندد .

* مقررات آببازی اخطار هایی‌ذیل را صادر میکند :

* آب بازی در دهنه های‌سیفون در نزدیکی گرد آب هـاـ درواز ه بندآبـ در نزدیکی‌محل عبور کشتی ونظایر آنها مجاز نیست .

*حتی قویترین شنا گران روزگار هم نمیتوانند دربرابر کشش آب‌که به اثر سقوط در دهانه تور بین های برق ایجاد میشود مقاومت کننـد، یا اینکه از شعاع حرکت جهازاتی‌که بسرعت می گذرند ، بی تاثـیـــر بمانند .

* تاو قتی حرارت بدن پاییـــن نیفتیده خودراکمی با آب ســـر نساخته اید ، یا با شکم پر، آب‌بازی نکنید . پس از نان چاشت لا اقـل یك ساعت از آببازی بپرهیزید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ژوندون

به همه خانواده ها مشوره میدهد تا خود را از ین چنین حوادث وارهانند
واین را پور تاژ را به دقت بخوانند

فرو میروند!

وتیم امدادی برای اعاده سلامت طفل تلاش شانرا شروع کردند. ولی پس ازنیم ساعت از کوشش خود دست کشیدند . برای کمك آنها ناو قت شده بود ـ پدر ومادر طفل بلاتکلیف ماندند و مرتب سوال میکردند که آیا در مرگ طفل خود مسؤولیت دارند یاخیر ؟ آیا اهمالی درین مورد از طرف آ نها سر زده است؟

سالانه پنجصد طفل درجمهوریت اتحادی المان در حوضچه های ذینتی در حوضهای شنا ـ در دریا ها ـ در بند های آب در جهیل ها وابحار غرق میشوند. بسیاری از آنها می باثیست بمیرند زیرا آنها بلدنبودند چطور شنا کنند؟در فرصتهای مساعد کسی به اینها شناکردن را نیاموخته بود وهم فراموش کرده بودند به اینها خطر نزدیك شدن یا داخل شدن در آب وآببازی را خاطر نشان سازند .

بنا برین دریك تعداد وقایع وموارد امکان آن وجود دارد که عدهٔ از کودکان را پیش از غرق شدن نجات داد، واین تعداد بدون شك رقم درشتی را تشکیل میدهد . گرچه احصائیه دقیقی درین زمینه دردست هم نیست .

در مورد اطفال غرق شده وضع در بسا مورد نباید چندان خطرناك بوده باشد .

رالف ۷ ساله از فاکسن فلد میخواسته در آب رفته ماهی بگیرد. کودك بوتها یشرا از پا کشیده داخل نهری شده است که آب آن تایك مترو پنجاه سانتی میرسیده .

تصادفا پای طفل به یك سنگ لشم خورده فرومی غلتد وغرق میشود .

در نیسا یك تعداد مردم برای گذشتاندن رخصتی های تفریحی به کنار بحر آمده بودند اتفاقا بفاصله ۳۰۰ تا ۴۰۰ متری آنها یك مخرب به امتداد ساحل میگذشت . موج های قوی آب که از اثر حرکت جهاز جنگی در بحر ایجاد شده بود به ساحل نزدیك شده آن گروه بیخبر از جان را که برای تفریح آمده بود در میان گرفت . چهار پسر و دختر که به روی یك سنگ دراز کشیده خودرا آفتاب میدادند بامو جها ی آب در کام بحر فرو کشیده شدند .یك د ختر مکتب چنا ن به شدت به صخره سنگی خورا که فورا جان داد .

در مونشن پتر هفت ساله به فرق دریك جهیل ساختگی آب پرید. عمق آب به یك مترو پنجاه سانتی میرسید وطفل مذکور باچنای شدتی به بستر پر از سنگریزه جهیل خورد که استخوان کله و گردنش شکست .

دریك حوض شنا واقع در هال ورزش شتوتگارت ، شام یك روز جسد یك طفل هفت ساله پیدا شد. باوصف مراقبت ، طفل در آب غرق شده وجان داده بود، بدون آنکه کسی متوجه اش شود .

آموزش شناوری بخصوص از همان آوا ن کود کی امروز کدام مشکلی بحساب نمیرود. تجارب و معلومات معاصر میگوید که حتی نوزادان میتوانند آببازی را زود تر از راه رفتن فرا گیرند.

کمیته «سلامت کودکان» از سالها به اینطرف به تبلیغات وسیع درباره فرا گرفتن تخنیك شنا از همان دوران کودکی میپردازد . اطفال تاسن پنج میتوانند تحت رهنمایی و مراقبت فنی شنا را بصفت یك بازی وسرگرمی فرا گیرند .



بیش از دوازده هزار کودك خرد سال به این ترتیب شناوری آموخته اند . پروفیسر هل بروکه عضو

ورق بزنید



تاو قتی عمق آب برای تان معلوم نباشد ،از دایف کردن وپریدن به فرق درآب احتیاط کنید

(c) ketabton.com: The Digital Library



غریق رامی توان تارسیدن دا کتر ازراه دهن تنفس مصنوعی داد



شنا تو سط دو شك های باد ی دور از نظر

نمایش های تهور آمیز در آب بازی خالی از خطر نیست

کمیته سلامت کودکان عقیده داردکه بمرور زمان و فیات و حوادث ناشی از غرق شدن در آب چه در اطفال وچه در جوانان و بزرگسالان تقلیل خواهد یافت .

بطور عموم اطفال بین سنین یك تاسه سال از ناحیهٔ افتدن در آب‌در مخاطره میباشند . در همه جا«مرگ مرطوب» گوش به آواز کودکان خرد سال است ،در هر کجای که‌عمق‌آب بیش از یك بلست پخته باشد .

بنا بر این والدین باید هر قدر وقت ترکه ممکن باشد آببازی را به اطفال خود بیا موزانند .گذشته‌ازین

حویلی منزل. باغ وباغچه عموما ز ناحیه خطر غرق شدن احتمالی‌اطفال

درآب مورد توجه باشد.هر کسی‌که در حویلی منزل حوض آببازی دارد باید متوجه رسك و خطر آن باشد. ذخیره یا چاه که سرآن باز باشدنیز برای بلعیدن کودکان خطر جدی محسوب میشود حتی یك حوضچهٔ

تگهداشت ماهی های رنگه هم که بیش از۳۰ سانتی متر عمیق نباشد برای کودکان یك ساله وکمی‌بالاتر ازان خطرناك تمام خواهد شد. اگر طفلی به روی شکم در چنین آبهای کم عمق فرو غلتد در آنصو رت‌بطور جدی همین عمق کم هم باعث هلاکت کودك خواهد شد . تدابیر احتیاطی

اتخاذ گرد د.

چنین مواضع ذخیرهٔ آب بایددربرابر سقوط احتمالی اطفال وکودکان

مطمئن ساخته شود. بدین معنا که لب حوضچه وغیره بلند تعمیر شود یا بالا ی‌آب پو ششس گردد .

یا اینکه کتاره گرفته شود. به اطفالی که شنا بلد نباشند اجازه

نباید داد که بدون مراقبت به لب‌آب یا در آب بازی کنند .

هرگاه طفلی به اثر سقوط در آب غرق می شود ، این حادثه می‌رساند که کمتر به طفل توجه شده است ـ

مسؤولیت تلف شدن طفل متوجهٔ والدین‌می باشد .

مسلما یك طفل به سن هشت بخوبی می تواند آببازی کند ولزومی به مراقبت ندارد . وهم بدیهیست

که می‌توان شنا را شامل پروگرام درسی مکاتب ساخت .

با بکار بردن این تدابیر البته‌جلو خطرات بطور کلی گرفته نمیشود.

ووالدین را شاید که اطفال وبچه‌های شانرا پیش از همه ا زمبالغه وکلان

کاری و همچنان از «تهور وجسارت» در آببازی بر حذر سازند، ولو آنکه آنها بهترین شناوران هم باشند . یادرآینده بشوند .

ژوندون



پریدن در آب همیشه ودر همه‌احوال بی خطر نمی باشد

صفحه ۳۶

(c) ketabton.com: The Digital Library



اگرمیخواهید خودرا ویادوست خودراازخطر غرق شدن نجات‌دهید، وصایای‌ژوندون‌رابدقت‌بخوانیدو به‌آن عمل کنید !

• نجات دادن و آببازی دو نفری با دوشك بادی ـ بازو بندها وحلقه ها نیز نه تنها برای طفل خطر دارد بلکه نجات دهنده را نیزبمخاطره می اندازد .

• آببازی در بحر بخصوص در هنگام مد و جزر وجائیکه آبهای کف آلود و مواج زیاد باشد باخطر همراه می‌باشد .

• در صورت عارضهٔ ناخوشی‌وپس از صحت یابی برای مدتی باید از شنا اجتناب کرد. برای کسانی که التهاب گوش دارند باید پنبه چرب در گوش گذاشت .

• هرگاه چنین اتفاق افتد که مجبور باشید غریقی رااز آب‌نجات دهید ، در آنصورت باید طوری به او نزدیك شوید که مغروق شما را با خود در آب فرو نبرد . بایدسرو کله‌اش را طوریکه در تصویرسمت چپ‌بالا مشاهده‌مینمایید بین‌دودست قرار دهیدوغریق‌دستهای‌خودرا به‌دو طرف باز نگهدارد . بهترین ترتیب نجات دادن و بساحل سلامت‌رساندن غریق قرار دادن غریق به پشت میباشد .

• کمکهای اولیه ،برای نجات یك غریق: تنفس مصنوعیست وباید فورا بدون تاخیر به مساژ اوپرداخت

• تاوقتی داکتر برسد باید دهان را به دهان غریق ماند وبه او نفس داد .

• اگر غریق آب زیاد خورده‌باشد باید اورا به سر قرار داد تا آبیکه فرو برده دو باره خارج شود.



بازهم شناگران ناشی‌و...

دریای کابل

طوریکه در عکس مشاهده‌میشودیك‌تعداد زیاد مردم در دریای کابل آببازی میکنند وبه‌این وسیله‌علطشس که‌نسبت به‌شنادارندفرو مینشانند، این عمل شان که‌خطرغرق اطفال‌درآن‌متصور است، از نظر صحی‌نیزخیلی خطرناك می‌باشد زیرا این دریا که‌مخصو صا درایام تابستان شکل زبا له دانی را بخود میگیرد برای‌آنانیکه خود را درآب دریای کابل میاندا زند مشکل است ازشرمکروب‌های آن در امان مانده از آن جان به سلا مت برند. چنانچه در شما ره‌های قبلی‌این مجله نیز ازین مطلب یاد آوری ها شده ورا پور تاژمفصلی‌هم تقدیم خوانندگان گر دیده.

ژوندون که‌یگانه مجله خانواده هامی‌باشد ازهمه خوانندگان ار جمند خویش آرزودارد تااین‌مسئله‌رادرنظرداشته اطفال‌شان‌راازشنا درین‌دریای پراز کثافت ومکروب مانع شوند.



(c) ketabton.com: The Digital Library

ژوندون اسرار طول عمر انسان را طی راپوری فاش میسازد

چگونه بیش از صد

برای صحت وسلامت وجود وطول عمر یک رژیم غذائی دارای کالوری کمتر ومقدار کم شحم وکلسترول ضروری است

در روی زمین منا طقی و جوددارد که‌مردم آن نسبت به‌اشخاص دیگر زیاد تر زندگی کرده ودر پیـــری وسالخوردگی بیشتر دا رای انرژی وقدرت کار وفعا لیت میشوند .

دردو سال اخیرتوانستم دربسیاری ازین مناطق که‌زیاد تر آنرا منا طق کو هستانی تشکیل میدهدسفرنمایم ضمن این سفر دربعضی از قریه‌جات ویکه بامب در اکوا دور، در منطقه کو هستانی قرا قروم در کشمیرودر ابخاز گر جستان بامردم ملا قات‌ها ومذاکرا تی نمودم و زیاد تربامردمی درین مناطق صحبت نمودم که‌دارای عمرزیادی بودندعلاوه برآن گرو پ تحقیقا تی که‌درین منا طق مشغول مطا لعات بودند درین مورد معلو مات زیادی‌بمن ارا ئه نموده و معلوما ت علمی خو بی بدسترسم گذاشتنـــد

نظربااینکه خصو صیت علمـــی معینی برای تعیین طول عمروجـو د اولین سوالیکه حقیقتا برای هر یك از متخصصین پیدا میشود اینست‌که چطور امکان دارد نظر شخصي راکه ادعامیکند اضافه از یکصدسال‌زندگی کرده قبول کنیم .

درو لیکا بامب از زمان های قدیم نو شته‌های کلیساها دربا ره (غسل تعمید) که‌در روی آن عمر طولانـی بعضی‌ها معلوم میشود ودر وا قعات دیگران از روی شواهدی کـــه از دوستان واقوام آنها بدست‌آمده‌وجود دارد.

سر شما ری سال ۱۹۷۱ نشا ن میدهد که‌نه نفراز ۸۱۹ نفری که‌در منطقه ولیکابامب‌زندگی میکنداضافه ازیکصد سال دارند طور مقایسوی میتوان گفت‌که‌دراضلاع متحده‌امریکا درصدهزار نفر سه‌نفر بهمان سن‌و سال رسیده اند .

درمنطقه‌اونزکه تعداد سا کنین‌آن به چهل هزار نفر میرسـد دانستن تاریخ‌تولد آنها خیلی مشکل بـــود مردم او نزکه‌دریك‌منطقه کوهستانی تجرید شده درسر حدات افغانستان وچین زندگی دارند از نظر زبان با هیچ یك ازمردمان جهان شبا هتـی ندارند.

درین منطقه سواد و نوشتـــن وجود نداشته وازین سبب‌هیچ‌سندی راجع‌به تاریخ تولد مردمان آن د ر دست نیست .

تنها در بعضی حالات حکـمرا ن آن‌منطقه نظر بد لایل و شواهدی‌که نزدخود دا رد دربا ره تا ریخچه‌شهر خود ودرباره عمر بعضی مردمان آن اظهارنظر میکند .

خلا صه نظربه همین دلا یـــل نتوا نستم عمر مردم آنرا بصورت واقعی ومستند تثبیت نما یم . امـا یکتعدادزیاد مردم سا لخورده ومعمر



باو جود سالـخورد گـی دارا ی قدرت کارو فعالیت است

رادر آنجا یافتم که‌باو جود کبر سن دا رای انر ژی زیادی بودند که‌حتی بدون احساس‌خستگی‌از سراشیبی به‌شاخه کوه واز یك سمت به‌سمت دیگر میگذ شتند جرئت وقدرت‌این اشخاص سا لخورده که‌نسبت به‌سن سال شان ازخود نشان میدادند مرا سخت تکان داد .

مخصو صاو ضع غذایی مردم این سرزمین برایم خیلی دلچسپ بودکه ازمردم آن معلومات گرفتم‌اکادمی‌ملی علوم اضلاع متحده امریکارژیم‌غذائی اشخا صی را که اضا فه‌ازپنجاه‌وپنج سال عمر دار نـداین چنین توصـیه میکند:

برای مردان ۲٤۰۰ کا لوری با٦٥ گرام مواد البومین دار .

برای زنان :۱۷۰۰ کا لور ی با ٥٥ گرام مواد البومین دار .

امامن متو جه‌شدم که‌مقدارکالوری مورد ضرورت مردمان ولیکا با مب خیلی کمتر از مقدار معین غذائی‌بود



این مرد سالخورده که بیش ازیکصد وده سال عمردارد با پسرا ن شصت سالهٔ خود در یکی از مناطق‌کوهستانی اونز زندگی دارد .

صفحه ۳۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

طب‌معاصر باین‌نتیجه رسیده است‌که‌جیره غذایی بامقدارکم کالوری مانع‌بوجودآمدن تصلب‌شرایین میگردد

سال زندگی میکنند؟

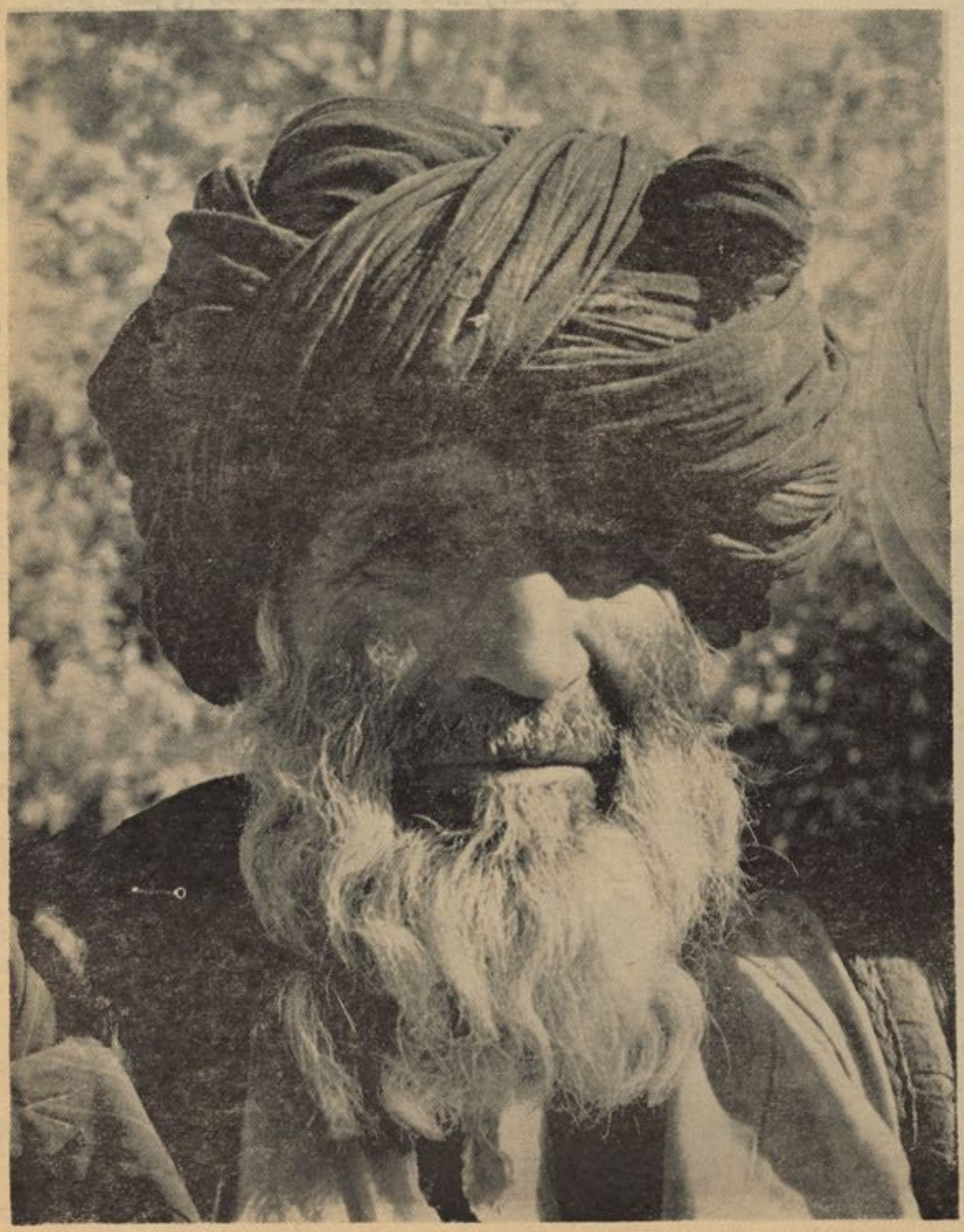
که اکادمی علوم اضلاع متحده توصیه کرده بود . یک متخصص غذائی بعد ازتحقیقات در مورد غذای باشندگان منطقه ولیکا بامب که‌زیاده‌از۵۵ سال عمردارند اظهارنظر میدارندکه باشندگان (اونز) روزانه بطور اوسط پنجاه گرام مواد البو مینی ۳۶ گرام شحمیات و ۳۶۵ گرام کاربنی که‌جمله ۱۹۳۳ کالوری مید هند استعمال مینمایندکه در جمله مقدار کالوری یک‌ونیم فیصد مواد پروتین دار ولبنیات نیز شامل است‌زیرا از نظر حیواندا ری و تربیه‌مواشی‌خیلی عقب مانده‌بود و تنها یک تعداد گوسفندان در خانها تر بیه شده ودرایام عیدها بعضا از گوشت آن استفاده میشود . چون روغن‌حیوانی خیلی کم است ازین‌سبب درشهرها برای پختن غذاهای مروج از رو غن خسته زرد آلو استفاده میکنند .

دکتور گلرمو یک عالم غذایی‌دیگر هنوزهم پایین بودن مقدار کالوری ضروری رادرنزد اشخاص معمر این منطقه تذکر داده مینو یسد:جیره روزانه این اشخاص عبارت از۱۲۰۰ کالوری است که شامل ۳۵ـ۳۸ گرام مواد البو مینی ، ۱۲ـ۱۹گرام شحمیات و دو صد ـدوصدوشصت گرام‌مواد کاربونی می‌باشد که مواد البو مینی‌و شحمیات آنها از نباتات بدست آمده ومواد البومینی حیوانی تنهاو تنها یک برسه قسمت تمام غذائی ماکه روزانه میگیرد، تشکیل میدهد. ولازم است گفته شود که‌در اونز مانندولیکابامب مردمان‌سالخورده ومعمر چاق و فربه نبوده بلکه اندام متناسب دارند .

طب معاصر باین نتیجه رسیده است‌که این طور یک جیره غذایی با مقدارکم کالوری مانع بوجودآمدن تصلب شرایین میگردد .

من عقیده‌دارم، که‌برای صحت‌و طول عمر یک رژیم غذایی دارای کالوری کمتر بامقدار کم شحم وکلسرول ضروری است. اما این رژیم غذائی درنزدمردمان معمرقفقاز طوریکه باآنها آشنا شدم‌فرق‌میکند. سطح زندگی درین جا نسبت به‌ولیکا بامب ونیز فرق زیادی داشته و خیلی بلند است. مردمان سالخورده درین جا روزانه از هفت صد تا

بقیه در صفحه ۹۴



(c) ketabton.com: The Digital Library

خودکشی؛ یک مشکل جهانی

● **زندگی بشری یك‌موهبت الهی بوده وانسان نبایدآنرا ببازی‌بگیرد.**

● **حل‌اقل هزارنفر درجهان درروز دست‌بخود کشی میزنند.**

خود کشی بحیث یك عمل عمدی وجودخودرا به نیستی کشاندن،یکی از پدیده های‌بغرنج ودرهم پیچیده سلوك و رفتار انسانی است.حوادث جگر خراش وتکان دهنده این رفتار تا سر آغاز تاریخ بشری‌رسیده،ولی، علت یابی آنرا باید از مقطع‌های **گوناگون زندگی چون اقلیم عقیده وابستگی ها ی‌مذهبی وباورها ی** فرهنگی، عادات وسر شت اجتما عی جستجو کرد. ولی‌هنوزمادرجستجوی آن سببی هستیم تا ببینیم که کدام علت است که‌یك شخص را به طرف خود کشی می کشاند. باو جودیکه ارقام خیلی ، خیلی دقیق وجودندارد؛ ولی گفته می توانیم که کم ازکم در روز هزار نفر در سرا سر جها ن‌به چنین‌عمل تکان دهنده دست‌میزنند.

جهت های فر هنگی

بررسی بر خی از جهت های فر هنگی خود کشی ، نشان د هنده سریع شدن‌آهنگ این پدیده تا سالم اجتماعی در درازای تا ریخ است. **این بررسی به صورت روشن نمایان** ساخته که دو تهدید عمده درسراسر تاریخ این حاد ثه‌را دامن می زند. او لی‌خو کشی اجتماعی یاناشی از نهاد های اجتما عی. این شکل خود کشی‌رادربعضی موارد خود جامعه‌از یك فرد در ازای عضویت آن دریك گروه معین اجتماعی میخواهد. در تا ریخ نمونه های زیادی دیده‌می توانیم که‌یك فرد معین، خودرا برای بسر رساندن آرمان های میهنی یا **حفظ دو ستشس ویا بخاطر حفظ یك** سنت اجتماعی قربانی نمایید. بیوه های که‌خود را پس ازمرگ شوهران زنده بگور می کنند می تواند نمونه این قربانی بحساب آید .

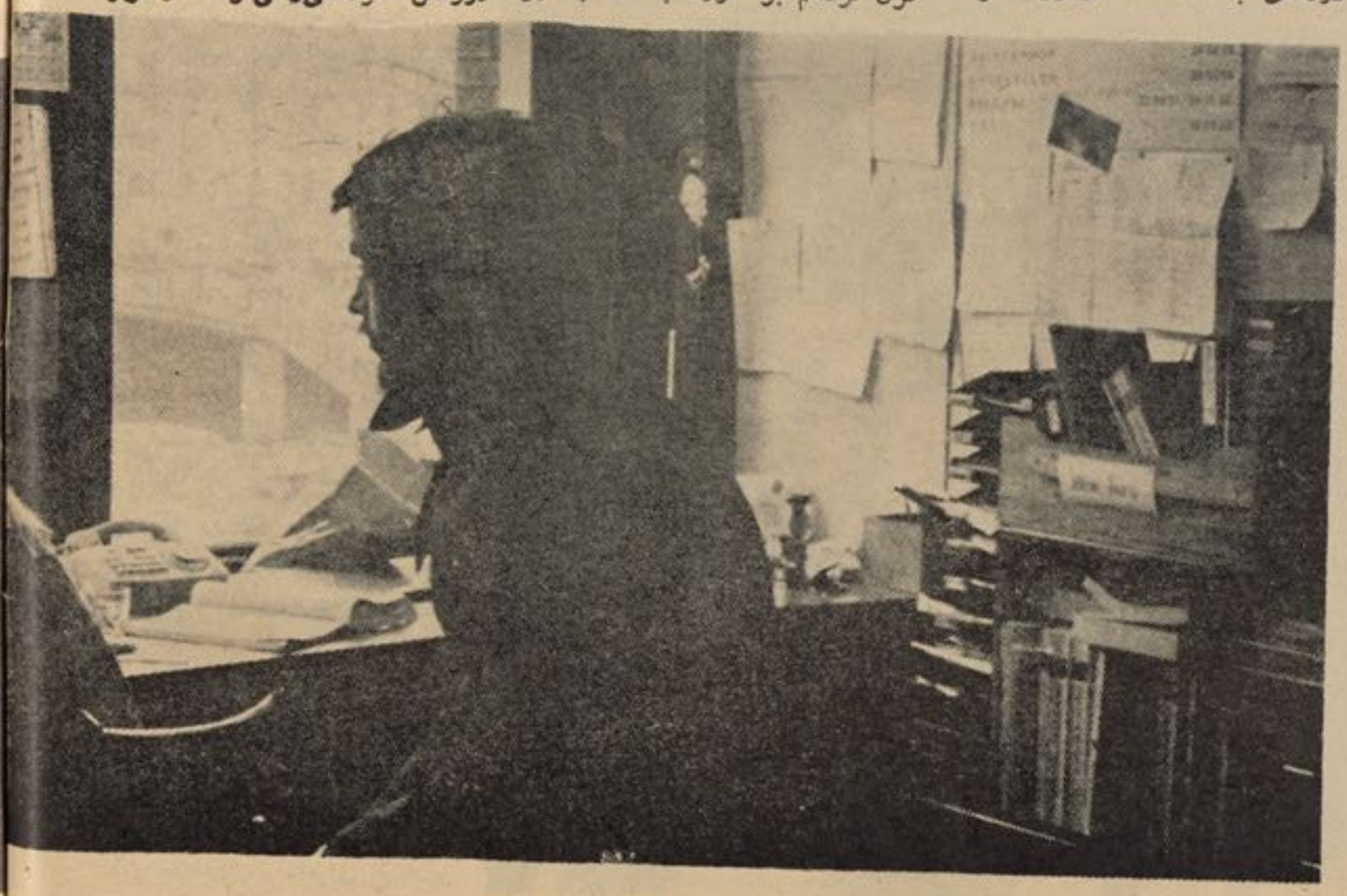
شکل دیگرخود کشی فرهنگی رادر وجود پدیده های نادرست دیگر،چون **دردهای جانکاه، گناهای روان فرسا** پیری ومریضی های علاج نا پذیرو **شکست در عشق‌می‌توان دید.بوقوع** پیوستن حوادث خود کشی‌دربسیاری موارد بسته به‌مو قعیت یك کشور نمودهای فرهنگی ، تا کید های اجتماعی ومو قعیت افراد در گروه های معین اجتماعی است. در سده های گذ شته یگانه روش کنترول برای خود کشی درها له ای از عقاید خرا فی فرو رفته بود.

در تمام مذاهب خود کشی محکوم گردیده وروی این عقیده تا کید می گردد که « زندگی بشری‌یك‌موهبت‌الهی بوده وانسان نباید آنرابازی بیخردانه بگیرد» امروز بر خورد های مذ هبی گذ شته درمورد خود کشی شکل قانونی گرفته است. ولی در قرن نزدهم بر خورد جا معه به این پدیده نا سا لم ، فقط‌درچوکات‌تنگ اخلاق محدود بود .

علت‌های ممکن:

نگاه‌وبر رسی در تا ریخ‌فر هنگی **خودکشی راترسیم نمایم .ولی این** نماید تا چار چوب کمر تنگ حوادث خود کشی را ترسیم نمایم ولی این تحقیق هیچگونه کمکی برای شناخت ریشه‌یی خود کشی جز اینکه آنرایك حادثه نا مطلوب اجتما عی بحسا ب **آوریم، نمی نماید .مادر تاریخ هیچ** جامعه‌ای‌را دیده نمی توانیم که در آن حادثه خود کشی بمیان نیامده باشد .

تا ریخ‌بر رسی‌و تحقیق علمی حاد ثه خودکشی ،به قرن نزد هم، زمانیکه دور کیهم تا کید نمود که **«روش خودکشی‌رامی‌توان درشرایط**



درهمه گوشه دنیا اکنون مراکزی برای‌جلو گیری از خوکشی بوجود امده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library



در تصویر بالا بخو بی دیده‌می‌شودکه پولیس شخصی راکه اقدام‌بخودکشی نموده نجات می دهد

اجتماعی بر رسی نمود وبابکاربردن طرق معقول می‌توان از حوادث جگر خراشش آن **جلو گیری نموده‌می‌رسد.** نظریه‌اودر مورد خود کشی اینست **که‌در حرکت های خودکشی‌ز مانی** بمیان می‌آید که‌وضع معین فرد در درون گروه اجتماعی که زندگی می نماید برهم خورده و فکرمی کند که دیگر جای پا یی در داخل اجتمـــاع برایش وجودندارد ویادربعضی‌موارد فرد دردرون صدف خود بینی فرو رفته و روابطش با دیگران برهـــم می‌خورد .»

پس از اینکه دور کیم روی علت اجتماعی حاد ثه خود کشی تا کیـد نمود ، راه‌برای بررسی های بعدی حاد ثه خود کشی‌به صورت علمی باز گردید. بعداز درون این تئو ری نظرهای دیگری مانند تحلیل هـــای **روانی وروانی ـ حرکی بیرون آمد. ولی بعد هامعلوم‌شدکه دربندساختن دلائل‌خو د کشی‌درهمین چارچوب،** نادرست است .تجرد اجتما عی،عدم موفقیت فرد دردرون جامعه،وشکست درزندگی اجتماعی ، عنا صر روشن علت خود کشی استو لی نمی توان این علت ها را بسنده و کافـــی دانست .

تحلیل‌ناب اجتماعی، نبرد درونـی فرد را علیه نا بسامانی های محیطی رد مینماید ودرعین حال تا کید روی **علت‌روانی ،جامعیت بررسی رابرهم** میزند. برای تحلیل نسبـــتا ژرف مو ضوع باید خود کشی رایك‌پدیده **اجتماعی ،رو انی خو انده وآنرا با** تمام بغرنجی وپیچیدگی اجتما عی در مقا طع فر هنگی ، اقتصا دی طبقاتی **و حتی سر شت شخصیت معین ،** بر رسی کرد .

اندازه این مشکل :

آیا اندازه بزرگی این مشکل‌بحیث یك تهدید به صحت اجتماعی ودلیل انحطاط اخلا قی درجهان چقدراست؟

در بسیاری کشورهای ارو پایی خود کشی بین سنین پانزده تـــا **٤٤در رده چهارم پس از تصادم‌ها،** سرطان و بیما ری های قلبی قرار میگیرد . بد بختانه همه کشور هـا احصا ئیه دقیق خود کشی را ثبت نمی‌نما یند ولی مو سسه صحـت جهانی سعی نموده‌تا جائیکـــه در قدرتش است احصا ئیه قربانیـان **خودکشی راجمع نموده وآن ها را** دسته‌بندی نماید .

باآغاز قرن جدید ،رشدی در سطح خود کشی ها بمیا ن آمده اکنون رقم **ده نفر از ...ر١٠٠ نفررامی‌سازد.** ولی این رقم هم چندان قابل اعتماد نیست . ودر بسیا ری موارد زیـاد

بقیه در صفحه ٨٩



آمده که درآن روش ها ی جلو گیری از خودکشی بررسی می شود

(c) ketabton.com: The Digital Library

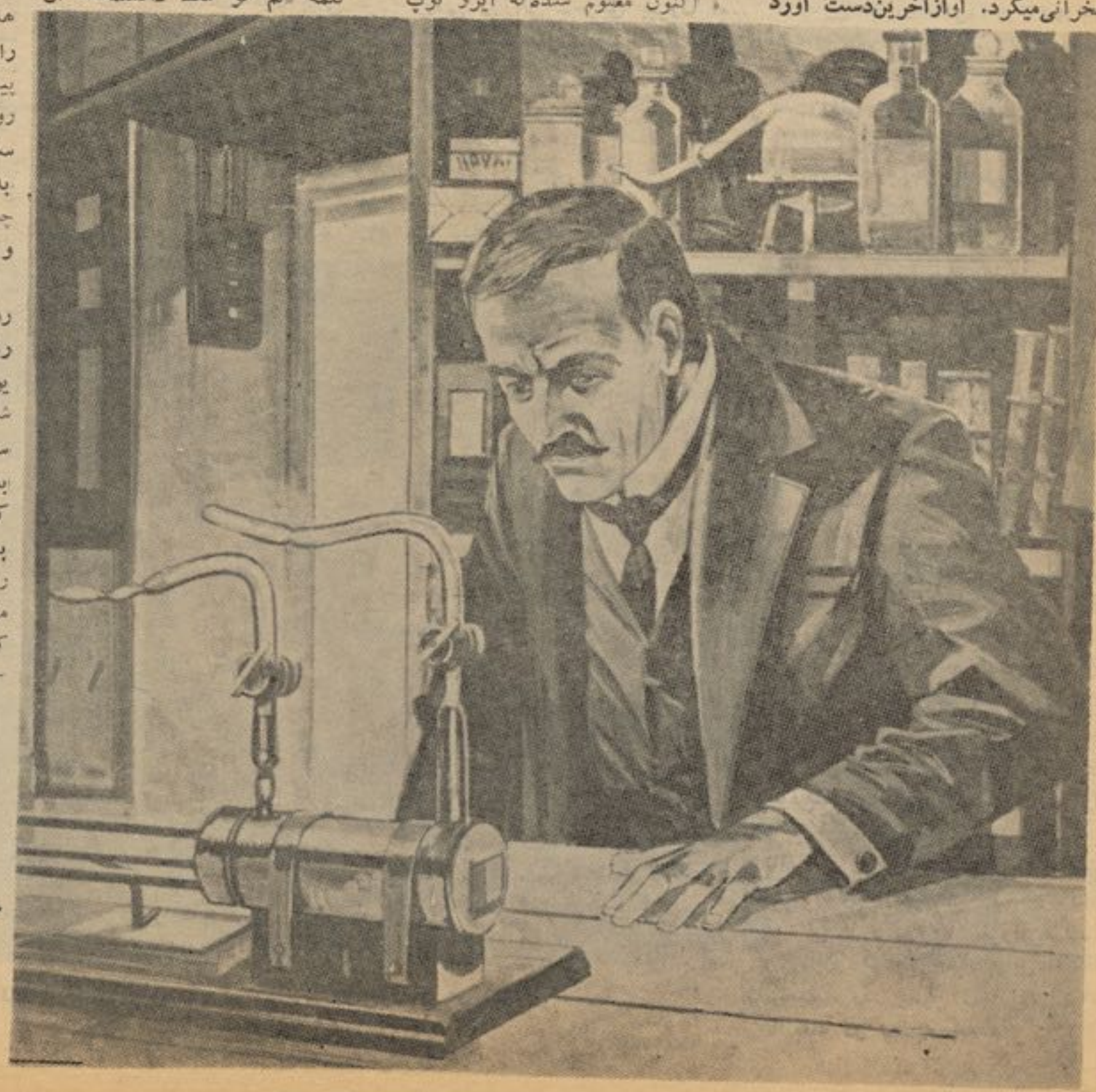
روزیکه،

عصر نیروی ذروی آ

- جهان دربسته‌اتم شگافته شدوازآن نیروی عظیم‌وباور نکردنی یی بیرون آمد.
- بااستفاده صلح آمیز ازنیروی اتم‌میتوان زندگی بشررا رنگ‌نوی زد.

بتا ریخ بیستم اپریل سال ۱۹۳۲ چهره درخشان جهان دانش لاردروتر فورد، دربرابر همکار ا نش‌در لندن سخرانی‌میکرد. اوازآخرین‌دست آورد های‌دانش کیمیاو فزیك حرف زده و میگفت :

« اکنون معلوم شده‌که ایزو توپ



لیتوم از توده۷ میتواند یك پرو تون راگرفته ودرنتیجه هسته‌های‌توده۸را به‌دو توده ٤ـالفا مانند بکشند ».

- درك این مطلب برای ماو شما تا اندازه مشکل است‌ولی آن را می‌توان ساده ساخت بدین معنی که دانشمند بزرگ بیان‌داشت که : اتم میتواند بشکند.

کلمه اتم تو سط دانشمندد ان یونان قدیم به کو چکترین ذره ماده اطلاق میشد که میتوانست و جود داشته با شد .

چه میشود اگر اتم بشکند؟ آ یا دواتم کو چکتر بمیان می آید؟و یا اینکه شما ساختمان اساسی ماده‌را درهم شکسته وجهان رابه پا یان میر سا نید ؟

این سوال ها برا ی‌سده های‌زیاد توجه‌روشنفکران ودانشمندان راجلب نموده بود. روتر فورد به پیشگویی عقیده ندا شت. از همان روزهای‌اولیه در نیو زیلند که سکالر شیپ تحصیل بکامبرج ر ا بدست آورد،زندگی‌علمی اش‌درچار چوب تجا رب، تحلیل ها، ارزیا بیها ونتائج بدست آمده خلا صه میشد.

بعدازپایان دادن کارهای علمی روی «بی‌سیم» واکسریزاعم توجه‌را رادرمورد اشعه اسرا ر آ میز یورا نیوم وفلز کمیاب رادیوم‌جلب شد که توسطخانم پیر ری کیوری در سال ۱۸۹۸ کشف‌شده بود.

بعداو تجاربش را رو ی اشعه‌الفا که‌آنرا ذره الفا نامید آغاز کرد .

بعداز تجارب زیاد او ذره الفا رااز را دیوم بمباردمان نموده ودر یك مخزن در بسته راه‌داد مشاهده نمود که عنصر هیلیوم را بد ست آورد.

➤

روتر فورد د انشمند شهیر در حال آزما یش و شکستن اتم.

(c) ketabton.com: The Digital Library



آغاز یافت

هنگامیکه روترفورد امکان‌شکستن اتم را اعلام داشت، در واقع بنیاد فرضیه «لایتجزا» بودن ذره‌را برکند ودریچه ای ازامید وروشنی را برخ جهانیان گشود .

قبل ازآن رو تر فورد وهمکارانش درك نموده بودندکه رادیواکتیو تغییر شکرفی رادرسرشت یك‌عنصروتبدیل آن‌به عنصردیگر نشان میدهد .

دراین راه نظرهای انتقاد آمیز شدید و جود داشت ولی او اکنو ن به این امر ایمان کامل داشت. تجارب بیشتر نشان دادکه اتم یورا نیوم از راه ۱٤دفعه تغییر شکل به اتم‌سرب تبدیل‌میشود. یورانیوم تا حدود ٤٫۵۰۰ ملیون سال را در بر گرفت تابه عناصر دیگر تبدیل شد. رادیوم تا حدود شش صد سال را برای تغییر ش بکار دارد .

روتر فورد کشف نمودکه طبیعت خودش کارهای شگفت انگیزی را انجام داده که کیمیا گران سا بق درتلاش‌تغییر یك‌فلزبه‌فلزدیگربودند. زمین شناسان وباستان شنا سا ن اکنون به کمك رادیواکتیف‌میتوانند عمر کوهها ، سنگلا خها و دیگر اشیای زمینی را معین کنند .

روتر فورد تجربه دیگری نمود . او ورقه طلا را باذره الفا بمباردمان نموده ومشاهده‌کردکه ذره‌یی‌یادشده ازآن گذشت. به صورت مقا یسه‌این کار چنین معنی میدهد که‌ما یك‌سنگ را از دیوار صد یاردی با فشار عبور دهیم .

سیاره های کوچك :

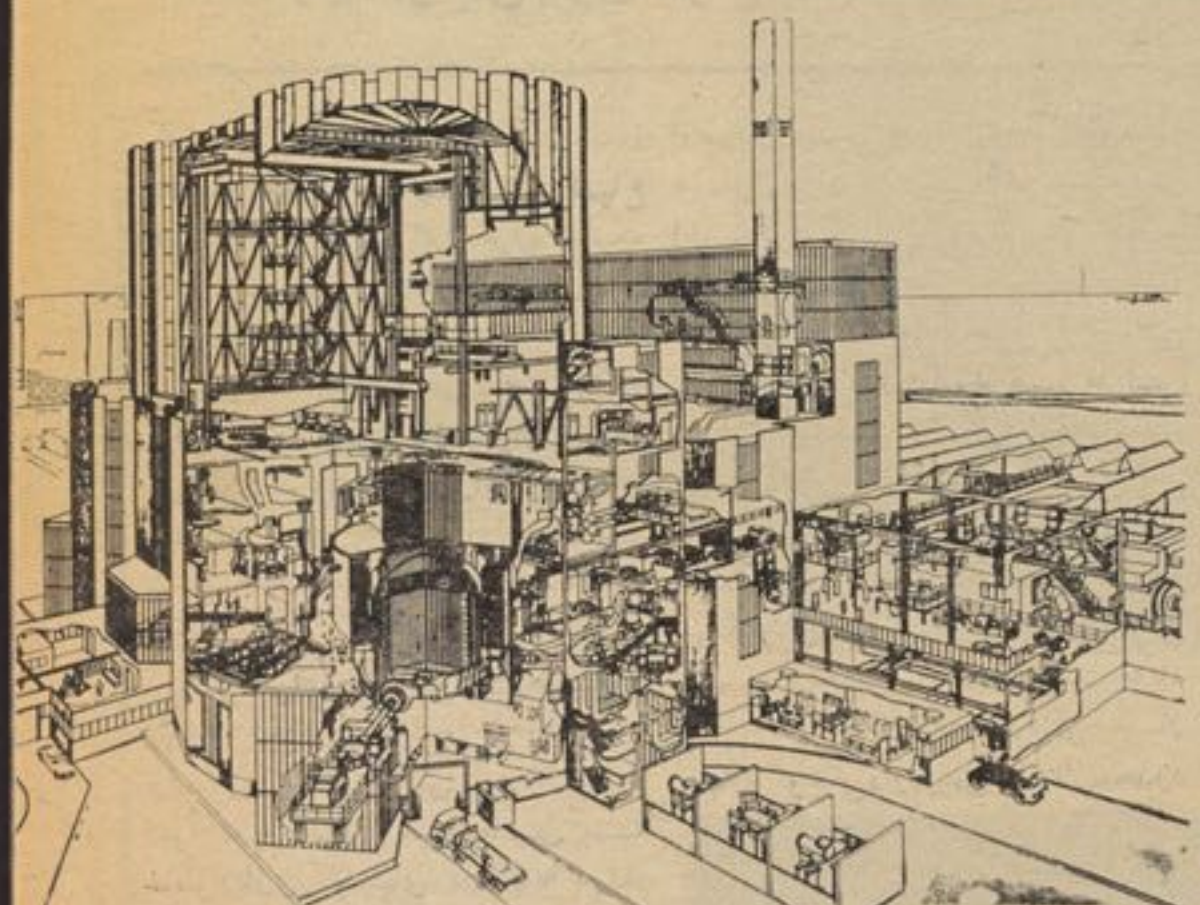
را تر فورد گفت که این تجر به ثابت نمود که اتم به صورت کا مل وآنطوریکه سابق فرض می‌شدمنجمد نبوده ودارای فضای‌درو نی‌می‌باشد. درحقیقت‌یك نظام شمسی کو چك‌در درون آن بود.اتم‌دارای بخش‌منجمد «هسته» بوده ودر اطراف‌آن‌الکترونها مانند سیاره هابدور آفتاب‌میچرخید. به‌همین دلیل بود که ذره الفا ازورقه طلاعبورنمود. بخش زیاد کلو له های الفا ازبین هسته «آفتاب» و الکترون ها در «سیا ره ها »عبور نمود . ولی یکی از ۸ ۰۰۰ ر ذره آتش شده ،بیرون آمد. او محاسبه نمود که هسته ۱۰٫۰۰۰ مرتبه کوچکتر از مجموع‌اتم است. به صورت مثال‌اگر تمام‌هسته‌های بدن انسان راباهم‌جمع کنیم فضای کمتر از یك دانه ریگ را اشغال مینماید . ولی جای‌شگفتی اینست که‌وزن آن برابر با وزن انسا ن میشود .

به این ترتیب معمائی بمیان آمد. روتر فورد به بمباردمان عنا صر دیگر شروع نموده ودرسال ۱۹۱۹ گزارش دادکه با بمباردمان اتم‌های نایتروژن ، هاید روژن را حاصل نموده است .

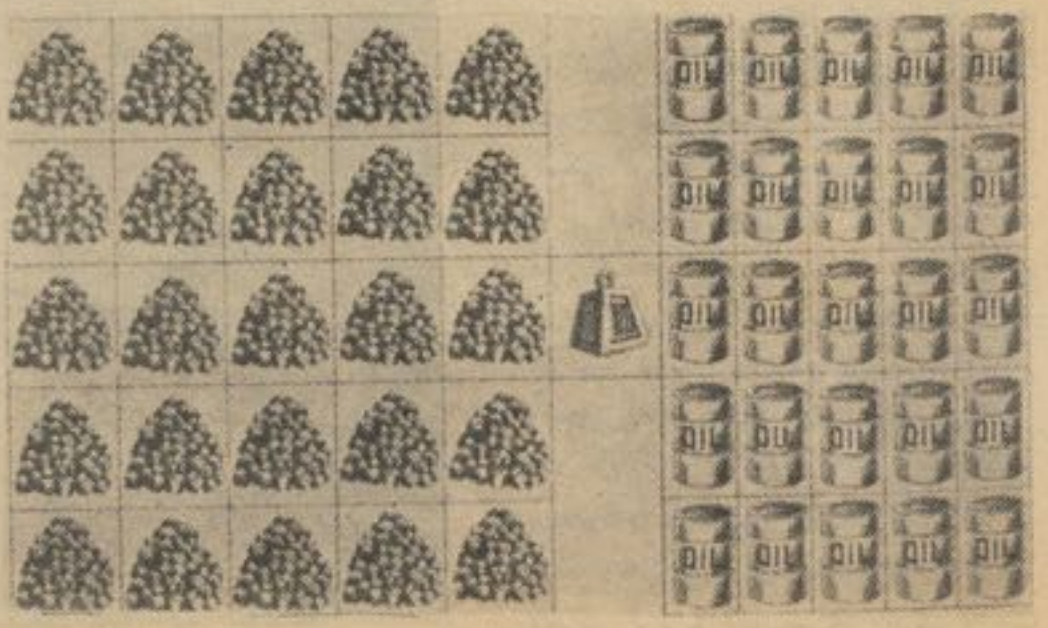
او توسط تجربه کا ری را انجام میداد که طبیعت خود بخودانجام‌داده ویك عنصر را به عنصر دیگر تبدیل میکند. تجارب‌ادامه یافت ویك تجربه راه دیگری را باز نمود تا اینکه در سال ۱۹۳۲ گزا رش داد که او فلز لیتوم رابا هاید روژن بمبارد ما ن نموده ودو اتم‌جدیدهلیویم رابوجود آورده است. به این تر تیب او بسادگی یك اتم را بوجود نیاورده بود، بلکه بصورت تمام یکی رابه‌دو بخش تقسیم نموده به این تر تیب جهان اسرار آمیز اتم شکا فته‌شد.

زمانی بود که دا نشمندان‌به‌آزادی تبادله، نظر میکردند و زیر فضا ی سا لم و آرام ، دانشمندان در همه‌جا اتم را زیر بمباردمان قرار دادند .

بقیه درصفحه ۹۲



دستگاه عظیم بالامی تواند انرژی را در خدمت بشر قرار دهد .



یك‌پوند یورانیوم انرژیی معاد ل...ر۲۵بلر نفت تو لید می کند.

(c) kelabton.com: The Digital Library

چهرهٔ که بر دروهٔ سینمای هند قراردارد:

هیما مالینی

هیما ما لینی میگوید:

میخواهم در نسخه هندی فلم ((بازدید)) همان نقشی را بازی کنم که انگرید برگمن بازی کرده است ۰))

من همواره ملا قات بازیگران سینما **راضیاع وقت میدانسته ام. ضیاع** وقت به‌خاطر آنکه این گروه وقت زیادی دا رند که ضایع سا زندو میپندا رند که شماهم خود تا ن را در جریان بیهوده یی رهامیتوانید **کرد گذشته ازین، باز یگران سینما فکر میکنند** که‌اگرشمارابا **وعده‌های** نادرست بازی بدهند، آوازه‌بیشتری نصیب شان خواهد شد. باهمه‌اینها وعده‌یی که‌من گذا شته‌بودم ،مطمئن **بودم که‌مراعات‌خواهدگشت‌وهمینطور** هم‌شد. وعده ملا قات‌من باهیمامالینی بود. این نکته شگفتی آور مینماید، **زیرا** درین هنگام هیما مالینی **به خاطر** بازی نقشهای دو گانه درفلم «سیتا او رگیتا» لقب بهترین بازیگر **زن رابدست آورده بودوبه سختی** میشد به‌او دست‌یا فت .

ملاقات باهیما ما لینی مثل آن‌است که‌آدم‌به «کارول‌باغ» دهلی سری بزند. وقتی‌به‌اتاق اوپا بگذا رید، فضای‌هند جنوبی را مجسم میبینیدو احساس میکنید که یکی‌از فلمهای ایستمن‌کلر ساخت‌مد راس را تماشا **میکنید. هیما ما لینی با انگلیسی** مدراسی وهندی کا رول باغی صحبت میکند، هیما زبان هندی‌را روان گپ میزند، و لی‌شیوه صحبتش آدم را وا میدا رد که فراموش کند او یك شخصیت سینما ییست.

هیماوقتی‌به انگلیسی سخن‌میزند، احساس آرامش بیشتری میکند. اگر چه درین کاربه پای «جایالا لیتا» که اوهم از جنوب آمده است، نمیرسد. هیمامالینی درصحبت ونگرش خودش زن دیگری را از جنوب به‌یاد آدم می آو رد، ویجنتی ما لاراآیا هیما ما لینی قصدا میخواهد ازویجنتی **ما لاپیروی کند ؟پاسخ هیما ما لینی** به این پرسش یك «نی» محکم‌است. خودش درین باره میگوید:

« انگیزه پیدا یی چنین احساس‌آن است که من‌به حیث یك ر قا صه بها را تانیام پیش همان سازندگا نی بروم‌که ویجنتی مالا رفته است. به‌یاد دا شه‌باشید که اینجادربمبی ساز **جهان کوچکی‌داردوحق انتخاب‌محدود**



است».

من وهیما ما لینی به صحبت‌درباره جایزه یی‌که او ربوده است، پرداختیم **ویکبار دیگرپای‌ویجنتی مالابمیدان‌آمد** من بدین نکته اشارت کردم‌که نمودار شدن اودر فلم «سیتا اور گیتا» به حیث‌بهترین بازیگر زن، شاید به خا طر آن باشد که‌نقش او درفلم **«لال‌پتهر» موقف وی‌را به حیث‌کسی** بالاتراز یك بازیگر عادی تثبیت‌کرد.

هیما ما لینی در جواب گفت:

«کاملا درست‌است. اما«لال‌پتهر» **پیروزی بزرگی نبود، حالانکه فلم «سیتا او ر گیتا »رامی‌توان‌پیروزی** بزرگی دا نست. میدا نید؟ اساسا قرازبود که‌درفلم‌لال پتهر نقشی‌را **که‌من بازی کردم ، ویجنتی ما لابازی** کندونقشی را که واکهی‌بازی کرد، نیرو تن به عهده دا شته باشـــد. سرانجام، هنگامی که‌نقش به من وا گذاشته‌شد، احساس بی اعتمادی نسبت به‌خود م بهم دست داد. به‌من گفته میشد که‌این نقش‌برای‌بازیگری چون‌من، بسیار دشوار است. درین فلم را جکمار نقش مرداول را بازی میکرد وهمو بود که به‌من دل و جرات بازی بخشید.»

هیما ما لینی انگار پرسشی راکه دردل دا شتم ، در نگا هم خوانـدو گفت:

«نی، من در کا رم باراج‌به هیـچ اشکا لی‌بر نخوردم. من هنوز بازی خود م رادر لال پتهر ازبهتریـــن تلاشهایم میدانم والبته در پیرو ز شدن این تلا شم را جکمار قسماسهم دا شته است.»

حالا باید پرسید که‌بازیگران‌مرد مورد علا قه هیما کیها هستند .

جواب میدهد:

« خوب، شمی کپور درفلم انداز **خیلی به من‌کمك‌کردومن نقش‌خودم** رادرین فلم بسیار دوست دا رم.ولی ببازیگران مورد پسندم هـمو ا ر ه **دیواننده راجندر کمار بودند.یکی‌از** وحشتناك ترین لحظه های زندگانیم هنگامی بود که‌درفلم جانی میرا نام دربرابر دیوانند قرار گرفتم.دیوانند **کمکم کردکه خوب بازی کنم.وچون** جانی میرانام جایزه گرفت،معلوم‌شد که‌بازی من چشمگیربوده است. در همین فلم‌بود که کار گردان مـورد علاقه‌ام رانیز ملاقات کردم.منظو رم **ویجی آنند است .او آنچه راکه‌از** یك بازیگر زن میخواهد ، خـــوب میفهمد وبه دست هم می آورد. از همین جهت است وقتی اواز مـــن دعوت کرد درفلم تیری میری سپنی

(c) ketabton.com: The Digital Library



نقشی داشته باشم ،پذیرفتم .درین فلم صحنه‌یی رابه یاد دارم ویجی‌انند ازمن خواست به سوی یخچال بروم وبرای دیوانند یك‌کوکاکولا بیارم. فکر میکردم که این صحنه بسیار بی معنیست، ولی هنگامی که‌آن را روی‌پرده دیدم، دریا فتم که این صحنه یکی از قدرتمند ترین صحنه های‌فلم‌است .

واین خود نشان میدهد که‌ما چقدر به‌کار گردان مد یو ن هستیم .»

ازهیما پرسیدم :

«نظر تان‌درباره ویجی‌آنندبحیث یك‌بازیگر چیست؟»

جواب داد :

« خوب، میفهمید که اویك هنرمند بر جسته است ومن این نکته را در **فلم تیری میری سپنی دیدم.درحال** حاضر ویجی انند شاید به حیث یك بازیگر خوب هم بتوانند کار کند .»

ولی چرا را جندر کمار اینقدرمورد علا قه هیما ما لینی قرارگرفته‌است؟

هیما خودش کدام تو جیه عقلی **درین باره ندارد .تنها میگو ید که** اصلا را جندر یك زیگر دو ست دا شتنی بوده است و از همینرو هوا فقت کرده که‌در فلم گورا اوز **کالا بااو همبازی‌شود.شاید هیماا**ز آنرو را جندر کمار را بر جیح‌میدهد که‌در دهه شصت وی دراوج آوازه بود وهیما درین هنگام دو ران‌تا ثیر پذیری را میگذ رانید .

خوب حالا باید پرسید که هیما ما لینی دربا ره دلیپ کمار چه فکر میکند .

هیما میگوید:

« من سخت آرزو دارم که درفلمی **بادلیپ همبازی باشم »**

پرسیدم :

« هر گونه فلمی که باشد،پروا ندا رد ؟»

جواب داد :

«خوب،لازم است نقشی خوبی باشد. اگرچه آدم به‌خا طر افتخار همبازی شد ن با چنین بازیگرا نی میتواند برخی از امتیازات رانادیده

گیرد. به‌همین صورت، من بسیار علاقمند که‌در فلمی بازی کنم‌که به **دست هریشی کیش مو کرجی کا ر گردانی شده باشد .ولی بارد یگر** میگویم که نقشم باید چیزی دا شته باشد و نمی خواهم که فقط سنتا زه فلم‌اوباشم . میخواهم بازیگری‌باشم که‌او زهنما ییم کند . برای این کار جایزه فلم فیر تنها یك آغاز است، نه فر جام . نقشهای ابهی نیتری و لال پتهر رابه خا طر آن پذیرفتم که **این نقشها بابا زیگری که‌در من** نهفته است ، جور می آمد . هری

شیدا هما نند سرید هر در مدراس، کارگردان دیگر مورد علاقه من‌است. این هردو، یعنی‌هریشیدا وسریدهر،

میتوانندآدم رادر قا لبی که لازم‌است

بیندازند.برین اساس من برای یك نقش بسیار جا لب پیشنهادی دارم:

میخواهم نقش زن انتقامجو را در نسخه هندی فلم «باز دید» بازی‌کنم.

منظورم البته نقشیست که« انکرید برگمن» درین فلم بازی کرده‌است.»

این سخن‌از کسی که‌همین لحظه

از فراورده های نخستین صحبت میکند، متنا قض به‌نظر میر سد.ولی

این تناقض ،نوعی از تناقض درونی با زیگریست که‌بر ذروه فلم هندی

هنگامی که در جانی میرانام بازی میکرد، استوار تر ساخته است‌و با فلم‌سیتا اور گیتا پو لساز ترین

بازیگر شناخته شده است . هیما **باز یبای خو د ش ، را هی**

راکه ویجنتی مالا رو شن‌ساخته‌است میپیما ید .

نقشی‌رابازی کند که‌با رقص توام باشد . درین باره میگوید :

« همانگونه نقشی که وحیدرحمان

درفلم گاید بازی کرد. چنین نقشی **رقاصه وبازیگری راکه د رمن نهفته** است، نمودار خواهد ساخت.»

پرسیدم :

« آهنگساز مورد پسند تان‌کیست؟ **شاید اس .دی. بر من با شد که** آهنگهای فلم گاید را ساخته است؟» جواب داد :

«نی، من آر. دی برمن رادوست دارم»

واین البته به‌خاط موضوع‌سن‌است

ولی هیما ما لینی این نکته راپنهان **میگذارد .**

ادامه داد :

« گذ شته ازین به حیث یك رقاصه کلا سیك مدن موهن رابا سرشت کلا سیکش دوست دارم .»

بقیه درصفحه۹۳

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابوریحان البیرونی

از: شرعی جوزجانی



آخرین بخش

۳۸ـ مقالة فی تصفح کلام ابی سهل الکوهی ، فی الکواکب المنقضة .
۳۹ـ کتاب تکمیل صناعة التسطیح .
۴۰ـ کتاب تصور امر الفجر والشفق فی جهة الشرق والغرب من الافق .

۴۱ـ مقالة فی استخراج الکعاب والاضطلاع بماوراء من مراتب الحساب .
۴۲ـ کتاب جدول الدقائق .
۴۳ـ کتاب امتحان الشمس .
۴۴ـ کتاب رؤیة الاهلة .

۵۴ـ کتاب جلاء الازهار فی زیج البتانی .
(بزبان عربی وزبان دری) .
۴۶ـ کتاب جدول التقویم .
۴۷ـ کتاب العمل بالاسطرلاب .

۴۸ـ کتاب جمع الطرق السائرة فی معرفة اوقار الدائرة .

۴۹ـ کتاب افراد المقال فی امر الظلال .

۵۰ـ کتاب استخراج الاوتار فی الدائرة بخواص المنحنی فیها .

۵۱ـ مقالة فی التحلیل والتقطیع للتعدیل .
۵۲ـ تمهید المستقر لتحقیق معنی الممر .
۵۳ـ کتاب التطبیق الی تحقیق حرکة الشمس
۵۴ـ کتاب جلاء الازهار فی زیج البتانی .
۵۵ـ کتاب کیفیة رسوم الهند فی تعلم الحساب.
۵۶ـ کتاب ترجمة مافی براهین سندهانة من طرق الحساب .

۵۷ـ کتاب الصیدلة فی الطب .
۵۸ـ کتاب استشهاد باختلاف الارصاد .
۵۹ـ کتاب تجرید الصناعات والانوار .
۶۰ـ کتاب الشموس الشافیة للمقوس .
۶۱ـ کتاب فی اخبار المبیضة والقرامطة .
۶۲ـ کتاب التنبیه علی صناعة التمویه .
۶۳ـ کتاب المقالات والاراء والدیانات .

۶۴ـ کتاب فی العجائب الطبیعیة والغرائب الصناعیة فی العرائم والطلسمات والنیرنجات.
۶۵ـ کتاب الارقام .

۶۶ـ کتاب تسطیح الکرة .
۶۷ـ کتاب الاظلال .
۶۸ـ کتاب دلائل القبلة .
۶۹ـ رسالة فی تهذیب الاقوال .
۷۰ـ مقالة فی استعمال الاسطرلاب الکری.
۷۱ـ مقالة تلافی عوارض الزلزلة .

۷۲ـ اختصار کتاب بطلیموس .
۷۳ـ کتاب الاطوال للفرس .
۷۴ـ کتاب المسامرة فی اخبار خوارزم .
۷۵ـ کتاب تاریخ ایام السلطان محمود واخبار ابیه .

۷۶ـ کتاب نزهة النفوس والافکار فی خواص المواليد الثلاثة والمعادن والنبات والاحجار.
۷۷ـ علل زیج جعفر المکنی بابی معشر .
۷۸ـ البرهان المنیر فی اعمال التیسیر .
۷۹ـ تنقیح التواریخ .
۸۰ـ ابطال البهتان بایراد البرهان علی علل الخوارزمی .

۸۱ـ خیال الکسوفین عند الهند .
۸۲ـ مقالة فی طالع قبة الارض و حالات الثوابت ذات العروض .
۸۳ـ رسوم الهند .
۸۴ـ راشیکات الهند .

۸۵ـ تحصیل الشعاعات بابعد الطرق عن الساعات .

۸۶ـ مقالة فی دلالة الاثار العلویة علی الاحداث السفلیة .

۸۷ـ کتاب فی المستقر والمستودع .
۸۸ـ تقویم القبلة .
۸۹ـ استعمال دوائر السموت لاستخراج مراکز البیوت .
۹۰ـ تصحیف المنقول عن العرض والطول .
۹۱ـ منصوبات الضرب .
۹۲ـ تعبیر المیزان لتقدیر الازمان .
۹۳ـ فی الارشاد الی تصحیح المبادی علی النمو دارات .

۹۴ـ مقالة فی الابتخار فی قدر الاشجار .
۹۵ـ التحذیر قبل الترک .
۹۶ـ شرح ابی تمام .
۹۷ـ تنویر المناهج الی تحلیل الازیاج .
۹۸ـ المسائل البلخیة فی المعنی المتعلقة بانکسار الصناعة .

۹۹ـ امر الممتحن وتعبیر ابن کیسوم المفتتن.
۱۰۰ـ مقالة فی طریقة التی ابتکرها فی صل بعض الاعمال .

۱۰۱ـ کتاب زیج المسعودی .

ابو ریحان بیرونی با آنهمه تبحر در انواع علوم وفنون وبا آنهمه آثار فنا پذیر علمی، دانشمندی متبحر ، محقق واقعبین وواقعگرای اندیشمندی ژرف نگر ، راد مردی انسان دوست وحامی بزرگ و دوستدار صمیمی علم ودانش بود واعتقاد داشت که آبادی ومعموری مملکت بهتکوفسانی دانش وفنون مربوط است و سعادت بشر منجمله در دانایی او نهفته است .

در سیمای بیرونی دانشمند کبیر انسیکلو پیدیست ، فلك شناس ، جغرافی دان ،معدن شناس ، رتنوگراف ، مورخ وشاعر بزرگ قرون وسطای شرق مجسم گردیده است .

محققین بزرگ جهان ضمن تلاش برای یافتن دانشمندی که بتواند همپایهٔ بیرونی باشد ، اورا ایره توسفین دوم ، بطلیموس وحتی لیوناردو داوینچی (نقاش ، فیلسوف وعالم بزرگ دورهٔ رنسانس ایطالیا) نامیده‌اند. اما اساساً برطبق قضاوت عادلانهٔ س.پ. تولستوف خیلی بجا ومنطقی خواهد بود تا بیرونی را لیوناردو داوینچی دوم‌نه، بلکه لیوناردو داوینچی‌را ، بیرونی دوم بنامیم (۵۷)

او نسبت بدشمنان دانش و معرفت،نسبت به‌عرف وعادات نکوهیده و نسبت به بیعدالتی سخت خصومت میورزید واز تظاهر وریا در ساحه دانش وقضاوتهای قشری متکی بر تصور وسو بژکتیویسم شدیداً منفرداشت. همیشه ودر هر کجا که قدم میگذاشت . حتی در دشوار ترین لحظات زندگی در جستجوی حقیقت وواقعیت بود وعقیده داشت که‌اندیشهٔ بشر میتواند نهفته ترین وبغرنجترین واقعیت هارا نیز دریابد و «بیاری حکمت، معمای راز دهررا بگشاید».

اندیشه های طبیعی ـ علمی و فلسفی بیرونی در ساحه مبارزه افکار ، اهمیت‌مترقی خاصی را حائز میباشد .

میراث علمی بی‌نظیراین دانامرد بزرگ‌شرق چنانکه شاید وباید درکشور ماشناخته‌نشده.

(پایان)

---

(۵۷) عیسی جباروف ، راز خرابه‌های کهن، ص۱۶۳ ، تاشکند ۱۹۶۸ .

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرنوشت

در شماره گذشته خواندید :

«ایرین» دختریست‌که در شرکت‌عطر فروشی یك وکیل دعوی بنام ژیو کار میکند وی اصرار دارد که‌کارش کسل کننده است و می گوید که ایستادن در پشت میز وبفروش رسانیدن عطر او را ذله ساخته است او بعد از اینکه‌ا لز«ژیو» جدا میشود بخانه رفته و لحظه یی به یکی از همصنفان دوو شاگردی اش تیلفون میکند . وگذشته‌هایش‌را بخاطر می‌آورد .

واینك بقیه داستان









(c) ketabton.com: The Digital Library

هیچ ، راستی چند بچه اینجا را ترک میگوئی .

دوازده و نیم بچه ... اما من گرسنه ام نه !

۷۸

اجازه بده که ترا به صرف غذای چاشت دعوت کنم

از همان غذائی که تو خوش داری

صرف کنیم

۷۹ لازم است که درین باره فکر کنم .

چرا فردا چاشت یکجا غذا صرف نکنیم ؟

را ؟ امروز اجازه داری ؟

نه .

۸۰

در مغازه ، "مورلیس" چاکلیت میفروشد ؟

و چنین معلوم

پس باید تقسیم قطعی گرفته شود ،

آن یا نه ؟

۸۱

ی گوئی که میخواهد

چیز دیگری بگوید .

بسیار خوب ، ساعت دوازده و نیم در نزدیک دروازه

صبح دکان .

این یکی از نخستین ملاقات آنها است و بعد از اینجا آرزو دارند که همیشه یکدیگر را ببینند . اما زندگی خوش "داندا" یک درد و رنج همیشگی مبدل میگردد . او مجبور است که همیشه دعوت های "ژیو" را قبول کند چرا که این دختر جرأت این را ندارد که به او حقیقت را اعتراف کند

"ژیو" وضع "داندا" را طور دیگر می یابد

"داندا" تو طور دیگر معلوم می شوی

مثل اینکه مریض هائی . و یا اینکه خواسته باشی چیزی را از من پنهان کنی .

۸۲

نه . من خوب هستم و لکن ناراحتی هائی دارم ، چرا اینرا گفتی ؟

بطوری که تو مانند همیشه نیستی بنابرین اشتباه کنم ...

۸۳

بلی ، "ژیو" ، تو اشتباه میکنی . حدث تو درست نیست .

(c) ketabton.com: The Digital Library











چند هفته می گذرد . موقعیکه "واندا" بیش از پیش غرقاب تحول می گردد . تا اینکه برایش تصمیمی می گیرد .



لوژه، بیسوادی اوناپاکه هوابشری ژوند تهدیدوی

هغه څه‌چه په دی برخه کښی داړتیاوړ دی او تر او سه پـو ری لاس ته نه دی راغلی- دا قتصا دی بوهانو- محیطپیژندونکو -فزیکی‌او اجتما عی پو هانو- دتجربه لرونکو سیاستمدا رانـو او ودانو لـو او پر اختیا دطرح کوونکو متخصصانو تر منځ نژدی مر سته ده .

ددغی معمی یو خرګند خطر پـه لمړی مر حله کښی دهغی له زیاتی اندازه نه ساده کول دی .

په دی معنی چه که دمو ضوع د زیات ساده کولو په نتیجه کښی په دغی کره کښی دژوند دا صلی‌ستنو دتراکم اودرنیدوخطرفو ری اوعاجل وګنړو او دمخکی دکری دحیاتی‌منابعو څخه بیحـده استـفا ده او دوام رواوشمیرو، دمخ په انکشافوهیوادو خلك نه له وحشتنا کی آیندی سره مخا مخ شی، څکه چه مو نږ به لـه دغو محرو مواو فقر څپلو خلکوڅخه وغواړو چه دژوندانه دمحیط دساتلو په خاطر چه دپر مخ‌تللو هیواد و د بیحده استفادی په نتیجه کښی منځ ته‌راغلی دی، له‌پر مختګ څخه‌ډ ه وکړی- بنکاره‌ده‌چه دوی به ددغسی غوښتنی په اثر راوپا ریږی . خوزما په عقیده ددغی مسالی مطرح کو لو نه اړتیا نشته .

څکه دا سـی د لیـل نشته چـــه دمخ په‌انکشافوهیوادو دډیرضرورت وړ اقتصادی پر مختیاددو ی‌دمحیط پانورو محیطونو دپاره د نه منلووړ فشار متضمنه و ی.

شك نشته چه دژوند د محیـط ساتنه دهغو یو شمیر امتیازو نو له جملی څخه دی چه مخ‌په انـکشاف هیوادو نه‌یی لری څکه چه دوی بـه دپر مخ‌تللو هیواد و له‌ترخوا اوګران قیمتو تجربو څخه په استفادی سره دژوند دمحیط په باره کښـی د دوی اشتباګانی تکراری نکړی.

نتیجه به څه و ی؟

نتیجه به یقیناً دانه وی چه مخ په انکشاف هیوادو نه بایدله‌صنعتی کیدو او دتکنو لوژی خواته د منډی وهلو څخه ډډه وکړی اودرکود پـه حال کښی پاتی شی. دشتمنوهیوادو دخلکو دپاره آسان دی چه د تکنو- لوژی دعصرنه دپخوانی بنکـلا د شاعرانه تخیل په شکل تعریف‌کړی مګر حقیقت دادی چه دفقر زیږه او چټله خیره دتکنو لوژی دعصر نه‌په پخوا دوره کښی په هیڅوجه بنکلی به وه چه په اوسنی شتمنه نـړۍ کښی وغواړی دهغی دپاره شا عرانه خوبونو جوړ کړی .

دصنعتی کیدو نه پخوا دو زه د زیاترو خلکو دپاره دفقر، بیو زلی او ناروغی نه پرته بل څه نه درلو ده اوخوك نه غواړی چه هغی دو ری ته ور وګرځی .

هر څوك چه ددغه حقیقت په باره کښی شکمن وی، په بیرته پا تـی یا مخ‌په انکشا فو پرا خو هیـوادو کښی دبد بختی او فقر کر کجـــنه خیره په ښه و چه لیدلای شی ،څکه دغه محرو میت د بشری ژوند د هر معقول مقـیا س ســـره و حشت راوستونکی دی . په دی ډول‌دتعجب وړ به نه وی چه ووینو یاواورو هغه کسان چه دپر مختګ له‌تو لوښیګنو ګټور دی- غـواړی چه اقتصـا دی پر مختګ دی وخنډیږی یاورو شی.

مګر مخ‌په انکشاف هیوادونه‌کولای شی‌په آسانی او لږو پیســو سره دخپلوصنایعو بنسټ داسی کیږد ی چه دژوند په محیط بانـــدی دژیان رسولو څخه مخنیوی و کړی او د پر مخ‌تللو هیواد و دهغی و رخی‌سره مخا مخ نشی چه ټن ورځ دژوندا نه دمحیط دناخوالی څخه په رنځ‌کښی دی .

نوی تکنو لوژی چمتو ده .

په جهانی بانك کښی ز مـونـږ تجربی دغه نظـریه تادئیـد وی . بیوزلی هیواد ونه کولای شی چه د محیط دکړتیا سره دمبارزی دپاره له مختلفو او ورځ‌په ورځ زیاتیدونکو تکنو لوژیو څخه‌استفاده و کړی.دغه تکنو لوژی په‌ډیرو پخوانیو مرا حلو کښی دپر مخ‌تللو هیوادو په بر خه شویدی که نه ددوی دژوند محیـط به پاك پاتی وای اوادپرمخ تلـــلو هیوادو امتیاز دی . دغه تکنو لوژی خپلی از مو یښی ورکړیدی او اغیزه ناکی دی. مثلا ذلندن دآسمان هوا نسبت ۱۵ پخوانیو کلو ته له نوی تکنولوژی څخه داستفادی به‌نتیجه کښی پاکه شویده څکه چه په سلو کښی اته لوګی لږ تولید یږی او پـه سلو کښی څلویښت دسلفراوکساید پکښی کم شویدی اوپه نتیجه کښی په‌ژمی کښی دلمر دوړانګو دځلیدو وخت دوه چنده ګرځیدلی دی. دغـه ټولی پر مختیاوی د۱۹۵٦ کـال د مپاکی هوا، دډیر پر مخ تللی قانون له وضع کولو څخه وروسته لاس ته راغلی دی چه‌دلندن دخلکودهریوتن دپاره په کال کښی یوازی ۳۵سنته لګښت‌لری .مګر که دکړتیا ضد د دغی مبارزی پټو او غیر مستقیمو نتیجو ته متو جه شو اوپه نظر کښی ونیسو چه څومره ناروغی اونارامی یی له منځه وړی ده اوګه د ۱۹۵۲ کال در کړتیا او ویروونکی لوګی خاطره په‌یاد راولو چه دهغه په‌نتیجه کښی ٤۰۰۰تنه‌مړه شول- هغه‌وخت به ددغو اقداماتوپه‌اهمیتووپو هیږو.

له هغی نیټی وروسته یعنی لـه هغه وخته چه دکړتیا په‌ضد یـو قانون تصویب شو، په انګلستا ن کښی دسیندونو دپاك ساتلو په‌برخه کښی ډیر پراخ او کلك اقـدا مات شوی او په سیندو نو کښی‌دکثافاتو دتو یولو مساله تر کـلکی خارنـی لاندی راغلی ده.په‌ټیرو ولسو کلو کښی دلندن نه‌دباندی‌دتایمز دسیند ۵۰ کیلو متره واټن په اوږدو کښی یوکب هم نه پیدا کیده مګر پروسږ کال په دغو اوږدو کښی ٤۰ ډو لـه کبان پیدا شوی دی .

شتمن او پر مخ‌تللی هیوادو نـه دژوندانه دمحیط دپاك ساتلو دپاره نوی تکنالوژی کشـفـو لو ته دوام ورکوی او ډیر وربانډی کلك ولاړدی په‌دی صورت کښی مخ په انکشا ف هیوادو نه کولای شی دخپل محیط دښه ساتلو د پاره له دغـو نـوو- تکنا لوژ یو څخه استفاده و کړی.

مګر ز مونږ اندیښنه له دی څخه چه بنایی خپلو دوو ګونو هد فونو یعنی هم دمخ په انکشافو هیوادو د بر مختیا سره‌مر سته او هم‌دژوندانه دمحیط دساتلو په لاره کښی‌رسیدو ته بریا لی نشو، دتکنو لوژی لـه کمزورتیا څخه سر چینه اخلی بلکه زمونږ اندیښنه‌دسیاسی او اجتماعی ارادی دنشتوالی‌پاکموری له مخی‌ده.

داکره په مونږ ټولو پـوری اړه لری

دژوندانه د محیط موضوع د بشر ټول وګړی دهیوادونو په اړ یکـی پو هولی اودی ته یی متو جه ګرځیدی چه بشری ټولنه په یوه توغندی‌کښی چه دمخکی کره نو میږی، د سفر په حال‌کښی دی. دمسافرا نو له‌خلورو خخه یوه برخه دهو ساینی اوآرا می وسایل لری او نوری دری بر خی‌یی په نا مساعده وضع کښی تیرو ی. دغسی بیړی.یقیناًښه سفر په‌مخکښی نه‌لری، په ټیره بیا هغه و خت چه‌د دریمی درجی مسافران و پو هیږی داسی وسایل شته چه کیدای شی له هغو څخه دټولو دژوند دښه‌کیدو دپاره استفاده و شی .

آیا په مو نږ کښی دو مره‌سیاسی او اجتماعی پو هه پیدا شویده چه دټولو مسافرانو دژوندا نه شرایطو ته پا ملر نـه و کـړو او ددوی د پرمختګ دپاره زیاته‌مرسته‌و کاندو. او دتجارت او ګمرکی تعر فو دتوپیر غوښتنی موانع له منځه یو سو؟دغه ډول موانع دواړو خواو ته دګټی د رسیدو اودنسبی‌امتیاز داصل‌دعملی کیدو مخنیوی سبب ګرزی. عدا لت اوشخصی ګټه‌دواړه په عاقلا نه‌توګه دا ایجابوی چه مونږ دپرانیستلو لار په مخکښی ونیسو او وختو نو مانع له منځه یو سو، نه داچه هغه‌بی له کوم عقلانی دلیل څخه وټړو او یـا دملا تړ او محدودوافکا رو او عقایدو دپه لاس کښی لرلو په عنوان دهغو مانع و ګرځو .

په دی خبره باید تردید ونلروچه بډای او شتمن هیوادو نه کولای‌شی دژوندانه دمحیط‌دساتلو د پاره‌دزیات لګښت دمبارزی ددوام په ضمن‌کښی دبیو زلو هیوادو سره هم د دوی د چټکی ودی اوپر مختیا دپاره مرسته وکړ ی څکه تروروستی لس کلنـی دوری پوری په ددوی غیر ملی‌تولید له یو زر ملیارد ډالر وخـخه هـم زیات شی .

دغه غوښتنه چه پر مخ تللی او شتمن هیوادو نه نشی کولای‌بیوزلو هیواد و ته خپلی مرستی په سلـو کښی له ۰ر۳۵ څخه تر .

پاتی په ۸۸مخ‌کی

ژونلون

(c) ketabton.com: The Digital Library

عکس و مطلب



پول نیومن هنر پیشه معرو فسینما این مطلب را در کتا بچه خاطرات خود یاد داشت کرده بود :

« روزی خسته و مانده از کاربخانه خود بر گشتم در ا ستد یو سرم بدرد آ مده‌بودومیخواستم چندساعتی استراحت کنم . در فلم‌نقشی را بازی میکردم که اجباراً تغییراتی‌درقیافه ام داده بودم ومن همانطور گریم شده و با مکیاژ بخا نه ر فتم‌چون حو صله‌نداشتم در استد یو برای پاك کردن سروصورتم ا نتظاربکشم دم دروازه منزلم و قتی‌ازموتر پائین شدم دیدم د ختری ا نتظارمرا میکشد، اتفاقاً دخترمرانشناخت وچون دید «بخانه پول نیومن»داخل میشوم گفت :

ـ آقا بدیدن پول نیومن‌میروید؟

ـ بلی خانم .

ـ پس لطفاً ازقول من‌سلام‌بگوئیدودر ضمن این پست کارت تبریکی‌را بخاطر مو فقیت فلم ا خیرش بوی‌بد هید .

من پست کارت را گرفتم وبدرون‌خانه رفتم ، بعد با عجله د ر پست کارتی اینطور نو شتم : « دخترعزیزم ... آ نکه پست کا ر ت‌را ازتوگرفت خود پل نیو من بود ... از احساسات نیکت تشکر ا ین پوست‌کارت را از طرف‌من بپذیر... پل نیومن ... »

مهربانی انتونی کوئین



در میان هنر مندان سینما کسی در مهربانی و عطو فت بپای انتونی کوئین نمیرسد ، او نه تنها به انسانها بلکه حتی به حیوانات‌علاقه دارد چنانچه یکروز بخانهٔ یکی از دوستان خود رفت ودر آنجامشاهده کرد که سگ پشما لوی دو ستش مریض است . او آنقدر نا را حت شد که خوردن‌ونوشیدن رافراموش کرده فوراً سگ دوست خود را برداشته برای معالجه نزدوترنربرد. چون روز ر خصتی بود اکثروترنرها به محل کار خود نبودند عا قبت انتونی کوئین یکی از و تر نر هارا در تفریحگاهی پیدا کرده او راوادار ساخت تاآن سگ را معاینه‌کند .

بعد ازآن روز تا موقعی که آ ن سگ بکلی خوب شد او هر روز یا بدیدن آن سگ میرفت و یا تیلفونی از او خبر میگرفت .

پران ازمیدان بدر نشد

پیری چیز یست که اکثر هنرپیشگان را از میدان بدر میکند، در سینمای هند هنر مندانی که سن‌وسال شان زیاد میشود دو مو قف دارند ، یا ا ینکه بکلی سینما وهنرپیشگی را ر ها میکنند و یا در نقش هایی ظا هر میشوند که سن شان اقتضامیکند، بطورمثال‌شیا ما که یك وقتی هیروئین فلم ها بود ،اکنون نقش های مادر و یازنان پیر رابعهده میگیرد .

همچنان آشوك کمار و پر یمنات‌بهارت بهویش د ر همین مو قف قرار دارند با اینهم این هنر پیشه‌هابسیار کم در فلم ها ظا هر میشوند. اما بازار پران مانند سابق گر م‌است ، تنها پیری او را از جست خیز انداخته، برخلاف فلمهای‌دوران‌جوانیش که بیشتر نقش های منفی و پر ز دو خورد را بازی می کردحالا پران نقش های آرام مثبت و بدون خیز و جست را بازی میکند ،پران در میان هنر پیشه‌هامحبوبیت زیاد دارد ، فلمسازان و همکا رانش‌احترام خاصی بو ی دارند .

طوریکه از نشریه های سینما یی‌هند بر می آید پران چندین قرارداد دیگر بسته و در فلم هایی که‌هنوزکار فلمبرداری آن آ غاز نشده برای ایفای نقش های متعدد درنظر گرفته‌شده است .



پران و همامالینی

میلن دومونژو در فلم ..

میلن اخیراً تصمیم گرفته در یك فلم کمیدی بازی کند ، این‌فلم‌کمیدی را فرانسه و ایتالیا بصورت مشترك میسازند . خوبست این آ شو بگر طناز را در فلم کمیدی اش‌هم‌ببینیم یکی از ستاره های سینماکه‌رقابتی با میلن دو مونژو دارد ، از ر و ی طعنه گفته است : سکس در کمیدی چه بدرد میخورد دو مونژوکه چیزی جز یك اندام زیبا نـدارد ، در فلم کمیدی هم ناچار است همان اندام زیبا را برخ مردم بکشد و گر نـه بازی کمیدی پختگی و مهارت می‌خواهد که دو مونژو فا قد آنست...

صرف نظر ازین قضاوت پر از حسادت و ر قابت آمیز همه‌منتظرند این فلم کمیدی تهیه شود .



(c) dlibrary.com: The Digital Library

گوتا دلچسپ خواندنی

از ظرافتکاریهای شعرا و نویسندگان

دندان خربوزه

معروف است که درآوان کودکی امیرخسرو دهلوی شاعر، موسیقی دان وصوفی شهیر یکی از دوستان پدرش از اوخواهش کرد چنان یك دو بیتی(رباعی) بسراید که متضمن کلمات(مور بیضه، خربوزه و تیر) باشد .

امیرخسرو دهلوی فی‌البدیهه این رباعی را سرود که بسیار ظریف است :

هرموی که در دوزلف آن خوش صنم است صد بیضه عنبرین برآن موی ضم است
چون تیر بدان راست دلش را، ز یرا چون خربوزه دندانش درون شکم است

قربانیان مود

مدموی د زاز اروپا سلمانی های کلکته را به شدت متضرر ساخته است. طبق را پور اسو شتید پرس عده ای زیاد سلمانی ها بخاطر کساد بازار دکان هارا بسته ودست به تظاهر زدند . تابه این وسیله جلب تو جه نموده واگر بتوانند بازار کار شانرا و باره گرم بسازند

عکس جالب



درسایه لرزان عمری که گذشت ؟

مسابقه شطرنج در زیر دریا

اولین مسابقه جهانی شطرنج زیر آبی بتازگی در سیدنی آسترا لیادایر گردید . دراین تورنمنت هژده نفر شرکت نموده وپس از مسابقه های های هیجان انگیز وارن پولیس ، از از استرا لیا برنده شناخته شد .

جا لبترین نکته مسابقه این مساله بودکه پنج مخزن اکسیژن فقط برای یك سا عت میتوانست کاربدهد. به همین لحاظ مسابقه دهنده حد اکثر تلاش مینمود تادرهمین مدت کوتاه برحریف غالب آمده و اورا ازمیدان بدر ببرد و درغیر تجدید مخزن اکسیژن ممکن نبوده و شر کت کننده خودبخود ازمیدان نبردبیرون میرفت.



ارقام تاثر آور

ار قامیکه درد سامبر گذ شته از طرف انستیتوت جنایت شنا سی در اللنباخ آلمان نشر شد نشان میدهد که ازهر چهارخانواده آلمان غر بیك خانواده آن درسال گذ شته مورد دستبرد دزدان قرار گرفته است.

اکنون معلوم شده که طی سال گذشته افزایش جنایت رقم هجده فیصد رانشان میدهد .



ستون خانمی

شرایط کرایه نشین

پدرم خانه اشرا بکرایه میگذارد ومراجعان به تیلفون من مراجعه میکنند .بهمه حال توقعات مراجعان بعضاً دلچسپ ، بعضاً عجیب وبعضاً «غضب انگیز» است ،ولی یکی از آن میان پیشنهاد خنده «داری دارد که بیان میکنم :

زنگ بصدا آمد. گوشك را برداشتم و گفتم: **«بلی، بفرمایید» ناشناس گفت :** «خانه را شما بکرایه میدهید ؟»

گفتم: **«خوب،اینطور تصورکنید ... آیا** فرمایشی داشتید ؟»

گفت: **«آغاجان ، من‌میخواهم خانه‌ای را بکرایه بگیرم‌که آنقدر بزرگ باشدکه خانمم** در اثر کارهای زیاد «جمع‌وغند» فر صت رفتن به خانهٔ مادرش را نداشته باشد ...

وبقدری کوچك باشد که خشویم نتواند با ما زندگی کند !.... آیا خانهٔ شما این شرایط را دارد؟»

هنر زن داری !

مجربان میگویند :«از هنرهای زناشوهری یکی آنست که‌خانم صاحبه‌را بقدری نوازش کنید که اصلا علت جدالی را که آغاز کرده است ،فراموش کند ... کسانیکه این هنر را میدانند ،در رشتهٔ زنا شوهری واقعا دیپلومات هستند !»

دگور خستگی!!

بیادم می آید یکروز در پایان ها ،دریکی از ممالك خارج، بسیار خسته شده بودم . بقدریکه خواب سنگینم ربود .... نمیدا نم در چه ساعتی ،باثر صدا هاییکه در رهرو بلند شده بود ،از خواب بیدار شدم . هر چند منتظر ماندم ،صدا ها فرو نه نشست ، بالاخره تیلفون را برداشته ،به مامورموظف هوتل شکایت کردم .مامور بکمال ادب گفت: «تاسف میکنم آقا ،ولی من نمیتوانم مامورین اطفائیه را توصیه کنم که آهسته تر اجرای وظیفه کنند !»

ازعجایب جنس لطیف !

این‌وجیزه ، ازدلچسپ ترین وجیزه های روز بشمار میرود :

« زنان همیشه بخود زحمات باور نکردنی

وفو ق‌العاده را میدهند تا شوهری بچنگ آورند ،ولی کمترین وناچیز ترین زحمتی نمیکشند تا آن شوهر بدبخت را بخود نگهدارند !!»



خانم دلسوز!

(c) ketabton.com: The Digital Library

پیام

مسلک جوانان افغان

جوان گردوستدار ملت وکشور نمیباشد — سربیمغز او شایستهٔ افسر نمیبا شد
نمیزیبد زند لاف جوانی آنکه لب‌تشنه — بخون دشمنان ملك چون خنجر نمیباشد
نمیشایدکه درخیل جوانانش جوان‌گوئی — جوان‌گراز صمیم دل وطن پرور نمیباشد
جوان رادورهٔ پر افتخار حفظ ننگ ونام — غمی ازجان‌وتن، اندیشه‌یی ازسر نمیباشد
جوان درحفظ خاك خودبخاك‌وخون‌گندبازی — که حفظ خاك تنها ذمت عسکر نمیباشد
گواراو حلاوت‌بخش چون‌آب دم‌شمشیر — بکام جان نثاران وطن گوثر نمیباشد
جوان را درنظر ظل همایون همابرسر — زقدر سایه شمشیر افزونتر نمیبا شد
جوان‌چون باد، کوه‌دشت پیماید بروزجنگ — اسیر راحت ودلدادهٔ بستر نمیباشد
جوان‌را سرخ روی‌نزدقوم اکنون‌وآینده — زخون دشمن خودریختن بهتر نمیباشد
جوان‌در خدمت‌مام وطن،جان میکندقربان — که‌روز خوش‌نصیب طفل‌بی مادرنمیباشد

خلیل ازپیرغیرتمندوجدانداراین تلقین
که‌شمشیر جوان‌راغیرخون‌جوهر نمیباشد

محمد ابراهیم خلیل

آزادی از نگاه صاحبنظران

من ، آزادی رابه هرشکلی که باشد،دوست‌میدارم ، لیکن آزادی همگانی را .
«ناپلیون»

• • •

مردم رابایدبرای حفظ آزادی ،تعلیم داد «کارنو»

■ ■ ■

تمام کشمکش ها وتحمل آلام و مشقات‌انسانی درین دنیا ، برای آزادیست .
«کارلایل»

• • •

یك ساعت زندگی با افتخار وشکوه ، به‌یك قرن گمنام زیستن ، می ارزد .
«والتر اسکات»

• • •

فقط کسانی شکست میخورند که تلاش‌ومبارزه نکرده اند .
«بیلی آلدرنج»

• • •

آینده ، متعلق به کسانی است که درآرزوی آن هستند وبه آن ایمان دارد .
«کمال اتاتورك»

• • •

فتح وظفر ، بکسانی تعلق دارد که بیش‌ازدیگران ، استقامت دارند .
«ناپلیون»

• • •

برای مردی که اراده دارد، هیچکاری ،امکان ناپذیر نیست !
«میرا بوا»

• • •

اگرانسان ، درزندگی، همچون کسی رفتارکند که بزندگی ، ایمان دارد، شایسته تر وسعادتمند ترخواهد بود .
«توماس مان»

از: ناصر طهوری

شکوه‌جاودان

وطن ای وطن ! توبهشت ما ،توبهشت مهرو صفای ما
تو شکوه ما،تو جلال ما،تو امید مـا تورجای ما
دل وجان ما، بفدای تو، بفدای‌آب وهوای تو
که توبهجتی ، که توشوکتی ، گه‌تو نعمتی ، زبرای ما
همه مست بادهٔ مهرتو، همه اختران سپهر تو
توبی آرزوی دل همه ،زتو شوروعشق ونوای ما
دل سنگهای تو پر شرر ،دل آبهای‌توپر گهر
دل کشت های توپر ثمر، تونمود ما ،تو نمای ما
زصفای آب وهوای تو، شده تازه‌جسم وروان ما
زفضای آب‌و هوای تو ،شده زنده عشق‌وهوای ما
وطن ای زنام تو، مفتخر، زن ومردوپیرو جوان ما
وطن ای زفرتوسوده سر، به‌سپهر،گـرد لوای ما
وطن ای وطن ! بخدا قسم، توبسی‌عزیزتری زجان
که بدامن توگرفته جا، سرو پیکرشهدای ما
شهدای ما،که براه تو ،پی حفظ حشمت‌وجاه تو :
ـ به نثارکردن جان وتن، شده‌اندراهنمای ما
وطن ای شکوه توجاودان ! وطن‌ای سرود تو برزبان
وطن ای نثار توهر زمان ،دل پرزمهر ووفای ما
همه دره تونهاده سر، همه دامن‌ازتوبرازگهر
همه همره تود عای ما، همه حافظ تـــوخدای ما

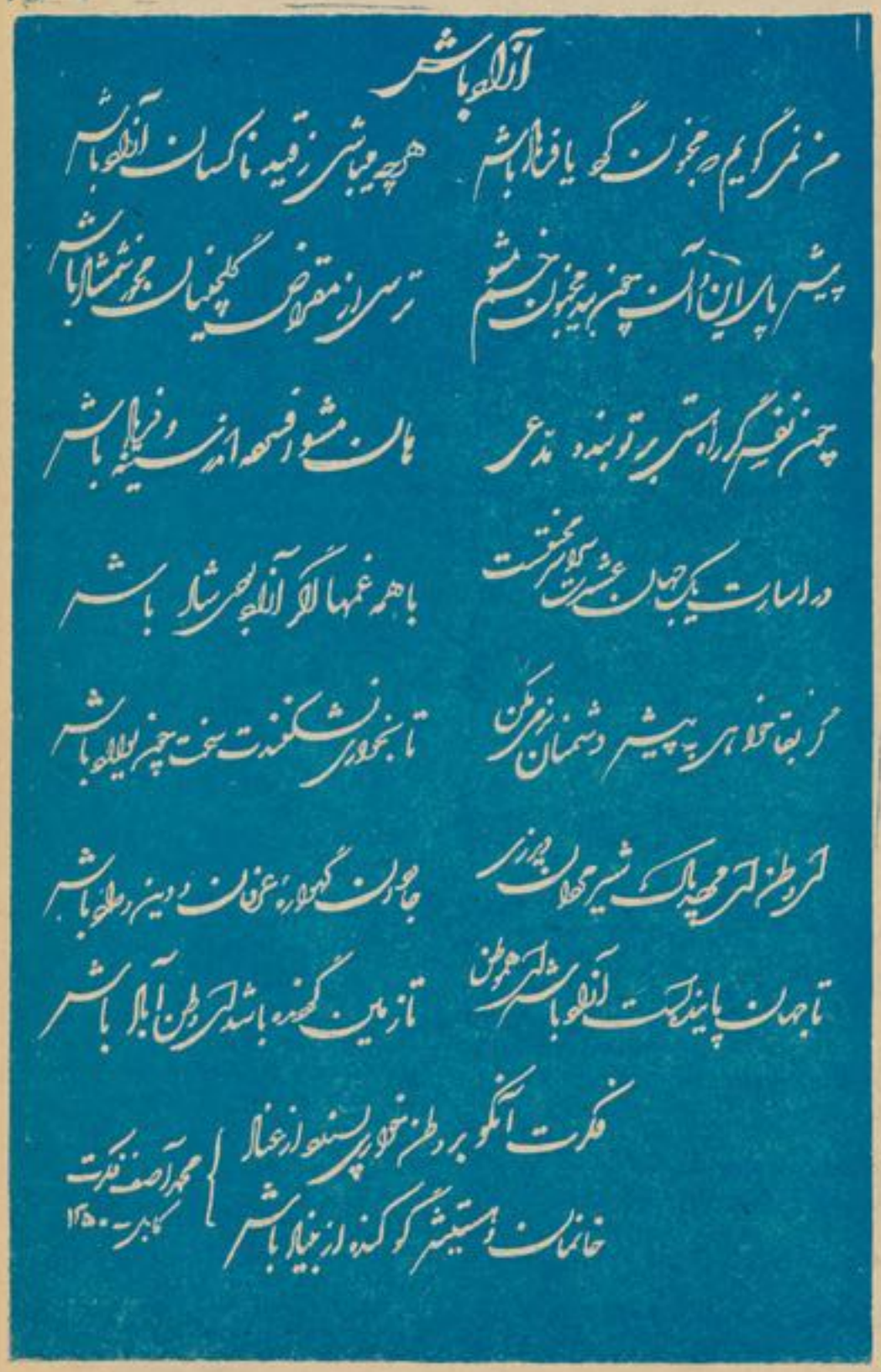
به آغازاده‌ایکه دروصف جمهوریت شعرسروده وسنگ «ستمکشان» رابرسینه کوبیده است !

خاصیت آیینه

آنکس‌که بااهل وطن بس‌کینهٔ دیرینه‌دارد — یاللعجب، گراین‌زمانش‌مهروطن‌درسینه‌دارن
سنگ‌ستمکش میزند، برسینه‌ظالم‌زاده‌ای باز — **اکنون‌که‌نی سرپنجه وبال وپرپارینه‌دارد**
مضمون‌خدمت برلب ولفظ‌صداقت برزبانش — **فکرخیانت برسرودرسینه کوه‌کینه دارد**
فردای‌جمهوری‌رسیدوغافل‌است‌ازحالت‌خود — مستی که‌درسرآتشی‌ازبادهٔ‌دوشینه‌دارد
بیدار گرایزك نگرگز دادمیراندسخن‌ها — زرپوش‌پرتز وبرحالا خرقه‌پشمینه‌دارد
ازمژدهٔ جمهوریت‌امیدوارو شادمان‌است: — آنکس که‌برکف آبله،در جامه صدها‌پینه‌دارد
نی‌آن ستمگرزاده‌ای درنازو نعمتهاشناور — **نی‌آنکه‌چون‌گرگ‌گرسنه‌خصلت‌دیرینه‌دارد**

پنهان نشایدداشتن‌جنس زیبارازیرخرقه
تاریخ رسوا میکند، خاصیت آئینه‌دارد

کابل ـ ۲۹ ـ اسد ـ ۵۲ غلام ربانی «پروانه»



(c) Iranian Oral History: The Digital Library



از داستانهای کوتاه وطنی:

و دریا میخندد!

بود نبود یک آدم بود ، نام این آدم «میرزاآقلاب» بود . به طور کلی تاه «میرزا» می‌گفتندش . «میرزا» هم‌به گونهٔ آدم های‌دیگر بود وهم نبود . اواز خود چیز های داشت‌که دیگران نداشتند ، دیگران چیز های داشتند که‌او نداشت . قدش میانه و اندامش لاغربود. در نصفهای زندگی اش ،گام می‌برداشت ،گفتم درنصف های زندگیش ، خودش این‌را می‌گفت. وقتی ازش می‌پرسیدی ، چند سال داری ؟ میگفت :

– درنصفهای زندگی‌ام گام می‌بردارم .

بعداً زرف می‌کشید وادامه میداد :

– بیش ازسه دههٔ عمرم‌بیهوده گذشت . همه‌اش رنج ، همه‌اش‌درد وهمه‌اش‌غم ...

گاهیکه از او می پرسیدند :

– ازچه میدانی‌که درنصف های عمرت‌گام می‌بر داری ؟

پاسخ میداد :

– ازگورستانها .

– ازگورستانها چطور ؟

خا موش می ماند و پس از لحظه ها می گفت :

– این‌یک راز است ، راز !..

کلمهٔ «راز» بشنوند گان‌جالب‌بود .هرکسی که میخواست به این راز پی ببرد ، «میرزا» برایش خاطر نشان می نمود :

– پی‌بردن به این‌راز ، خرج‌کار دارد و فرصت می خواهد . می توانی مهیاکنی ؟

اگراو می گفت :

– آری .

آنگاه روزی را معین می‌کرد ودر روزموعود بااو به‌گردش می پرداخت :

بی‌سخن درکوچه‌ها وپس کوچه های شهر گهنه چکر می‌زدند . از دکانهای «چارسو» خوردنی هایی می خریدند . در سموار ها «چاینکی» می خوردند ، تصویر های رنگارنگ زنان زیبارو و ستاره های سینمای هندی‌راکه به دیوار های دود زده‌کاه‌گل‌ها آزبن‌بسته بودند تماشا می‌کردند ، ریکارد های هندی می‌شنیدند وچای سبز فرمایشی هیل دار وجوش دادگی می نوشیدند ...

وقتی همه تاریک کوچه های کج‌وپیچ‌شهر گهنه‌را تك وپی می‌کردند واز بالای تمام دیوار های شکسته وکاهگلی خانه‌های دامنه «کوه شیر دروازه» می‌گذشتند میامدند به«سرچوك» لختی درآنجا به‌تماشا ... می‌پرداختند و بعد بسوی کوچهٔ «کاه فروشی» گام می برداشتند تامی رسیدند درپشت دیوار های «مسجد پل خشتی» آنجایی‌که خوراکه های پسمانده‌و ارزان قیمت را می‌فروشند . درآنجا به‌گوشه‌یی می نشستند وخاموشانه نظاره میکردند ...

• • •

کاروان زمان آهسته آهسته پیش می‌رفت و«میرزا» ازدریچهٔ دنیای خود به‌جهان دیگران نگاه می‌کرد ...گاهگاهی ازهمره‌اش میپرسید:

– می بینی ؟

– چی را ؟

آنگاهیکه اومی گفت :

– چی را ؟

اوقات «میرزا» تلخ می‌شد ، می خواست سرش فریاد بزند ولی حوصله می‌کرد ،قهرش رامی خورد وباز خاموش می ماند . پس از لختی باردیگر می‌پرسید :

– می شنوی ؟

– چی را ؟

«میرزا» بانگاه های تند تند به سوی او می‌دید ومی‌گفت :

– لاحول والله ، بازمی‌گوید چی‌را ؟

همره اش لبخند می‌زد ومی‌گفت :

– چرا قهر می‌شوی ، مطلب را توضیح کن .

«میرزا» ازجایش برخاست ، سرش راتکان داد وزمزمه کرد :

– توضیح ... توضیح ... دیوانه شدم از دست این‌قدر توضیح ...

آیا چیز هایی‌راکه دربرابر چشمهایت‌قرار دارد نمی‌بینی ؟ آیاگفتگو های‌که در پیرامونت جریان دارد نمی شنوی ؟

همره اش می خواست چیزی بگوید ولی «میرزا» بهوی فرصت نداده گفت :

– فهمیدم ، فهمیدم، حاجت به‌گفتن‌ندارد .

– چی‌را فهمیدی ؟

– همین ، همین !

– همین ، همین‌که باز توضیح می‌خواهی .

– خی‌چطور ؟ بدون توضیح کس چیزی‌را می فهمد .

«میرزا» دستش رابه بازوی او حلقه نمود، وبالهجهٔ کشاله‌دار گفت :

– بلی ... بلی ... بلی ...

لحظه‌یی بی‌سخن ماند ، بعدبه دقت در پیرامونش نظر انداخت و آنگاه گپ‌هایش را ازسر گرفت :

– بلی هستند کسانیکه نه‌تنها بدون توضیح چیز هایی رامی فهمند بلکه توضیح آنان را مغشوش می‌سازد ...

بادست درپشت همره‌اش تپ‌تپ زده ادامه داد :

– باور کنید ،که همین طوراست ،بخداقسم، باورکنید !

– همره‌اش‌که باشگفتی وی‌را می‌دید ،تبسم کنان گفت :

– راست است ، درست است ،باورکردم، باور کردم .

– حالاکه باور کردی ، پس بیا اینجا را ترك کنیم .

– به‌کدام سو برویم ؟

– شماخو می‌خواهید به‌یك راز پی ببرید، همین طور نیست ؟

– همین طور است .

– پس باید اطاعت کنید .

– اطاعت می‌کنم .

• • •

در مناره «مسجدپل‌خشتی» آذان‌نماز پیشین طنین انداز گردید . نمازگزاران بیخیال داخل مسجد می‌شدند . آن دو ازراه درون «سرای های تجارتی» به سوی مندوی روان گردیدند. باز «میرزا» ازهمره‌اش پرسید :

– می شنوی ؟

– چی را ؟

– بازگفتی چی را ؟

– باید گفت‌که‌بلی می‌شنوم .

– ازهرسو سروصدا بالاست ، من چه میدانم‌که مطلب‌شما کدام است .

«میرزا» ازبازوی اوگرفت وایستادش کرد. سپس برایش گفت :

– گوش‌کن ، خوب گوش‌کن ، آیا از میان این همه سروصدا یك‌آواز پر جسته را نمی شنوی ؟

– مثلیکه آواز دهل و سرنای «مرستون تیاتر» را می گویی .

– بلی بلی همین رامی‌گویم ، همین را.

آن‌دو پس از گردش دربازار ها وسرای‌های «مندوی» به‌چوکی های ردیف او ل «مرستون تیاتر» تکیه زدند . سالون «تیاتر» ازتماشاچی پربود . نمایش طبق معمول بارقص‌دسته جمعی دختران آغاز گردید .

این دختران هریکی درمیان تما شاچیان، علاقمندانی داشتند . علاقه مندان بااشپلاق‌ها نعره‌کشیدن ها وسرو صدای گوش خراش علاقهٔ شانرا ابراز میداشتند . هنگا میکه رقص به‌آخر می رسید وپرده پائین می آمد هریکی از تماشا چیان بابی صبری منتظر رقص یگانه دختر مورد علاقه اش بود . وقتی پرده بالا می‌رفت و در آنسوی پرده هنر مندا نی می تپیدند تایك موضوع انتباهی را نمایش دهند اعترافات تماشا چیان سالون رابه‌سر می‌بر داشت . ازهرسو سرو صدا بالابود:

– گمش‌کن این‌کار روائی هارا ، رقص رقص !

درجریان نمایش «انانسر» ظاهر می شدو به‌نصیحت می‌پرداخت. ولی‌نه‌تنهاکسی نصیحت رانمی شنید بلکه مسخره اش میکردند و «انانسر» هم از روی ستیز به فحش و نا سزا می‌پرداخت . تماشا چیان هم‌در پاسخش‌کوتاهی نمی‌کردند . سر انجام گپ به رسوا ئی می‌کشید ودرنتیجه «انانسر» می‌باخت .درهنگام رقص باز اشپلاق‌ها ، نعره کشیدن‌ها ،گپ‌ها وحرکات «جالب» تما شا چیان ، نمایش‌دلچسپی را بوجود می آورد .

در این حالت ، حال «میرزا»هم جالب بود. او چنان غرق تما شای ، تماشا چیان بود مثلیکه صحنه در آنسو باشد . همره اش به‌او گفت :

– چرا تماشا نمی‌کنی ؟

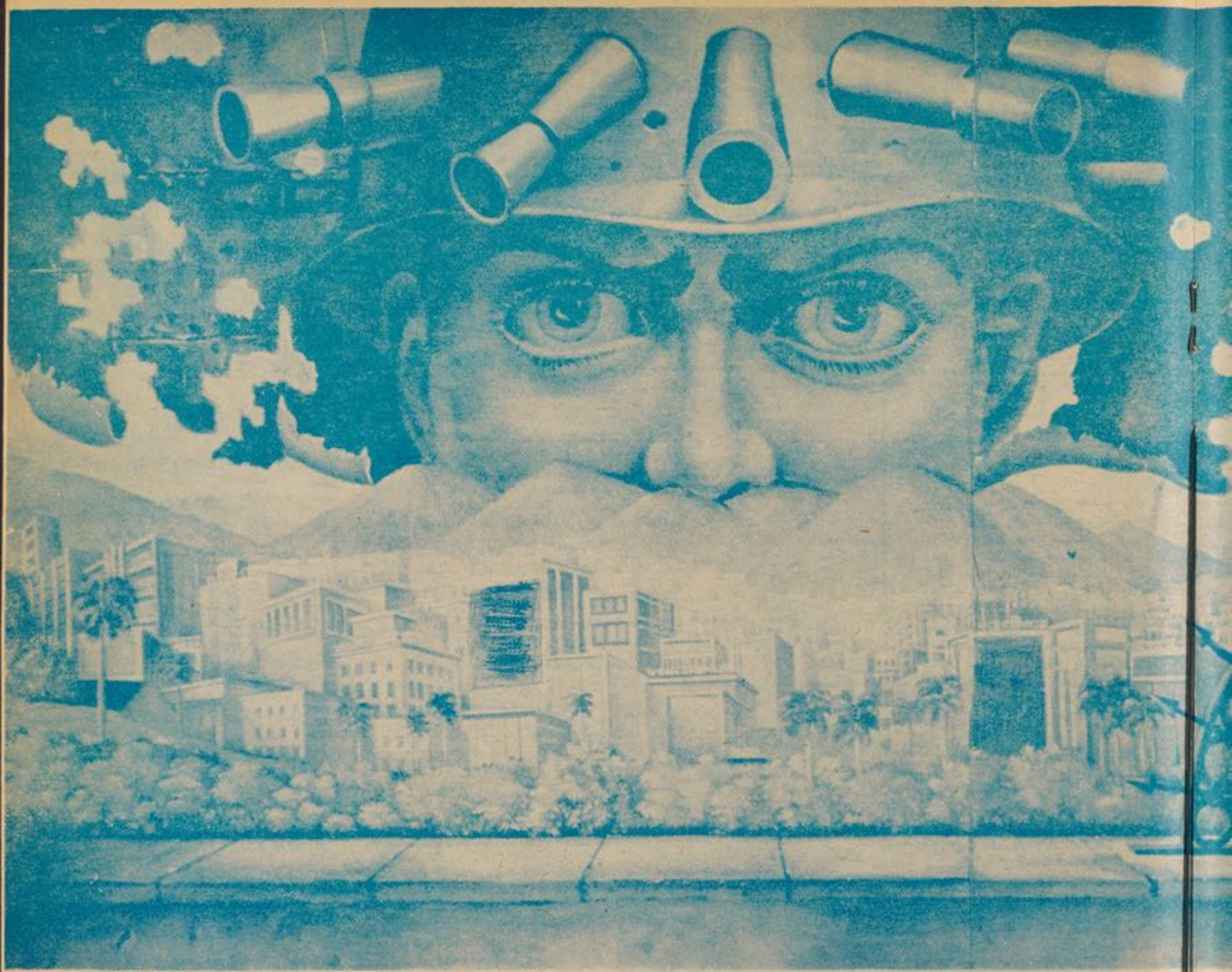
– چطور تماشا نمی‌کنم ، می بینی که تماشا می‌کنم .

– چه قسم تماشا می‌کنی صحنه در برابرها قرار دارد وخودت در پشت سرمی بینی .

«میرزا» بق،بق‌می‌خندید ودرمیان خنده‌هایش می‌گفت :

من... من.... محو وميت هارا تماشا می کنم .

(c) ketabton.com: The Digital Library



این را بگفت واز جایش بر خاست . همره‌اش اعتراض کنان پرسید :

ـ هنوز نمایش به آخر نرسیده است میخواهی بکجا بروی ؟

«میرزا» درحالیکه از بازوی او می کشید گفت :

ـ کافیست ...کافیست بروکه برویم .

همره‌اش تردد داشت ؟ «میرزا» برایش گفت :

ـ نباید فراموش کنی ، توگفته بودی که اطاعت می‌کنی .

ساعت های بعد ، آندو در «شهرنو» بودند. تمام سرک های فرعی راز یر پا نمودند دراکثر هوتل‌ها و رستو رانت های عالی سر زده حلق ترکردند وناگهان سرحد شان به‌آخرین منزل هوتل «انترکانتی نتل» رسید .از آنجا «شهرکابل» بخوبی دیده میشد . «میرزا»گاهی درپشت این پنجره وگاهی در پشت آن‌پنجره قرار می‌گرفت . اوبه مرغی میماند که از لابلای میله های قفسش بیرون را تماشا کند. پس از اینکه از تمام پنجره هابیرون را نگاه کرد به‌همره اش گفت :

ـ چه‌خوب‌می‌شدکه‌کابل رامندوی زندگانی، مندوی آدم‌ها نام می‌نهادند ...

بعدآن دو خودرا در میان گورستانهای «قول آپ‌چکان» یافتند ، هر لوحه سنگی نوشته دار راکه «میرزا» می‌دید به همره اش می‌گفت :

ـ بخوان .

وقتی او می خواند بعدمی پرسید :

ـ درچند سالگی مرده است ؟

همین‌گونه هرقبری که لوحه سنگ نوشته دار می داشت میخواندش واز آنانیکه بر سر گورستان های اقارب شان برای یاد وبود ودعا آمده بودند می پرسید :

ـ این‌ها به‌چند سالگی مرحوم شده بودند؟

پاسخ آنان را درکف دستش یاد داشت می نمود .

همین‌طور از«قول‌آپ‌چکان» به «دامنه‌علی‌آباد» «زیارت سخی» آمده واز آنجا به «شهدای صالحین» رفتند .

شام نزدیک می‌شد . آنان آهسته آهسته ازکوره راه های میان گورستانهای «شهدای صالحین» به‌سوی شهر گام بر میداشتند .

«میرزا» باهمره اش می‌گفت :

ـ میدانی‌که شام غریبان ، عصر زندانیان وصبح یتیمان بسی تاثرانگیز است ؟

ـ نه نمی دانم .

ـ بساز درباره اش بیندیش ، وقتی‌خوب ژرف بیندیشی ، می توانی بدانی ، آری ... آری... انشاء الله‌که میتوانی ...

بار دگر خاموشی حکمفرما شد . هریکی درگشتی خیال خود نشست ودر دریای چرت هایش شناور گردید .

آمدند آمدند تاکه به‌دل شهر رسیدند . به‌کف دستش نگریست . نگریست و نگریست وبعد خدا حافظ گفته ازهم سفرش دور شد.

اواز دنبالش صدا زد :

ـ یك‌کمی صبر کنید ،یك‌کمی، درباره راز چیزی می‌پرسم ، درباره راز ...

«میرزا» در حالیکه همان طور روان بود گفت :

ـ میدانم ، میدانم ،باز توضیح میخواهی، مگرمن دیگر وقت ندارم باورکنید که وقت ندارم ...!

• • •

روزهای بعد در حلقه دوستان آوازه شد که «میرزا» گم شده است . هریکی باشگفتی از همدگر این خبررا می شنیدند و با خود زمزمه می‌کردند :

ـ بیچاره «میرزا» ...

وبعد خاطره های اورا بیاد می‌آوردند :

ـ عجیب آدمی بود . همواره گاهگاهی‌میگفت که‌روزی از میان این‌همه غم هاچنان بی سرو صدا وچنان بی‌خبر خواهم رفت که به آسانی کسی نتواند ردپای مرا بیابد و آخرهم چنان کرد ...

«میرزا» همیشه میگفت :

ـ انسان یك موجود خیلی بغرنج است ، شناختن اوکاری بسی دشوار است ، آری بسی دشوار !

وقتی ازش می پرسیدی ازچه زیاد رنج می‌بری ، پس از تفکری می‌گفت :

بقیه درصفحه ۹۳

(c) kelabton.com: The Digital Library



لمړی بریدمن محمد عارف تسل
له غزنی ۳۰ لوانه

دجمهوریت ستاینه

نوی قیام ، نوی نظام جمهوریت دی زمونږ
بیرغ او چت دی زمو نږ
دخوشحالی اوافتخارنوی نهضت دی زمونږ
ملی وحدت دی زمونږ

• • •

داستر بری مو مبارك شه دافغان عسکرو!
ای قهر مان عسکرو !
تاسو کتلی دتاریخ لوی امتحان عسکرو !
په پاك وجدان عسکرو!
په لراو برکښی جوړاختر دمسرت دی زمونږ
دژوند نعمت دی زمونږ

■ ■ ■

زمونږ لرغونی آرزوګانی سرته ورسیدی
سترګی موو غږیدی
مراوی غوټی دآرمانونو مورا وغوړ یـــد ی
خوا وی موو سړ ید ی
بریالیتوب هم دبرچی په برکت دی زمونږ
نوم دهمت دی زمو نږ

• • •

خپل سرنوشت پخپله خوښه مونږ تاکلی شواوس
اختیار لری شواوس
دتمدن درشل ته خان وررسو لی شو اوس
هر خه کولی شو اوس
ملګرو ! وخت دنیکمرغی اوسعادت دی زمونږ
وارد جرائت دی زمونږ

• • •

مونږ دافغان دجمهوری اردو تکړه سر بازان
دجرېت پټنګان
ملا مو تړلی ګرو خدمت په صداقت او ایمان
دخپل قائد په فرمان
دژوند له کومی اطمینان داطاعت دی زمونږ
دا مصلحت دی زمونږ

• • •

دجمهوری نظام په سیوری کښی مرام لټوو
عزت دقام لټوو
د ملی پـت دحفاظـــت ګـډ اهتمـام لټوو
مثبت اقدام لټوو
تسله! خوښی بری هر یو فرد دټول ملت دی زمونږ
په ننګ او غیرت دی زمونږ

خپلواکی په لنډیو کښی

دخپلواکی دجنګ ناری دی
موری زه سمه دجانان سره ورځمه
دخپلواکی په جنګ شهیده
دوطن پیغلی دی زیارت لره درځینه
یارمی په جنګ کښی توره وګړه
خکه همزولی راته ګوښی سمویږه
یا م که چه واردی خطا نشی
په تورټوپك ویشتلی راشی
دګلو خانګه دی په سرو لاړه یمه
چه پرهرونه دی ګډم خوله درکومه
توپی توپی په تورو ښه یی
دبی ننګی آوازدی مه راځه هیڅه
دخپلواکی داختر ورځ ده
پکښی به ګرځوتوری سترګی سره لاسونه

استقلاله

سراومال موشه قربان په آزادی
هوآباد دی داجهان په آزادی
آزادی ده چه کامونه ، ملتونه
یوله بله دسیالی کوی کارونه
آزادی کښی بلبلان دباغ په ګلو
خان ګړی ستړی هرسحر په چغیدلو
ستاپه مینه خپلواکی اواستقـلاله
ډیر زلمی شو ټیر له سراو هم له ماله
دمیوند دشهیدانو وینی تراوسه
دی تازه اوهم ژوندی ده لاملاله
خلی خای په خای ولاړ ستادعـزت د ی
نښانه یی دپښتون دننګ کماله
بی دسترا له روحه مړه وی ملتونه
خپلواکی دژوند اوبه ګړی رب هرچاله
(نصرالله حافظ)

حمزه شینواری

څلوریزی

له په کعبه کښی نه پت خانه کښی
نه په زمـــزم کښی نه میخانه کښی
نه می په ټره کښی نه په لیمو کښی
خوشی طلب کړم په ویرانه کښـــی

• • •

نه می ملك کړه نه می حیوان کـــړه
نه می ټول عشق کړه نه می عصیان کړه
زه مسلمان یم او سط می خوښ دی
زما خالقه مـــا خـو انسا ن کـــړه

ذکریا مانیجن

جمهوریت ته هرکلی

جمهوریته ستړی مه شی په لیمو راخه
زمونږ په زنو کیږده قدم پاس په بټوراخه
دافغانانو لوی ورو ستاانتظار کو لو
نوی ژوندون موشونصیب په اتیو راخه
ټول مملکت په تاویاړنه خوشحالی کوی نن
زمونږ په دنګودنګو غږو دښتورغو راخه
شی ارزو ګانی اوهیلی به زمونږ واړه پوره
دډډمندو زړوداحوال به پوښتید وراخه
ستاموسس محمد داؤد زمونږ په حال دی آګاه
دخوار غریب اومحرومانو په لیدو راخه
دترقی سحرهراشه شپه زمونږ کړه سبا
تیارو ګوټو ته دوطن ، په رڼیدو راخـــه
ظلم رشوت تبعیض توپیر زمونږ له منځه ورلاګړه
دوروولی ، برابری ، په جوړیدو راخه
فقرو افلاس اوبیکاری زمونږ وطن ټولی
دوړی نس ، اوبر بندتن به بیدوراخه
دا ستااعلان چه دوطن یوقهرمان زوی وګړ
خان ګړه بیدارد مملکت په لوړیدوراخه
باغ وبستان به دوطن شی مانیجنه سمسور
لکه بلبل تل په چغار اوګړیدو راخه

آزادی

آزادی په شهیدانو ،خلك ټول آفرین وایی
ددوی روح ته ملایکی ،احترام کی په سمائی
په جنت کی منتظره ،ورته حوری او غلمان دی
آزادی ته چه چاګړی ،غزا ګانی اوژوندی دی

دسپرلی اود توری ،نهکاره نخښی یی په تندی دی
په درنه ستر ګه ئی ګوری، غازیان هرچا لره ګران دی
آزادی په باپ دټولو ، افغانانو داشعـار دی
دښمنان که دی راغلی، ببرته تللی په ارمان دی
آزادی په باب کی وائی،(صاحب زاده) ورته قربان یو
داوطن زمونږه مورده، مونږه ټول ئی فرزندان یو

داوطن ساتنه غواړی ددوی ساتونکی په ښه شان دی
آزادی ده لکه شمعه، افغانان ئی پتنګان دی

دادوی ،یومشروع حق دی آفرین ورلره پښتانی
هم زامن لونږ لمسونه ئی ،درنا وی دهمه چانی
آزادی لکه جنت ده، افغانان ئی (جنت خواهان دی)

استقلال عالی هدف ته ،رسیدلی دوی ګرندی دی
خلك ټول پری تحسین وائی، عزتونه ئی خوندی دی
آزادی لکه لیلاده افغانان ئی مجنـو نان دی
استقلال به مونږ ساتو ،زمونږ سرورڅنګی جارد ی
آزادی دجنګ میدان دی، افغانان ئی سربازان دی

یومو خدای یوموطن دی، مونږ ییرو ده قرآن یو
دآزادی دحفظ دپاره، توجه کی په هر آن یو



رحمان بابا

لاله نه دی

ستاد عشق حرفونه تورنه دی ګلګون دی
هم په داچه نوشته په جګر خون د ی
نش به نه شی هغه خم دعشق له میـو
چه یی خاوری دفر هاد او د مجنو ن دی
د دنیا چاری همه واړه فانـــی د ی
دا دستا جورو جفا ولی افزون د ی
مقتولان ستا دغمز ودی لالـــه نه دی
چه په سره کفن له زمکی را بیرون دی
چه یی هرځ یبها خلمیو خخه نشته
جوته نه دی سکه کنجونه دقارون دی
درحمان دژړه خو تاب مګر قبول شی
چه مخ نه ددلبر وپری ګلګـو ن دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

هنرمندان خارساز

جوانترین هنرمند تیاتر

نام او اینارا گلیـو را ا ست.او تحصیلات اولیه اش‌را در مکتب لسان انگلیسی فرا گر فته وبرای‌آموزش پیانو به مکتب مو سیقی‌نام نویسی کرد .او هیچگا ه لحظه ای‌را که در کاخ کارند ویان جو ا ن کنسرت های موسیقی برپا میگردیداز دست نمیداد.زمانیکه مکـتب را بپایان رساند ولحظه انتخاب شغل‌آینده فرارسید اودرانستیتوت‌دولتی هنر تیاتری نام نوشت .

سال گذ شته او توا نست تـــاموفقیت چشم گیری در تیاتراوپر یت مسکو بدست‌آ ورد .



اینارا گلیورا درحال تمرین‌منقش‌تیاتری اش

انستیتو ت از جمله‌محصـ لا نشس‌پنج‌نفر را که در آن‌جمله اینـــزا گلیو وانیز شامل بو دبه‌تیاتـراوپریت بر گزید.

دراین زمان کار تحت رهنما یـی های هنر مندان‌معرو ف وحر فـه‌یی آغاز یافت او توانست من دراوپریت کمیری «مسابقه‌زیبایی» شرکت‌نموده ونظر استادانش راجلب نمایدنقش راکه اوبه‌عهده‌داشت آمیزه‌ای‌نماهای شاعرانه کمیدی و تراژیك بود .

اوکه اکنون بیست‌و سو میـــن‌سالگرد تو لدش راجشن میگیر د درجاده طولانی هنر تیـاتـر باسربلندی وپیروز مندی گام گـذا رده وافق وسیع پیروزی در برابر ش‌قرار دارد .

رقص با پر

سلسلی راند ، رقاصهٔ معرو ف که نخستین نگاه هایش را در محیط هنری خـانوادگی اش انـدا خت . اکنون باسر عت شگرف زمینه های شهرت و محبو بیت را در هنررقص زیر پا می گذارد .

او اکنون در مرکز هنری‌منها تان نیو یارك ، هر شب با هنرآفرینی اش قلب هزاران هوا خواه خود را بـــه تپش در آورده و بسیـا ری تماشاچیان برای دیدارش سرودست می شکنند . در کلوبی که او هـــر شب به ر قص و پایکوبی می‌پردازد چوکی ها از هفته های‌قبل قـرو غ‌گردیده و مردم باید هفته هاانتظار بکشند تا شبی را در پای سن‌رقص‌او به صبح برسانند . رقص با پـر که توسط سلسلی صورت می گیردشهرت فـراوانی برایش بـهم ز ده است .



فرجام خانوادهٔلو باوین

فرجام لو باوین‌هااز تو لیدات‌روسیه‌شوروی فلمیست پراز ماجـــرا . درین فلم یك خانواده از ساکنیـــن‌یك دهکده سائبر یارانشان میدهد که‌علیه غارتگری وچپا و ل یـــك‌دسته رهزنان مسلح از خود دفا ع میکنند .یك همکار با تجر به ویك‌کمسمولی جوان موظف به خنثـــی ساختن عملیا ت تجاوز کارانـــه‌رهزنان میشوند. باار تباط هنـری موضوع فلمش‌میر ود ومعلـــو م‌میشود که رهزنان از طـرف‌بعضی عناصر که‌درخود محل زندگی‌میکنندحـما یـت میشـو نـد کشـــف افـــراد خا نـــوا ده ها یـیـکـه‌عناصر تجاوز را کمك میشدندصحنه های پر از حادثه راخلق میکند .ولی‌فیلم باهمین حادثه پایان‌نمیپذ یرد بلکه بر شهادت تاریخ سعی شده‌عوامل وتغییرات اجتما عی کهـــن به روی پرده سفید منعکس میشوددرفلم روابط اجتماعی کهن ز هـم پاره شدن نو آوری های جا نشین‌ارتباط های پو سیده میگردد . این نوآوری ها بیگمان با مفکوره ها ی‌عالی وبه تفصیل در فلم تجلـــی میکند که تماشا چی گا هی خود رادر جریان حادثه احساس مینماید.

ودر فلم آنچه بیشتر جلب‌تو جه‌میکند همانا نمایش وضع سیاسی همان ناحیه در آنز مان میباشد .

رژی لیو نید یند گلو نیا ستاریـولئویند نخروشف‌ولئو یند گلو ینا تولید کننده کالنینا یاسکا .



کمسمول جوان.. در یك صحنه‌از فیلم فرجام‌خانواده لوباوین

(c) kelabton.com: The Digital Library

زړه خبرې

انتظار سلطا نپور ی

خپلواکـــی

دجنت خوری‌ږدی خالونه‌دشهید له

آزادی دانسان یو مشروع حق‌دی
دآزادی. تعبیر او تفسیر دهروطنپال
او آزادی غو ښتو نکی په‌ذهن کښی
داسی ځای لری چه‌دهغه‌په خپه‌کی
اغږل شوی دی .

دد نیاو لسونه او هیوادونه چه
خومره د ترقی او اعتلا په لـــوری
رسیږی اویادنوروپر مختګونودپاره
لاره آواروی ، تو لی یی دآزادی‌له
برکته دی .

که آزادی نه‌وی ، کار او فعا لیت
شنه‌ویږی ، دانسان سره چه‌د کـار
جرئت‌نه وی نود ناکامی. اوبدبختی
کندی‌ته لویږی عمر یی تریخ او هره
ګړی. دمرګ په انتظار کښی وی.

په‌نړی. کښی دخپلوا کی. نهښتونه
اودو لسونو یوپربل باندی یر غلونه
دواړه دومره اوږده سا بقه لری لکه
چه‌دانسان دهستی. سابقه اوږده ده.

دریګویدا ، او ویدا په استناد د
تاریخی معتبرو روا یا تو په بنا لـه
شه‌مر غه افغانان د تا ریخ په اکثرو
دورو کښی د آزادی. له‌نعمت څخـه
برخورداره دی اود غه طبیعی‌شتمنی
یی‌له هر څه نه بهتر ګټلی او جامعه
مودد غسی ویاړ نو او افتخا رو نو
لویی خزانی لری.

داکسوس او اندوس تر منځ او له
پامیراو کشمیر نه نیو لی په سویل
کښی دهند تر سمندره پوری‌دااوږده
لمنه او پلنه پر ته څمکه دپښت او
پکت تو کم دزیږیدو اولو ئیـــد و
او سیدونکو زانګو او تا توبی دی،
داکسوس دغاړی ښکلی او ښا یسته
بلغ ددوی لو مړنـی زا نګـــو د ه

دجنګ میدان ته‌به څوک‌ولی‌ســر ه‌لاسونه نه څی

وا یی چه :
که دغزانه بری راوړ
هلته‌به‌درکړم‌دسورکو شونډوسرونه

په‌تور ټوک و یشتلی را شـی
دبی‌ننګی. احوال‌دی مه‌را خه‌مینه

او که چیری‌خلمی په‌دی لاره کښی
خانونه قربان کړی، هم‌لوی افتخار
ګټل کیږی داخو څکه چه‌د هغه نوم‌د
تل‌د پا ره ژوندی پا تی کیـږی او
پیغلی پخپله د شهیدانو زیا رت ته
ځی او په‌سرو منګلودسروګلوکیږی.
دهغه‌پرقبر باندی ږدی:

دآزادی. نه خان قربان کـــړه
چه‌هرسهار جونی زیارت لړه‌درځینه
که‌دغزا په‌لو ر شهید شـو ی

په‌تار دزلفو به کفن درته ګنډمه

–پښتنی تورہ ټوپك، ډال لکـــه
چارګل، پیزوان، اونور پسول دخان
سینګار ګڼی اود استعمال سره یی
پوره بلدیت لری ،مثلا کله کله دوی
دودونو، اخترونو اونورو خوشا لیو
په و رځو کښی ننښی و لی او پدی
توګه‌ددښمن‌دما تی دپاره پوره مشق
او تمرین کوی ، کله کله چه ددوی

تا رینه چیرته په سفر خی‌اویاغواړی
چه‌په کور کښی‌استراحت وکړی‌نو
دشپی پهره دا ری د پښتنی پیغلو
په غاړه وی چه ټو پك اخلی اودتوری
شپی‌په غیږ کښی دخان او کهول‌د
سا تنی‌دپاره ګزمه وهی .

ملا لی‌د میوند په‌لویه جګړه کښی
دپښتنی نجونو قو ماندانه ددښمن
په‌ما تو لو کښی زمونږد تا ریخ یوه
څلانده ستوری ده چه‌دپښتنی‌میرمنو
دغیرت دا ثبات له‌پا ره یوه غـــو ره

نمونه ګټله‌کیږی .

په غزا ګانو کی‌د نا رینه‌و ، او
زلموسره څنګ‌په څنګ پښتنـــی
پیغلی هم بر خه اخلی خو پښتنـی
میر منی کو ښښ کوی چه غازیا نو
ته په‌مر چلو نوکښی خواړه،اوبه او
«رش» یعنی دکار تو سو نو جبه‌خانه
او لوازمو رسوی، ګوا کی پدی‌عظیم
ثواب کی دوطن هر غړی اود هری
طبقی پوری مر بوط په‌ګډ سره برخه
آخلی اودا ملی وظیفه په پـــوره
میړانه اوکامل کفایت سره ، سرته
رسوی .

په‌دی سروکی کی، وګـو ر ی
چه‌د پښتنی ،پیغلی‌لویه آرزو دخپل
مین څخه څه شی دی ؟
نه سره زر دی‌اونه سپین،نه‌پسول
دی‌نه جواهر،صرف دآزادی. دبا غ
ګل دی– چه‌دو صال دتحفی په توګه
بی‌په ډیر افتخار سره په‌خپل‌ســر
باندی ږدی اوپه هسکه غړی. پری
ویا ړی مثلا وایی :
توری نړی. وریځی
ولاړه یمه
درځخه غواړم دآزادی. دباغ ګلونـه
ته‌که‌زما یار یی

اوداهم زمونږد فولکلوریکو ادبیاتو
دلوی‌بحرنه د خپلوا کی. خومرغلری:
خه‌دوطن‌په جنګ زخمـــی شـه
چه پرهرونه‌دی ګنلیم خو له‌درکومه
دآزادی. معشو قه وا یـــی
دغلامی‌یار ته خو لګی. نه‌ورکومه
که‌په میوند کی شهید نه شوی
خدایږو لالیه بی‌ننګی‌ته‌دی ساتینه
د آزادی. په لار شهید شه
چه جنازه دی د آسمان ملکی‌وړینه

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض تبریک



۱

شرکت سهامی صنعتی بوت پلاستیکی وطن

تمام کارکنان شرکت سهامی صنعتی بوت پلاستیکی

وطن پنجاه و پنجمین جشن استرداد استقلال وطن عزیز را به پیشگاه

مؤسس جمهوریت فرزند برومند کشور بنا غلی محمّد داؤد رئیس

دولت و تمام مردم باشهامت و غیور افغانستان

عزیز از صمیم قلب تبریک عرض نموده از خداوند بزرگ پیروزی

درخشان رژیم جمهوری افغانستان را همراه با رفاه ملت افغان

نیازمند اند.

۱/۱ (۱۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حادثه

لی به‌تزاع برخاست، دراخیر توانست که اورا ازکشیدن اندامش سوی‌خود بازدارد. اوبرایش گفت: یك‌روزمردتواز راه‌خواهد رسیدو....

نوشته : بتزبلیج مان ترجمه از :غـزمان سدید



کتاب هاریس اپلیتون وخزانه‌اش ویادرهم شکستن شیطان ، حقایقی را واضح می سا خت که این نمونه درجریان عصر فقر و تنگدستی‌و بی سر و سا مانی نوشته شده وبوجود آمده است . در حالیکه مـرد مـان غریب و گرسنه در لابلای سر کها دست بـه آشـوب و شورش ز ده بودند ، در قصر و یورلی ، دعوت‌ها وپارتی های بـا عظمت و بـزر گی برگزار می گردید . بعد از آ نکـه مدعوین از صرف طعام های‌خوشمزه فارغ می گر دیدند سوی سا لـون بزرگی می رفتند تا از سیـوانـی اوسواگو و بیلی هاون دیدن‌نمایند.

این نمو نه هنوز هم در همانجاباوقار وجبروت خا صی و بـانگاه هـای جسورانه اش جلب تو جه می کرد.

البته حالا این نمونه از نگاه‌دنیای امروزی در جملهٔ آثار تـاریخی و قدیمی در آمده‌بود . اما لی آ نـرا دوست داشت . طی یك مر تـبه، هنگامی که طفل بود خودرا بطـور ضمنی غیر قابل انفکاك ازاین‌نمونه کوچك که عبارت از یك قطار آ هن مانند قطار های آ هن سادهٔ سامان بازی اطفال یافته بود .

در آتش خانهٔ ماشین قطار آ هن شاهدخت سر خپوستان ذ غـا ل سنگر ها به اندازهٔ حقیقی ودور از هرنوع تصنع می سو خت که‌انسان تصور می‌کرد می‌تواند د ستـا نش را توسط آن گرم نماید . نا گهـان یك‌شب وقتی که‌لی طفل کو چکی بیش نبود خودرا به ماشین قطـار آ هن رسانید و آتش خانهٔ آ نـرا باخود بر داشته و به اطا قش بـه طبقهٔ فو قانی برد . البتـه ذ غـال سنگ وقتی که توسط دست لمس می‌گردید گرم نبود بلکه در عو ض سرد می نمود . این ذغال های‌سنگ مانند کو هی روی یکدیگر ا نـبار گردیده و در محوطهٔ کـوچك آتش خانه قرار داشت . بدین تر تیب به تنهائی از جایش حر کت داده‌نمی‌شد . امالی دوست داشت که سوی آن نظر انداخته و آنرا تماشانماید.

هنگام صبح لی به طبقهٔ پا ئین در حالیکه احساس یکنوع بـهت و حیرت می کرد آمد.آقای ایو نپورت که و ظیفهٔ تر تیب و تنظیم دارا ئی واملاك قصر را به عهده داشت‌مفقود شدن آ تش خانهٔ قطار آ هنی‌رادرك کرده بود والبته او وقتی قادربدرك این کمبود گردیده بود کـه حسب معمول هر صبح اشیا ولوازم قصر را وارسی می‌کرد . او به آ نتـی اصرار کرده بود که‌باید در این‌باره از مستخدمین قصر استفسار نماید

(c) ketabton.com: The Digital Library

ه رنیمه شب

البته آنتی که همیشه سخت گیر وتندخو نبود این موضوع‌را نادیده گرفته بود .

هنگامیکه لی نزدیك دروازهٔ اتاق نان خوری در آن وقت صبح‌ظاهر گردید واین جواب و سوال‌راشنید، آنتی نگاه هایش را بالا نگهداشته وگفت :

– لی عزیزم ، صحبت ما را جع به نمونهٔ قطار آ هن است چنین به نتیجه رسیده ایم که آتش خانهٔ قطار آ هن شا هدخت سر خپوستان مفقود گردیده است . آیا تودراین باره چیزی میدانی ؟

لی در دادن جواب از خودیکنوع تردید ودو دلی نشان میداد . در نزدیك دروازهٔ د خول اتاق نانخوری ایستاده و با پنجهٔ یکی ازبوتهایش روی گلهای قالین رسمهایی می – کشید .

آنتی سوی لی رفته چهرهٔ او را بادستش بلند کرد . لی گفت :

– من نمی دانستم که آن‌کارتااین اندازه احمقانه باشد آ نتی . من فقط آنرا بر داشته وبه‌اتاقم بردم تا سا عتی آنرا تماشا نمایم. برای اینکه خیلی قشنگ است .

آنتی خودرا راست‌کرده‌وصورتش را متوجهٔ آ قای ایو نپورت نموده و گفت :

–آقای ایو نپورت می بینید. این موضوع خیلی ساده است. و حالا لی عزیزم لطفا-به طبقهٔ فوقانی برو وآنرا با خودت بردراودو بار ه در جای اصلی اش بگذار . همین طور نیست لی عزیزم ؟

لی اتاق نانخوری را ترك گفت : تادستور آنتی را اجرا نماید. آقای ایونپورت صحبتش را باآنتی دنبال کرده و گفت که او تاچه ا ندازه مسئوول تما م امور واشیای‌موجودهٔ قصر بوده . حتی هنگامی‌که یکمرد جوان و تقریبا ناپخته بود تا چه اندازه به این مسائل ا همیت می‌گذاشت ازهرنوع سو ء تفا هم و پیش آ مد غیر مترقبه جلو گیری می‌کرد . و همیشه آنان برای رفع این گو نه مشکلات بوده است.

دراین جر یان موتر اولس رویس به‌قسمت بالائی درهٔ که از آن میشد بیرق های قصر ویورلی را که در اهتزاز بود تماشا کرد رسیده بود. این قصر آ هسته‌آ هسته به جهت درست تانز دیك لبهٔ پر تگاه پیش میرفت وبعد نرده‌ها و ساحه های که از سنگ خاکستری ساخته شده بود خیلی به آرامی سوی پا ئین دریا سرازیر می گردید .

آنتی انتظار لی را می کشید . او به صورتش پودری‌راکه‌فوق‌العاده خوشبو بود وبنام تلك یاد میگردید زده واز عطر بنفشه استفاده کرده بود .

در حالیکه آ نتی او را در آغوش می‌فشرد گفت :

– آه عزیزم ، تاوقتی که دو باره توسوی من بر می گردی طو ر ی معلوم می‌گردد که زمان به کندی می گذرد .

لی گفت :

– یك مدت خیلی طولانی :

آنها دو باره عقب عقب ر فتند تا یکدیگر را خوبتر تما شا نمایند. امالی در اولین احوا لپرسی اش باآنتی یکنوع ترس درخود احساس نمود . او خوش بود که دو باره به آنجا آ مده است. اما بدبختی وقتی شروع می شد که هرسا ل لطف و مهربانی آنتی نسبت به او کاسته می شد .

آه ، البته که او در قالب‌همیشگی بر خوردش با دیگران بود. لی‌مدتها قبل فرا موش کرده‌بود که بداند لباس های گو ناگون ورنگا رنگ باداشتن آ ستین های دراز و یخن های فراغ چگونه برای او تهیه می‌شود . آ نتی زن قشنگی بود واین زیبائی اش از آرایشی که به سبك قدیمی میکر د منشا می – گرفت. همیشه دریك فضایی که دز هرگوشهٔ و کنار آن هیجان می‌بارید این نوع آ رایش می‌کرد و در این آلتا استخوان دست هایی را که ظریف بود روی بدنش احساس‌کرد آنتی خندیده و بعد گفت :

– ببین ، کی منتظر تو است .

از سایهٔ عقب او بر تا داویلا که مستخدمهٔ طبقهٔ فوقانی بوددر حالیکه لباس های اطو کشیده و نظیف در بر داشتند به او نزدیك شد ند . در این لباس ها آنها طوری معلوم می گر دیدند که گو ئی همین ا لان از یکی از کار گاه های کهنه‌وقدیمی قدم بیرون گذاشته باشند.

لی قدمی سوی آنها برداشته وبا هریك احوال‌پرسی نمود، بعد برتا وایلا یکجائی گفتند :

– جای خیلی‌خوش وقتی است که شمارا دوباره می‌بینم .

بعد هرکدام سوی وظائف خود رفتند ،آنتی در حالیکه دست لی را زیر بغلش انداخته بود آنرا میفشرد گفت:

–حالاازتومیخواهم که با من آمده‌وقدمی‌سوی کتابخانه بز نی ودر آنجا با آقای ایونپورت احوا ل پرسی کنی ،اومخصوصا منتظراست که ترا ببیند ،در آنجا یك نفر دیگری هم‌است که‌می خواهم او را ملاقات نمائی .

هنگامیکه لی‌از احوالپرسی با آقای ایونپورت که‌هنوز هم با کار سابقه اش اشتغال داشت وازگرفتن هدایای که جهت آمدن او به قصر دست‌وپا کرده‌بود خلاص شدمتو جه گردید که آنتی غلط نگفته بود واقعا شخصی دیگری‌هم در اطاق‌وجوددارد این شخص یك‌زن بودکه عمرش در حدود سن اومی رسید روی آرام چوکی نشسته و سگرتش را دودمی کرد .

آنتی گفت :

–واین دوشیزه نامکنیس است آقای ایونپورت فکر میکنندکه‌ماهم خیلی پیر وسامخورده شده ایم و نمیتوانیم که کارهای خودرا تر تیب وتنظیم‌نمائیم ،لذا دو شیزه‌تامکنیس از امور منزل وارسی کرده و کارها را بروی‌دیسون آماده ورهبری‌خواهد کرد.

برعلاوه مرا درموضوعات اداری ومکتوب نویسی وجواب گفتن کمك می‌کند او واقعایك‌دخترمدد گار وهمدرد است .

دوشیزه تامکنیس سگرتش را جا سیگاری مقابلش خاموش کرده ونزدیك آمد تا زیادتر به‌لی معرفی گردد ،او زیبائی خیره کننده داشت موهای سیاه که‌چشم‌را خیره می ساخت از دوکنار صورتش که چون مهتاب می‌درخشید به‌عقب سرازیر گردیده بود چشمانش مانند رنگ بنفش بود که‌لی‌را بی‌می با سوی شان می‌کشید اودرحالیکه می‌خندید گفت:

–ازملاقات تان خیلی‌خوشوقتم من‌درباره شماخیلی‌چیزها شنیده‌ام.

لی‌یك نوع عکس‌العملی‌را که از یك چیزی تقریبا مانند حسادت‌سر چشمه میگر فت خو کر د یـن حسادت باعکس‌العمل طوری معلو م می‌گردید که‌او از بودن زنی‌به آن زیبایی‌در قصر دیورلی رنجید ونمی خواهد که‌اورا درجریان اقامتش در

بقیه درصفحه (۹۷)

(c) kitabton.com: The Digital Library



عرض تبریک

کارکنان انستیتوت قره قل افغانی تجلیل پنجاه و پنجمین

سالگرد استرداد استقلال وطن را به پیشگاه بنا غلی محمد داود

رئیس دولت و موسس جمهوریت افغانستان

اردوی غیور و فداکار و کافهٔ ملت نجیب افغان

صمیمانه تبریک می گویند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هزارویک گپ

بقلم : شرمندوك

۲۷

درقرن نزده چشمان آزمند استعمار به طرف مرزوبوم شیران متوجه شد و برا ی حفظ **تسط خوددرسرزمینهای متصرفه آسیایی** خواستند **این کشور را تسخیر کنند واین** مردم آزاد هش رادر بند داشته باشند . غافل از ینکه آزاد زیستن وبا آزاد گی‌بسر بردن شیوه زندگانی این مردم بوده بکسی اجازه نمیدهند تا مقاصد شوم استعماری خودرا در کشور شان پیش ببرند. نیرو ی استعماری بایك عالم تعجب مشاهده کرد که این مردم بظاهر نامتمدن وعقب مانده افکا ر آزاد یخواها نه داشته در مو قع برخورد با دشمن یکدل ویکصدا به مجادله بر میخیزند، قوای استعماری خشمگین شد و خواست با دهشت افگنی واستعمالزوروقوت این نیروی خروشان را سرکوب نماید، ولی این خشم آزمندانه **ایشان نتیجه ای نداشت جز** خشمگین ساختن هر چه بیشتر د لیرا نااین سرزمین‌و نتا یجی که‌ازین مجادلات بمیا ن آمدبرای **این‌مردم آزاد منش افتخار و برای** قوای متجاوز ومغرور ادبار وبدنامی را دربر داشت ،این بدنامی برای استعمار بعد ی بودکه توانست شور وهیجانی در سا یر متصرفات شان بوجود آورد و آنها یی راکه آرزو دا شتند آفتاب بر بیرق شان غرو ب نکند سراسیمه سا خت .مؤرخین خود شان **باوجود تعصب فراوان نتوانستنداازین مقاومت شجاعانه انکار نمایند وشکست افتضاح آمیز** خودرا خودشان نو شتند وبه آن اعترا ف کردند.

بعداز حصول استقلال مملکت مابا گا م های سریع بسوی تمدن قدم بردا شت ولی استعمار برعقده خواست‌اقلابامتو قف‌ساختن این نهضت انتقامی بکشد، همان بو د که **بااستفاده از عناصر وابسته خود در خود** کشورما وبه‌کمك انها آشوبی برپا کرد ونیم قرن کشور مارا بعقب انداخت .حر کا ت **انقلابی وریفورم های مفیدبدست فراموشی** سپرده شد ودر نتیجه کشور مادر دریف پس‌مانده ترین کشور ها درآمد.نسل امروز بادرك مو قف کشور وعقب افتادگی ها امروز مسئولیت بس عظیم‌داشته‌باید باکار بیشتر **واز خودگذری ها این سالهای فتوررا جبران** کند . **بخصوص حالاکه زمینه تلاش های** صادقانه وو طنپر سانه بیشتر از هر وقت دیگر مهیا وفراهم شده‌است.

۲۸

وچون خواستم گپ بیست وهشتم را بنویسم . همکار عزیز ما محمد علی نزدیك میزم آمده گفت :

ـ شرمندوك یك چیز را باید در همین صفحه هزارو یك گپ بنو یسی .

گفتم:

ـ چه چیزی‌را بنویسم ؟

گفت:

ـاین مطلب رابنو یسی که بعضاً یگا ن بنیه‌گر از مرکز خور جینی رااز ادو یه **مختلفه پرکرده به دهات دور دست سفرمیکند** وبعد دواهای مذکور رابالای مردم می‌فروشد. طبعاً در آنوقت اوتنها یك فروشنده دو ره گرد نیست بلکه به دو کتور هم‌بدل میشود. **یعنی هرکس که جهت خریدن دوا نزد او مراجعه میکند ومیگوید سرم درد میکند دوای سردردی بده ، یاشکم دردمیکند دوای شکم** دردی بده ودوای چشم دردی و گوش دردی ...آنوقت فروشنده دوره گرد دست د ر خورجین فرو کرده برایش دوا میدهد وپول می‌ستاند متاسفانه این شیوه در بسیار ی‌از دهات دیده میشود،البته‌مردم‌دهکده هامقصر نیستند ،اگر درمنطقهٔ ایشان دکتوری پید ا شود ودوا خانه ای باشد، هیچگا ه ا ین تاجر های پولدو ست نمیتوا نندبد ین‌شکل باحیات شان بازی کنند ولی آنها چاره ای ندارند : **یابایست از درد بمیرند ویا تن** به‌تقدیر گفته دوایی راکه فروشنده دو ر ه گرد با خورجین آورده بخورند تاکار شا ن رایکطرفه ساخته یا از زندگی راحت شا ن **کند ویادرد شان تسکین یابد . گفتم :**

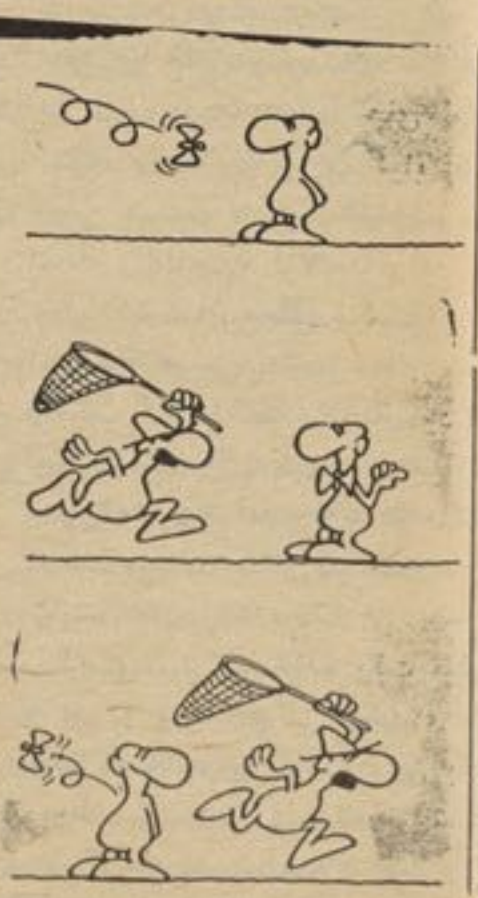
ـدرین مورد چیزها یی‌نوشته‌ام وبخصوص درمورد اینکه باید نگذارند دو کتور ا ن جوان همه در مرکزجمع شوندوباید یك‌دوره خدمت در ولایات ودهکده های مر بو ط به ولسوالی هارا بگذرانند، چیز هایی درجراید **وروزنامه هاقبلا نوشته شده است .**

محمد علی گفت:

ـخو بست اگر یکبار دیگر این مطلبرا بنویسی .

گفتم:

ـنوشته شد قربان ... ودر جا ی‌مطلبی نوشته شدکه من میخوا ستم بنو یسم .



ازبالا به پائین بدون شرح

۲۹

روی یکی از پاکت هایی که‌بد فتر مجله رسید نوشته شده بود«بهشرمندو لانویسنده هزارو یك گپ برسد» من‌هم‌پاکت رابازکردم وآنرا مطالعه نمودم ،اینك متن‌نامه رابرایتان درینجا نقل میکنم:

«برادر عزیز وگرامی شرمندو ك جان...

درمجله زیبا وخواندنی زوندون بسیار ی‌از **دردهای مردم ما منعکس میشود ، بخصوص در صفحه هزارویك گپ مشکلات حیاتی مردم** ما بارها تشریح گردیده واگر مسو لین‌امور **توجه کنند واین سطور رابخوانند وبعد به** رفع نواقصی‌که درشرایط فعلی امکان اصلاح آن هم میسر است بکوشند بهبودی مشهودی رادر زندگی خود خواهیم دید..امیدوارم این چشمدید مرا جهت تنویر یکعده از برادرا ن **وخواهران به نشر برسانید، گرچه این مطلب** ممکن است قبل برین هم‌نوشته شده‌باشد.

بخانه یکی‌از دو ستانم رفته بود م..سرا سیمگی وپریشانی عجیبی درخانه‌شان دیدم. موضوع از ینقرار بودکه یکی از پسر ان دوستم را گزدم گزیده بود. چون آن‌پسر ازدرد ناله میکرد عمه بفکر چاره افتا د ند **ودرنتیجه همسایه ها هم از موضوع آگاه** شدند، یکی‌از همسایه ها که فکر میکر د میتواند چاره‌ای برای دردپسرگزدم گزیدگی پیداکند گفت:

ـبگذارید من علاجش میکنم .... بعد او **پیچکاری را از محلول پتاسیم پرمنگات** پرکرده در محل گزیدگی‌ترزیق‌کرد. دیگران هم‌که نمیدانستند اینکار مفید است یا نه **بدون اینکه بدانند شخص مذکور معلوماتی** در طبابت دارد یاندارد مانع کارش نشد ه **اورا گذاشتند تاآن پسر را «تداوی» کند ...** اتفا قا وضع آن پسر وخیم‌ترشد و باعجله اورا بشفاخانه رساندند .خوب شر مندوك عزیز...! تاکی باید در خانواده ها همسایه ایکه معلوم نیست شغل اصلی او معلمی است‌یا کتابت ویادربوری به‌کار های طبابت بپردازد وتاکی کوکو دادا ها وبی‌بی دادا ها به‌معالجه بپردازند .دیگر عرض ندارم .

بااحترام غلام‌سخی حمیدی

۳۰

طوریکه شنیدیم چنین تجو یز بعمل آمده‌که سرو وضع دختران و پسرا ن‌مکتب **اصلاح شود ودیگر نمی‌گذارند بی پروایی** وبی بند وباری در قسمت پو شیدن لباس‌و **موهامانع رشد فکری وعدم‌توجه‌جوانان به‌درس‌و** تعلیم شود.این اقدام پسندیده از بسی‌جهات مفید است‌و کسانیکه روی نسل جوا ن حساب میکردند همین آرزوو توقع داداشتند ودر بطبو عات هم انتقادا تی بعمل آمده‌بود **ولی کسی درسابق به آن توجه نمیکرد .**

متاسفانه نظم ودسپلین در مکاتب دختران **وپسران بسیار ضعیف شده بود ، بعضی** دختران با ناخن های دراز ورنگ شد ه و موهای جرشده به مکتب میر فتند و پسران هم موهای بلند گذاشته با پطلون‌ها ی‌عجیب وکمربندهای عریض‌و تما شا یی سا جق‌به دهن دم مکتب های دختران ساعت هاوقت گرانبهای خودرا تلف کرده با حرکات و **سخنان سخیف و طفلانه اظهار «چیز فهمی»** می نمودند .

بزرگترین سرگرمی یکعده دخترها جمع‌کردن پست کارت وعکس های آرتیست های سینما وسر گرمی پسران راجمع آور ی‌تصاو یر قبیح وتحریك کننده تشکیل‌میداد.بسیار ی از جوانان جز در نو شتن نامه ها ی عا شقانه که‌در آن مهارت دا شتند نه ا ز ادبیات چیزی می فهمیدند ونه‌همان چیزهایی را که‌در مکتب میخوا ندند میتوا نستند به **حافظه بسیار ند وشاهد بزرگ این مطلب پروگرام ذهنی رادیو افغانستان بوده میتواند** چنانچه در همان پروگرام شنیدم که یك شاگرد صنف یازده گفته بود «سو یس در افریقا ست »بهر حال برای‌رشدوتربیه سالم جوانان عملی شدن پروگرام های وسیعی‌لازم است. پروگرام اصلاحات در مورد لباس و **سرووضع شاگردان مکتب باید باخوش بینی** تمام از طرف شاگردان‌استقبال شده‌وجوانانی که احساس وطنپر ستی و تر قی‌خوا هی قوی دارند در ین قسمت پیش قدم شده بعداز اصلاح خودبه تشویق و تر غیب دیگران پرداخته بایك روحیه‌همکار ی درین نوسازی کشور از لحاظ اقتصادی ،اجتماعی وفرهنگی سهم فعال بگیرند. حکو مت مترقی ورژیم پسندیده جمهوریت در افغا نستا ن روی شانه طبقه جوان قرار دارد وجوانا ن بایست با استواری واستقا مت مسو لیت بزرگ تاریخی خود رادرك ونگذارند که دیگر جهل وخرافات ویا مشغو لیت های‌پوچ که‌از مغان غرب است چهره اجتماع مارا نا مطلوب ومضحك بسازد .

۳۱

سخن از تربیه جوانان بمیان آمدو هر کدام چیزی میگفت .من بیاد یکی از مقا له های‌خود افتادم که‌در همین زو ندون به‌چاپ رسیده بود، من پیشنهاد کرده بود م‌که‌برای تربیه سالم جوانان وبخصوص اطفال که جوانان آینده کشور اند اقدامات اساسی‌روی دست‌گرفته شود ، **ازجمله باید نگذارندکه دیگر این فلم های تجارتی ذهن شانرامسموم** سازد ،اگر وزارت اطلاعات‌وکلتور ا زکشور های دوست تقاضا کند تافلم های مخصوص اطفال را بدستر س آن وزارت بگذارند به گمان اغلب کشور های دو ست این همکاری رادریغ نکرده چنین فلم هایی را خواهند فرستاد، بعد این فلم هادر اوقات معین در سینما های شهر برای اطفال در بدل پو ل ناچیزی نمایش داده شودو در با قی‌اوقات مو قعی که‌فلم‌های دیگر خودرا نما یش میدهند از ورود اطفال بداخل سینما جدا جلو گیری نمایند. وقتی که‌بار فقا از ین مطلب صحبت کردم همه تائید کردند که اگر این پیشنهاد عملی شود بدون شك مفید خواهدبود واز (داراستنگ بازی وکاوبای بازی) یکعده جوانان ماجلوگیری خواهد نمود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تااینجای داستان :

گنتر مامور لایق پولیس به‌تعقیب‌سازمان بقه ها دوسال تپید تا اینکه وارد تشکیلات آنها شد، اما به‌اثراشتباهی زنده گی‌اش را ازکف داد اکنون الك معاون کمیسر پو لیس به‌تشویق دیك گاردو ن به تعقیب مایتلند پیرکه مرد مرموزی ا ست برآمده وضمناً میخواهد از زند گی خصوصی ماو موازن لولا بسا نو کسب معلو مات کند.

مردی با نقاب بقه

درا تاق انتظار باما یتلند صحبت کرده بود ضمن همین ملاقات ها با فیلو جانس نیز آشناشد زیرامایتلند سوال وجواب با مامورین زیر دست خود را اجازه داده بود.

الك عمر مایتلند رادر حدود ۷۰ سال تخمین می‌زد و اکنون برای‌بار اول حس کنجکاوی او بیدار شده بود تا محل سکونت مایتلند رادریابد یك حقیقت عجیب در ذهنش خطور

کرد که کمترین معلومات در بارهٔ شخصیت این متخصص امور مالی ندارد و هم متوجه شد که مایتلند یگانه ریش سفیدشهر میباشدمعهذا هیچ یك روزنامه وجریده در باره‌اش چیزی نمینوشت .

وقتی موتر از مقابلش گذشت‌الك نتوانست در برابر کششی‌که مایتلند دراو پدید آورده بود مقاومت کند . وبی اختیار موتر تکسی را اشاره کرده سوار شد و به دنبال مایتلند حرکت نمود. راننده تکسی هدایت داد، موتر مایتلند را تعقیب کند . راننده بدون سوالی باسر اشاره کرده بحرکت افتاد هیچ دریوری در خیابانهای لندن نبود که این مامور پولیس مالیخولیایی رانشناسد .

مو تر حامل ما یتلندبه‌سرعت جانب ناحیه شمال لندن رفته در یك نقطهٔ مزدحم و پر ازسکنهٔ پارك فینسبوری توقف کرد. مایتلندفرود آمده‌شتابان به امتداد یك خیابان مزدحم روان‌شد والك سر بدنبالش نهاد. پیر مرد فاصلهٔ کوتاهی را پیموده سپس از یك واگون تراموا بالا رفت .الك هم به داخل آن رفت تراموا به حرکت درآمد . پیرمرد جایی برنشستن‌پیدا کرد، وروزنامه قات شده ایرا از جیب بیرون آورده مشغول خواندن آن شد آقای مایتلند در فورتن هام ازتراموا پیاده گردید .

او زاویه سنگفرش خیابان فورتن هام را قطع کرده وارد یك کوچه تنگ وفقیر نشین شد وسپس در میان تعجب فوق العاده الك دروازه آهنی یك عمارت تاریك وکثیف را باز کرده داخل آن شد ودروازه را از عقبش بست .

خفیه پولیس نگاهی به بالا وپایین کوچه انداخت . اطفال خرد سال محله دورش را حلقه کردند و الك یك مرتبه دگربه عمارت نظرانداخت.

کلکین ها وپنجره های عمارت سیاه وکثیف معلوم میشد پرده های فرسوده پشت شیشه ها آویخته‌بود به نظافت پیشروی عمارت کمترین توجه نشده بود . این بود منزل نشیمن آقای مایتلند صاحب‌میلیونها ثروت .

الك تصمیم خودشرا گرفت و دق الباب کرد. برای لحظات طولانی جوابی نشنید سپس صدای شرفهٔ پایی بلند شد مثل آنکه کسی‌سلیپر به پا داشته و آنرا به روی زمین‌می کشید . یك پیر زن با چهرهٔ مریض وبیرنگ دروازه را باز کرد. الك در حالیکه دستمالی را از جیب‌بیرون آورد اظهار داشت: ببخشید خا نم این دستمال از نزد آقای که یك لحظه پیشتر وار داین عمارت شد به زمین افتاد .

آن‌زن با چشمهای‌از حدقه برآمده به دستمال‌خیره شد. سپس‌دستشرا دراز کرده آنرا گرفت وبدون اظهار کلمهٔ دروازه را بروی الك بست . الك باخود به تلخی اندیشید: این آخرین دستمال بینی خوب من بود. او توانسته بود یك نگاه کوتاه به سر سرای افکند . یك رهرو تنگ ودلگیر را دیدکه باقالین رنگ‌رفته‌ی فرش شده بود. او باخود فیصله‌کرد که بهتر است از آنجا دور شود واطلاعاتی در آنباره جمع آوری کند.

فروشندهٔ یك مغازه در انتهای کوچه اظهار داشت : «مایتلند یا مای لاند پیر این آقای پیر هر روزصبح ساعت ۹ از منزل خارج می شود و همیشه در همین ساعت مثل امروز برمی‌گردد .من نمیتوانم بگویم که او کیست اما یك چیز را میدانم : ساکنان این خانه از لحاظ خوراك به درجهٔ پایین قرار دارند.

او ضروریات خود را از من‌میخرد وآنچه را که ایندو نفر برای زندگی یومیهٔ شان بمصرف می رسانند از حد کفاف یك وقت غذای یك طفل سالم تجاوز نمیکند.»

الك خسته ودر مانده به سمت غرب شهر باز گشت او تصمیم گرفت به موضو ع بیشتر توجه کند . اما به نظرش موزون تر آمد که عجالتا تمام نیرویش را درقسمت آن خانم جوان و جالب ماد موازل لولا بسانو متمرکز سازد. دریکی از خیابانهای عصری که از مرکز گاونیدیش منشعب میشد .یك تعداد اپارتمان هایی وجود دارد که صرف از طرف کرایه نشین های پولدار استفاده میشود میزان کرایه هم د است والك دید لولابسانو در یك چنین اپارتمان مجلل صاحب چند اتاق لوکس می باشد، دچار حیر ت وتعجب گردید لفت بان باوجود پیش آمد مناسب و صحیح به نظر الك قدری مشکوك آمد. اوبه الك گفت که ماد موازل بسانو در طبقهٔ سوم سکونت دارد .

الك پرسید : « چقدر وقت میشود که او در ینجا زندگی میکند؟»

«محافظ لفت جواب داد : «این بشما مربوط نیست دروازه اپارتمانش دران گوشه است» دربان لفت وقتی کارت خدمت الك را دید ، فوراوضع احترام آمیزی بخود گرفت و یك مقدار معلومات داد :« او دو ماه میشود که درینجازندگی میکند از

(c) ketabton.com: The Digital Library

آقای الک ! تنها هستیم ولزومی ندارد آهسته حرف بزنید ...

از شما چه‌پنهان اکثراو قات تعجب ام که‌او **چطوروبه‌چه‌وسیله درعمارت** کاورای اپارتمانی را صاحب شده است ؟

تا جائیکه اطلاع دارم ـ اویك‌وقتی **درخیابان گرین کلب قمار خانه ی‌را** اداره میکرد مسلما شما نیامده اید که او را باز داشت‌کنید؟» دربان‌لفت جمله اخیر را با احساس ترس‌اظهار داشت .

الك پاسخ داد :« من برای یك دیدار دوستانه با ماد موازل‌به‌اینجا آمده ام . »

لفت بان ازلفت خارج شده به‌یکی از دو دروازه چوب شیشم که در دهلیز وجود داشت اشاره نموده اضافه کرد :« دروازهٔ دومی مربو ط به **اپارتمان یك میلیونر امریکایی** است» .

الك میخواست جوابی به اوبدهد که لفت بان بطرف دروازه رفته‌به‌یك لوحهٔ پالش شده اشاره نمود:« این چیز عجیب است شما خود یك‌دفعه به آن ببینید. »

الك خود شرا پهلوی لفت بان رسانده بایك نگاه آنچه را بایدبفهمد فهمید. به روی یك تخته از چو ب شیشم رسم یك بقهٔ کوچك سفید را دید که با آنچه همین امروزدر تصاویر تاپه کاری ها وخالکوبی‌های موجود نزد دیك گاردون دیده بود، شباهت داشت. **یك بقهٔ کو چك که کمی مایل آویخته شده بود. ا لك** دستی به روی لوحه کشید. رنگ آن **هنوز خشك نشده بود.**

در همین لحظه بی محابا دروازه‌باز گردید و **مردی متوسط العمر در** چوکات دروازه ظاهر شد. تفنگچه **بدست داشت ومیلهٔ دراز آنرارو ی قلب الك گذاشته تهدید کرد .**

ـ «دستهای تانرابالا ببرید»سپس زبانش به لکنت افتاده به صور ت پولیس خیره نگریست الك بدون آنکه حرفی زده باشد به مردی که مقابلش ایستاده بود نگاه کرده اورا شناخت . دست فروشی‌بودکه همین امروز در وایتهال بهم دیده بودند امریکایی زودتر توانست به خود مسلط شودو الك از نو درخششرا در چشمهای آن مرد خواند که دلالت به رضایت خاطرش مینمود . او عقب‌رفته دروازه را کاملا باز گذاشت .

ـ « آقای الك لطفا داخل شوید.» درختم کلام اشارهٔ تحو لی لفت بان داده اضافه نمود. « خوبست وات. من اجازه دارم‌که با آقای‌الك‌گاهگاهی شوخی کنم.» وقتی الك وارد اتاق **شدداو درودزه‌راازعقب سرش‌بست** وگذاشت که الك وارد سالون‌شود.

الك با خود فیصله کرد که موضوع بقه را در موقعش عنوان‌کند آن مرد الك را مخاطب ساخت : «آقای الك! تنها هستیم‌ـ لزومی ندارد که آهسته حرف بزنید.سگرت میل دارید؟». الك مصلحتا دستش را دراز کرده یك سگرت زرد رنگ ها وانایی را انتخاب کرد و شرو ع به صحبت نمود: « اگر اشتباه‌نکنم ما همدیگر را در جایی دیده ایم ؟»آن مرد به سردی پاسخ داد« شمااشتباه نکرده اید. دروایتهال باهم‌برخوردیم ومن زنجیر کلید می‌فروختم . نامم **جوشا برود است. شمانمی توانید** بمن اعتراض کنید که چرا به نام مستعار فعالیت دارم.»

الك عینکش را روی بینی جابجا کرده **به‌تفنگچه‌ایکه(برود) سرچپه‌در** جیبش گذاشته بود نظر انداخت‌برود

بقیه در صفحه ۹۲



(c) ketabton.com: The Digital Library

از سامرست موآم

مترجم : ولی لطیفی

تسخیرناپذیر

بخش دوم

– بفرمائید این صد فرانك را بگیرید . بگذارید مادموزل پیراهن‌جدیدی برایش‌بخرد. ازکهنه‌اش بسیار بجا مانده .

اوپول رابالای میزگذاشت وکاسکیت خودرا بوشید .

– برویم .

آنهابیرون شده دروازه راازعقب خودبسته وبعدبالای موتر سایکل های خود نشسته حرکت کردند پیرزن خودرا بطرف اتاق مجاور کشاند . دخترش آنجا روی نیمکت به همان حالت که هانس اورارها کرده بود افتیده وزارزار میگریست .

• • •

بعداز گذشت سه‌ماه هانس باز هم بسوء سورسون آمد. اوباسر بازان پیروز المانی‌در پاریس بود وباموتر سایکل خودرا از زیر طاق ظفرپاریس نیزگذشته بود او در آغاز باعساکر المانی بطرف «تور» وبعد بطرف «بردو» رفت .

هانس جنگ راحتی استشمام هم نکرده بوداما عساکر فرانسوی رابشکل اسیر دیده بود. تمام جنگ برایش چنان سرگرمی مسرت بخش بودکه حتی درخوابش هم نیامده بود .

هانس بازهم بعدازمتارکه جنگ درپاریس زندگی‌کرد . برای همه تحفه خریدوپست‌کارت های رنگه به وطنش «بواری» فرستاد. دوست اوویلی که پاریس رامانند پنج انگشت اش میشناخت همانجاباقی ماند ولی هانس را با

تمام واحدش دوباره به سورسون فرستادند درشهرکوچك سورسون زندگی سربازان‌المانی بدلمیگذشت. غذافراوان بود وشامپانی تقریبا رایگان هربوتل آن یك مارك به پول المان قیمت داشت وقتی امرانتقال به سورسون داده شد هانس فکرکرد خالی ازتفریح نخواهدبود که مزرعه برود ودختر دهقان رابیبیند برای اینکه هانس به دختر بفهماند که کینه رابه خاطرندارد یك جوره جوراب ابریشمی برایش به قسم تحفه تهیه کرد. هانس خوب متیقن بود که‌مزرعه رابدون زحمت خواهد یافت.

یکی ازشامگاهان هنگامیکه اوهیچ سرگرمی دیگری نداشت جورابهرادر جیب گذاشته وباموتر سایکل به طرف فارم حرکت کرد. یك روزملایم خزان بوددرآسمان ابری دیده نمیشد وتپه های اطراف قشنگ مینمود اگرچه ماه سپتامبر ودیرگاهی بودکه حتی‌یك قطره باران هم نیامده بودولی ازسپیدار ها احساس نمیشدکه تابستان بپایان رسیده است یکبارهانس بطرف دیگر پیچید واین موضوع اوراکمی معطل ساخت ولی بهرحال خودرابعد ازنیم ساعت به مزرعه رساند. نزدیك دروازه سگ نگهبان پارس کرد هانس بدون دق‌الباب دستگیر دروازه راچرخانیده وداخل خانه شد. دخترجوان عقب میزنشسته کچالو پاك میکرد مجرددیدن هانس درفورم نظامی اواز جابریده وبپا ایستاد .

– چه‌کار دارید .

همانجا دختراورا شناخت درحالیکه کاردرا دردست میفشرد عقب عقب بطرف دیواررفت.

– تو. خوك .

– ها... هاعصبی نشو متاثرت نمیسازم بهتراست ببینی چه برایت آورده‌ام . جوراب های ابریشمی .

– آنهارا بردار وگورت راگم کن .

– حماقت نکن کاردرا بینداز . اگرعصبانیم کنی به ضرورت تمام میشود ترس از یـــن نداشته باش .

– من ازتوترس ندارم .

دخترانگشتان خودرا بازکرد وکارد افتاد . هانس کاسکیت خودرا کشیده وبالای چوکی نشست . پای خودرادراز کرد وبانوك موزه

کارد رابطرف خودنزدیك کشید : بیابتو کمك کرده وکچالو پوست کنم . چطور ؟

هانس خم شده کارد رابرداشت . ازکاسه کچالو گرفته وبه پوست کردن شروع کرد . دختر بانگاه های دشمنانه بطرف اومیدید

وچهره‌اش نمود خصمانه داشت . اوهمانطور خموشانه به دیوار تکیه داده وحرکات هانس راتعقیب میکرد . هانس خوش قلبانه تبسم تسلیم کننده .

– چرااینطور باخشم سوی من‌نگاه میکنی. آنقدرهاهم من ترآزرده نساخته ام. آنوقت من بسیار عصبانی بودم وتواین مطلب رابابد

بفهمی . آنگـــاه همه مایك حالت داشتیم . آنوقتهاهنوزهم ازشکست ناپذیری فرانسویها وخط ماژینوحرف میزدند .

لبخند استهزاء آمیزی در لبهای هـانس پیدا شد وازطرفی شراب کلرام راگرم‌ساخته بودتوبازهم شانس داری زنهابمن گفته‌اند که

بسیاربد شکل نیستم .

دختر بانگاه های نابود کننده سرتا پـای اورا دور انداز کرد .

– گم شواز اینجا .

– هروقت خواست خواهم رفت .

– اگرنروی پدرم به سورسون میرود و پیش جنرال ازتوشکایت میکند .

– جنرال به‌این شکایت هابسیار احتیاج هم دارد. به‌ماامرشده که بامردم روابط صلح جویانه رابهبود بخشیم . اسمت چیست ؟

– بتومربوط نیست .

گونه های دخترسرخ شده وغضـــب در چشمانش میدرخشید هانس دختر را زیبا تر ازروزیکه اورابخاطر داشت یافت . خوب تا بحال که‌کارها بروفق مراد است‌دخترصبا ده دهاتی هم نیست وزیاد تربه شهری هاشبیه است . بلی مادرش گفت‌که اومعلمه است . ازهمین سبب‌که اویك دخترساده دهـاتـی نیست بلکه معلمه وتحصیل کرده است برای هانس مخصوصاخوش آیندبودتااورارنج بدهد. هانس خودراقوی ومحکم احساس میکرد . در طول تابستان اوطوری آفتاب خورده بود که چشمهای آبی‌اوبه شکل حیرت آوری‌لاجوردین مینمود .

– پار ومادرت کجاست ؟

– درمزرعه کارمیکنند .

– گوش‌کن . من‌گرسنه ام . برایم یـك گیلاس شراب بانان وپنیر بیار قیمتـش را میپردازم .

دختر خشمگینانه خندید ...

– ماازسه‌ماه به‌اینطرف پنیر رانمیشناسیم که چیست ازنان خشك سیرنمیشویم . سال گذشته ازما فرانسویهاتمام اسپ هارا‌گرفتند وحالا بزها وتمام حیوانات باقیمانده‌را مانند گاوها خوك ومرغ هابردند .

– خوب چه ماکه رایگان نگرفتیم پولش‌را دادیم .

– توفکرمیکنی‌که ماازکاغذ های خالی که درعوضش دادید سیرمیشویم ؟

دخترناگهان به‌گریه شروع کرد .

– چراتوگرسنه هستی ؟

دختر باداد جواب داد– من . توچه میگویی ماشاهانه تغذیه میشویم کچالو شوربای‌گرم وکاهوفردا پدرم به شهرسورسون میرودممکن است موفق بخریدن گوشت اسپ شود .

– گوش‌کن . بوجدانم سوگند که انسان بدی نیستم . من برای توتان وپنیروحتـــی ممکن است گوشت بیاورم .

– من به صدقه وبخشش های تو احتیاجی ندارم. من ترجیح میدهم ازگرسنگی بمیرم‌تا اینکه دست به خوراکه های درازکنم که‌شما خوکهاازمادزدید اید .

– بهرحال خواهیم دید – اوبالحن آرام این راگفته وکاسکیت خودرا پوشیده وبعداز گفتن خداحافظ مادموازل خارج شد .

• • •

هانس نمیتوانست تنهابه رضایت شخصی خودباموتر سایکل به آن راهای دور برود و مجبور بود انتظار بکشد تااورابه ماموریـــت بفرستند وآنگاه اوبازهم می توانست از مزرعه دیدن کندواین ماموریت ده روزکه گذشـــت اتفاق افتاد . هانس مانند دفعه گذشته وبدون تکلیف پیداشد. اینبار پیرمرد بازنش درآشپز خانه بودند .

نیمروز بودوزن دهقان درمقابل دیگـــدان ایستاده چیزی رادردیگ شور میداد . پیرمرد درعقب میزنشسته بود. وقتی آنهابطرف هانس دیدند ، متعجب شدند . شاید دختر شان از آمدن دفعه قبلی اوگفته بود آنها خاموش‌بودند پیرزن به‌کار خودادامه داد وپیر مرد همچنان خیره خیره بطرف گلبهای روی میزی نگاه می کرد. مایوس کردن هانس خوش قلب هم‌چندان آسان نبود .

– سلام بهمه – هانس به خوشی ایـــن جمله اداء کرد برایتان خوراکه آورده‌ام .

روی پاکت رابازکرد وازبین آن یك تـوته پنیرنسبتا بزرگ ویکمقدار گوشت بادو قطی ماهی ساردین کشیده وبالای میز گذاشت. پیرزن بطرف خوراکه هانظرکرد هانس وقتی برق طمع رادرنگاه های پیرزن دید نیشخنـد زد. پیرمرد عبوسانه به خوراکه ها دیـــده دوخت . هانس باتبسم بازهم به اوسلام‌کرد.

– آنگاه بین ماسوءتفاهم رخداد مقصدم دفعه گذشته بودعفومیخواهم اماپیرمرد برای تولازم نبودکه مداخله کنی .

دراین اثنا دختردداخل آشپزخانه شـد . اوبالای هانس باخشونت فریادزد .

– تودراینجاچه میکنی وقتی نظردختی بـــه خوراکه هاافتاد آنهاراباهم یکجاکوت کرده و بطرف هانس پرتاب کرد .

– برادراینهارا. ازاینجا بردار .

دراین هنگام مادرخودرابه میزرساند .

أنیت ! تودیوانه شده ای .

– من ازاو خیرات قبول نمیکنم .

آخراین خوراکه ها محصولات خود ماست . ازماست . آنهاازمادزدیده‌اند . تو تنها بطرف این ماهی ساردین نگاه‌کن . این ساردین مال مابود وهست .پیرزن خم‌شد وآنهاراجمع‌کرد هانس بطرف دختر دید. چشمان آبی اوتمسخر آمیزبنظر میامد .

– پس اسم توانیت است . اسم قشنگی است . خوب توچرابه والدینت اجازه نمیدهی که‌کمی غذای لذیذبخورند . آخر خودت گفتی که شماازسه ماه به‌اینطرف پنیررامزه نکردید. گوشت پیدانتوانستیم چیزهای راکه مـوفـق شدم پیداکنم آورده‌ام زن دهقان خوراکه هارا باهردودست‌گرفته وبه سینه چسپاند . مثلیکه اوآماده بوداین خوراکه هارابیوسد . به‌رخسار های انیت اشك دوید .

– خدای من چه ننگی . این کـــلمات از گلویش مانند ناله بیرون شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library



ـ تراچه شده چرانگ . یك توته پنیریا یك قطی ساردین وتمام ..

هانس نشست وسگرتی آتش زده وقطی رابه پیرمرد داد پیرمردیك لحظه متردد ماند ولی وسوسه خیلی بزرگ بود . اویك سگرت آورد وقطی رادوباره به هانس درازکرد .

ـ برای خود بگذارید . من هرقدر خواسته باشم پیدا میکنم . هانس پکی زده ودودراز بینی بیرون آورد .

ـ چرامادعواکنیم . چیزیکه ساخته شده آنرادوباره نمیتوان ساخت . خودشما میفهمید که جنگ . جنگ است من میفهمم که انیست دخترتحصیل کرده است ونمیخواهم که اوراجع به من بدفکرکند. ممکن است واحدهابرای مدت مدیدی درشهرسورسون معطل شود . من میتوانم گاه‌گاهی بیایم وچیزی از خوراکه باب برایتان بیاورم . شمامیفهمیدکه مابانمام قواء سعی میکنیم که بااهالی شهر رابطه خوب داشته‌باشیم امافرانسوی هامقاومت میکنندحتی نمیخواهند بطرف مابیینند . بالاخره یك اتفاق تاسف انگیز بود. همان چیزیکه دفعه قبلی‌وقتی من بادوستم اینجا آمدم رخداد . شمانبایداز من بترسید من حاضرم باانیت طوری به‌احترام تمام پیش آمدکنم مثلیکه باخواهرهم تن خود.

ـ توچرااینجامیایی ؟ توچرا مارا آرام نمیگذاری ؟

در حقیقت هانس هم درست نمیفهمد . دلش نمیخواست اعتراف کندکه اواز فقدان روابط عادی انسانی دلتنگ است . دشمنی خاموشانه ای که المانیها رادرسورسون احاطه کرده بودروی اعصابش تاثیر کرده بود گاهی

حاضر بوداولین فرانسوی راکه درجاده با چشمان بی تفاوت به اونگاه میکند تکانش بدهد چنانکه باید وگاهی هم این موضوع اورا تا سرحد گریستن میرساند خوب است خانوادهٔ پیداکنم . که مرادوستانه بپذیرند .

اودروغ نمیگفت‌که راجع به‌انیت افکارپلیدی ندارد. انیت اززنهای تیپ اونبود . زنهای‌بلند قامت بابستانهای برجسته مورد پسند او بود. آنهائیکه مانند خودش چشم آبی وموبوربودند آنهائیکه تن محکم وپرحرارت داشتند برای او ظرافت بینی راست ـ چشمهای تاریك وصورت رنگ پریده قابل فهم نبود. این دخترچیزی داشت که دراو حس ترس راایجاد میکرد . اگراوآنطور مست ازباده پیروزی نمیبود اگراو

آنطورخسته ودرعین حال عصبانی نمیبود و گرسنه شراب زیاد نمی نوشید حتی درخیالش هم نمی گنجید که چنین دختری اورا اسیر خودش سازد .

• • •

هانس مدت دوهفته نتوانست ازواحدش‌دور شود .. اویقین داشت زن‌وشوهر پیرمثل‌گرگ های گرسنه بجای خوراکه هایی‌که او آنوقت برده ودرمزرعه گذاشته بودحمله برده اند . باعث تعجب اونمیشد که اگرانیت هم باآنها همرایی کرده باشد .

طبعا انیت ازهانس نفرت دارد آنهم چه نفرتی ـ مگرگوشت . گوشت است وپنیر، پنیر اندیشه انیت‌هیچ ازسراو بیرون‌نمیشد نفرت انیت اوراخشمناك میساخت اوعادت کرده بود که موردپسند زنها واقع شود .

چه خوب خواهد شداگر انیت بالاخره بازهم عاشق اوشود . آخرهانس مرد اول اواست . درمونشن دانشجویان هنگام پرگویی عقب گیلاس آبجومعتقدبودند که درحقیقت زنهامردی رادوست دارندکه آنهاراازراه بدرکند . هانس بکلی مطمئن بودکه جواب ردنمی داد . اوزیر لب می خندید وچشمانش محیلانه میدرخشید. بالاخره تصادف باهانس کمك‌کرد که باز هم به مزرعه سربزند . اوباخودپنیر ـ مسکه‌ـقند وچند قطی گوشت‌کانسروباکمی قهوه‌گرفته وبا

موترسایکل خودروان‌شد. امااینبار مؤفق‌بدیدن انیت نشد اوبا پدرخوددرمزرعه کار میکرد مادر انیت درحیاط بود . وقتی هانس رابابسته ای که دردست داشت دید چشمهایش درخشید

هانس رابه آشپزخانه برد. هنگام باز کردن بسته دستهایش میلرزید وبعد ازدیدن خوراکه های‌که هانس آورده بوددرچشمان پیرزن اشك پدیدار شد .

ـ توخیلی مهربان هستی .
هانس مودبانه پرسید .
ـ من می توانم بنشینم .

ـ بنشین ـ بنشین ـ پیرزن بطرف کلکین نگاه‌کرد . هانس فهمیدکه پیرزن میخواهدببیند که آیادخترش به طرف خانه نمیاید .
ـ ممکن است یك‌گیلاس شراب بنوشی ؟
ـ باطیب خاطر .

هانس بدون زحمت درك‌کردکه حرص به خوراکه هاپیرزن رامجبور ساخته که موجودیت اوراقلا برایش قابل تحمل بسازد پیرزن‌حاضر بودکه روابط خوب راباواوبرقرار سازد . نگاهی که پیرزن به‌کلکین انداخت مانند این بودکه آنهاراهمدست بسازد .
ـ گوشت چطوراست مثل که بدنیست ؟
ـ دیرگاهی میشودکه‌چنین‌گوشتی نخورده‌ام.
ـ دفعه آینده وقتی بیایم باز هم خواهم آورد . اماانیت خوشش آمد ؟

ـ انیت به هیچ چیزدست نزد. میگویدبهتر است ازگرسنگی بمیرم تاازاینها بخورم .
ـ ابله .
ـ من هم اینطور برایش گفتم. من عقیده دارم وقتیکه غذااست باید خورد برای چه باید روگرداند . کارهارا این قسم اصلاح نخواهی کرد .

تاوقتیکه هانس شراب خودرا آرام و بدون عجله نوشید آنهادوستانه باهم صحبت‌کردند. اوفهمیدکه پیرزن رامادام پیریه مینامند .

هانس پرسید که‌آیا اطفال دیگرهم دارند، پیرزن آه کشید . آنها پسری داشتند که در آغاز جنگ مرده بود .

اورادرجبهه نکشتند بلکه اودرشفاخانه در نانسی به مرض ذات الریه مرد .
ـ ها .... متاسفم .

ـ شاید همین برایش خیربود . آخراوهم عین انیت بود. بهرحال کشته شد چون تحمل رسوایی شکست رانداشت . پیرزن دوباره آه کشید ـ آه برادر ـ آخربماخیانت کردند از

همین سبب تماما اینطور اتفاق افتاد .
ـ چراشمابه دفاع پولند پیا شتافتید. آنها برای شماکی هستند ؟

ـ درست ـ درست اگرمامانع هتلرشما نمیشدیم ومی گذاشتیم که پولند رااشغال‌کند اوماراهم آرام میگذاشت .
حین خارج شدن هانس تکرار کرد که باز هم خواهد آمد .
ـ راجع بگوشت فراموش نخواهم کرد .

اوضاع به نفع هانـ ـ ن بود . اوماموریت پیداکردکه هرهفته دومراتبه به دهکده های اطراف سربزند . واین کاربه اوامکان بیشتر

دادکه مزرعه برود . اینکه هیچگاه با دست های خالی به آنجانرود برایش حکم قانون راپیداکرده بود. اماکارهایش باانیت جور نمی آمد . اوتمام نیرنگ های محیلانه که‌زنها

رازیر تاثیر میآورد وتجربه مردانه‌اش به‌او آموخته بودبکار میبرد . امانیت به تمام آنها باخنده های نیشدار جواب می داد. لب های خودرا محکم بهم فشارداده طوری به طرف هانس نگاه میکرد مانند اینکه دردنیابدتراز او کسی نیست . غالبا انیت اوراطوری عصبانی میساخت‌که هانس حاضر بود تاازشانهایش گرفته چنان تکانی بدهدکه روح ازبدنش پرواز کند .

یك روزهانس اورانتها یافت وقتی انیت میخواست خارج شود هانس مانع رفتن اوشد.
ـ صبرکن میخواهم باتوحرف بزنم .
ـ بگومن زن بی دفاع هستم .
ـ واین است چیزیکه بتومیگویم . تاجائیکه برای من معلوم است من دیرزمانی اینجا خواهم ماند .

ناتمام

صفحه ۷

(c) ketabton.com: The Digital Library

تا اینجای داستان

زهره زن بادیه نشین پس ازقتل‌شوهرش با دو دختر خود بشهرمی آید ودوسال بعد آن شهرشوم‌را ترك میگوید . دختر کلانش هنادی توسط ناصر ، مامایش‌بقتل‌میرسد . آمنه دختر کوچك مدتی‌بعد از خانه پدری میگریزد ودوباره بشهر بخانهٔ مامور مرکزکه سابقا در آنجا کار میکرد پنا هنده میشودومیخوا هد از انجنیر جوانی کـــه‌خواهرش را به آن سر نوشت‌شوم‌کشانده انتقام بکشد و برای ا ین منظور مراسم نامزدی خدیجه دختر مامور راباوی بهم میزند و خـو ددر خانهٔ فا میل ثر و تمندی بحیث‌خادمه استخدام میگر دد و در صدد آن می افتد تا بهر وسیله ای ممکن‌باشد ، بمنزل انجنیر مذکـور راه‌بیابد و پلان خودرا عملی سازد .

آهنگ شباویز

بلی ! تمام شب را با تشو یش ونگرانی بروز آ وردم ، بـــد و ن تردید اگر اندیشه های شبا نگاهی **مرابخود مشغول نمی دا شـــت ،** شبی بود طولانی و دشوار گذار .

خواهر عزیزم ، صورت محزون‌تو که در لحظات تنهایی یاور ومونس من است ، سنگینی بار شب را از دوشم زدود کم‌کم‌پیش آمدوبفاصلهٔ نزدیك در مقابلم قـرار گـرفت و شروع کرد بسخن گفتن . من گرچه سخنانش را نمی شنیدم ا مـا پی میبردم که چه میگوید و چقدربرقلبم می‌نشیند . صورت تو همان بـود که هنگام مسافرت بسمت غـر ب در منزل ملك قریه دیـده بـودم ، صورت مبهوت وفرو رفته دراندیشه هایی عمیق و بی پایان کـه حتـی نمی‌توانست به آنچه در ما حولش میگذرد متوجه گردد ، درست‌همان **صورتی که‌در لحظات گفتگو بـا تو** و در دقایقی که میخوا ستم تسلیت دهم واز اندوه جانکا هت بکا هم ، بدقت و تعمق بر آن خریده میشدم.

تو نزدیکم آمدی و در کـنا رم نشستی ، سر کو چکت را ماننـد گذشته بر دوشم گذاشتی، بملایمت بـرویت دست کشیـدم واشك از چشمانت پاك نمودم . لحظه‌ای‌باهم **گریستیم ولحظه ای گریه با ز ت داشتم، انگشتانم بمهربانی باموی** انبوهت بازی میکردوبرایت‌اطمینان وآرامش می‌بخشید ، وخواب‌آهسته آهسته بر چشمانت چیره میشد ، اما ناگهان از جابر خاستی و چـند قدم از من دور شدی سپس‌برگشتی وباحالتی بهت زده و نگران‌درکنارم استاده شدی ، من باز هم با لطف ومهربانی احاطه‌ات کردم و خواستم آرامش از دست رفته ات را بـاز گردانم ، اما ناگهان بازهم آن‌اشباح سرخیکه در منزل ملك قریه ، قبل از آغاز آن سفر شوم بسراغ مـــا می آ مدند ، در نظرم مجسم‌گردیدند وتو همینکه این اشباح را دید ی ، بدون اراده بسوی شان شتا فـتی وبه شبحی سرخ مبدل شدی‌وباآنها پیوستی !

اشباح سرخ احاطه‌ام کرده ا ند وبیرامونم در گشت و گذاراندویکی بعد دیگر نزدم می آیند ومیخواهند سخنانی بگوشم بگویند ، مـن از مشاهدهٔ این صحنه میترسم و بـر خود میلرزم و تصور میکنم‌دستخوش جنون گردیده ام ، میخواهم فر یاد بکشم ، چیغ بزنم . خا طرات‌دوران



رنجوریم در آن قـریهٔ دور افـتاده غرب بر مغزم خطور میکنند: میبینم بازهم آن چشمهٔ جوشان بد منظر در مقابلم قرار دارد و خون سرخ‌ازآن فوران مینماید . سراسیمه از جـا بر میخیزم ، ترس وهراس‌گریبانم را رها نمیسازند ، میخواهم ازین اتاق بگریزم ، اما بکجا ؟!

بلی ! درین شب ساکن و آرام **بـه کجا میتوا ن گـر یخت ؟ د ر** چنین لحظاتی‌که خا موشی همه جـا سایه گسترده و پردهٔ ظلمت برهمه جا فرو افتاده است دختری چـون من بکجا میتواند برود ؟ باید ایـن زن را که در گوشهٔ از اتاق‌درخواب فرورفته و غرق در رویاهای‌شیرین خوداست بیدار سازم ، آ ری، باید **اورا بیدار سازم و بقیهٔ شـــب را** ضمن صحبت باوی سپری نمایم ... **اما همینکه برای این کار تصمیـــم** میگیرم ، اشباح سرخ ازچهارطرف احاطه‌ام مینمایند ، خواهرم باچهرهٔ مایوس که تبسمی حزین بـر لب دارد نزدم میشتابد ، استر حـــام کنان میگوید :

بیدارش مکن ، اومارا میترساند، هرگاه بیدار شود ، مارا از ینـجا میراند ، چرا از ما هراس داری ، مگر از مدتهای زیادی باینسو باهم الفت نگرفته‌ایم ، اینقدر زود مـارا از یاد برده ا ی !؟

این سخنا ن چـون تیر بر قلبم می نشینند ... نه ! هرگز نه ! من شمارا از یاد نبرده ام و هر گز از یاد نخواهم برد ، هیچگاه شما را ازخود نخواهم راند واین زن را که شمارا میترساند ، هرگز از خواب بیدار نخواهم سا خت . شما بامن باشید ، در پیرا مـونم طـــوا ف کنید ، حرف بزنید که میـدانند ، شاید روزی من هم در قطار شمـا قرار بگیرم ، شاید روزی‌این لباس سرخ گلگونی را که شما در بـــر نموده‌اید ، در بر نمایم . این لباس که هم مرا بسوی شما فرامیخواند وهم از شما میتر سا ند ..!

بقیه در صفحه ۹۲

ژوندون

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض تبریک

کارکنان هوتل انتر کانتی نتال جشن استقلال وطن عزیز را به بانی ومؤسس نظام نوین

افغانستان بنباغلی محمد داؤد، اردوی غیور ملی وجوانان افغان وکافه ملت نجیب افغانستان تبریك عرض نموده

وترقیات شایان افغانستان عزیز را تحت رهنمائی های نظام نوین جمهوریت خواهان اند.

(۱۵) ۱ر۱

عرض تبریک

کارگران فابریکه نوروزی حلول سالگرد استرداد استقلال وطن را به حضور بنباغلی محمد داؤد

بانی جمهوریت ورئیس دولت وهموطنان باشهامت خود تبریك عرض نموده ترقی مملکت را درپرتو درایت

(۸) ۱ر۱

وکاردانی فرزندان فداکارش صمیمانه آرزومینماید

(c) ketabton.com: The Digital Library



چرا اسپورت های محلی ما از یاد رفته است ... ؟

ورزش که برای بشر ارزش حیاتی داشته وازقدیم الایام انسانها بان احتیاج احساس کرده اند نظر به موقعیت وشرایط محیطی به انواع و اقسام مختلف در آمده ومردم بآن علاقه گرفته اند. چه همین علاقه ودرك اهمیت وارزش سپورت است که انسانها درراه پیشرفت وتوسعه مزید سپورت هرچه بیشتر کوشیده وسعی میکنند تازمینه اکتشاف آن وسعت پیداکرده وتعداد بیشتر مردم بصورت صحیح ودرست ازآن استفاده بعمل آورند .

مردم کشور باستانی ما نیز به اهمیت ورزش سپورت وورزشی از زمانهای سابق پی برده مثل مردم دیگر نقاط جهان علاقمند گردیده اند. روی این منظور سپورتها پرادر منطقه خویش ترویج داده وازآن مستفید میشدند که تامین روز بقایای آن به انواع مختلف درمحلات ودهات کشور ما مروج بوده وبصورتهای گوناگون اجرا میگردد ولی متاسفانه درشهرها که سپورت های بین المللی تااندازه راه یافته وتعداد محدودی مردم ازآن استفاده میکنند سپورت های محلی بکلی از یادرفته وبه بادفراموشی سپرده شده است

همچنین مقامات صلاحیت دارسپورت درکشور بدان بحیث یك سپورت نه نگریسته واهمیتی به آن قایل نیستند که همین بی اهمیت جلوه دادن یکعده مردم شهر ها رانیز ازآن دلسرد ساخته و به صفت بازی بیهوده ، پس فکر میکنند که این دیگر خود بی اعتنائی مارا در مقابل فرهنگ وکلتور خودما نشان میدهد زیرا همین سپورت تنها محلی است که که نمایانگر احساس مردم اصلی و باستان کشور درمقابل ورزش بوده ومعرف عنعنه ملی واستعداد وابتکار سپورتی مردم کشور ما میباشد .

من نمی خواهم بگویم که سپورت تنها ی بین المللی در کشور رشد نکند ومنصه اجرای آن از میان برود بلکه آرزو دارم تا ورزش ملی ما هم درپهلوی این سپورتها بحیث ورزش رسمی درچوکات سپورت کشور قبول گردد زیرا عده بیشتر مردم ما نظر به شرایط محیطی وعدم موجودیت وسایل ولوازم سپورتی نمیتوانند از سپورتهای بین المللی استفاده کنند چه این سپورتها برای یکعده مردم شهر ها مختص بوده واهالی محلات ودهات که حد اکثر را تشکیل میدهند نمیتوانند بوجه احسن آنرا اجرا کنند وبدین ترتیب سپورت وورزش شکل اختصاصی را بخود گرفته هدف اساسی وواقعی سپورت از میان میرود یعنی سپورت چهره سمبولیك را بخود گرفته واز ارزشهای حیاتی آن چشم پوشی میشود .

من بیاد دارم که تا چندسال پیش انواع سپورتهای ملی ومحلی در جشن های ولایات ودر پوهنتون کابل تجلیل میشد ومسابقات آزاد آنها برگزار میگردید که مورد توجه همه قرار میگرفت ولی باگذشت زمان تمام آنها ازبین رفته حتی نسا مهای آنسر امردم فرا موش کرده اند در ینجا وظیفه مقامات مسؤل سپورتی بود تا به آن توجه کرد درزمینه اکتشاف آنرا می گر دانند

علت اساسی ازمیان رفتن این سپورتها بی توجهی مقامات سپورت وعدم اشتراك در مسابقات سپورتی تورنمنتها می باشد چه اگر این سپورت هارا به حیث سپورتهای محلی شناخته ودر پهلوی دیگر سپورتهای بین المللی جای میدادند بدون شك این سپورتها توسعه یافته وبه سپورت کشور رونق میداد .

به عقیده من برای پیشرفت واکتشاف این سپورت ها مقامات صلاحیت دار باید تیم های ورزشی تشکیل داده واشخاص که به این سپورت ها دسترسی وعلاقه دارند جمع آوری در تورنمنت ها ومسابقات سپورتی به آن حقیقی قایل شوند ، وآنهارا بصورت صحیح وتخنیکی در آورند تانام سپورتهای باستانی رانگه داشته وهم به سپورت وورزشی کشور سرو صورتی بدهد زیرا باین وضع که حالا سپورت در کشور دارد رضائیت بخش نیست وطوریکه

توضیح

در همین صفحهٔ شماره ۲۰ این مجله در مصاحبهٔ که باتیم جوانان قندهار صورت گرفته بود. تیم پامیر به‌عوض خیبر مغلوب معرفی شده مادر حالیکه ازاعضای تیم پامیر پوزش میخواهم به خوانندگان ارجمند خود وعده میدهیم که در آینده نزدیك کلب پامیر را ضمن یك مصاحبه مفصلاء معرفی خواهیم کرد .

تیم فوتبال المان در حالت ضعف قرار دارد .

هلموت شون رهبر تیم ملی فتبال المان دریك مصاحبه خودچنین گفت(درحال حاضر هرچه ازراه میرسد تیره وتاراست اما من نا

امید نیستم ومیکوشم تا المان رادرسال آینده چنانکه جهان میشناسد ومردم المان میخواهد روانه میدان سازم).

این گفتار هلموت شون ناشی از شکست‌های پیهم تیم المان است که در مسابقه اخیرکه درالمان برگذارشده بود وتیم مذکوردرمقابل ارجنتاین یو گو سلاویا وبرازیل شکست خورد میباشد .



درگذشته چنین بودکه تیم ملی فتبال المان همواره صاحب نقش درجه یك‌رادر مسابقات اجتماعی این سرزمین داشت یعنی همیشه تمام فعالیت های مسابقات تحت رژیم ملی آن کشور قرار داشت وچون این تیم همیشه درمعرض مسابقات قرار میگرفت همه چیز رابخود منحصر میکرد امااندك اندك اوضاع تغیر کرد ودهسال قبل که(بوندس لیگا) بوجود آمد اندك اندك قدرت گرفته ودر سالهای ۱۹۶۹ و۱۹۷۰ هلموت شون دستیارانش با زحمات زیاد تیمی را آماده مسابقه درجام مکسیکو ساختند اماتیم ملی المان توانست موقعیت سیوم راحاصل نماید وبعداز آنکه المان دربرابر برازیل شکست یافت تیم ملی آن کشور مقام درجه دوم را داخل مملکت خویش حاصل نمود .

در مسابقات اخیر منعقده کشور المان یکی از علل شکست تیم المان عدم موجودیت (نتزر)ستاره درخشان تیم مذکور بود که بخاطر مریضی مادرش به مسابقه حاضر شده نتوانست مردم المان فقدان این بازیکن بزرگ را در تیم ملی خود مثل کناره گیری (رووزیلر)و(فریدس والتر)مصیبت بزرگ میدانند ومصیبت بزرگتر ازآن اینکه شنیده میشود که هسپانوی هایسراغ (اورات)

جریانی ازمسافرت تیم برازیل دراروپا وافریقا

تیم ملی برازیل که برای انجام مسابقات مقدماتی عازم اروپا وافریقا گردیده بود از انجام دو مسابقه درافریقاوارد ایطالیا شده و با تیم لاجوردی پوش ایطالیا آزمایی کردند که نتیجه‌اش شکست برازیل بود وپس از شکست در تورین با اطرینها مساوی ولی در المان غرب در مسابقه که در برلین برپا شده بود تیم المان غرب رابا شادی بی پایان شکست داد وسپس رهسپار مسکو گردیدتا به‌یك پیروزی بزرگ دیگر اروپائی دست یابد این مسابقه که در ورزشگاه لینن که گنجایش ۱۰۳ هزار تماشا گررا دارد بر گذارشد ورود براز به شوروی برای هر دو کشور از نقطه نظر فوتبال مهم جلوه کرد زیرا دمار یو کالو « شوروی را یکی از بزرگترین کشور های صاحب فوتبال میداند وشوروی ها نیز میخوا میتند قهر مان جهان رادر لزد خ ببینند ولی نتیجه مسابقه چنان شد که یك هوای خوب روی زمین عالی ۸۷ هزار تماشاگر شاهد گول عاقل گیر کنند «جرز پنهو »در دقیقه شصت وهفتم شد هوا در میکو خیلی گوارا بود شور ماز این مو فقیت استفاده بزرگ دیگر

بقیه در صفحه ۸۸



(c) ketabton.com: The Digital Library

دردل ورزشکاران

ماور زش کاران معارف ، پو هنتون و کلب های آزاد شهر کابل رژیم جدید راکه از خواسته های دیرین مردم و جوانا ن مابود به حضور بانی وموسس رژیم جمهوری درافغانستان تبریك گفته وآمادگی وهمبستگی کامل خودرا برای هر گونه خدمت وفداکاری در راه اعتلای وطن تحت قیادت بنیان گذارو حامی رژیم جمهوری ونهضت های جوا نا ن وروشنفکران در کشور اعلام میدا ریم .

بمنظور بهبود وضع ورزش وپشبرد فعالیت آن درکشور و بر رسی وضع تا هنجارش بعد **ازین درهمین صفحه تحت عنوان «درد دل** ورزشکاران «مطالبی را مطالعه خواهید کرد که**مستقیماً از زبان ورزشکاران شنیده شده** یك سلسله مشکلاتی را محتوی خواهد بود که**ورزشکاران ماباآن دست وگریبان بودند .**

البته علل گشایش چنین ستونی درین صفحه زیاداست .مانند همه**امور زندگی،عقب**افتادگی وفقور وحشتناك در ورزش کشو رمایه تشویش ونگرانی جوانان ورزش دوست وورزشکار کشور بوده واین عقب افتاد گی ایجاب میکند تا عوامل آن جستجو شـــده تجا عانه افشاگردد .ثانیا هنشه دلسرد ی جوانان ورزشکار جستجو شده منعکس گردد تا برای رفع این دلسردی چاره مقتضـی ومفید فراهم کرد مشود .همچنان نظر یات و پیشنهادات مفید واصلاحی در امرتشو یق**ورزشکاران بهبود وضع ورزش جمع آوری و** نشر شده د ر عمل مورد استفاده قرارگیرد .

در ینجا سعی میکنیم با ورزشکا ران**جوان**کشور گفتگو هایی بعمل آورده نظریات شان منعکس کنیم .ومسوالان امر را متوجـــه**ساخته در امر اصلاح نقایص بایشان کمك** کنیم . **روی همین منظور تهیه کننده این صفحه** با چند تن**از ورزشکاران لیسه زرغو نـــه** یعنی چند نفراز اعضای تیم باسکتبا ل آن**لیسه** که در زمرهٔ باسکتبا لیست های خوب پایتخت کشور بشمار میرو ندتماس گرفت.این چند نفر عبارت بودند از **پیغله** سجیه**احمدزی** سرینا شیون فوزیه سروری گلالی**حیدر، ملالی ولطیفه**حکیمی **وهم**چنان **شاعلی** سعدالله احمـد زی یکتن ازور زشکـاران شهیر کشور ما کـه هر یك به**نوبهٔ خویش** ازوضع نابسامان ورزش گفتنی **هاداشتنداینك**خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم میداریم .

تیم باسکتبال لیسه زرغونه

اولین چیزیکه آنها شکایت راازآن شروع کردند عبارت**بود از اینکه اخلاق ورزشی در** بین جوانان ورزشکار ما از میان رفته چنان چه در مسا بـقات گـاهـی هـم واقـع میشود که همدیگر را تهدید نموده ویا عملا صدمه های جسمانی بهمد یگر میرسانند که**بااین عمل جدا مخالفت خویش را اظـهار** داشته واصلاح آنرا توقع نمودند .

عمل**مارا** تا اندازهٔمایوس میسازد زیرا توقع ما از مطبو عات بیشتر از دیگران است .

همچنان ایشان آرزو کردند که باید در رادیو نیز **پرو گرامی بنام ورزش نشر شود** تا ازین طریق زمینهٔ تشویق وپیشبر فـت ورزشکاران مهیاگردد. همچنان خبر نگارانی که وقتاً فوقتاً با ورزشکاران مصا حبـــه میکنند ورزشکار یك عالم درد دل**خود** رابراز



تیم باسکتبال لیسه زرغونه درحالتمرین

همچنان **این** ورزشکاران توقعاتی ازاداره مکتب خود دارند ـتوقعاتی برای بهبودوضع فعلی وپیشرفت ورزش در آینده مثـــلا میدان های تمرین را **پاك خواسته ووقت** کافی تمرین برای خود آرزو میکنند ومـی گویند بایست مساعدت های از طرف اداره مکتب بعمل آید. گرچه آنها درین زمینـــه امیدواری جدیدی یافته اند**ز پرا** میر مـن صالحه نظام مدیره جدید لیسه زرغونه بـه ورزش علاقه خاص نشان ووعدهٔ هر گونـه مساعدت را به ایشان داده است .این عده ورزشکاران بالای مطبو عات**شد** یداً انتقاد کرده **نارضایتی خـود را ابراز داشتند و** گفتند :طوریکه لازم است مطبو عات برای **سپورت تبلیغ نمیکنند چـنانچه یـك صفحه ژوندون کافی نیست وهمان یـك صفحه هـم** طوریست که گاهی نشر می شود و گاهـی هم از آن صرف نظر می کنند که ایـــن

گو میکند اما متا سفانه وقتی روی صفحه**روز** نامه یا مجله آن مصاحبه را میخوا نیم می

بینیم یك عالم مطالب شکایت فدای محافظه کاری خبر نگار شده وحذف گردیده است.

این عده دختران از ریاست تربیه بدنی وزارت معارف خیلی شکایت داشتـه که ما اینك **مختصراً ازآن یاد آوری میکنیم .**

باسکتبا لیست های لیسه**زرغونه** میگویند که:

ریاست تربیه بدنی وزارت معارف یگانـه مرجعی است که میتواند وضع ورزش لیسه ها را بررسی نموده وبه وضع آن بهبود ی

بخشد اما متاسفا نه توقعات خورد وریـزه ما هم بعضاً از طریق این مو سسه بر آورده نمیشود مثلا تعیین ریفری های**عادل وواقـع**

بقیه درصفحه ۸۸

بنا غلی سعداله میگوید:

اگر بصورت د قیق ورزشی کشو ررابر رسی نمائیم به آسانی دریافت خوا هیـم کردکه وضع ورزش در کشو ر روز بروز بسوی قهقرا میرود ورزشکا ران مانه تنـها ریکارد های سابق قهر مانان کشور رانه توانسته اند حفظ نمایند بلکه ازآن عقب**نیز** مانده اند. نتایج مسا بقات خارجی در چند **سال اخیر مایوس کننده است .چه**قهرمانان**ما** بااشتراك در چهار المپیای جهانی متا سفانه تاحال موفق به**اخذ** مدال برونزهم نگردیده اند .

ازتعداد ورزشکاران وطن قدا ران آن روز بروز کاسته شده میرود .بهترین استعد اد های ورزشی دیربیان سپورت مادامروز صحنه ورزشی رابایك عالم تاثر ترك کرده و به وظایف دیگری مشغول اند. خلاصه ورزش کشور باشکل عرو سکی درآمده که**آنرا** صرف برای چند روز جشن جامه بتن کرده وز یب وزینت داده به**نما** یش ازشخاص صا حب رسوخ وبزرگان که مخالف نهضت هـــا ی جوانان در کشور بودند به نما یش گذاشته وپاداش میگرفتند .

علل این نابسامانی ها را درعدم تـوجه وعلاقهٔ مسئولان امر در گذ شته میتـوا ن جستجو کرد سیاست آنان درمورد جوانا ن به**شکلی** بودکه نمیخوا ستند وحدت ملی ـ فکری و روحی در بین جوانان **خلق شـو د** زیرا ورزش خوبیك وسیله همکار ی**وحدت** وهمبستگی در بین جوانان است ـ روی این **اصل ورزش فراموش گـردیده و بـجای آن** فساد اخلاقی روز بروز در بین جوانان زیاده ترشده می رود . **تعدادکاباره‌ها ، رستو رانت** وسینما هاروز بروز افزود گردید اما روح ورزش بمعنی واقعی آن در بین مردم کشته شده در واژه های کلب های ور زشی یکی بعد دیگر بسته شد.

بفکر مایکی ازراه های مبارزه با انحراف اخلاقی انکشاف و تو سعه ورزش است چه دراینصورت تعداد زیادی جوانان به میدا ن های پاك ورزش جلب شده وتعداد کثیری ازمردم باعلاقه گرفتن به**تماشا** ی مسا بقات دلچسپـ برای خود سر گرمی میسازند وهم ازین راه میتوانیم برا ی معر فی بیشتر کشور در صحنه مسا بقات بین **المللـی** خدمات شا یسته انجام بدهیم. ماورزشکاران بیاد نداریم که**یکی** از رجال بزرگ کشور ویاحکومت به**تماشای** کدام مسابقه سپورتی (به استثنای رسم گذشت ورزشـکا را ن

معارف که آنهم جنبهٔ تجملی ونشر یفا تی داشت) علاقه نشان داده**ورزشکاران** رامورد تفقد قرار بدهند امااز اشتـراك انان د ر مجالس ومحافل مجلل وپرشکوه که بناسهای نمایش لباس ـ نمایش غذا ـ یا انتخا ب **دختران سال وغیره یادمیشد از راه امواج** رادیو با **طمطراق اخبار آن به سمع مـردم** میرسید.

المپیك:

از سالیان درازی المپیك ما با تشکیلا ت وپرسونل لایت طور نامطلوبی اداره میشدواز همین جهت این اداره در تنظیم و بهبودورزش درکشور فاقد مؤثریت بوده است .

بقیه درصفحه ۸۸



مردم دردریای پرازکثافت کابل شنا می کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library



استفاده از نیروی حرارتی زمین

برای سالها خبره گان مواد سوخت در مورد منابع انرژی‌زمین توجه چندانی نداشتند ولی تبازگی دانشمندان به‌این نتیجه رسیده اند که باید نگاه جدیدی **در مورد این منابع** انداخته واگر امکان داشته باشد ازحرارت درونی زمین برای رفع این کمبود حداعظم استفاده شود. اکنون طرح سراسر جها نی روی دست گرفته شده که بموجب آن از **حرارت در داخل زمین طوری کار گرفته شود** که بتواند خلای کنونی را از بین ببرد. در ایالات متحده بخش طرح های داخلی د ر نظر دارد تا ٤٨ میلیون اگر زمین عامه رابه یك عده کمپنی های که خواهان مطا لعه در همین ساحه اند واگذار کند .در همه جا ملل متحد ،سعی مینماید تا به یك عده از کشور ها کمك نماید ،تا از این منابع استفاده وبهره برداری کند .به این ترتیب برای مدت کوتاه انرژی حرارتی زمین‌بحیث ارزان ترین منبع انرژی در میا ید ..

انرژی حرارتی زمین در ساحه های‌تولید میشود که تا منظمی های در پوسته زمین اجازه میدهد که سنگلاخ های مذاب که به سطح زمین نزدیك است برای گرم ساختن آماده میشود .در این مرحله آب های زیر زمین گرم میگردد .بعد آب یا بخار که نزدیك به نقطه جوش ویا غلیان میرسد ، در میسر معنی سوق داده میشود که‌توربین مولد برق را بحرکت آورد . **تقریبا کارگاه** های انرژی در بیشتر ازده ها جای وجود داشته واکنون سعی بعمل میاید ـکه بخاطر کم شدن مواد سو خت دیگر از این منبع حدا کثر کار گرفته شود .خط روشن این انرژی حرارتی زمین تا اندازه زیاد هما ن خط مناطق زلزله وآتش فشانی را تعقیب‌می کند .

نیروی‌حرارتی زمین درساحه های‌چون لارلو وایتالیا ،نامسکار ،ایسلند ،یات مکسیکو وایواکی نیوزیلند نیزبدست آمده میتواند .

ژورف پر نا رئیس اداره منابع و انرژی ملل متحد بیان داشته که‌وما نیروی حرارتی زمین را در تمام محیط های جغرا فیا یی دیده میتوانیم ،اکنون کشور های چون‌کینیا وحبشه سعی بعمل می آورند تا بررسی‌های در مورد یافتن منابع نیروی حرارتی زمین در داخل مرز های خود انجام بدهند.

در ایالات متحده اکنون یك دستگاه‌نیروی حرارتی زمین وجوددارد که مشغول فعالیت است. کمپنی گازوبرق پاسفیك منبع‌اساسی نیرورا ازمیدان بخار بنام گسر از شلل کالیفو رنیا بدست می آورد .این دستگاه‌می تواند ۲۹۰٫۰۰۰ کیلوات برق تولید نماید ولی کاوش های بیشتر در این ساحه به مخالفت شدید گروه ها ی‌طرفدار حفظ‌محیط زیست بشری مواد شده است آنان اعتراض دارند که دستگاه های برق حرارتی زمین کثیف ـپرصدا ـناآرام وکاملا خطرناك‌است.

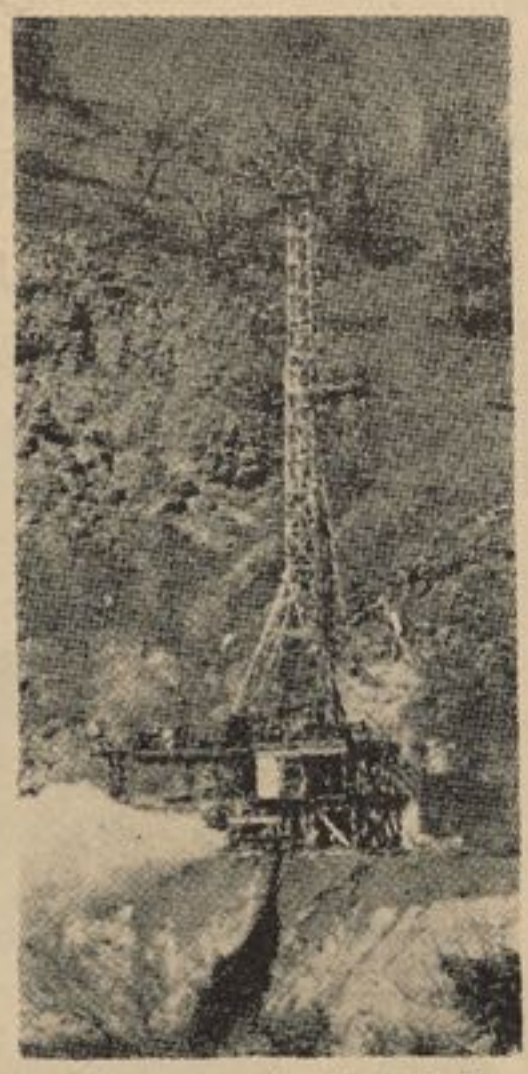
ترس ها :

در نگاه اول ،اعتراض های طرفداران‌حفظ محیط زیست بشری توجیه پذیر است . حتی بخار بسیار پاك هم چنان که‌در گیسر بدست می آید محتوی هاید روژن سلفا ید **بابوی بد تخم مرغ گنده بوده و با خود** گاز های زهر اگین همراه داردکه می تواند خطر های زیاد برای زنده جان ها تولید نماید .در ساحه های که نیروی حرا رتی زمین وجود دارد تولید آب داغ نسبت به بخار آنقدر دارای منزال هاست که خطر **شدیدی برای ترکیدن چاه‌ها وتوربین می** باشد .

بر علاوه دوستگاه های‌برق حرارتی زمین پر صدا تر از سایر فابریکه ها نیست .در بعضی ساحه های نیروی حرارتی زمین ـ انتقال بخارو یاآب داغ از ژرفنای زمین نشیست زمین را در بالا بهمراه دارد .طبق گزارش جدید از مکسیکو درسایه چاه بخار **نشستی به‌عمق ٥ انچ بمیان آمده است .**

اداره امور انرژی داخلی در امریکا سعی دارد تا طریقه ای‌را بمیان آورد که‌از شدت صدای گر گرنده تل های اینگو نه فابریکه ها بکاهد .هم چنان سعی بعمل می آید تا بوسیله جریان دادن آب از نشست بیشتر جلوگیری کنند

در تصو یرخط های‌سیاه تیره ، منابع نیروی‌حرارتی‌زمین رادرجهان نشان میدهد .



محلی کهاز انر ژی حرارتی ز مین استفاده میشود

استفاده از انرژی حرارتی زمین در برابر خود مشکلاتی از لحاظ تکنو لوژی وتوزیع بهمراه دارد .دکتور توماس‌فریز بیان‌داشته که «**انرژی حرارتی زمین یگانه‌موهبت نیست** بلکه پیچیدگی عمده این است که مثلا بخار درغرب وضرورت در شرق است .ولی‌باتهم نمی توان بان انرژی دیگری را برابر ی کرد ».

طبق آخرین محاسبه ازین لحاظ می توان تا ۱۳۲٫۰۰۰ **میگاوات برق در آمریکا تهیه** نمود .ولی باتهم می توان این‌رقم را تاصد چند بلند برد.این‌امر ممکن است تا۱۲سال آینده صورت بگیرد .

جراحی شگفت انگیز

مرکز تعویض کرده درتاشکند در نوع خود در آسیای میانه‌بینظیر است .این‌مرکز یك سال قبل پایه گذاری شده ودر همین مدت کوتاه تجربه های ارزشمند و مهم در این ساحه بدست آورده است .مرکز یادشده، بادستگاه های گرده مصنو عی آله های رادیو ـ ایزو توپ برای حالات بد، ولابر اتوار آماده مجهز میباشد .

ولاد ایوا نف‌که‌از مریضی گرده شکایت داشت وریك وضع بدبه شفاخانه پذیرفته



دراتاق جراحی پدر

شد .مطالعات نشان داد که گرده های ا و فعالیت خود را بکلی از دست داده و کمی بعد ممکن تمام وجود را به فساد بکشا ند یگانه راه برای نجات مریضی تعویض گرده هایش بود. ولی یافتن گرده شخص زنده ، برای ایوانف مشکل‌می‌نمود .پیام اضطراری برای پدرو مادرش در فرغانه فرستا ده‌شد. هر دو آماده بودند تا یکی‌از گرده های‌شان را برای پسر شان بدهند .بعد از معاینه های طبی در یافت شد که گرده های پدر برای تعویض مناسبتر می باشد .پیو تر ایوانف «۱۵»ساله کارگرفابریکه‌کودکیمیاوی در فرغانه می باشد .

تعویض کرده از یك شخص زنده برا ی اولین دفعه در تاشکند صورت می گرفت این امر در دو اتاق جراحی صورت گرفت در یك‌اتاق پروفیسورانتکافی اپریف‌موسس مرکز با سفدالله جراح روی مریض کار می کردند .دراتاق دیگرگروه متشکل ازدیمتری ارستا موف جراح گرده ـشوکت کریموف، ویکتور گوریا نف وعوض عثمـا نو ف مشغول کشیدن گرده زنده وجوز ازبدن‌پدر مریض بودند .

هردو عمل به پیروزی صورت گرفت . گرده‌از بدن‌پدرخار ج‌شده بود پنج دقیقه‌بعد تربه وظایفش در بدن پسر شروع نمود .

عمل مدت شش ساعت را در بر گرفت هر دو پدر وپسر اکنون در شفا خانه به استراحت پرداخته وبزودی نیروی صحت خود را دو باره باز خواهند یافت .



دراتا ق‌جراحی پسر

یک‌خبر عامی در داخل کشور

مواد اپو لوی ۱۷درمرکز فرهنگی‌امریکا در کابل‌به‌نمایش گذاشته‌شد

یك نمونه سنگ که از سطح ماه طـی‌ماموریت اپولوی ۱۷ گرفته‌شده بایك پرچم افغانستان که به ماه حمل گردیده وطی‌همین‌ماموریت واپس به زمین آورده شده است روز سه شنبه ۲٦ سرطان درمـرکز فرهنگی امریکا در کابل به نمایش گذاشته شد .

سنگ وبیرق که روی یك تخته چو بی‌نصب گردیده بحیث سمبول دوستی امریکا به افغا نستان از طرف مرد م‌ایالات متحده‌امریکا طی محفل تجلیل از یکصد ونود و هفتمین سالگرد آزادی امریکاروز چارم‌جولای‌اهدا گردیده .به همین سبب محفلی بر پا گردید بود .

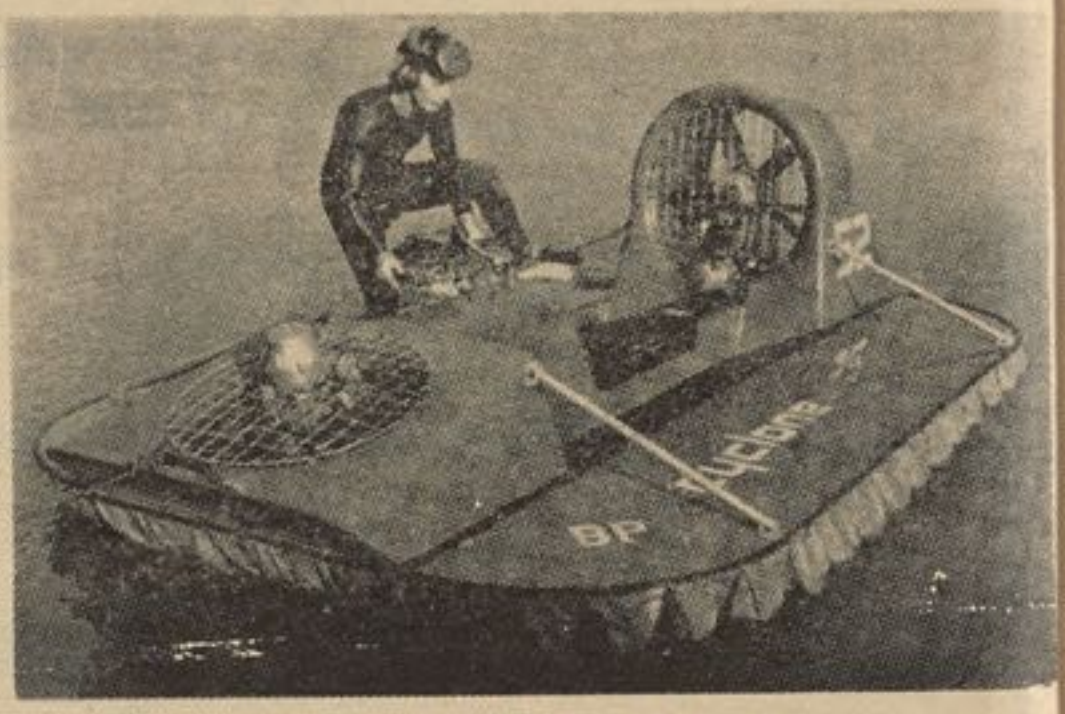
(c) ketabton.com: The Digital Library

* فهم،دانش وابداغ بشر محدود نیست،انسان امروز در هر ساعت بسوی تکامل پیش میرود.

از تازه‌های جهان دانش

هور کرافت ورزشی

بتازگی کمپنی لایت هور کرافت درانگلستان موفق به ساختن اولین هور کرافت ورزشی شد. این هور کرافتکه «سایکومن» نام دارد می تواند دو نفر را در محل کـه شکل زین دارد ،جای بدهد .درازی ایـن‌هور کرافت ۱۰فت وپنهای آن ۷فت است. انجن عقبی همرا با آنجن جلوی می توانـد سرعت آن رادر حشیکه وآب یکسان نگه‌دارد برای آزمایش ، این هور کرافت فاصله ٤٥ میلی را درپهنای کانال ، مانش طی نموده توانست تابا امواج که ۵فت ارتفاع داشت‌رست وپنجه نرم کند. این‌هور کرافت می تواند تا ٤٠ میل در ساعت سرعت داشته‌باشد. هور کرافت یاد شده از فیبر شیشه



هور کرافت درحال آزمایش

ساخته شده ودارای رنـگ های سرخ ، نارنجی ،زرد وسبز علفی‌میباشد .سازندگان آن امید دارند که این وسیله ،طرف توجه‌زیاد ورزشکاران شوقی قرار گیرد .

همچنان این وسیله برای شکار چیـا ن ،رغابی وغواصان خیلی مفید است .بقیمت آن در حدود ۳هزار دالر تخمین شده است.

گرماسنج فوری

انستیتویت تحقیقاتی جاپان در او سا کا موفق به ساختن گرما سنج فوری شده‌است این گرماسنج می‌تواند درجه حرارت مریض رادر ظرف سه دقیقه معلوم کند .بجای به کار بردن سیماب معمولی ،در این آله یـک عنصری‌که فوق‌العاده دربرابر گرما احساس است وبنام تانیالوم تایتر یت یاد می‌شود استعمال شده است .انستیو یت گفته‌است که آله مذکور در پیمایش در جه حرا رت اطفال که بی قرار هستند سخیلی بدرد می خورد .آله مذکور میتواندرجه حرارت‌مریض را در ظرف سه دقیقه معلوم کند .

پرو نتو

پرونتو نام موتر سایکلی است که یـک کمپنی انگلیسی آنرا تازه اختراع نمود ه. این موتر سایکل صرف ۲۹ ـکیلو گرا م وزن داشته وسرعت آن فی ساعت ۵۰ کیلو متر است .

این موتر سایکل در یك صد کیلو متر گردش ۲ـ لیتر بنزین مصرف دارد .

موتر سایکل وباسیکل یکی از وسایل عمومی ترانسپو رتی مرد م رادر آنجاتشکیل میدهد واین از سببی است که مردم نسبت به تکسی وسرو یس بااین وسایل‌زود تربه جائی که در نظر دارند رسیده می توانند .



روشنایی درتاریکی

کمپنی برق سانیو در او ساکای جاپان به تازگی چراغ روی میزی را بیا زارآورده که در موا قعیکه برق میرود نیز به نـور افشانی ادامه میدهد .این‌چراغ شکل اریکن کلاسیك را داشته وبا خودبتری از مینگل‌ـ کادیوم بهمراه دارد .زمانیکه چراغ بـا جریان برقی ارتباط دارد بتری آن‌برق کافی میگیرد .ولی همینکه برق میرود به صورت خود کار بتری به فعالیت آغاز نموده و تا پنجاه دقیقه نور افشانی می کند .این مدت کافی است تا زن خانه دورو پیش خود را جمع نموده ویا شمعی دست وپای کند .

قیمت این چراغ ۱۳٫۸۰ دالر میباشد .

عینك‌هاییکه‌قدرت بینایی راتغییرداده میتواند



محفظ دارای مایع

کسانیکه نسبت ضعف قوه‌با صره محتاج به استعمال عینك هستند مجبور انـد بعد از انقضای یك‌مدتی آنرا عوض نمایند ویا اینکه چندین عنیك با نمره های مختلـف داشته باشند .

برای رفع این مشکل یـك مختـر ع انگلیسی بنـا م «رایت» عینکی را اختراع نمود که مطابق بخواهش شخصیکه آنـر استعمال میکند قدرت خود را تغییر میدهد. این عنیك دارای چوکات عادی وشیشـه های نازك بوده وبین لنیز وشیشهٔ آن‌مایعی از مرکبات گلسر ین وکلسیوم برونـا ت وجود دارد.در انحنای عینك‌یك نل‌پلاستیکی قرار دارد که دیواره های آن قابل انحنامی باشد .

کانال کوچکی که در چوکات عینك‌گنجانیده شده با محفظه ارتباط داشته ودر عقب لینز قرار دارد .کانال ونل کوچك با مرکبات‌فوق نوررا انعکاس میدهد .نل قابل‌انحنا فشار فشار را احاط نموده وطوری حرکت میکنـد که مرکبات مذکور را تبدیل می نمایداگـر فشار نزدیك لینز باشد فشار مرکبـا ت کیمیاوی بلند رفته شیشه‌نازك به‌آسا نـی رانده میشود اگر فشار بطرف عقب باشددر آنصورت شیشه هموار می‌گردد که بایـن صورت قدرت لینز به ۲ـ۳ دیو پیتری می رسد

میدان‌بازی روی‌یخ ، بدون یخ

اکنون سطح ترکیبی نی را بوجود آورده اند که میدان یخ مانندی را بدون ایجاد یـخ مصنوعی برای بازی روی یخ بوجود میآورد. این اختراع از طرف دستگاه صنایـع تولـید بین‌المللی جاپان صورت‌گرفته است .این‌سطح یخ مانندکه به‌ادعای کمپنی ، مانند یـخ واقعی است روی یك سطح محکم کانکریتی چه در محوطه بسته وچه‌در هوای آزادبکار میرود .

برای لغزنده نگهداشتن این سطح آنرا روز دو دفعه توسط یك مسایـع مخصوص چـرب مینمایند .

کمپنی مذکور ادعا میکند که این سطـح یخ مانند لغزنده تر و اقتصادی تر از یـخ مصنوعی است . مصرف هرفت مربع آن۵۰ر۸۰ دالر میشود .

سرش جدید برای تکت پسته

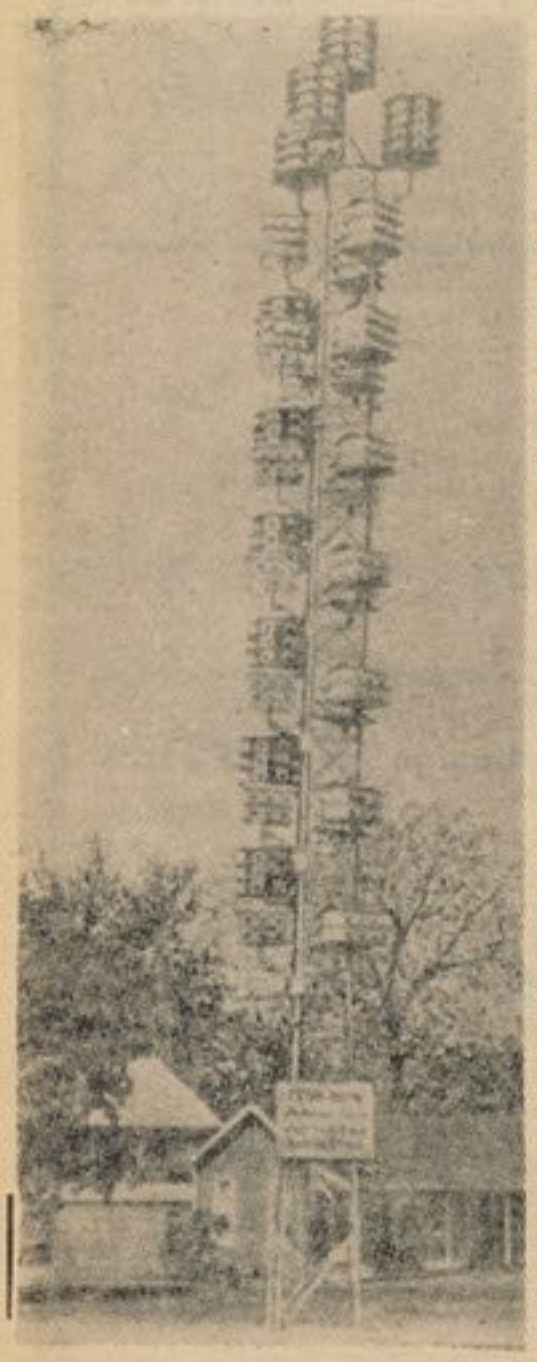
یك‌کمپنی انگلیسی بنام فار ثینگام بتازگی سرش جدیدی را برای چسپاندن تکت پوسته اختراع نموده‌که ضرورت به‌تر کردن‌ندارد.

بنابر ادعای کمپنی مذکور سرش‌را‌که‌اکنون درعقب تکت پسته مالیده اند،برای صحت‌مضر است . برای دوری از این دردسر کمپنی‌مذکور ورقه نـازك سرش را بوجود آورده‌کـه درآن هزاران نقطه کوچك به‌شکل کپسول هاوجود دارد .

زمانیکه تکت پوسته را بروی این ورقه‌وآنرا بروی تکت فشار بدهیم کپسول های کوچك که‌دارای سرش است ترکیده و سرش محتوی آن تکت را بروی پاکت بدون ترکردن‌ویلعیدن سرش می چسباند .

لانه پرستو ها

در شهر ایلو نایزا مریکا برجی بارتفاع ۹۰ـ متر وجود دارد که در آن ۳هـز ار پرستو ها آشیانه ساخته اند .این پرستو ها را مردم آنشهر به خاطری در آن جاآورده اند تا پشه ها را محو نمایند هر یك از این مرغکان روزانه یکهزار پشه را محـو می سازند .



دراز ترین جراب جهان

دراز ترین جراب رنانهٔ جهان را که طول آن به دو متر می رسد دو میرمن پولند ی بنامیکنند آنها این‌جراب را بااساس روا ج باستانی از پشمی که دارای رنگ سر خ تاریك است میسا زند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریاست اتحادیهٔ صادرکنندگان قالین افغانی
AFGHAN CARPET EXPORTS GUILD

عرض تبریک

اتحادیهٔ صادرکنندگان قالین به‌نمایندگی از تمام‌مؤلدین وتجارقالین‌جشن‌استرداد استقلال‌وطن‌عزیز را به‌پیشگاه مؤسس‌جمهوریت وکافه‌هموطنان‌عزیز تبریک‌گفته ترقی وتعالی کشور عزیزرا تحت‌قیادت رهبر جمهوریت ونظام‌نوین افغانستان‌تمنامینماید.

(۷) ۱ر۱

عرض تبریک

کارگران مؤسسه موبل سازی صوفی‌غلام‌رسول به مناسبت پنجاه وپنجمین جشن‌استرداد استقلال وطن عزیزتبریکات خودرا به‌حضورجناغلی‌محمدداؤد مؤسس جمهوری ورئیس‌دولت وکافه‌ملت باشهامت ونجیب‌افغان تقدیم‌داشته پیشرفت‌واعتلای کشوررا صمیمانه آرزو مینمایند.

(۱۹) ۱ر۱

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض تبریک

کارگران وکارمندان فابریکه نسا جی امیـــدو« سیدمرتضی نـــوی نسباجی » حلو ل سالگر د استرداد آزادی‌مملکت‌را بحضور بناغلی محمد داؤدبانی جمهوریت‌ورئیس‌دولت،اعضای دولت‌جمهوری وکافه مردم نجیب‌وباشهامت افغانستان‌تبریك گفته‌درپرتو تحولات مثبت نوین‌پیشرفت افغا نستا ن عزیزرا صمیمانه آرزومینمایند.

مژده

مژده بفامیل های‌خوش ذوق‌ومود پسند.

مژده بکسانیکه باقتصاد خودعلاقه دارند.

موترهای ماسکویچ ٤١٢ باانجن٤٠٨که ازهر حیث‌مطمئن‌مستریح ،قشنگ، کم‌مصرف، مستحکم‌بادهٔ هزارکیلو مترگرانتی برنگهای مرغوب وبقیمت‌نازل‌بخدمت مشتریان عزیز بشرکت سرویس‌تـــا زه رسیده است.



(c) kelaboton.com: The Digital Library

علامت جنسیت


اعلی معظمین

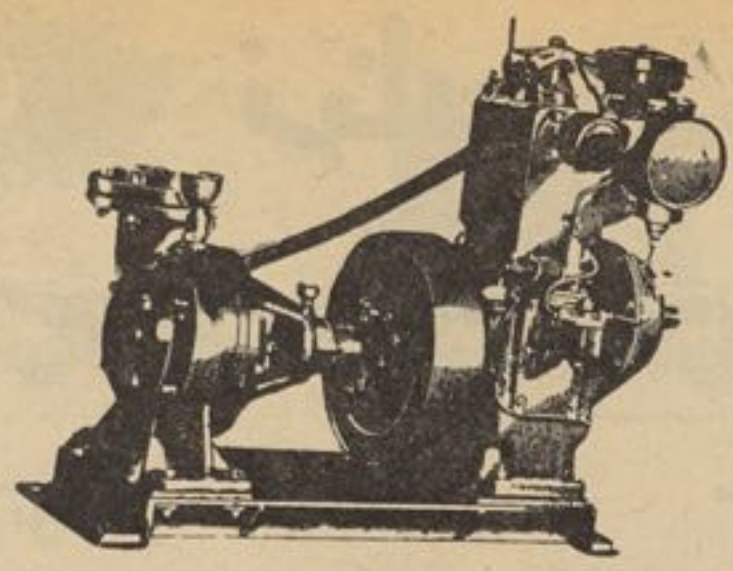
عرض تبریک

رئیس وکارمندان کبیرلمتدبمناسبت حلول‌پنجاه‌وپنجمین سالگرد استرداد آزادی کشور صمیما نه ترین تبریکا ت خودرا بحضور بنا غلی محمد داؤدمؤسس جمهوریت ورئیس‌دولت جمهوری وکافه ملت‌غیور وفداکار افغانستان تقدیم‌داشته اعتلاءوسرافرازی مملکت رابا‌پیشرفت صنعت‌وتولیدات ملی ازبارگاه خداوند آرزومینمایند.

عرض تبریک

کارگران فابریکه صابون‌سازی افغا ن‌تبریکات خودرابه مناسبت سالگرد استرداداستقلال وطن‌به‌حضور بنا‌غلی‌محمدداؤد رئیس‌ومؤسس‌دولت‌جمهوری ،کارمندان‌دولت‌وکافۀ مردم‌غیورو‌باشهامت افغانستان تقدیم‌داشته ترقی‌روزافزون مملکت‌را آرزو مینمایند.

(c) ketabton.com: The Digital Library



عرض تبریک

فروشگاه کرلر سکر تبریکات صمیمانهٔ خـــو درا بمناسبت پنجاه‌و پنجمین جشن استرداد استقـلال افغانستان به‌پیشگاه مؤسس جمهو ر یت بنـاغلی محمدداؤد رئیس دولت وکافه‌مردم افغانستان‌عرض کرده سعادت وترقی افغانستان‌را تحت‌قیادت رهبر بزرگ کشور تمنا دارد.

(۱۷) ۱ر۱

عرض تبریک

کارکنان شرکت سهامی بیمه افغان بمناسبت پنجاه‌و پنجمین جشن استرداد استقـلال وطن عزیز که‌مصادف به‌تاسیس جمهوریت‌افغانستان‌است، صمیمی ترین‌تبریکات خویش‌را بحضورزعیم ملی، فرزندغیور وباشهامت‌کشور بناغلی‌محمدداؤدرئیس دولت وصدراعظم جمهوریت افغانستـان، جوانان باشهامت وقهرمانان اردوی ملی‌افغانستان کافهٔ ملت‌نجیب افغان‌تقدیم‌میدارد وپیروزی‌درخشان جمهوریت افغانستان راهمراه‌باسعادت ملت‌افغا ن‌ازبارگاه ایزدمتعال نیازمند است.

(۱٤) ۱ر۱

(c) kayhan.com: The Digital Library

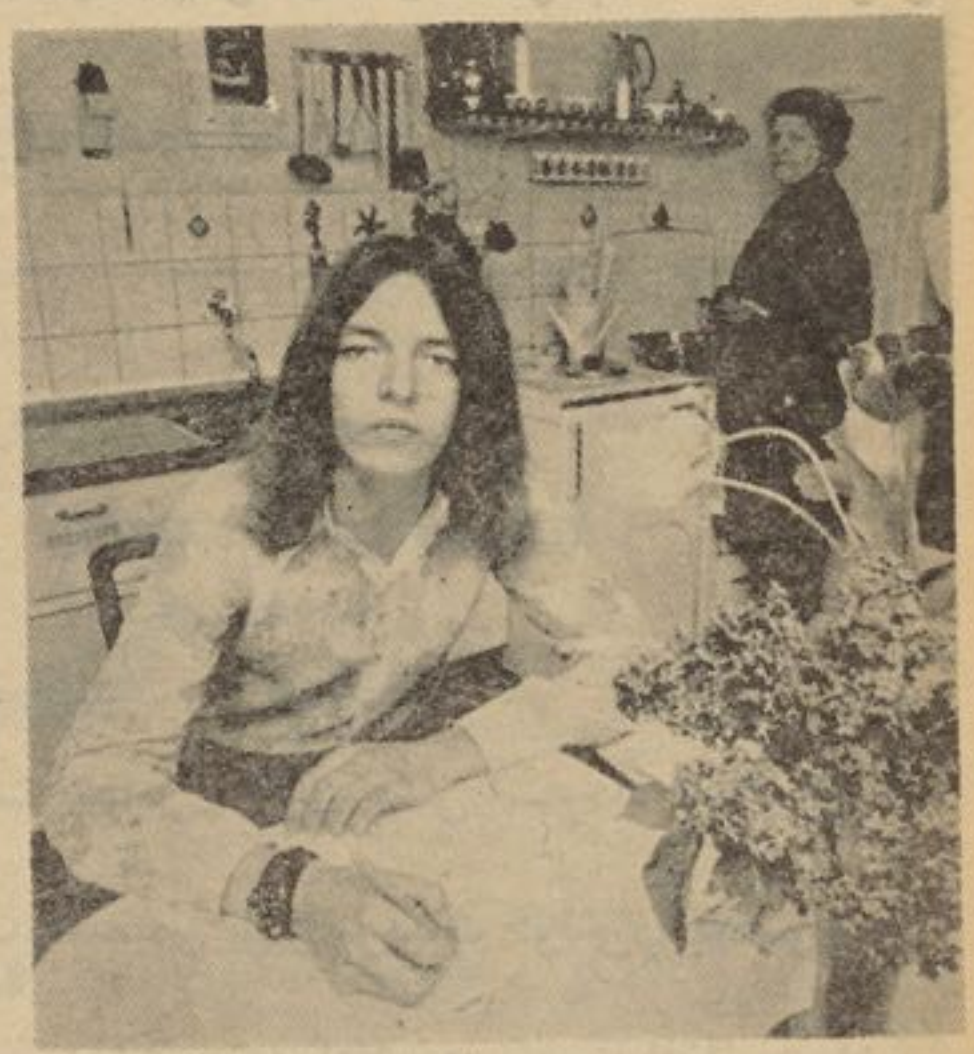
زن بودن ومادر بودن!

اگرخواسته باشیم به تاریخ زندگی انسان هانظراندازیم متوجه خواهیم شدکه زن بعد از دوره های زیادی آزادی وبرتریت اجتماعی خودرا ازدست داده تحت اسارت مرد قرار گرفت وبعدازاندك مدتی متوجه اطراف وجوانب خودگردید. بساط کاروزحمت وارروی فرش اتاق منزل خویش هموار ساخت درهر محیط درهرمکان وزمانی آرام ننشست . مدتی کشت وزرع، هنگامی چوپانی اوقاتی هم رهبری نموده است . ولی چیزیکه درزندگی زن ثابت و پابرجا مانده مقام زن بودن ومادر بودنشست .

آری مقام شامخ وپرعظمت مادری زیب پیکر ظریف وپر عطوفت زن است .

زنی‌که «بایکدست گهواره وبادست دیگرش جهان راتکان میدهد» زنی‌که دربطنش نوابغ ومتفکرین جهان راپرورش داده وانسان های چون شکسپیر- فارابی، رافامیل وهوگو رابدنیا آورده است .

درین موردکه‌موقف اجتماعی‌زن چگونه است متوجه میشویم‌که زن خوداجتماع را آفریده ، بدنیا آورده ورول وی چون آفتاب برملاست. درپهلوی این بازهم‌زن درفعالیت های اجتماعی سهم‌گرفته نقشش‌را فعالانه‌در همه‌شئون‌زندگی گنجانیده. امروز ازهرمقامی گرفته تا معلمی وازوکالت تادهقانی همه این هارازن قبول نموده وچرخ دشوار زندگی رادرپهلوی اندام ستبر مردبه پیش میراند .



گذشته ازآن میبینیم‌که زن اگر وجیبه زن بودن ومادر بودنش راطوریکه اجتماع وزندگی ازاومتوقع است - موفقانه به پیش برد موزون ترخواهد بود .

زیرا وقتی کشتی نباشد امکان عبور رااز آب موجودنیست وتادهقانی زحمت نکشد خرمنی ببارنخواهد آمد. پس همین سان اگر مادری نباشد فرزند برومندی زاده نخواهد شد واگر زاده هم شود تاتربیه صحیحی نبیند برای اجتماع مصدر خیر نخواهد گردید .

مراحل ابتدائی کودک

بعضی اوقات ماطفل نوزاد را چون یك‌فرد مکمل وآنچه باید انجام دهد فکرمیکنیم . ولی چنین نیست یك طفل نیروی را برای تکمیل رشد خود باخود می آورد- ولی درآوان تولد، حتی قلب - ریه - شش وعاضمه باید قبل



ازانجام وظیفه بر رشد خود شروع کند . استخوانهای طفل بسیار نرم است وتناسب و شکل آن هاباهم‌متفاوت اندواعصاب وساختمان عضلات تاکنون نامکمل است .

دردوران سال اول، طفل نسبت به‌دیگردوران حیات خود بسیار سریع رشد میکنند . وزن خودرا نسبت به زمان ولادت سه چندمیسازد وازیك کودك بسیار کوچك به طفلی مبدل میگردد که میتواند به ایستد، حتی قدم بزند قاشق رابدست گیرد- بکوشد تا غذا بخورد . اکثرآمیکوشند تابعضی کلماتی را مورد استفاده قراردهند . شروع میکنند، تاهرچه را می خوانید ، بدانند ومی کوشند تا آنرابدست آرند . رشد وانکشاف آنها تماشایی ودیدنی است .

برای والدین وی بعضی اوقات مشکل خواهد بود تاتغییرات سریع طفل رابدانند وضروریات متداوم وی رابعداز ولادت دردوران سال اول تامین نمایند .

انکشاف طفل قبل ازولادت شروع میشود . دردوران (۹) ماهگی که درنطفه قرار دارد روی ازیك جنین کوچك - تبدیل بیك شخص‌کوچك انکشاف یافته فعال میگرددکه میتواند وجود مادرراترك گوید ودرجهان خارج به زندگی خویش ادامه دهد. پس از دوماه ساختمان‌جسم طفل تشکیل میگردد . به‌انکشاف خود شروع میکند وازنگاه پسرویادختربودن قابل شناخت میباشد چشمان وگوشهابه رشد خود شروع نموده، خون جریان میکند وقلب باوجود اینکه شنیده شده نمیتواند - می تپد .

بعدازآنکه دونیم ماه سپری شد، طفل‌دارای سربزرگی، بینی، دهن وانگشتان دست و پا میباشد . ارگانهای دیگروی انکشاف میابد و استخوانها به سخت شدن شروع میکند . علایم ساختمان سیستم عضلات واعصاب حس میگردد . مادرفقط چندهفته بعدازین اطلاع میابد که‌طفلی دربطن وی پیدا شده است .

درسه ونیم ماهگی بیره هاانکشاف نموده وعلایم برآمدن دندان به نظرمیرسد. ناخن ها درانگشتان دست وپای تشکیل میگردند . ازین زمان به بعدطفل چون زمان ولادت به نظر میرسد . دوکتور صدای تپش قلب اورادرماه شانزدهم شنیده میتواند .

پس ازهفت ماهگی طفل چانس زندگی را درمحیط خارجی پیدامیکند . عرگاه قبلا تولد یابد تلف نمی گردد . ولی به یك مرد کهن سال کوچك بیشتر شباهت دارد. درین هنگام دویاسه پوند وزن دارد . دردوران دوماه اخیر بزودی نمو می‌کند .طول‌وی تقریبا ۱٤ تا ۲۱ انچ ووزن وی به تقریبا ۷پوندافزایش خواهد یافت .

بعداز ولادت، گام جدیدی درزندگی مستقل شروع میگردد . طفل مستقل بوده وبیك پیمانه وسیع مربوط به امنیت واتکای خودی میباشد. توانایی والدین برای تامین‌آنچه ضرورت‌دارد، دردوران سال اول وی مهم است .

این اقدامات شامل فراهم ساختن محیط بهتربرای رشد فزیکی وکمك به طفل است تافکرکند که وی درجهان دوستی قراردارد .

دردوران تولد طفل چند چیزراانجام داده میتواند. حرکات وی اتفاقی وغیرمنظم میباشد. وی آنهارا کنترول کرده نمیتواند . طفل نوزاد بخوبی میشنود وباآواز بلند صدامیکند .

زیاد دیده نمیتواند . ولی بعداز تولدبزودی قادرخواهد بود تاروشنایی متحرك راباچشمان خودتعقیب نماید . حواس لمسی، ذایقه وشامه نسبت به حس باصره بیشتر انکشاف میکند.

(مترجم: استالفی)



قسمت اعظم زنان دارای هیچگونه اخلاقی نیستند .

(الکساندر یوپ)

• • •

تمدن چیست ؟ تمدن نتیجهٔ نفوذ زنان پارساست .

(امرسون)

(c) ketabton.com: The Digital Library



پخت ویز

کباب حسینی

نیم کیلو گوشت بدون استخوان راگرفته رگ وریشه های آنراخارج سازید وبه تکه های کوچك ریزه‌اش کنید . آب یکدانه پیاز رابروی گوشت بریزید وبه عوض پیازمیتوانید گوشت راباشیرتیز اخته نمائید وچند ساعت بمانید .



نیم کیلوکچالو راپوست کنید ونیم کیلو بادنجان رومی راشسته همراه با گوشت خشك نمائید ناآب پیازنداشته باشد . سپس چند شاخهٔ نازك درخت رابریده پوست‌کنید ونوك آنهارا تیز نمائید وبه‌ترتیب کچالو - گوشت ـ صدگرام دنبه ومقداری بادنجان رومی رابه چوب بکشید تاقسمت وسط چوب پرشود. آنگاه سیخ هارا روی آتش بچرخانید تا کباب البته طوریکه بادنجان نسوزد .

دیك راباکمی روغن چرب کنید واندکی پیاز خورد شده درتهٔ آن قرار دهید . سیخ هارا درته آن نهاده میان آن نمك ومرچ سبزخورد شده بریزید سپس بالا وپائین دیك‌آتش بیفدازید وبعد ازساعتی آمادهٔ صرف است .

مرد مظهر شجاعت، قدرت، اراده وکاراست. زن مظهر ظرافت زیبایی، لطافت وایمان‌است.

آرایش موی



سه نمونه از آرایش موی که تازه برای شما انتخاب کرده ا یم، خانمها ی‌باسلیقه برای سهو لیت درکار بیشتر ازاین‌اسلوب استفاده میکنند .

آداب معاشر ت

زن امروز



باوجود بر خورداری زنان ازدانستنی های روز متاسفانه بازهم عدهٔ خانمها هنوز طرز برخورد بادیگران، طرز لباس پوشیدن مطابق به محیط وموقع راواینکه چگونه در محافل حضور یافته موقف خودرا به حیث یکزن روشنفکرامروزی ثابت نمایند بخوبی نمیدانند. جالبتر ازهمه اینك تاحال برخی از خانمها متوجه ارزش زن بودن و قابل احترام بودن شان نشده اند .

طورمثال دریك محفل مهمانی باید حضور بهم برسانید ونخست درمورد لباس تان خیلی محتاط باشید وطریق بهتر انتخاب کردن آنرا بدانید . به این معنی‌که شمابابد تشخیص بدهید که دعوت عصراست یاظهر وممکن محفل شبانه ای یامجلس عروسی باشد، از این رو باید درنظرگرفت چگونه لباسی به تن کنید .

بعضی هاصرف باشنیدن کلمهٔ مهمانی بدون درنظرداشت وقت وموقع آن لباس بلند شب راازالماری بیرون کشیده مثل اینکه به‌محفل عروسی میرودخودرا آراسته به دعوت میشتابد، ولی وقتی داخل سالون خانهٔ میزبان شد درك میکنداین دعوت صرف دعوت عادی خداحافظی یکدوست است‌که میشد بالباس سادهٔ در آن اشتراك نمود .

کوشش نمائید تاهمیشه لباس ساده، متین وبرازنده بتن نمائید تامورد انتقاد قرارنگیرید. مثلاازتکه های ساده گلدار وکم مصرف لباس های تهیه کنید که درمحفلی بتوانید از آن استفاده کنید . البته داشتن دوسه پیراهن شب نیزبرای اشتراك در مراسم عروسی ضروری است . طرزبرخورد بامردم یامهمانان درمحفل نیزازجملهٔ آداب زندگی است . وقتی دریك سالون پرازمهمانان داخل میشوید وشما غیراز میزبان کسی دیگری رانمی شناسیدلازم نیست گوشه ای نشسته دست روی دست بگذارید البته این وظیفه میزبان است که شمارا با سایرین معرفی نماید . هیچگاه نکوشید که باورود هریك از مهمانان چه زن وچه مردازجابرخاسته مراسم احترام را بجا آورید . درست است‌که هر انسانی قابل احترام است ولی این معنی رانمی دهد که شماحتماًجلوهریك ازمهمانان بپاایستاده شوید، بلکه صرف باسلام خیلی صمیمی از دیگران استقبال کنید البته درمورد بزرگترها و اشخاص قابل احترام این امر فرق میکند .



(c) ketabton.com: The Digital Library

خوانندگان ژوندون

فکر کردن چیست ؟

غیر از این حالات، لحظاتی هم این ، سوا لاتی باشد که بایدپاسخ وجود دارد که انسان بعضی‌از اعمال خود را بر اسا سس تفکر نه ، بلکه از روی‌عادت انجا م‌میدهدو هنگامیکه اکثر اعمالا و کردار ما بر اسا سس عادت روزمره سر براه شده‌وعملیه تفکر کمتر در آن زید خل گردد آن وقت است که انسان به یکنوع‌تنبلی وکهلت دچار گردیده و همینکه به سن جوانی نزدیکتر شده میرو یم بیشتر امو ر روزانه بصورت یک نوا خت انجام یافته وبا لوسیله‌کمتر درست فکر میکنیم و کمتر برای حل مشکلات خود چاره جو یی می کنیم وآهسته آهسته روحاً افسر ده و عاطل میگردیم .

بهر حال چنانکه گفتیم گه وناگه دماغ مارا اندیشه در باره یک موضوع مشغول میگرداند، شا ید بایدجلوشس در دست ما باشد ، ما باید این قدرت را داشته باشیم که بدانیم در باره فلان چیز چه وقت وچقدر مدت فکر کنیم ، آیا با ید بیشتر وقت خود را صرف باصطلاح «خیال پلو» نما ییم یا اینکه بیشتر تفکر هر نو عیکه باشد و برا ی هر موضوع وعنوانی که‌وقف‌گر دد

بقیه در صفحه ۹۴

از دنیای





چهره هایی از شاملین فیستوال

درتمام شهر های بزرگ هند فیستوال جوانان آغاز گردیده که این فیستوال باجشن بزرگی که در کلکته برگذار خواهد شد انجام خواهد یافت .

جوانان هندی در ین فیستوا ل به خاطر صلح دوامدار جهان شعار داده وخواهان یك سیستم بدو ن خطر دسته جمعی در قارهٔ آسیا میباشند .

محصلین هند ی درین فیستوال ده هزار روپیه کلدار برای اعمار یك شفاخانه در ویتنام جمع آو ری نمودند .

ولفکانگ سپاتیك یك دلال‌فروش کشتیهای نو و مستعمل است او زمانی که در دستگاه نظا می آلمان به حیث یك فردعادی خدمت میکرد به خواندن کتاب علاقه گرفت دراثر مطالعه کتب دلچسپی و شوق او به تحصیل تحریك شد پس ازختم‌دوره مکلفیت عسکری وازدواج شروع‌کرد به تحصیل تا اینکه پس از گرفتن سر تفیکت اکنون به حیث معلم کار میکند .

نمایشگاه صنایع دستی افغانستان در امریکا

مجتبی مایل که سه سال پیش جهت ادامه تحصیل به امریکا رفته بود، اخیراً طور رخصتی بکا بل آمده است .

او جوانیست جدی و پرکار که توانسته با قبول مشکلات فراوان‌به تحصیل دانش ادامه دهد . مجتبی مایل در رشته رادیو تلویزیون‌درس میخواند و فعلا شامل صنف دوم یونیورستی هیوستن میباشد .

او در ماه سپتمبر سال ۱۹۷۲ به اتفاق محصلان افغانی غرفه یی از صنایع دستی افغانستان را در شهر هیوستن ایالت تکزاس باز نموده‌که نهایت مورد استقبال واقع شده و جائزه درجه‌اول که‌عبارت از یك کپ طلا بود نصیب غرفه مذکورشده است .



شباغلی مایل

او گفت: البته در قسمت تدویر آن غر فه رهنمایی ها کمکهای موثر سفیر و اعضای سفارت کبرای‌افغانی در واشنگتن قابل یاد آوری است .

صفحه ۸۰

نامه

آبشاغلی محمد افضل ازکارتهٔ ۱۳

نامهٔ تان به دفتر مجلهٔ رسید چون ا ز طرز نوشتهٔ شما معلوم میشد هنگا میکه سخت عصبی بودید آن نامه را بقید تحریر درآورده وعفت‌قلم‌را مراعات ننموده‌بودیدلهذا از طبع باز ماند امید بعد ازین در وقت نوشتن مطلبی حواس تانرا ازهر طرف جمع نموده ومتوجه آداب نویسند گی باشید چه خونسرد بودن در هنگام نوشتن مطلبی شرط اول این فن است .

محترمه پیغله سیما :

شما در نامهٔ خود نوشته بودید که ماهر نامهٔ خوب وخراب رادرین صفحه چاپ‌نکنیم اول اینکه فهمیده نتوا نستیم که نامهٔ خوب را چرا وبچه دلیل به نشر نرسانیم ودرقدم دوم شما که از نامهٔ های خراب تذکردادید باید نظر خود را در مورد آن بما روشن میساختیدکه به‌عقیدهٔ شما نامهٔ خراب یعنی چه ؟

امید بعد ازین بخاطرات البات مد عایتان دلیل بیاورید .

شباغلی عزیزالله از سید نور محمدشاه مینه :

نامهٔ که برایما وبخاطر نشر درین صفحه ارسال داشتید موضوع آن بکلی یك‌موضوع شخصی است که گنجایش چاپ را درین مجله ندارد. وشما که ادعا دارید این مجله را همیش مطالعه میشما ئید پس چطور

(c) ketabton.com: The Digital Library





دردد‌ل جوانان

جوانان





ولفگانگ سپاتیک و خانمش

شاگردان ممتاز



اسم بشیراحمدکمال زاده
مکتب لیسه حبیبیه
صنف ۱۲ـ الف
درجه اول نمره عمومی
آرزو میخواهد انجنیر شود



اسم دولت حسینی
مکتب لیسه حبیبیه
صنف ۱۱ م
درجه اول نمره عمومی
آرزو میخواهد انجنیر شود

بشاغلی متصدی صفحه جوانان !

اگر چه‌از مدتیکه صفحه «دردی ازصدها درد از مجله ژوندون گم شده به پیما نه گنجایش همان صفحه درد های ما از طریق این مجله منعکس شده نمی تواند اما تنها برای طبقه جوانان همین‌قسمت که‌زیر عنوان «درد دل جوانان» درین صفحه به نشر می رسد دست کم بعضاً عقده های جوانان را حل میسازد .

بهر حال منکه این مبحث را در صفحه جوانان مساعد به منعکس نمودن درد های جوانان یافتم آرزو دارم این درددل مرا نیز در همین جابه نشر برسانید

دختری هستم که درحدود ۱۹ سال دارم متعلمهٔ صنف یازده مکتب میباشم تقریباً یکسال قبل با مرد آیدل خود نامزد شد م او راکه مرد آیدال مینامم راست است‌زیرا اویك جوان تحصیل کرده ،روشنفکر وبا احساس است همیش نسبت به ماده معنی راترجیح میدهد . وهروقت بحثش با من فقط روی علم و دانش و مو ضوعات حاد روز است . و خوشبختانه که محیط کار روزمره اش‌نیز یك محیط روشن است .

اما با تاسف فامیل من ... که هنوز هم شرایط عصر وزمان بفکر وبدماغشان تاثیر نکرده در فکر آنند که داماد شان یعنی نامزد من باو شان از در به اصطلاح‌سیالی وشریکی پیشآمد نماید در حالیکه نه تنها بفکر اوبلکه به عقیده من وهمه مردم منور مادیگر باید گلیم اینهمه رسم و رواج های فرتوت و کهن وبی مزه‌ازگوشه وکنارکشور ماچیده‌شود . من‌باخود میاندیشم درحالیکه در مرکز کشور ما که سباحه علم ودانش به پیمانه وسیعتری در آن دامن گسترده‌بازهم یك عده مردم تاریك ذهن سراغ میشو ند که تاهنوز پابند به همان رسوم پو سیده وتباه کن هستند پس‌درسایر اکناف مملکت ما اصلا شاید از افکار روشن وشرط امروز اثری در میان نباشد .

چون نامزدم شخص فوق العاده متمول ثروتمند نبوده پس تهیهٔ ساز وبرگ زندگی بیك سویهٔ متوسط نیز وقتی ویك مقداربول به‌کار دارد .

چه یکی از شرایط عمدهٔ زندگی وجود منزل رهایش است که هنوز نامزد م با اینکه ماموردولت است مالك‌آن‌نشده ودر تکاپوی آنست .اما پدر ومادر وسایراقارب تاریك ذهن من از او چنین تقاضا دارند که تا هر مرتبه یی که بخانه ما میاید باید به اصطلاح دست خالی نیاید ودر ضمن داد و ستد هایی را که در عید وبرات ونوروز و غیره بفکر کهنه آنها صورت بگیرد مراعات بنماید ... و این مو ضو عات است که افکار من ونامزدم را از هم پاشیده وباعث آن میشود تا سکتگی در پلا نهای بعد ی زندگی مان وارد گردیده وحتی جلو زندگی از دست ما رهاشود .چه قبول همچو شرایط مزخرف به یك‌انسان منور وروشنفکر خیلی دشوار است پس شما خوانندگان این نامه چه فکر میکنید .دو جوان ... دو جوا نیکه آرزو دارند تا منحیث دو فرد منور این

بقیه در صفحه ۹۴

هـای رسیده

گل اندام !

از نامتان واز طرز ترکیب آن بر میا ید که شما باید از طبقه اناث باشید .اما در یك قسمت آزنوشته تان‌برعکس چنین معلوم میشود که شما باید یك مرد باشید به هر صورت اینکه مادر مورد شما متردد هستیم تقصیر ازما نبوده بلکه از شماست که‌خود رافقط بنام گل‌اندام معرفی نمودید و بس .

درین مورد خواستیم بیشتر تبصره نکنیم اما بعداً دیده شد که شما روی موضو ع ازدواج حرف زدید وآنهم بشکلی که بازهم برای اثبات مرد بودن وزن بودن تان کدام حرف به نظر نمی رسید ـ زیرا به اصطلاح خود تان‌از «حریف »بنام اسامی یادکردید. در یك قسمت نامه تان نوشته بودید که پدرم رضایت ندارد اما مادرم از سالهاپیش اسامی را دوست داشت و میخواست این معامله بین مزواو صورت بگیرد .لیکن پدرم آرزو دارد که‌بایکی از «ازخودگی» مایمان ازدواج کنم سدرینجا ازینکه نوشتید مادرم اورا از سالها قبل دوست داشت وبا ز میگوئید که پدرم میخواهد بایکی از خویشاوندان ما ازدواج نمایم بازهم در مورد زن بودن ومرد بودن شما نتوا نستیم قرار خود را صادر کنیم .پس درقدم اول لازم است این معما راحل کرده و بعداً ازما نظر بخواهید .

فعلا کمتان

محترمه پیغله زهر اازکلوله پشته !

در اطراف موضوع مورد نظر شما بارها مطالبی از طریق این مجله به چاپ رسید ، اما اینکه جامه عمل به آن پوشانیده نشد ، تقصیر از مانیست .

لاکن امروز در پرتو فروغ نظام نوین کشور امید مابه بر آورده شدن آنچه شما توقع دارید وسایر خواسته های مثبت و معقول وطندارن بیشتر کسب وسعت می نماید ـامید است مایوس نشوید والبته دست از تلاش بر داشتن هم کار خوبی نیست .

اما سعی کنید تا حوصله داشته باشید زیرا بایی صبری نمیشود کاری را انجا م داد علاوتاً افکار تان پرت خواهد شد

دیگر همه چیز از دست تان خواهد رفت وآنگاه ندامت سودی نخواهد داشت .

(c) Ketabton.com: The Digital Library

گردگاه شنبه

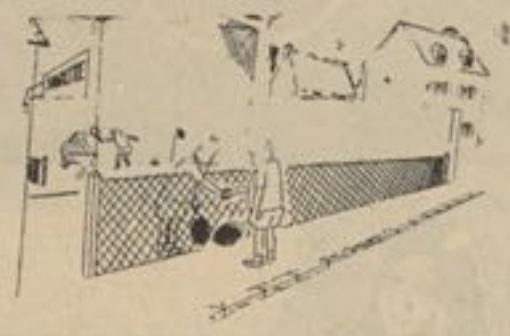
خانم ژرژ ساند نویسنده معروف‌فرانسوی درمورد عشق یکطرفه میگوید :

– عشق یکطرفه درست مثل اینست‌که

انسان بخواهد سگرت خودرا باسگرت‌خاموش

دیگری روشن‌کند .

نه ... !



دختر: مادرم بمن گفته که‌همیشه بگویم .. «نه»

پسر: پس مانعی نداره که با من به گرش بروی ؟

دختر : نه ...

– همسایه عزیز ای جالی پیاده‌رو میتانه جال تینس ما و تو باشه تاهرروز تمرین کنیم .

همینکه خوابش برد

زن وشوهری که‌برای او لین باربه‌اسکا تلند سفر کرده بودند یك‌شب که‌به اتاق خواب شان درهوتل‌رفتند ملاحظه نمودند که بستر روجا یی ندارد، فورا پیشخدمت را صداکرده‌اعتراض نمودند که رو جایی چه‌شد.

پیشخدمت با قیافه حق به‌جانبی که‌بخود گرفته بود گفت :

– ناراحت نشوید قربان...روجائی‌رابرای مسا فریکه تازه آمده بود بردم همینکه اورا خواب برد آهسته آنرا از رویش برداشته برای شما دوباره می آورم .

فانتیزی و طنی

نوشته: جلالی نورانی

زن‌برای‌خانه یاخانه‌برای‌زن؟

تقریبا یك سال میشد که‌اورانديده بودم. اویکی ازدو ستان صمیمی‌من بود ومن علا وه ازاخلاق خو بش گرویده معلومات وسیع اودر بسیاری چیز ها بودم ، شمرده وآهسته‌حرف میزد ، گفتم:

– وقتی‌که یك سال قبل ترا دیدم بمن گفتی که میخواهی‌ازدواج‌کنی... خوب چطور شد ... ازدواج کردی..

تا خوا ست حرفی‌بزند حر فم را دنبال کردم :

– بلی از دواج کردی که‌اینطور خودرا از رفقا کناره میگیری ...

آهی کشیده گفت :

– نه متا سفانه تاحال ازدواج نکرده ام میدانی .. آخر من خانه شخصی ندا رم .

گفتم : چه فرق‌میکند ؟

– چطور فرق نمیکند ... مگربه‌یك آدم بی‌خانه هم کسی زن‌میدهد ؟

باوار خطایی پرسیدم :

– این حرفها زانزن .. من هم‌خانه ندا رم .. اگر قراربا شد که برا ی آدم بی خانه زن ند هند من و توتباه شدیم ..

هردو در جا یی نشسته درد دل کردیم او از قصه خوا ستگا ری‌رفتن خود بمن گفت :

« وقتی که‌به خواستگا ری آن‌دختر آن دختری که تصور می نمودم زن خوب وایده آلی برای من‌خواهد شد رفتم مادرش او لین سوا لی‌که نمود، این بو د:

– بچیم خانه داری ؟

– نخیر خا له جان .. (نخوا ستم اوراخشوی محترم خطا ب کنم چون هنوز رسما روابط خشو ودامادی‌بین ماوجود نداشت)

او گفت:

– آی ... خانه که نداری چرازن میگیری ؟

– آخر .. من.. خدا خانه‌کرایی را نگیرد . فعلا من خانه ایرا کرایه گرفته‌ام ..

– آی بچیم .. مه قطعا را ضی نمیشم دختر کم ده‌خانه کرا یی: زندگی‌کنه .. .

– پس تکلیف من‌چیست؟

– تواول سرشته خانه ره بگی بعدازوبه خوا ستگاری بیا..تو جوان خوب وفهمیده معلوم میشی... مه دخترمه برت میتم اما شر طش‌ایس که‌خانه شخصی داشته‌باشی ..

من دیدم چاره ای ندارم جزاینکه خانه ای برای‌خود پیدا نمایم، چون آنقدر پول ندا شتم که‌یك خانه‌خوب ومفشین بخرم ویازمین خریده درآن منز لی‌بسازم به موسسه‌ای مراجعه کردم که خانه های ارزان و ساخته شده‌را به شرا یط خوب واقساط میفروخت .. من‌هم به آنجا مرا جعه کردم تا اپار تمانی بمن بد هند. مدیریکه پشت میز نشسته بود به‌قدو بالا یم نظری انداخته گفت :

– بسیار خوب .. برای‌تان خانه میدهیم منتهی این فورمه را خانه‌پری کنید .

در فورمه از زن و فرزند واقارب سوال شده بودو من در بین چوکات های‌آن نوشتم ندا رم .. ندا رم ... ندا رم وقتی که‌مدیر صا حب فورمه خانه پری شده مرا ملاحظه‌کردگفت:

– ندا ری ؟

– چه قربان ... ؟

– دختر ... پسر

– نخیر .. دختر وپسر ندارم

– چرا نداری ؟

– ندارم‌دیگر.. چطور کنم

– زن داری یانی ؟

– قربان زن‌هم ندارم و یقین‌داشته باشید که‌اگر زن میدا شتم حتما دخترو پسر هم میداشتم..

– پس زن ندا ری ها ..؟

بقیه در صفحه (۹۱)







وقتیکه سگ شکاری بابوکشیدن محل بود وباش خرگوش‌راپیدامیکند

دختراسروزی

پدر: ببین دخترم... اینقدر مبالغه آمیز فیشن نکن.. مادرت برای‌اینکه شوهر پیدا کند نه به لباس تو جه داشت ونه ببسیار فیشن میکرد .

دختر: بلی... وبه همین علت‌در ازدواج شانس نیاورد .

(c) ketabton.com: The Digital Library



مار- چرا جان مادر... چر اقار کدی؟

پسر- بو بو جان به‌اودختر گفتم عزیزم بیا سینما بریم، گفت برونه تره دوست ندارم.



بدون شرح



در عینك فروشی

حاضر جوابی

زن‌مغرور وخودخواهی هنگام‌رقص به‌مردی‌که‌باوی میر قصید گفت :

ـ شوهرمن فقط اجازه مید هد تابامردان زشت وبدقوار ه برقصیم

مرد فورا گفت :

ـاتفاقازن من هم‌به همین شرط‌بادیگران بمن اجازه رقص داده .

تکسی سواری

یك مرد اسکاتلندی بازن‌واطفالش‌برای قدم زدن بیرون رفته بو دند، مو قع بر گشتن قرار شد که‌سوا رتکسی شوند. مرد یك تکســی را متو قف ساخته کرایه‌اش را پرسید: تکسی دریور گفت:

ـاز خودتان دوشلینگ، ازخانم‌تان هم دو شلینگ واطفال رامجانی می‌برم.

مرد اسکاتلندی گفت :

ـ عله‌زود باشید بچه های من به‌تکسی سوار شوید، من ومادر تا ن پیاده می آییم.



فانتیزی خارجی

نویسنده: پیتر نز- نا کوموف

مترجم : غالمغالی

قصه جایزه گرفتن من

خوا نندگان بسیار عزیز،چندی قبل من خلاف انتظارم موفق به‌گرفتن جایزه شدم، از همان جوایزبیشماری که‌برای هرنوع فعا لیت هنری‌وادبی داده‌میشود.

خوا ننده بی‌خبروقتی می خواندکه فلان ی‌ویسنده‌یا هنر مند جا یزه گرفت، باخود میگوید: خوش بحالش کاش‌مازاهم جایزه بد هند .

وبا گفتن این جمله قیا فــــه مایوسانه وناامیدانه بخود میگیرداما توای خواننده عزیز، خواهش میکنم زد حسد بردن عجله نکن ،اگرصبر وحو صله دا شته باشی من قصــه جایزه گرفتن خودرا برایت شــرح میدهم، آنو قت اگر خوا ستی‌نسبت بمن حسادت‌نمایی از طرف من اجازه داری ومن ازت آزرده نمی شوم.

قبل از آنکه من جایزه دریا فــت نمایم ، آرام و آسوده زند گی‌میکردم دا ستانهای‌کوتاه و فانتیزی هــای شیرین مینوشتم ومانندهمه‌نویسنده های شکسته. نفس امید وار بودم، امانه برای جایزه، بلکه میخوا ستم برای همیشه مورد قبول خوانندگان خودوا قع شوم ، هروقت میگفتم: وقتی دیگران ارزش مرا خوا هنــد فهمید که‌مرا از دست داده با شند، ولی آنوقت خیلی دیر خواهدبودومن درزیرخروارها خاك خوا بیده خواهم بود (معذرت می‌خواهم ازینکه گــپ هایم ترا ژیدی شد) در تنها یی فکر میکردم وغم میخوردم ولی مسئو لیت های فامیلی مراوادار می کردکه‌افکار تلخ‌را یکسو گذاشته بفکر کــــار ونویسندگی خود با شم .

بلی، خیلی آرام زندگی میکردم‌وبه معنی معینی خوشبخت هم بــودم. خوب‌بهر حال.. زنم پیرشد، اطفالم بزرگ شدند وفهمیدند که چگونــه زندگی کنند. یکعده شانرا بیشتــر دوست‌دا شتم وچند تایش را کمتر البته به‌اندازه امکانات قرن تخنیك وعلم. بالاخره هیات ژوری برای یك اثر من جایزه تعیین کرد، بلی جایزه ایکه قبلا از آن نام بردم وبشماگفتم که‌بخاطر آن بمن حسادت نکنید،این جایزه زندگی مرا ازبالا تا به پا یین عوض کرد .

در لحظات اول بعداز شنیدن این خبرباید اعتراف کنم که خیلــــی خوشحا ل شدم، بخصوص‌ازتعریفات برادران نویسنده خود که‌از ایــن مو فقیت من تمجید میکردند، خیلی خوشحال بودم وبخودمی‌بالیــد م . بعدتر فهمیدم که‌این جا یزه من‌علاوه ازینکه با عث حسادت دیگران شده آنقدرهم فو ق‌العاد گی ندارد، انتظار داشتم جایزه ام رادربین پطنــوس گذاشته طی محفل باشکوهی بمــن میدهند ولی اینطور نبود، بایدخودم مرا جعه کرده جایزه ام را از شعبه محاسبه نقداً اخذ میکــردم.درشعبه محا سبه یك چهارم جایزه رابعنوان ما لیه‌وضع کردند. ومن تصمیم‌گرفتم با بقیه پو لم دعو تی تر تیب‌داده همکا را ن خودرا که‌به من بدبین‌شده حسادت میور زیدند دعوت نما یم. ولی در دعوت نزدیك ترین‌دوستانم نیامدند (بشمول کسا نیکه‌در کانکور شر کت کرده بودند) هرکدام‌بهانه‌ای آورده عذر خوا ستند درعوض‌کسانی آمدند که‌من آنهارا خوب نمی‌شناختم واینها کسانی بودند که‌در هردعوتی می آیند وبرای شان مهم نیست که دعوت دهنده چه کسی است ودعوت برای چه منظوری ترتیب شده. درین دعوت یکعده از زنان زیبا با لباس های‌شب آمده خوردند ونو شیدندو همراه‌همه واز جمله همراه خــودم رقصیدند، رویهمر فته در دعــوت کسانی بودند که بمن حسا دت‌نمی کردند . فردای آن روز وقتی‌که‌بازنم

بقیه در صفحه (۹۱)

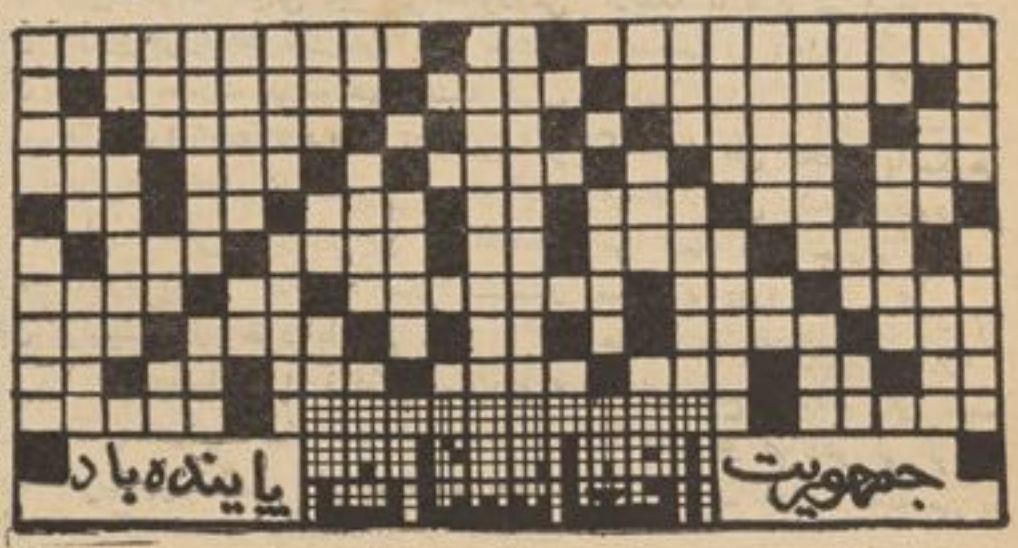
(c) ketabton.com: The Digital Library

سرگرمی مسابقه

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ ـ اعترافات ازاوست ـ حرفی ازانگلیسی ـ رئیس جمهور یکی ازپنج‌قدرت ـ۲ـ زنده‌جان ز حمت‌کش ـ درمقابل تجاوز میشود ـ مردی ـ۳ـ دروازه دهن ـ مر تبش به‌راه صاف ویکدست گفته میشود ـ دوثلث‌غنا ـ شکل خارجی ـ درصابون جستجو کنید ـ٤ـ دانه خوشبو ـ معکوسش مکان است ـ استوار ـ شبیی که گذشت ـ مرتجع معروف ـ٥ـ تکرارش معشوقه مجنون است ـ موجودی که به چشم دیده نمیشود ـ مزاح ـ از آن آب می‌آید ـ گهوار ه ازمجاورت آب پیدامیشود ـ قبول نیست ـ٦ـ تازه ونو ـ خاموش وآسوده ـ طرف ـ رنگین (معکوس) ـ خود داری ـ۷ـ ازآنطر ف لازمه نانو ایی است ـ جبر کسیکه یك‌نوع بوت معرو ف را پوشیده است ـ مادر ـ نهی ا ز نالیدن ـ۸ـ ارزش ـ فصلی ازسال ـ دوحرف ازالفبا ـ خوش آهنگ وموزون ـ اشك ریخته ـ۹ـ آهومیکند ـ اشاره‌نزدیك پشتو ـ مرکز یك‌کشور اروپا ئی ـ منسوب به هنر ـ ازاو سخاوت رابا ید انتظار دا شت ـ بند ـ باافزودن حرفی نام منطقه ا ی درافغانستان است ـ معالجه وپرستاری ـ استخوان ماهی .



طرح از ـ محمد یاسین نسیم‌زاد ه

عمودی :

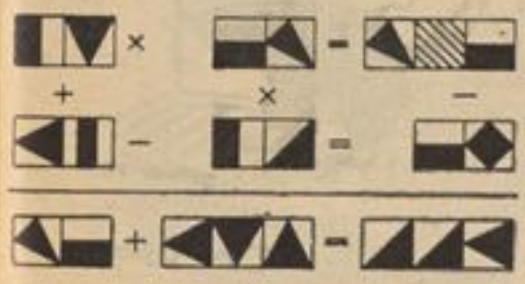
۱ـ از ابر بوجود می آید ـ بد ی‌وشر اندازی ـ۲ـ وسیله کاو ید ن زمین ـ یك ورم ـ۳ـ ضمیر چپه ـ معکوسش‌برای حمل‌ونقل موادبکار میرود ـ٤ـ عمیق پشتو ـ خوابگاه ـ این ـ٥ـ از آلات برقی موتر امادو نقطه کم دارد ـ بتهٔ است در صحرا ـ٦ـ فضای لایتناهی ـ سروپای‌سبز ۷ـ از آنطر ف همسا یگی است ـ شهری درکانادا ـ۸ـ نوای‌مغشو ش ـ از کشور های د و ست ما ـ۹ـ عددیست ـ اولین زن ـ۱۰ـ عرضش کم است ـ۱۱ـ۱۲ـ ازکشور ها ی‌جمهوری ـ۱۳ـ مرکز السلوا دور ـ ۱٤ـ ۱٥ـ روشنفکر ـ۱٦ـ مر کزیك‌کشور ارو پایی ـ از خوانند گان رادیو ـ ۱۷ـ عمیق ـ قلب ـ رو ی‌پشتو ـ۱۸ـ ظاهروآشکار ـ وزار تی است ـ۱۹ـ ازموترها ـ شراب ـ۲۰ـ لفظ ماا ین دو رادر برمی گیرد ـ کینه وبغض ـ۲۱ـ حرف او لش راعو ض‌کنید تااز حروف شرطی شود ـ اسلحهٔ مخرب ـ درستون چهاربجویید ـ۲۲ـ تکرار حرفی ـ پول فرانسه ـ ۲۳ـ اینگونه چاقو نمی‌برد ـ مرتبش ازاجزای فعال تفنگ است ـ۲٤ـ فراوان ـ درآ شپز خانه‌بجویید .

سرگرمی



قلمی بردارید واعداد ازیك تا صد رابه‌ترتیب به‌هم وصل نما یید تا تصویر جالبی بدست آید !.

اعداد ناسعلوم



هرکدام‌ازین‌مربع ها به عوض عددی به‌کار رفته‌است اگر کمی‌دقت کنید حتما اصل اعداد پیدا کرد ه می‌توانید در آنو قت پاسخ صحیح خودرا برای ما هم بنویسید !

مسالهٔ شطرنج



سفیدبازی را شروع میکندوضمن دوحرکت سیاه رامات می‌نماید کلید حل مسئله‌را که‌عبارت از او لین حرکت سفید می‌باشد برای‌ما بنویسید !

(c) ketabton.com: The Digital Library

هنر پیشه شناسی



درین کلیشه عکس یك آوازخوان‌فرانسوی ، پنج هنر پیشهٔ‌امریکایی ویك هنر پیشهٔ هندی را مشا هده‌میکنید اگر موفق به شنا ختن آنها شدید اسمای هرکدام را به آدرس‌مجلهٔ ژوندون در صفحه مسا بقات بفرستید .



باپوشید ن جو رابها ی ز یبا و شیك اسپ نشان نه تنها به‌اقتصاد ملی خود کمك میکنید بکه با عث تقویه صنایع ملی خود هم‌میشوید.



بوت پلاستیکی وطن از نگاه جنسیت ، زیبایی و دوا م بربوتهای خارجی برتری کامل دارد وبا خرید آن اقتصاد خودرا تقویت مینما یید

برای‌کسانیکه مؤفق به حل نمودن «هنر پیشه شناسی » قطعاتی از همین شماره و جدول میشوند بحکم قرعه یك سیت جراب اسپ نشان جایزه دا ده‌میشود .

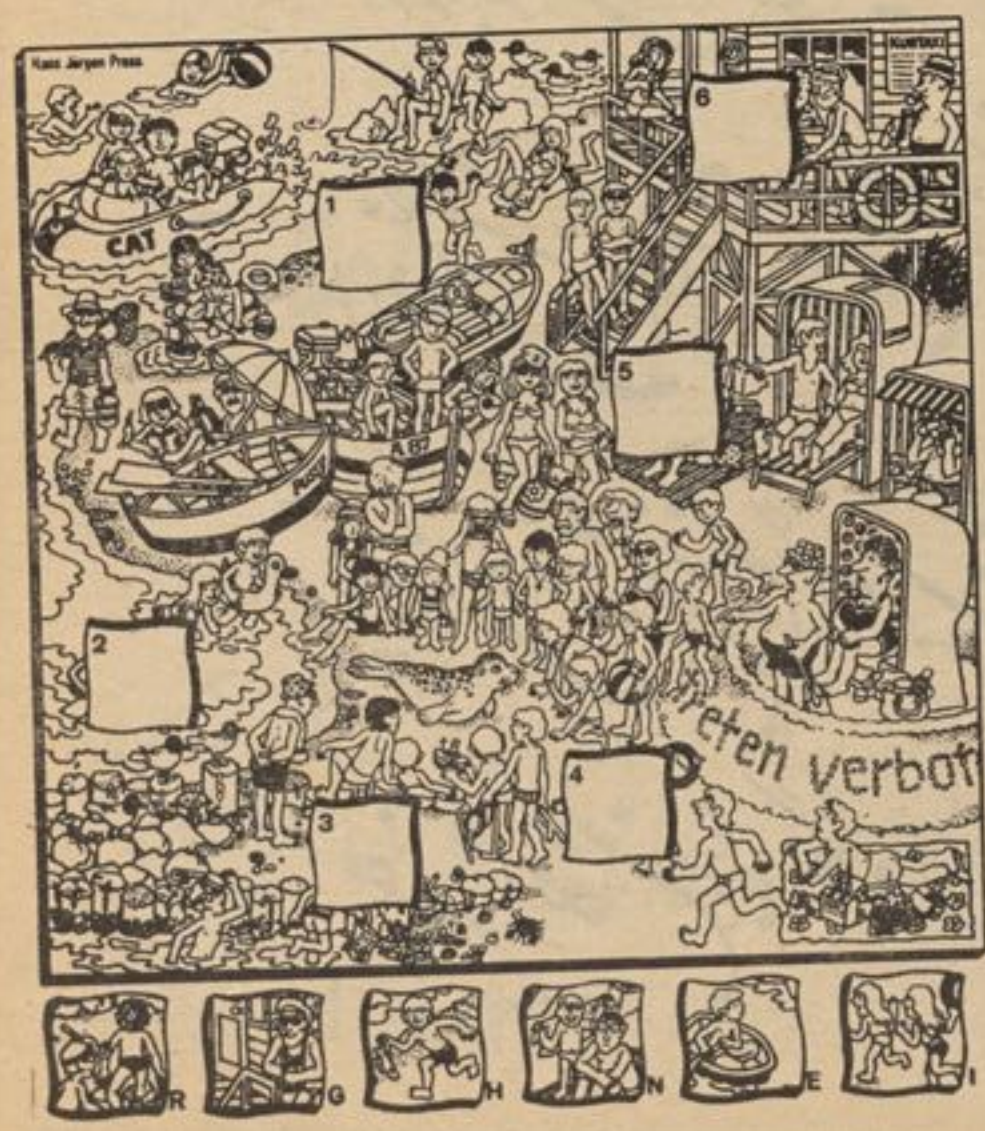
قطعاتی از همین شماره



درین کلیشه شش قسمت ازمضامین صفحات مختلف‌این شما ره بریده شده آیا میتوانید بفهمید که‌هر قسمت مربوط کدام صفحه وکدام مضمون این شماره است ؟
جواب خودرا برای مابنویسید .

آیامیتوانید؟

شش تصویر کوچکی راکه درزیرمشاهده میکنید از قسمت های مختلف این تصویر جدا شده‌استآیا می توانید جای اصلی هر کدا م از آنهارا پیدا کنید ؟



عرض تبریک

تمام کارکنان شرکت سیهای مرادویه خاور مناسبت پنجاه و پنجمین

جشن استرداد استقلال وطن عزیز که مصادف به تاسیس جمهوریت افغانستان

است صمیمی ترین تبریکات خویش را بحضور رعیم ملی فرزند باشهامت

کشور بابا علی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم جمهوریت افغانستان

جوانمرد و شهامت و قهرمانان افغانستان و کافه ملت نجیب افغان تقدیم میدارد

و پیروزی درخشان رژیم جمهوریت افغانستان عزیز را همراه با سعادت ملت

غیور افغان از بارگاه ایزد متعال نیازمند است .

(۲۲) ۱/۱

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض تبریک

تصفیه انحصارات و کارکنان

آن پنجاه و پنجمین سالگرد استقلال وطن عزیز

را بحضور رئیس دولت و مؤسس جمهوریت افغانستان

وکافهٔ ملت عزیز و تماماً منسوبین اردوی غیور افغانستان تبریک میگویند

۱/۱ (۳)

(c) kelkbton.com: The Digital Library

بقیه صفحه ۷۰

جریان مسافرت . . .

نیز نمودند وآن بر گذاری جشن خداحافظی «چتر نوف «مرد مشهور فوتبال شوروی که بعد از «یاشین» بزرگترین گول فوتبا ل شوروی بوده است .در اول «کلو دوالدو » از جانب ملت برازیل هدیهٔ نفیس به «چتر نوف «تقدیم کرد که این مورد تمجید تما شاگران قرار گرفت وبعد سر یـفر ی المانی آغازمسابقه‌را اعلام کرد ودراول‌شوروی بسوی گول برازیل حمله ورشد وهم تیم برازیل با این حملات شوروی اندکی سر سام شده بودند ولی آهسته آهسته تیم برازیل روحیه خود را عوض کرده ونو بت دفاع را به شوروی سپرد نخست «بلوکین» قریب بود توپ را داخل گول برازیل کند ولی چانس راز دست داد وبعد ازآن برازیل به یك سلسله پاسهای بسیار دقیق دست زد وتوپ رادر چهار گوشه میدان به حرکت آورد درین وقت دفاع رابکلی تیم شوروی بخود اختصاص داده بود ویازی تاتقر یح‌به همین شکل ادامه داشت در نیم دوم بازی شوروی باز هم به حملات شروع کرد ولی دورش کم بود تا آنکه «جرز یشور «دست به‌یك شهکار زد که سه سال قبل دربسوابر چکو سلوا کیا نیز آنرا استعمال نموده بود تو پرا در میانهٔ میدان تصاحب نمـوده و چنان حمله برد کـه دفـاع تیم شوروی در مقابلش خودرا ضعیف یـافته و سراسیمه گردید وباچنان شوت توپرا داخل گول‌نمود که گول‌کیپر قدرت‌جلو گیری آنرا نداشت گرچه سه مر تبه‌تیم شوروی نیزتانزد یك گول برازیل خود را رسانید ولی با شتارت گول کیپر برازیل تما م‌حملات آن ها بـی نتیجه ماند ودر نتیجه مسابقه به نفع تیم برازیل خاتمه یافت .

بقیه صفحه ۷۰

چراسپورت‌های . . .

شایدو باید انکشاف میکردنکرده است‌زیرا همین یك‌تعداد سپورتهای که‌موجود است آنقدر پیشرفت نکرده‌که در بازی های بین‌المللی مانند سائر کشورها حصه‌بگیرند.

آرزوی ما از مقامات صلاحیت دار سپـور ت کشور این است‌تاهم سپورتهای بین‌المللی را انکشاف داده وبرای رشدآن توجه‌بیشتر کنند و هم نظری به سپورتهای اصیل‌کشور انداخته و نگاهدارند که‌به کلی از بین برود درزمره دیگر سپورتها در مسابقات حصـه داده وباین صورت ورزشی در کشور عـزیز مایه اوج خود رسیده وتعدادبیشتر ازمردم کشور ازآن استفاده کنند.

(ب،اورمر)

بقیه صفحه ۷۰

تیم المان درحالتی

هاپنکس ،کریموسی، کولمون، وملوهه،که از چهره های درخشان تیم‌ملی المان‌اند رفته اند وآرزی جذب آنها را دارند که اگرنیمی ازین حدسیات بـه حقیقت بپیوندد تیم آلـمان از هم خواهد پاشید .

یکی از عللی‌که تا اندازه ملموت شون را امیدوار میسازد بازی بعضی ازچهره‌های جدید در تیم ملی المان است چنانچه (برنارد کولمان) بازیکن ۲۳ساله چنان درخشیدکه هرکس تصور میکرد جای(شوارتس بك) را گرفته (هینس فلوهه)آف بیك۲۵ ساله که بهترین بازیکن در مسابقات اخیرمعرفی شده است .

یکی‌از علل واضح شکست‌المان البته‌قدرت خارق‌العاده ودفاع شکست ناپذیر تیم‌برازیل بود که‌به هیچ‌وجه تیم المان نتوانست‌درآن نفوذ کند وخطدفاعی آنها رابشکند امروزکه تقریباً یکسال به‌مسابقات جام جهانی هنوز باقیست ملموت شون مربی تیم ملی المان با مشکلات بزرگ رو بـر و ست مثلا درخط دفاع دو مدافع بزرگ کهالمان را به قهر مانی اروپا رهبری کردند ، یعنی بکن بادو» و «شوراتس یك» دیگر صاحب آن قدرت وعظمت گذشته نیستند وامروز المان ها معتقداند که«بکن باور» بکلی خوب بازی نمیکند وهم «مولشن کلاد بـاخ » «فوکشس «ودهو تکز «بیك های مشهـو ر گذشته نیزباآن قدرت سابق بازی نمیکنند.

در خط وسطی تنها «ویولی هانس «باقی مانده که آنهم به‌تنهائی درمقابل ضبر با ت حریف عاجز خواهد ماند ولی در خط حمله المان با آن قدرتی است که بود یعنـی «هنگس» «دولر «وکرموس» که تا هنـو ز با همان قدرت سابقه بازیمیکند .

ملموت شون تصور میکند که با داشتن خط قوی حمله میتواند به تیم خود جان‌دهد ممکن است که با این دفاع ضعیف باز هم کاری را از پیش برد گرچه بیك چپ تیم المان خیلی قوی‌بوده‌واز حمله راست‌حریف تا اندازه در امان خواهد بود ولی بـه آینده آن نمیتوان خوشبین بود باین صورت اگر تیم المان خلاهای کنونی خود راپر نکند درجام جهانی اصلا حائز درجه نخواهد شد باآنهم ملموت شون همیشه میگوید .«من تا امید نیستم میکوشم تا المان را در سا ل آینده چنانکه جهان میشنا سد ومردم المان آرزو دارند روانهٔ میدان سازم .

بقیه صفحه ۷۱

الم‌پیک

و ر ز ش یـا صنا ئی بـز کشی ویهلوانی بشکل حقیقی ووا قعـی مو رد تشویق قرار نگرفته ـبلکه شکل تجار تی را بخود گرفته واجارهٔ ایـن مسابقات بـه پولهای هنگفتی داو طلبی میشدو هیچ منبع وجود نداشت که به حساب این عائـدا ت رسیدگی کند .

ورزش در ولایات کشور به حا لت‌بسیار ابتدائی باقی مانده وورزش فعلی کشـور که آخرین نفس های خودرا می کشد تاـه حا ل بدست و همت خود مردم زنده نگهدا شـته شده نه بواسطهٔ الم‌پیك و مسوو لین امور متاسفانه از کمکهای ممالك‌دوست به نحوی شایسته ومعقول درین مورد استفاده نشد ه وتریزرهای خارجی یکی بعد دیگربا خا طره های تأثر آور از الم‌پیك ماکشور را تر ك کرده‌اند واکنواء دعوتنامه‌های ما لك‌دوست جهت اعزام تیمهای سپور تی کشور به‌خارج بدون مو جب جواب رد داده شدم .دروازهٔ تنها استدیوم شهر کابل که بزر گتر یـن منبع عایداتی بشمار میرود مخصـو صـی بروز های جشن ومسابقاتی که‌بمفاد شخصی گردانندگان چر خهای ورزشی ومسوو لین آن باز بوده ودر غیر آن همیشه بروی مردم وجوانان مسدودبوده واشخاص ذیصلاح‌ریاست الم‌پیك در مصاحبه هایکه با جراید ورادیو به اثر تقاضای مردم نموده انداز مسوولیت های حقیقی خودشانه خالی کر ده وو ظیفه الم‌پیك رانتنها وارسی از فعا لیت هـا ی ورزشی کشور قلمداد کرده اند. حا لا نکه الم‌پیك مرکز تمام فعا لیت هـای ور زشی کشور بوده وتعمیم وتوسعه‌بخشیدن ورزشی در سراسر کشور تشکیل تیم ها ی ملی تشویق ورزشکاران واحیای مجدد ورزشـی های باستانی ومحلی کشور ما بشکل حقیقی وظایف مهم واساسی آنرا تشکیل میدهد .

جای تعجب نیست که‌کاغذ پران باز ی ومرغ جنگی شامل بازی هـای الم‌پیك شده وبه قهرمانان آن‌کپ اهدا میگردید و لـی فعالیت هـای اتـلتیـك حـرف و سپـورت هاکی با همان شهرت بین المللی که‌در ین رشته دا شتیم از خاطره ها فرا مو شـی گردید ه است .شناوران از فقدان حو ض های آببازی و نبودن مبا بقات در دریا ی کابل به مسابقه وشناوری مبپر دا زندزیرا چند حوض آببازی کـابل مـال همه نبوده مخصو ص یك طبقه قرار دا شت .

معارف :

کمیته های ورزشی وزارت معـار ف و پوهنتون کابل هر یك جداگانه سپور ت را در جمله فعالیت های ماورای تدریس شامل نموده وباتشکیل تیم های ورزیده گا مها ی موثر بسوی معر فی انکشاف سپورت د ر ساحه های معارف وپوهنتون بردا شته ودر رایج ساختن ورزش در طبقهٔ نسوان پیشقدم

بقیه صفحه ۷۱

الم‌پیک

گردیده اند. کلب های آزاد سپورتی شهر کابل که تعداد شان محدودمیباشد به‌سرمایه وهمت خودجوانان ودو ستداران ور زشـی بدون کو چکترین کمك ورهنما ئی مو لـر الم‌پیك ودیگر مقا مات ورزشی بمیان آمده‌و نسبت نداشتن وسایل بازی وو سا یـل کافی بامشکلات دست وپنجه نرم میکنندوتا حال به‌وحدت و اتحاد خود پایدار مانـد ه اند اما متا سفانه الم‌پیك که شکل مرکزیت رادرین مورد داردنه تنها ارتباط خود را به صورت واقعی ازورزشکاران‌معمار فـپوهنتون وکلب های آزاد شهرکابل قطع نموده بلکه همیشه کوشیده اندتا بصورت مستقیم یاغیر مستقیم سد راه فعالیت های آنها شود.

ماورزشکاران بادرك مشکلات فوق دست خالی ننشستیم بلکه چندین مراتبه به‌عملیات دسته جمعی از قبیل مظاهرات واعتصا با ت برضد دشمنان نهضت های جوان والم‌پیك فرسوده خود نمودیم اما قبل از اجـرا ی عملیات مـا بـرا سطه دسایسی مختلف کـه وحدت جوانان از هم پاشیده شده ودشمنان مابه‌این شکل استفاده نمودند اگر به آراء ورزشدو ستان و ورزشکاران مرا جعه شود باطمینان کاملی اکثریت مطلق به‌ما طـل بودن وتاکا می ریاست الم‌پیك در راه پیوود وتوسعه ورزش در کشور گواهی خوا هند دادو مسوو لین این دستگاه رابصـو ر ت انگشت نما معر فی خـو ا هنـد کرد تاریخ به‌اثبات رسانیده که افغانها در همه اعـصور استعـداد های کافی دارند که درموجودیت آن در ساحهٔ ورزش انکار کرده نمیتوانیم به اثر اندك توجه دلسوزی ممکن بود امروز ورزشکاران مابا قهرمانان بیـن المللی دست وپنجه نرم کرده ومـدالها ی افتخارو پیروزی رامردم ما در گردن آ نها می‌دیدند ومی‌بالیدند .

اکنون که رژیم جدید در کشور مستقر شده وهمه ما آنرا به‌دل وجان پذیرفته ایم‌و آماده هر گونه فداکاری در راه تحقق یافتن آرزوی های دیرینه مردم افغانستان تحت قیادت بانی ومو سس رژیم جمهو ریت و حامی نهضت های جوان وروشنفکرا ن‌کشور هستم تو قوع داریم که رژیم و حکومـت جدید در پهلوی سائر امور در موردورزش توجه خاص مبذول داشته باطرح پلان ها ی اساسی و انتخاب‌اشخاص‌بادرد ووطن‌پرست، درراس امـور مـربوط به‌ور زش چرخهای لایت ورزشی مارابه حر کـت در آورد ه صفحهٔ جـدیدی در تاریـخ ورزش کـشور بگشایند .

مـا و ر زشـکـا ران معـتقدیـم که‌رژیم جدید خواستار عمل ـدامتی ـپاکی ووحدت است روی ایـن منظور ما حـاضر به‌هرگونه خدمت و فداکاری در همه امو ر مخصوصا درساحهٔ ورزش کشور هستم .به امید پیروزی در راه ایجادیك دستگاه‌ورزش سالم . وهو فقیت نظام متر قی افغا نستا ن

درددل‌ورزشکار

بین خط اندازی میدان هاتهیه سامان ولوازم ورزش وتشویق ورزشکاران از وظایف این ریاست است .

ولی تا حال کدام اقدام جدی ریا سـت مذکور را درین زمینه ندید ه‌ایم .وهمیشه ازبی عدالتی ریفری ها رنج برده‌ایم .

آنها متذکر شدند که اگر ریاست مذکور اعمار جمناز یومی را در صورت امکانا ت مالی اجازه دهد توقع کرده وهم ترویج‌سایر سپورت ها مثل آببازی وغیره‌را هم‌خواسته وداثر نمودن توزنمنت ها رابه اسرع وقـت در بین ورزشکاران مرکزوولایات وهم‌مساعد ساختن زمینه ـ استفاده از تور های خارجی را به دختران آرزو نمودند .

در اخیر نظر عمدهٔ دختران این بود تـا ذهنیت عامه درمورد ورزش نسوان مساعد شود زیرا یکعده مردم‌عقیده دارندکه ورزش برای دختران نیست ونباید آنها سرو کاری بورزش داشته باشند .که درین قسمت باز هم رول مطبو عات را موثر دانسته وآرزوی توجهٔ بیشتر مطبوعات را به ورزش نمودند.

مجلهٔ زونـدون آرزو دارد تـاازین طـریق خدمتی به اهل‌ورزش کشور نموده وخواسته های آنها را منعکس ومقا مات‌مربوطـه را متوجه نماید تاباشد در پر تو نظام جدید ورزش کشور نیزسیر ارتقائی خودرا پیموه همانطور یکه آرزوی همه است ورزشکارا ن ما در صدر قهرما نان جهان قرار گیرند . البته بدین شرط که مقامات مسؤول ورزش از یك گوش شنیده واز گوش دیگر آنرابه باد فراموشی نسپارند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

قلب صنایع آلمان . .

برای آلمان این ارقام خبر های بدی همراه دارد .

به‌همین سبب در د هه شصت زمانیکه کا هش در تو لید بمیا ن آمده وکمبود انرژی احسا س شد. حکومت بن تصمیم گرفت تا صنایع ذغال را «جیره بندی»نما ید .

برای پسر رساندن این هدف بن اتحادیه بزرگ رو هار فول جی را بوجود آورد تاتولید ذغال سنگ را زیرنظم در آورد، در سال ۱۹۶۹ بعداز فرض ها ناکام تکنو کرا ت های روهر طرح های بمیان آوردند ولی در نتیجه عدم مو فقیت آنا ز جملهٔ ۸٤ معدن ذغال ۵۰ آ ن بسته شدونیروی کاراز رو هر فرار کرد.

مستمری برای معدنچیان –

هیچ طرحی نمی توا نست جامه عمل بپوشد مگر اینکه کمک ها ی عظیمی مانند جا معه اقتصا د ی اروپا برای کارگران صورت نگیرد. برای تشجیع بیشتر تقا ضا ی داوطلبا نه پیشنهاد شد تا به کارگران بعد ازسن پنجاه ۹۰فیصد معاش شان‌را پول تقاعد بدهند. هم چنان به‌آنان اجازه داده شد تاکلیه های محقر شان راتابه آ خر عمرمی تو انند حفظ کنند. درحا لت تا هل این امتیاز بیشتر میگردد .

ولی باو جود اینهم تلاشس ها و طرح های گو نا گون رو هار موفق نشد تا سطح تو لید را بالا ببرد. اززمانیکه کاسنرسیوم جدید بوجود آمد . دوران اقتصادی المان بکندی چرخیده، توده‌های‌ذغال نافروش باقی ماند. وامروز چیزی برای این کنسرسیوم باقی‌مانده یك کسر زیاد است . باوجودیکه این کنسر سیوم سال ۷۵فیصد کمکهای پولی از دولت دریافت نموده ورقم ۳۵۹ ملیون را بدست می‌آورد.کسر آن به رقم ۲۰۳ میلیون مارك میرسد که این رقم نسبت به سال ۱۹۷۱ افزایش رقم ۱۳۹ ملیون را نشا ن میدهد .

طوریکه اتاق تجارت المان بیان داشته است این کنسر سوم‌بمشابه «گورستان پول های مالیه دهنده المان است .»

درد سر های روهارگول بسیار زیاد بوده وحتی فکر میشود که دوام این وضع خود ایالت‌روهررابه گورستان صنایع فولاد نیز تبدیل کند . بنابر ادعای سرمایه داران المانی کاهش ارزش دالر ضربه‌های سنگینی بر صنایع فولاد وذغال آن کشور وارد ساخته و قیمت تمام شد را بالا برده است . به این‌ترتیب روز بروز قیم بلند ذغال سنگ در داخل، زمینه را برای تورید ذغال سنگ از بیرون آماده می سازد . واردات بخصوص از کشور های بازار مشترك وضع‌بدی را برای‌المان بمیان آورده است .

بسیاری از تشبثات فولاد درالمان اکنون بطرف تورید ذغال ارزان از بیرون روی آورده است .

هم چنان غول های دیگر فولاد در المان ساحه فعالیت های شان رااز وادی روهر بیرون برده اند.

ارزش به مشابه طلا :

بسیاری اقتصاد دانان المان‌عقیده دارند که در شرایط بحران کنو نی گشایش دوباره معادن ذغال به سود المان بوده و راه را برای رشدصنایع فولاد آماده می سازد .

برای المان به صرفه خواهد بود تا روشی را روی دست بگیرد که۱۰ میلیون نفر که نیروی عمده کار را می‌سازد از روهر فرار نکند . زیرا همین اکنون رشد بحران کاهشی‌را در این زمینه بوجود آورده است . به خصوص روش محتاطانه را باید در مورد کار آن خارجی بخصوص ترك ها مد نظر گرفته شود. زیرا نیروی‌کار یادشده نقش قابل‌ملاحظه در گرداندن چرخ اقتصاد صنعتی المان دارد . اکنون کار گران خارجی به وضع بدی‌زندگی می‌کنندکوی‌های فقیرانه کارگری چنان تا منظم رشد نموده که بنا بر پیش گویی‌یك‌کارگر روهر تبدیل به «مردمان خسته‌مزد بیگران – انجنیران وکار گران ناراضی «خواهد شد .

نه زیاد نه کم :

در حقیقت ، روز بروز ساکنین روهر که بخش زیاد آنان در بازار گرم صنایع مصروف اند ازضرورت نیرو های کار بیشتر می‌شوند .

صنعت ذغال ، در حقیقت سعی می‌نماید تا حکومت بن را برای‌گرفتن امداد های بیشتر زیر فشار قرار میدهد تا شاخص تولید سالانه آن‌از ۸۰ میلیون در سال پاینتر نیاید .

این سوال بزودی مورد بحث‌قرار خواهد گرفت. در تابستان جاری ویلی برانت سعی دارد تا« اوراق سفید» در مورد مواد سوخت به بوند ستاگ تقدیم نماید . در اوراق یاد شده برای حفظ ونگهداری صنایع ذغال وفولاد طرح های درنظر گرفته شده است .

عدهٔ آرزو مند اند که در طی‌همین جریان حکومت بن برای آینده طرح کاملی خواهد ریخت . ولی به آنهم اکثریت مردم در المان عقیده دارند که تمام تلاش های دولت هیچ گونه اثر درست از خو د بجا نگذاشته جلوکاهش تولید ذغال و فولاد را نخواهد گرفت .

صفحه ۸۹

بقیه ازصفحه «۲۵»

ظاهر هویدا

برای اینکه آدم یك خواننده خو ب شو د کافی نیست که‌فقط صدای‌خوبی‌داشته باشد اوباید موازین مو سیقی را بفهمد ، دانش مو سیقی رابیا موزد ادبیات بدا ند شعر بداند ، درمورد هنر ها ی دیگراطلاعات کافی بهم رساند چون همبستگی هنر ها مستلزم چنین امر یست از همه گذ شته اونباید متعصب باشد ، متعصب براینکه این موسیقی هنری است خو شم نمی آید ،آ ن دیگری پاپ‌است وجازومن علاقه ندارم، در حالیکه مو سیقی زبان زمان است زما نی که‌درآن می زیبیم .یك مو ضوع دیگو د ر مورد صدای من می ماند وآن اینست که‌من مشکل تلفظ دارم . بعضی حروف را نمیتوانم بدرستی اداکنم می پرسم :

–بنظر تو گروپ های جدید ا لتشکیل چگونه اند .

هویدا میگو ید :

–متاسفانه گروپ های جدید ،کار جدیدی نکردند تکرار وتقلید دو عنصری بودند که همه‌گروپ ها آنرا جزء اساسی کار خود ساختند ، تقلید چنان در این میان شدت پیدا میکند که‌به کاپی کردن تبدیل میگردد کاپی کردن آهنگهای گونه گون.

آهنگهای جازوپاپ مد روز میشود و همه جااز حنجرهٔ این گروپ ها مو سیقی پا پ بیرون میر یزد .

میان حرفش میدهم:

–این که کار بدی نیست ،موزیك پا پ موزیك نسل جوان است ،این موزیك با ید تعمیم پذیر دوتعمیم می‌پذیرد آ نگونه که مو سیقی بیتل‌ها هم راهی امریکا شدو هم در مشرق زمین جاباز کرد .

هو یدا میگوید :

–موسیقی‌پاپ ودر نهایت‌موسیقی آوانگارد مولود شرایط مشخصی است .همانگو نه که‌نقاشی آبستر کت موجودهمان شرا یط است. ازاینرو موزیك پاپ برای غربیا نی که ماشین برزندگی شان حکو مت می‌کند یك‌مساله طبیعی است .ولی برای مامسالهٔ طبیعی‌نیست پس‌گروپ های مابابد در کار شان تجدید نظرکنند و تضاد های مو زیك غربرا بار دیگر بردمن نگذارند .

به‌هو یدامیگو یم:

موسیقی خرابات ازنظر تو چقدر به موسیقی کشور ما خدمت کرد ؟

هویدا بایی میلی جواب میدهد :

خدمت مهمی نکردند ،آنها فقط میخواستند پول بدست بیاورند ومو سیقی وسیله یی برای امرار معاش شده‌بود ازآنگذشته موسیقی اندکی بدنام گردید .

من‌به‌هویدامیگویم:

مو سیقی را آنها بدنام نکردند ، بلکه بدنام بود ولی آنها باآنهم باعشقی که به موسیقی داشتند از آن دست بر ندا شتند و مو سیقی درمیان آنها ماند،مو سیقی عوام باتمام خصایص عوام گرایانه‌اش وخراباتی هادر این امرگناهی نداشتند .

هویدا میگوید :

–بهرحال آنها را ملزم نمیسازم ، منتهی فکرمیکنم مو سیقی خرابات بیشتر یك‌حرفه بود برای امرار معاشس تایك تلاشس بخاطر ارتقای هنر مو سیقی .

من فکر میکنم ا گرمو سیقی خرابا ت‌د ر محدودهٔ ذوق گرایی خا لص گیر ماند و لی موسیقی خوامی هم اسیر تجمل پرستی‌شد.

خواننده ما نخواست که خوا ست جامعه‌را پیش از پیش بسگرید و فراورده ها یش رایاآن خواست عیار سازد ،بلکه غرب زدگی کرد، دنبال ظواهر امر راگرفت ولی بجای کافه‌های درجه دوودرجه یك درکانتی نتنال کنسرت داد ، من‌مخالف این امرم وچند باری که‌از من دعوت شد درکانتی نتنل کنسرت دهم قبول نکردم.

هویدا کاغذ ها پیش رابر میدارد ، پس میخزد تابرای ثبت پروگرامش از استودیو هاوقت بگیرد رویش بسوی من‌بر میگرداند تا خدا حافظی کند ولی من باز هم می پرسم :

ازپرو گرامت چیزی نگفتی ؟

–پروگرام من چیز کاملاً تازه‌یی نیست، بلکه اینگو نه شو های رادیو یی در کشور های دیگر فراوان است .

میگویم:

–درست است که در کشور ها ی‌د یگر فراوان است ولی اینجا چیز تقریباً تازه یی است ومردم آنرا می شنو ند وخو شش‌ا ن می‌آید.

طاهر هویدا مهر بانانه می خندد ومیرود ونمیدانم چرا ناگهان آهنگ معروف‌اوبخاطرم می‌آید و باخود زمزمه میکنم .

کمر باریك من
بیا نزدیك من
شمام تاریك من
صلح وصفا کن

وبی مهابا ازخود می پرسم ، دیگر شمام تاریك من صلح وصفا کن چه معنی دارد؟ او رفته است وحالا پرسشس من بی جواب می ماند .

بقیه صفحه ٤١

خود کشی یک مشکل جهان

شدن ویاکم شدن این حاد ته وابسته به‌وضع داخلی‌یك کشوراست. بسیار دیده شده که رقم خود کشی‌درمواقع بحرانی وپس از روزهای جنگ بلند رفته است‌ولی این حوادث به‌اندازه پیچیده وبغرنج است‌که ، بمشکل‌می توا ن بر رسی کامل از آن در این گفتار کوتاه کرد .

از طرف دیگر احصا ئیه‌هاوار قام نشا ن می دهد که در این قرن‌مقدار خود کشی کنند گان مرد نسبت به‌زن خیلی زیاد تر است . همچنان طی سا لهای اخیر تمایل بیشتر به خود کشی دربین گروه های جوا ن دیده میشود. بااینکه جریان خود کشی دربین سا لمندان هنوز و جوددا رد. بد بختانه ار قامی را که مو سسه صحت جهانی گرد آورده ازآنجاییکه از منابع خود کشورها ناشی شده مورد سوء ظن وبد گمانی قراردارند.

روشها:

ارقام رسمی همچنان معلوما تی‌در مورد شیوه‌های خود کشی بدست می دهد. این ارقام نشان‌میدهد که روشهای معین خود کشی رواج می‌یابد. به صورت مثال گاز سوخت یکی از متداول‌ترین وسیله‌خودکشی شده است .همچنان خوردن زهرهای گونا گو ن وبخصوص بکار بردن مقادیر زیاد دواهای مخدره وسایلی است که‌ازطرف مردم برای خودکشی بکار میرود. ولی‌انتخاب وسیله، کاملا وابسته‌به حا لت روانی خود کشنده است. وسایل شدید و گرم مانند سلاحهای آتشین، خیز زدن ازتعمیر های چند منز له تا اندازه به گروه های مردمتعلق است.

اقدام به خود کشی:

اگر نادرست است که تکیه‌بیشتر روی معلومات احصا ئیه‌مربوط به‌خود کشی کنیم. این هم مشکل است‌که معلومات‌دقیق درسا حه یك کشور معین درمورد اشخاصیکه اقدام‌بخود کشی کنیم،این هم مشکل است که معلومات دقیق درسا حه یك کشور معین درمورد اشخا صیکه اقدام‌بخود کشی می کنند بدست آورد .

ار قام مختلف نشان میدهد که ازهرده‌نفر یك نفر اقدام به خودکشی می‌کنند . بیشتر زیاد این اقدامات‌با بکاربردن مقادیر بیشتر دوا صو رت می گیرد .

شتنگل درسال ١٩٦٤ سعی نمود که‌خطروشنی بین پدیده خود کشی واقدام به‌خودکشی بکشد. بعدازبررسی دقیق معلوم شد که اکثریت حوادث اقدام بخود کشی دربین گروه ها دارای سن کم بخصوص زنان، دیده می شود . به عبا رت دیگر، حر کت اقدام به خودکشی‌را می‌توان«فریادی برای کمك» ویا جلب نظر دیگران خواند . شتنگل تا کید زیاد رو ی ضرورت مطا لعه دقیق حر کا ت خود کشی نموده و می گوید که بیشتراین حوادث ناشی از عدم ارضای روابط وپیوند های اجتماعی بوده فردخودرا دریك خلا نا باوری می یابد و سپس برای رهایی از آن اقدام بخودکشی می کند .

بررسی های زیاد نشان میدهدکه مردم بااقدام‌بخود کشی فشارروانی خود را نشا ن داده و برای گریزاز زیر فشار سنگین، دست بخودکشی می زنند .

همچنان معلوم گردیده که بمیا ن آمدن بعضی امراض‌مسری وخطرناك نیز بر حوادث خود کشی می افزاید. در پهلوی کوششهای‌گرانقدرتاریخی عناصر چون تجرد اجتما عی،مریضی های جسمی مو ضو عی ،ناراضی روانی، اعتیاد به الکول واعتیاد به مواد مخدره علت‌های خود کشی می گردد. اعتیاد به مواد مخدره هم یك شکل پنهان‌خودکشی است زیرا معتاد به آگاهی آن را بکار می بردو هرروز رشته زندگی اش‌را کوتاهتر می سازد.

جلو گیری ازخود کشی:

حالا که‌تا اندازه ریشه‌های ا ین حادثه نا سالم اجتماعی درك شده ضرورت بیشتر برای جلو گیری‌از آن‌احساس می شود. اکنون روشن شده است که حوادث خود کشی‌علت بیرون اجتماعی نداشته می توان‌با بکار گرفتن روش معقول تا اندازه‌از بمیان آمدن‌آن جلو گیری کرد هرگاه یك شخص زیرمرا قبت د قیق قرار گرفته وشخص وارد در ژر فنای نا را حتی‌های روانی یا اجتما عی شخص فرو رود، می توان تا ارقام حوادث خود کشی را کمترساخت.

مر کز جلو گیری ازخود کشی در لوس انجلس از قامی را انتشارداده وطی آن بیان داشته که خود کشی رانمی توا ن فقط با درست کردن‌چند مرکز باوسایل وآلات‌طبی‌ازبین‌برد.

برای این‌کار باید یك تلاش‌همکانی صورت گرفته ودر قدم اول جامعه ودرراس‌آن اداره کنندگان‌همان‌جامعه مسئو لیت سنگین جلو گیری از خود کشی‌را بدوش‌دارند.

جلوگیری‌از خودکشی بحیث یك جنبش اجتما عی ، بخشی از تلا ش های کنونی دربسیاری‌جوامع انسانی است که‌سعی می ورزند تا شرا یط بسیار آرام وسرور بخش برای‌افراد مهیادارند.

صفحه ٩٠

بقیه صفحه ٦٢

لوبزه‌بیسوادی‌اوناپاکه‌هوابشری

کښی ٧ر٠ ته چه ملکری ملتو نه پاکلی دی، ورسوی، دملو وړنه‌ده.

شتمن هیواد و نه ښایی خپلی مرستی دغی اندازی ته ونه رسو ی او دتجارتی توپیر لرو نکو موا نعو په لیری کولو او ددواړو شتمنو او غیر شتمنو هیوادو دپاره د یوی عادلانه او گټوری لاری په‌خلاصو لو کښی تعلل و کړی، مگر شتمن هیوادو نه دبیو زلو هیواد و سره د زیاتو معاملاتو او ددوی سره دزیاتو مرستو دلار وله خلاصو لو خخه‌ډډه وکړی، دژوندانه د محیط د ساتلو سره ددوی دعلاقی سره به ارتباط ونلری بلکه علت به یی دخانګړوګټو دساتلو دپاره ددغو هیوادو دا خلی عکس العملونه وی. اوس څه پایـد وکړ چه دمخ په انکشافو هیـوادو سره دمرستی دپاره ز مونږ دنظر او دژوندانه دمحیط دساتلو او ښه کولو دمسؤولیت تر منځ هم آ هنګی پیدا شی ؟

زماپه عقیده څلور ضروری‌اصلونه شته‌چه‌یابد سرته و رسیږی :

١ـ باید داخبره و منو چه د مخ په انکشافو هیواد ودپاره اقتصا دی وده دی ته اړتیا لری تر څـو دغه هیوادو نه کولای شی خپـل انسانی مسایل پخپله حل کړی.

٢ـ باید په دغه حقیقت اعتراف وکړو چه که‌دغه هیوادو نه خپله‌وده اوپراختیا د پروګرام له مخی‌په سمه توګه سرته‌و رسوی ـ دژوندانه‌محیط ته په کوم زیان ونه رسوی .

٣ـدمخ په انکشافو هیوادو سره دی مر سته و شی چه دخپلواقتصادی زیاتو پر مختګو نو په خنګ کښی دخپل‌ژوند محیط پاك و ساتی..

٤ـ هغه خارجی مرستی چه ددغو هیوادو داقتصادی بر مختګ دپاره لازمی دی تامینه شی. ددغه مقصد دپاره دپرمخ تللو هیوادو مر سته په سلو کښی ٧ر. ته چه د ملګرو ملتو دمو سسی له خوا تاکل شوی دی ورسیږی او غیر عادلانه تجارتی بندیزونه چه لـه بیوزلـو هیـوادو خخه دصادراتو مانع دی له منځـه یوړل شی .

په پای کښی باید ټینګار وکړم‌چه هدف باید بشرته احترام او دیوه وپروونکی خطرخخه دبشر خلاصون وی. داسی خطر چه نه یوازی د هغه دبدن سلامتیا بلکه روح ته یی هـم زیان رسوی او هغه فقر دی، برحمه فقر او دتداوی‌وړ فقر. ز مونږوظیفه دانه ده چه د خپلی خوښی سره‌سم دژوندانه داسی محیط منځ ته راوړو چه بیوزلی ملك‌پکښی او سیږی‌بلکه زمونږ وظیفه‌داده چه دسر لوړوخلکو دپاره دژوندانه وړ محیط مـنځ ته راو ړو .



پیوری تاب دفع کننده میکروب های مضره آب

اگر می خواهید آبهای نو شیدنی شما کاملا اطمینان بخش با شد.

وبه امراضی از قبیل کولـرا، محرقه، پـیچش و دیگـر امراض مکروبی دچار نشوید از تا بلیـت‌های ساخت انگلستان که شهـرت جهانی دارد استفاده کنید .

مراجع فروش :ـطور عمده‌نمایندگی همدرد محمد جان خان واټ

وپرچون :ـ تمام ادویه فروشی‌ها

ژوندون

(c) ketabton.com: The Digital Library

بقیه صفحه ۸۲

زن برای خانه یا خانه برای زن؟

ـ نخیر ندا رم ...
بابر افروختگی پرسید:
ـ چرازن ندا ری ؟
این حرف به رگ غیرتم برخورده باخشم‌زیاد گفتم :
ـ بشما چه‌مربوط است که زن‌دارم یانداریم.
مدیر دوباره باهمان لحن بـــی پروا گفت :
ـ آغاجان.. ما بیك آدم بی زن‌وبی فامیل چطورخانه بدهیم .
ـخانه **بدهید تاآن مردبی زن وبی** فامیل فامیل دار شود .
ـ نخیر .. ما معتقدیم که‌یك آد م فامیل دار صا حب خانه شود ..
ـ چه‌مانعی دارد اگر بمن خانـه بدهید تامن‌هم فامیل دار شوم...اول شما بمن خانه بدهید بعد من فامیل دار میشوم .
ـ نخیر .. نمیشود .... اول‌برو فامیل دارشو بعد بیا تا برایت خانه بدهیم
ـ آخر من بیخانه‌را کســـی ز ن نمیدهد .
ـ بمن چه‌مربوط است...من آد م بی‌زن راخانه نمیدهم ...
با عذر وزاری گفتم :
ـ مدیر صاحب .. ببین طا لمی نکن .. آخر اگرشما مرا خانه ندهید موازن نمید هند یك کاری **بکن که‌من** صاحب‌زن شوم .
اینبار نوبت برافروخته شدن مدیر بود زیرا حرفهای مـن رک ها ی «غیرت» گر نش را متو رم سا خته گفت:
ـ مرا چه خیال کرده‌ای.. من چه مجبوریتی دارم که‌درزن گر فتن تو کمك‌کنم.. . بمن‌چه **مربوط** است‌که زن میگیری یا نمیگیری ...
گفتم :
ـ مو ضوع ازینقرار است کـــه خشوی محترم من شرط گذ اشته که اگر صاحب خانه شدم مرابه دامادی خود قبول کرده خشوی من شوددر غیرآن خشوی من نمیشو د و مـــن ازفرا قش .. ببخشید از فـــراق دخترش چیز میشوم ...
این حر فها نتوا نست دل سنگ آن‌مدیر را نر م کند ، دو با ره رفتم پیش زنی که باید خشویم میشـد، گفتم :
ـ خا له‌جان ...
او پیشانی خودرا ترش کرد،زیرا خوش نداشت او را خاله صدا کنم.. آخراو آنقدر پیرنبود واند کـی از زیبایی‌هم بهره داشت وفیشن هـم میکرد ...

حرفم را اصلاح کرده ادامه‌دادیم:
ـبی‌بی جان... وقتی که میخواستم خانه بگیرم مدیر اپا رتمان ها بمن گفت: تازن نداشته باشی بخدا اگر روی‌خانه را ببینی ..
ـ گفت:
ـ بتوخانه ندادند ؟
ـ نه .. ندادند ... گفـــتند زن نداری.. خشویم ابروها یش رابا ناز وادا تکان داده گفت:
ـ و بخدا اگه خانه نداشته باشی روی زنه نمی بینی .. بمه مربوطنیس که‌بتو چه گفتند وچه نگفتند.. برو اول صا حب خانه شو وبعد شوق‌زن گرفتنه بسرت راه بتی..
دید م‌چاره نیست دوباره پیش‌مدیر رفتم ... خلا صه چندین بار خشویم وآن مدیر مانند توپ فو تبال مرا به همدیگر پاس میدادند، خشویم‌میگفت حرف من یکیست و آن مدیر هـــم میگفت :
ـ من از مقررات نمی‌توانم عدول کنم.. بالا خره مدیر را راضی‌ساختم تاقدم رنجه **نموده‌به‌خشویم‌بگو یدکه** دختر خودرا بمن بدهد . فهمیدم که کلید **پیروزی من مقابل‌شدن آن‌مدیر** باخشویم است، زیرا اگر مدیر به خشویم اطمینان میداد که‌بعداز **زن** گرفتن من «طبق مقررات» بمن خانه میدهد، خشوی‌محترم من‌حاضرمیشد تا دخترخودرا بمن بدهد .. بالا خره من‌موفق شدم آنها را باهم رو برو بسازم ...
دوستم آهی کشید و سکوت‌کرد من‌با عجله گفتم :
ـ وقتیکه قصه بجای حساسش رسید حالا خاموش شدی ، بگو چه شد .. آیا بدینو سیله مو فق‌شدی زن بگیری.. آیاازدواج صورت‌گرفت.
بازهم‌بانا امیدی‌گفت:
ـ ازدواج صورت گرفت... امادر آن از دواج من داماد نبودم ..
ـ **چی** .
ـ پس کی داماد بود .. ؟
ـ **آن مدیر** ...
ـ را ستی ... وعروس ؟
ـ و عروس هم خشوی من بود ... آنها بمجرددید وبازدید باهم کنـار **آمدند** ... **آخر خشویم بیوه** .. و آن مدیرهم بیوه بود ..
پس‌سرنوشت‌تو چه شد ..آیا .. آنها ازبس درزند گی خودوخو شی خود غرق شدند دیگر ازمن‌نپرسیدند که تو چه‌کاره بوی و چه‌میخواستی همین بود که من هینطور بی خانه‌و

بقیه صفحه ۸۳

قصه‌جایزه گرفتن‌من

مقابل شدم آثار یك بد گمانی شدید رادر چهره‌اش مشاهده کردم، از من پرسید :
ـ این زنها کی‌بودند.. اسمای‌شان چیست؟ طبعا چون من یکعده آنهارا نمی شناختم نتوانستم از ایشان نام ببرم واین مطلب با عث بد گمانـی بیشتر زنم شد واو مانند بمی‌منفجر شد ومشا جره‌آغاز گردید.همسایه‌ها واهل محل هم بطر فـــدا ری‌او برخا ستند ودر نتیجه من مغلو ب‌واز خانه‌رانده شدم . بایدخانه راترك گفته نزدهمان کسا نیکه‌در دعو ت باایشان‌بودم، میرفتم، زیرا زنم نمی توانست بعدازین کرکتر زمخت مرا تحمل کند، حالادیگر هر طوری کـه میخواهم باید زندگی کنم ومزا حـم زن واطفا لم نشوم، جز مو قعی که پول خرج خانه را برا یشان‌می آورم.
زنم میگفت:
ـ خوب شد که‌آن جایزه را گرفتی ویك مقدار پول بدستت ر سید ومن **هم‌چهره حقیقی ترادیدم وشنا ختم،** تاحال اشتباه کرده بودم چون‌ماسکی بچهرمات زده بودی .
بلی من مجبورشدم حقیقتا نزدآنها بروم نزد کسانیکه با ایشا ن خوشی وهنگامه برپا کرده بودم و بصو رت دقیق‌تر نزدیکی از آنها .
اویك زن طلاق شده بود که‌همراه دخترش دریك‌اپار تمان شخصی دو اتا قه زندگی میکرد، معلوم شد که رفتن به آنجاهم ممنوع است زیرا شوهرسا بق‌این آشنای‌جدیددرجراید صبح خبر جایزه گرفتن مرا خوانده **واین خبر خوشی اورا مختل ساخته** است ومانند آب چایجو ش جو ش **آمده بود.**
ازینکه‌بازن سابقش آشنا شده بودم زیادعصبی نشد که‌**از جا یـــزه** گرفتنم عصبی شد . اوبه اپار تمان زن سابقش یعنی آشنای جدیدم‌رفته خواست اورا لت‌و کوب نمایدوتهدید بقتل نمود و تهدید به اینکه طفل خودرا از اوخواهد گر فت. و قتی‌که بخانه آنها رفتم شوهر ش عقب‌میز کار نشسته‌بود،هنوز هم آثار خشم‌و هیجان درو جودش بملا حظه‌میرسید، استادی خودرا با نوشتن هفت‌صفحه **کاغذ برخم کشید و توسطآن ضعیف** اخلا قی‌مرا آشکار ساخته بود،تهدید کرد که این مقاله‌را به کدام موسسه **نشراتی میدهد تارسوا وسیه روی شوم. از آشنای جدیدم معـذر ت** خوا ستم و گفتم:ـ تاو قتیکه خشم همه فرو نه نشسته‌مرا حمت‌نمیشوم بعد من وتو همدیگر را در کدام‌جای خلوت **می بینیم** .
من بیك هو تل اقامت گزیدم،،در آنجا هم دوستانم‌مرا تنهانمیگذاشتند وبدیدنم می آمدند بخصوص‌دخترها.. ومن مجبوربودم از ایشان‌پذ یرایی کنم، آخر جایزه گرفته بودم واگربی اعتنایی نشان میدادم همه از مـــن **روگردان شده مرا آدم خود خواه و** مغروری می پندا شتند مگر مـــرا میگذارند ؟.. نمیدانم مخفی گاه مرا زنم چگونه کشف کرده بود. علاوه‌از آن مکتوب هایی راکه بمن رسیده‌بود گر فته‌وخوانده بـودوبیش از پرش برا فروخته شده‌بود .
دربعضی مکتوبها که معلوم‌میشد **حسودان** نوشته بودند، ازمن پرسش بعمل آمده‌بو که‌به‌هیات ژو ری چند رشوه داده ام ...
من‌باو جودبی خوابی هاو ا یـــن کش‌و کوب ها و ناملا یمات مجبور بودم خودرا خوشحال نشان بد هم. تاخود را مستحق‌جایزه‌نشان‌داده‌باشم ازین رو همیشه یك لبخند ساختگی به‌لب‌هایم دو خته بودم .
روز پنجم تمام پول هایم تمام‌شد یعنی پولی را که بعنوان جا یزه‌گرفته بو م، من مجبورشدم از بانك کمك های متقا بله پول قرض کنم تا از مهمانان آینده‌ام پذیرایی‌کرده‌بتوانم.
حالا دمروز از گرفتن جا یزه ام میگذرد . ومن هنوز در هو تل‌زندگی میکنم . تنها ،بدون فا میل نیمـــه الکو لیك وخسته از پذیرایی‌مهمانان **وبایك‌احساس پیش بینی بـــر ای** دیوانگی.
علاوه ازین‌خطر های‌مرئی‌ونامر ئی ازقبیل شوهر سابق آشنای جدیدم نیز مرا تهدید مینماید، اینکه چقدر قرضدار شده ام بجای خود بما ند.. بلی دوستان این‌بود قصه جا یـزه گرفتن من ....
اوه که چقدر آرام وخوشبخت بودم ... و تمام دو ستانم دو ست من بودند ... **پایان**

بی زن‌ماندم که‌ماندم.
حالا هم جرات نمیکنم بجای دیگری خواستگاری بروم زیرا میتر ســـم مادر دختر بیوه باشد ومن وسیله ازدواج اورا فراهم کر ده‌خـــودم‌از میدان بدر کرده شوم .
قصه دوستم را شنیدم ..نمیدانستم بحا لش گریه کنم یابخندم .. اصلا **نفهمیدم این قصه کمیدی بو د یـا** تراژیدی.... **پایان**

صفحه ۹۱

بقیه صفحه ۴۳

عصر نیروی ذروی

رو تر فورد وهمکا رانش بار دیگر مو فق شدند تا شکاف د یکری‌دراتم بو جود بیاو رند .

چادویك ، همکار دیگرش مر کزاتم هاید روژن را بمبارد مان نمو ده‌واز آن ذره دیگری یعنی نیو ترون را بدست آوردند .

رو تر فورد درسال ۱۹۳۷ پدرود حیات گفت بدون اینکه به ژرفنای کا رش پی‌برده باشد.بعد از مرگش بزودی‌اتم یورانیوم بوسیله کلو له نیو ترون‌شکا فته شد .

بابدست آمدن این نتیجه نه تنها نیروی زیاد آزاد شد بلکه عده زیاد نیو ترو نها بمیان آمد که دو با ره شکا فته شده باخود شکفتی های رادر جهان دا نش بمیان آورد .

اسلحه کشنده :

جنگ گسترش یافت و کشوری میتوانست که‌این نیروی آزادشده‌را کنترول نماید درجنگ فاتح وپیروز می‌بر آمد.

با آمدن جنگ دوم، دا نشمندان ذروی انگلیس به امریکا فر ستا ده شدند تا با دانشمندان‌جر منی، دنمارك و ایتا لیه که از زیر چکمه‌های آهنین هیتلر و موسلینی فرار کرده بودند همکا ری نموده وبمب اتم را بمیان آوردند.ولی‌هنوز دانشمندانی در جرمنی‌بودند اتم را شکا فته بودند .

کجا این‌بم ساخته شد :

مسابقه برای بدست آوردن بم‌اتمی درامریکا درسال ۱۹۴۳ جریان‌داشت واین تلاش‌در قلب صحرای خشك نیو مکسیکو دریك شهر پنهان‌صورت میگرفت .

درسال ۱۹۴۵ بم هنوز آماده نبود. سوال های تکان دهنده در ذهن‌همه جوش میزد . آیا هیتلر آنرا بد ست نیاورده بود؟ آیا او دیوانه واربرای نجات جر منی به ساختن آن موفق نشده ؟

پیشتر یك گروه عساکر متحدین در فرانسه با نیروی جنگی پیاده شدند هدف شان کشف مخفی گاه های اتمی‌هیتلر بود . آنان به‌در یای راین‌همراه با جبهه پیش آهنگ رسیدند .

درزیر آتش، آنان نمونه‌های از آب دریاراگرفته‌وبرای تحلیل را دیو اکیتو به انگلستان فرستادند. نتایج نشان‌داد که جرمنی تا آن زمان هیچگونه پیروزی یی‌در این سا حه بدست نیاور ده‌بود .

بتا ریخ شانزده هم جو لایی ۱۹۴۵ اولین بمب‌اتومی‌از فراز یك برج فولادی در صحرای مکسیکو منفجرشد. او لین گروهی که برا ی نتایج به‌طرف منطقه رفتنددر تانك شرمن که باورقه های سرب‌وشیشه سربی پو شیده شده‌بودسوارشدند.

بمجردیکه به منطقه نز دیك‌شدند. آنان بروی ریگزاری حر کت کر دند که‌به‌اثر حرا رت زیاد بکلی ذوب شده وبه شیشه تبدیل شده‌بود.این حر ارت ملیون هادرجه گرما دا شته است برج فولادی ازبین رفته بود. دراینجا انرژی بمیان آمده بود که ۱،۰۰۰ متر به از شدت نور آفتاب شدیدتربود .

بر نیرو های طبیعی مانند آتش سیلاب، زلز له و غیره قدرت‌تخریبی دیگری که‌ساخت دست بشر بود . اضافه گردید .

بشر اکنون درراه جدیدی باانرژی نیرو درصورت بکار گر فتن صلح آزاد شده ذروی گامزن شد. این آمیز می تواند کشتی هارابه حرکت آورد تاریکی هارا بزداید ، صحرا ها را آبیا ری‌کند وهمچنان جای‌زغال نفت‌و غیره را اشغال کرده میدا ند ودر صورت بکار گرفتن نا درست، این‌نیروی مخرب و ویرانگر میتواند نژاد بشری‌را ازروی زمین بردا رد.

بقیه صفحه ۲۹

با پوست بدن‌نیزمیتوان دید

پروفیسر اضافه میکند که برا ی‌او وسایر حاضران‌بسیار تعجب‌آور بود که از آنچه مرد نابینا دیده بودخوشش نیامد .

این آله در راه انکشاف سالم‌پیش میرو د:

کارتیم تحقیقاتی انستیتوت‌سمیت‌کیتل ول درینجا به پایان نرسیده است برخلاف کار اساسی آنها تازه‌شروع میشود هدف بعدی اینست یك زاویه دیگر از حداقل بیست درجه باید رویت واستعداد گرفتن تصویر را برای نا بینایان تقویت‌کند .

این هدفیست که پروفیسر داکترباخی ریتا در مورد انکشاف دستگاه تی‌وی – اس‌اس به آن می‌اندیشد.

بقیه صفحه ۶۱

سردی در نقاب بقه

گفت : « ما دریك کشور تقریباآزادی زندگی می‌کنیم» .

الك پاسخ داد :« هرکسی آزاد است که حتی به فروش زنجیر کلید پردازد ولو آنکه عضویت مجلس‌لارد ها را هم داشته باشد . امایك چیز مجاز نیست آقای برود! که کسی میلهٔ تفنگچه خودرا بروی سینه یك پولیس شرافتمند گذاشته تهدیدش کند .

برود تکان خورده پاسخ داد: «متاسفم که رفتارم قدری خشونتبار بود. من اصلا ازیك ساعت پیش منتظر ورود یك نفر بودم. وقتی صدای قدمهای شما را شنیدم .....»

در حالیکه شانه ها یشرا تکان‌میداد به دنبالهٔ حرفش اظهار داشت :«من از رفتار خود ناراحتم و نمیدانم منظورم را درك مینمایید؟» را ناراحت می‌سازم .

الك نگاهش را از صورت برود بر ند ا شته گفت : ببخشید میخواستم بپرسم که شما انتظار کدام دوست تان را داشتید؟ من برای شنیدن اسم این دوست‌اززبان خود تان دلچسپی دارم. »

برود اظهار کرد: « منهم مثل شما علاقمند هستم اورا بشناسم من با یکتعداد زیاد مردم سرو کار دارم . امروز انتظار مردی راداشتم که از بر خورد با من به علل مختلف باید وحشت کند. نامش- فکرنکنم دانستن نام او برای شما اهمیتی داشته باشد . من محض یك مرتبه با او در عمرم برخورده ام ودر آن وقت رویش را ندیده بودم.» برود از حرف زدن ایستاده متفکرانه به‌قیافهٔ الك نظر دوخت . الك پرسید :

–« اماشما همدگر را می‌شناسید؟»

–« بهیچوجه من پیش آمد محترمانه نسبت به او کردم‌وبرخورد دونفری مابیش از پنج دقیقه طول نکشید و مادر یك اتاقی بهم دیدیم که صرف بایك چراغ لاترن روشن شده بود آقای کمیسر پولیس‌تصور میکنم اینهمه معلوماتیست که راجع به او میتوانم بشما بدهم .

– « لطفا سرجنت بگوید.» غرشی کرده با خود گفت : بسیار عجیب است. درین اواخر باهرکس‌که بر میخوردم مرا کمیسر پولیس خطاب میکند .»

وقفهٔ نا راحت کنندهٔ بوجود آمد وسپس در حالیکه با سر به طرف دهلیز اشاره میکرد سوال نمود : «با همسایهٔ اتاق مجاور خود مراوده دارید؟ »

«بابسانو و رفیقش نه. بهیچوجه رابطه ورفت وآمدی با آنها ندارم. چطور؟ مگر شما بخاطر او اینجا آمده اید؟» الك به علامت نفی‌سرشرا تکان داد و اظهار نمود:« صرف میخواستم یك دیدار دوستانه بعمل آورم . آقای برود من به همین‌تازگی ها از کشور شما باز گشته ام.سر زمین قشنگی است . اما از لحاظ‌بعد فاصله برای من چندان گوارانبود.» لختی به گلهای قالین نظر دوخته به صحبتش ادامه داد :« از صمیم‌قلب آرزومند معرفی با دوست شما بودم شاید او هم یك امریکایی‌باشد؟»

برود سرشرا شور داد والك را حین خروج از اتاق بدون آنکه‌حرفی زده باشند مشایعت‌کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

...ودریاسیخندد

ـ ازدرك ناشدن وناشناخته ماندن ، از منافقت وریا و ...

اوبه طبیعت عشق می ورزید ، درروزهای برف وباران خیلی دوست داشت‌که پیاده چکر بزند .

گاهی درهمچو روز ها به‌کوه گشتی می پرداخت . درقله های کوه در زیر سنگ لاخ عامی نشست ومنظرهٔ ریزش برف وباران را تما شا می‌کرد .

گاهی اورا در کنار چشمه های صاف دور افتاده می یافتی که در زیر درخت های پر برگ و سیراب ، برروی سبزه های تازه در میان کتابها وریکارد هایش چت افتاده‌می‌بود.

دریا اورا جادو می‌کرد . دریا از چیزهای بسیار دو ست داشتنی و گرامی اش بود. هرگاهیکه فرصت بدست می آورد ،چنگك ماهی گیری اش را می‌گرفت وبا شتاب‌خودرا به‌دریا می رسانید . در کنار دریا مثلیکه می‌شگفت . شاد می‌شد . جست وخیز می‌زد. می‌خندید وفریاد می زد :

ـ دریا، دریا، چقدر دوستت دارم !

دریا را درآغوش می گرفت ، نوازشش می‌کردوبه سختی ازش جدا می شد. آنگاهیکه ازدریا جدامی شد، مانند عاشق فراق‌کشیده بود که پسرازدشواری های زیاد به‌معشوقش رسیده باشد وبازاو رابه زوراز معشوقه‌اش جداکرده باشند .

• • •

دوستان هروقتی همدیگر را می دیدند از حال «میرزا» جویامی شدند وبه هم می‌گفتند:

ـ بیچاره «میرزا»، هنوز درنصفهای عمرش

وقتی می گفتند : «نصفهای عمر ش» می خندیدند وبعد افزون میکردند :

ـ بیچاره «میرزا» پیش ازپیش اندازهٔ عمرش را تعیین نموده بود، خداکند تا همان وقت زنده باشد .

ـ کسی چه میداند شاید زنده باشد وشاید هم نباشد .

ـ ماچه میدانیم که همین حالاهم «میرزا» زنده است ویانه ؟

• • •

کشتی زمان دردریای پرنگ زندگی از لابلای سادثه های گوناگون راهش رامیکشود. درمیان‌این حادثه‌هانرم نرمك «میرزا» وخاطره هایش ازیادمیرفت .... درین هنگام آوازه‌شد که کسی گفته است :

ـ «میرزا»درسرزمین های دور، درآن سوی مرزهاجان سپرده است .

هرکسی ازآشنایانش که این خبررامیشنید

ـ خدایش بیامرزد، آدم خوبی بود .

خبرمرگ «میرزا» بازهم چندروزی خاطره هایش رازنده ساخت . درین آوانیکه دوستان صفحه های ازخاطره های زندگی اورا ورق می زدند ویاداورا زنده می داشتند، کسی خبردادکه اورا درسرزمین «هیرمند» دیده‌اند. کسی این خبرراباور کردوکسی باور نکرد. درمیان دوستانش‌شور وهیجانی پدیدارگشت. سرانجام تصمیم برآن شد تابه ولایت هیرمند سفرنموده سراغ اورا بگیرند .

از پالیدن زیاد درآنجا خسته شدند .شهر ماودهات راجستجو کردند از مردوست و آشنایی پرسیدند . مگر ازوی اثری نیافتند. روزی که می خواستند بازگردند ، متاثر و ناامید درسرویسی نشسته بودند . چهره‌های اندوهبار آنان هربیننده راوادار می ساخت تاازحال ایشان جویا شود . دوجریان گفت وشنود کسی به آنان گفت :

ـ میگویندکه روزهاست درکنار خرابه های «بست» دونفرصبح هاوقت، پیش از طلوع آفتاب درپهلوی رودهیرمند به شکار ماهی میپردازند وشب هادرخرابه های «بست» بسر میبرند شاید نفر مطلوب شما در آنجا باشد

آنان باشتاب ازسرویس پیاده شدند وهر چه سریعتر شهر «لشگرگاه» راپشت سر گذاشته به سوی خرابه های شهر باستانی «بست» پیش رفتند . رفتند ورفتند تابه خرابه های «بست» رسیدند .... آنسوی خرابه ها ، دونفردرکنار دریا پهلوبه پهلوهم نشسته چنگك های ماهیگیری رادر آب رها نموده گرم صحبت بودند . طوری غرق صحبت های خودبودند که هیچ متوجه آنان نشدند. آنان آهسته آهسته نزدیك شدند وقتی خوب نزدیك شدند ازشادی همدیگر رادر آغوش کشیدند وبوسیدند :

ـ یکیش خو «میرزا» بود ولی آن دیگرش راکه قدبلند، بروت های زبروابروهای‌پیوسته داشت ناشناس بود .

دستهای شان رابه بازوان هم حلقه کرده نفس های شان راقید نمودند ، بی صدا و آرام آرام به‌آن دونزدیك شدند، وقتی‌درپشت سرشان قرار گرفتند به صحبت های آنان گوش دادند .

«میرزا» خطاب به هم‌صحبتش میگفت :

ـ برادر، توناحق ازتهمت های نا روا ، ازیاران بی وفا، ازدوستان مطلب آشنا واز دشمنان دوست نما شکایت داری . باشکایت دشواری های زندگی حل نمیشود . خوب شد که سرانجام درعمل به حقیقت های زندگی پی بردی، بلی بسیار خوب شد ....

درین وقت یك ماهی کلان درچنگکش بند شد واوبه شدت آنرابه آنسوپرتاب کرد . وقتی رویش رابرگرداند حلقه یی ازدوستانش رادر پیرامونش دید، ازشگفتی دق ماند ، دوستانش باشادمانی اورابغل گرفتند و سرو صورتش رابوسیدند واوهم سروصورت شان رابوسید .

دوستان «میرزا» خواهش نمودند تا هرچه زودتربااپشان بسوی «پایتخت» حرکت نماید، مگراوخاره ماهی گیری اش رابه زیر سنگی محکم نموده جنگکش رابه دریاانداخت وآنگاه آنان رادرتمام خرابه های «بست» گشتاندوقتی خوب خسته شدند، درمغاره ئی، آنان را بر بوریائی نشانیده، چای سبزی تعارف کرد و بعدرفیقش رابه ایشان معرفی کرده گفت :

ـ بااین مرد آزاده وجوانمرد آشنا شوید، اوبگانه کسی است‌که تابه حال بامن از مساعدت های صادقانه وبی ریا دریغ نکرده است ...

بعد مشغول نوشیدن چای شد، آنگاهیکه چای راقرت، قرت می نوشیدبه سخن هایش ادامه داد :

ماازشاخه های جنگل دوقایق ساخته ایم، یکی قایق غم ودیگری قایق زندگی. درقایق غم، رنجهاو غم های زندگی راباد می کنیم و درقایق زندگی خودمی نشینیم . قایق غم را بی ناخدابه دریارهامینمایم‌تاپس ازسرگردانی درغرقابه هافرورود وقایق زندگی رابه سوی سرزمین خوشبختی رهنمایی میکنیم .... میخواهید این قایق هارا ببینید ؟

همه بایك صدا گفتند :

ـ آری ، آری ...

دریا میرش رابی خیال می پمود، آفتاب در دل آمن لمیده بود ونرم نرم می جنبید . «میرزا» درکنارش باشوروشوق قایقهای غم وزندگی رابه دوستانش نشان میداد . دوستانش می‌خندیدند وخوب‌هم می‌خندیدند، قهقه می خندیدند .

«میرزا» باشگفتی آنان رامی دید ومیگفت :

ـ گپ های من خوخنده نداردچرامیخندید؟

آنان درحالیکه همانگونه می خندیدند به همدگر اشاره هایی نمودند، ناگهان «میرزا» جاردست وپااززمین‌برداشته‌شد. هرچه «میرزا» دادوفریادگرد، رهایش نکردند . خنده هاقضای آنجارابر نمود وانعکاس آن درخرابه ها طنین اندازگردید . «میرزا» می گفت :

ـ رهایم کنیدکه عینك هایم به دریاافتید، رهایم کنید، شمارا بخدا رهایم کنید، نمیروم، نمی روم !

ودوستانش که اورابه شانه های شان حمل میکردند وبه سوی شهرمی بردند میگفتند :

ـ بس است دیگر، زندگی خیال پردازانه بس است، ماترابازهم به سوی زندگی واقعی میبریم .

«و میرزا» فریاد می زد :

ـ خرابه هارانماشا کنید، درلب دریا نشینید !

فریاد های اورا کسی نمی شنید ....

... ودریامی خندید ....

پایان

آهنگ شباویز

پرندهٔ عزیز آو ای ضعیف ، محزون و درد ناك بر دوش هوای ملا یم شب بر من میر مدو چو ن نوری که در میان تاریکی ا نتشا ر یابد ، در فضای ساکن و آ رام انعکاس مینماید . هرقدر این صدا بمن نزدیکتر گر دد ، بهمان‌اندازه باطمینان آرامشم می افزاید و در عین ز مان حزنی درد آور بر قلبم چیره میسازد . آوای تو همان‌حالت بیداری عادی را که میتوانم طی آن بیندیشم و خویشتن را در یا بم وآینده‌را بسنجیم ، برایم با ز می گر داند .

آری ، آوای دل انگیزت‌برگوشم طنین می افکند ، قلبم را آ گنده میسازد و رو حم را در خود فرو میبرد و میدا نم که از من چه میخواهد ... خواهرم و ما جرای قتل فجیع او را بخاطر می آ و ر م. برای من خوب روشن است که اورا که به این قتلگاه کشانید و با ین سر نوشت شوم د چار ساخت ونیز میدانم که چه کسی نعمت حیا ت را ازوی ربود ... تمام این چیز ها برای من معلوم و رو شن است ... اکنون د یگر تصمیم گرفته ام ... فردا بمجرد د میدن صبح ، بمنزل آن انجنیر جوان خوا هم رفت ودر همانجا اقامت خوا هم گزید و بکا ر هایی که خواهرم میپر دا خت‌خواهم پرداخت وبعد از آن‌بسوی‌سر نوشت **دیگری غیراز سر نو شت خواهرم** درآن فضای عر یض بی پایان گا م خواهم نهاد .

پرندهٔ عزیز ، آوای د لنوا ز ت را شنیدم و آ نچه را که ازمن‌توقع داشتی پی بردم ، سحر صدا یت بار دیگر مرا بر سر عقل آورد ، **ونیروی به تحلیل رفته امرا برایم** باز گردانید . اکنون در انتظا ر دمیدن سپیده د م نشسته ام تا بسوی منزل آن جوان بشتا بم .. قلبم آ گنده از تاریکی است ، ا ما تبسمی ملیح و د لنشین بر لبا نم نقش بسته است .

(باقیدارد)

هیماسالنی

پرسیدم :

« آیا وین کتره کون، که‌ازمدعیان رقص‌وساز کلاسیك است‌مورد علاقه تان قراردارد ؟ »

هیمادر جواب گفت:

«من هرگز در زندگیم او را ندیده واین راهم نمیدانم که‌چرامردم‌میگویند من‌به‌دهلی رفته‌ام تارقص اورابینم. حالانکه من اینجا در بمبیی مشغو ل بازی دریك فلم بوده‌ام » .

من روزی از وین تتره ون نیز در باره علاقه اش به‌هیما ما لینی رسیده‌بودم واو از چنین علا قه یی انکار کرده بود .بدینصورت‌پاسخ هردو «نی»بود .

اکنون میدیدم که‌یك «نی» وین کتره کون بایك «نی» هیما ما لینی دنبال میشد. ولی با اینهمه ...

اقسام بو تهای شیك ومدرن

زنانه ، دستکول های زیبا

ارزان ،بمود روز .

آدرس :سر ك اول شیر شا ه

مینه ونما یندگی در منزل تحتا نی فروشگاه بزرگ افغان



(c) Iran-archive.com: The Digital Library

بقیه صفحه ۸۰

فکر کردن چیست؟

برای حل مشکلات وطر ح پلانهـــا فکر کنیم ؟

هر کدام ما عقاید ، نظرات ،ذهنیت ها وپرابلم هایی داریم که زندگـی عادی ما را رنگ ورونق بخشیده و تنظیم میکند وهمه آن محتاج ایـــن است که همیشه متو جهشی باشیم مثلاتعصب وذهنیت منفی ما راجع‌به یك موضو ع ممکن است طرز تفکر

مارا چنان تحت الشعا ع قرار بد هد که در باره هر چیز در پر تو آن ذهنیت خود فکر کنیم وبه جهان از همان‌روزنه طرز تلقی خود نگاه‌کنیم مابابد در باره هرچیز یکه میشنویم می بینیم ومیخوا نیم عمیقا نـــه بیا ندیشیم زیرا ما در دنیا یـــی زندگی میکنیم که‌در جلو ما انـوا ع گوناگو ن پدیده ها قرار دارد واین ما هستیم که باید از طریق تفکـــر سالم بهترین را انتخاب کنیم واین

انتخاب ولو هر قدر موضو ع‌ساده ویایك رجحان کم اهمیت هم باشد باز هم محتاج آگهی‌ومعلو مات‌کافی در بارهٔآن میباشد . ما باید همیشه

موضو عات را حلاجی کنیم وپیرامون آن‌زیاد مطالعه کنیم زیرا هر قدر در باره یك موضو ع بیشتر معلوما ت داشته باشیم صائب ترقضاو ت می کنیم .پس تفکر سالم آنست که از طریق آن درست قضاوت کنیم وبه نتیجه درست ومعقو ل برسیم. بـه صورت عموم دوعصرمیهم‌در درست ومعقول فکر کردن ذید خل است که عبارت از بکار بردن نظرات قا بل اعتماد وتکنیك صحیح و معقو لی می باشد . هر گاه نظر و مفکور ه که

در عملیه تفکر ذید خل است واعی ویا خلاف واقعیت بوده ویا تکنیکی که در فکر کرد ن بکار برده میشود نادرست باشد نتیجه تفکر هم‌چندان معقول ودرست نخواهد بود .

بطور مثال هر گاه درباره سلوك بخصوص یك گروپ ویایك جمعیت یك‌نظر عمو می منفی داشته وهرآنچه در مورد یك فرد آن با ارتبا طبهمین نظر قضاوت کنیم این یك قضاوت صائب نخواهد بود .

بعضا منافع ویاذهنیت مادر امری ذیدخل گردیده سبب میشود که از حقایق چشم بپوشیم وبا توجه بـا منافع خود نظری ایجاد میکنیم .وبر مبنای آن در موردیك موضوع فکر میکنیم وبه فیصله میرسیم .

یك‌علت دیگر که بعضا نظر نـا درست در تفکرما راه پیدا میکند همانا کم حوصلگی وشتاب درقضاوت است .بعضی ها چنین اند که گو یا بمجرد دیدن ویاشنید ن بر گـــهٔ در باره یك موضو ع بی آنکه تعمقی کنند قضاو تها ی مینما یند حالانکه اگر مدتی انتظار کشیده‌شود ممکن است حقایق تازه دیگر ی نیز دردست قرار بگیرد وبا الو سیله ما رابه فیصله برساند که بافیصله‌اولی تفاوت کامل داشته باشد .

بکار بردن تکنیك در عملیهٔ تفکر بدوصور ت انجام می یابد یا اینکـه از طریق جمع آوری حقا یق به یـك فیصله میرسیم ویا اینکه پیش ا ز پیش در باره موضو ع قضاو ت عمومی ک رده وبعدا فیصله ها ی بخصوصی که‌تابع آن تصمیم مـا است در موردمینما ییم .

در شماره آینده در مورد اینکـه چگونه باید در باره مشکلات وپرابلم های خود فکر کنیم بحث خوا هیم راننده موتر های سرویس‌هیچکدا کرد .

طفل‌شما — مر بوط صفحهٔ زن

پروگرام‌سه‌وقته غذا یی طفل

ممکن است آمادگی طفل بـــر ای پروگرام سه وقتهٔ غذا ئی معنی پنج ساعت فاصله رابین‌هر غذا میدهد.

هر گاه طفل شما پس از چـــار ساعت بعد بسیار گرسنه گردید و ازین رهگذر گریه‌س ر دهد برای پروگرام سه وقتهٔ هنوز آماده‌نشد ه است. اگر طفل شما اولین غذ ا ی خودرا بساعت‌ش مش صبح میگیر د معمولا صحبت در بار ه سه وقـت غذا بسیار مفید گفته شده نمی‌تواند.

ازطرف دیگر ممکن است‌طفل شما در هر مرحلهٔ معین سن خودواضحا نشان دهدکه برای پرو گرام سـه وقته آماده است. در آن صور ت‌یك مادر خواهد گفت : طفلش صرف با اشتها ی‌کامل در هر نو بت‌یعنی درمیان غذای خود را میخور د،مثـلا اگر بوتل شیر خود رابا مزه وکامل بساعت شش صبح صرف مینماید بساعت ده صبح با اشتهایی کم‌آنرا خورده ولی بساعت دوی بعد از ظهر باز هم با اشتهایی خوب آنرا خلاص میکند وبساعت شش شام آنقد ر اشتهای خوب نمیداشته باشد .پس اطفال که چنان عمل مینمایندضرورت احساس میگر دد تابرایش روزانه پروگرام سه‌و قته ترتیب شو د که هنگام صرف غذا خوب احسا سی گرسنگی کند و با اشتهای خو ب غذاراصرف نماید در غیر آ ن ا ز لحاظ تغذیه احتمالاپرا بلمی بو جود خواهد آمد .

اگر طفلی شصت خود را زیا دمی جوشید و هنوز هم آماده است تادر هر چار ساعت غذا بخورد پس‌دلیل آنست که برای یك مدت دراز تـــر طفل دریك پرو گرام چار وقتـــه گذاشته شود . بعضا به نـــدر ت اطفالی دیده میشو ند که در خلال روز از نگاه پرو گرام چار سا عته برای مدت دراز آماده نمیبا شند . اما هنوز مانند زنگ‌سا عت صر ف بساعت ده شب برای صر ف غذای خویش بیدار میشو ند . درین‌مورد

برابلمی وجود ندارد و بکو شید تا مطابق ضرورت طفل، وقت راعیار سازید .بقسم معمول وی را بـــه پروگرام سه وقته غذا یی در خلال روزقرار داده وبه دادن غذا بساعت ده شب تاوقتی ادامه دهید که آماده شو د.یعنی ساعت ده شب خوا ب نماید .

(مترجم . محمد حکیم نا هض)

بقیه صفحه ۱۸

د ر د دل جو انان

مرزو بوم‌در فعالیت‌های انکشافی‌کشور شان سهم فعال داشته باشد تحت این گو نـه شرایط ته میتله حیا واحترام بزرگان هـم در میان باشد چه میتوا نزد کرد .

به هر صورت من این نامه را نوشتم تا مگر از این طریق والدینم بحال ما و هـم بحال محیط خود از دل توجه نموده وزندگی به اصول‌زندگی امروزی که‌وابسته‌به چیست پی ببرند ودیگر وسیلهٔ اذیت دو جوان را فراهم نسازند .

پیغله «لاسی» از کوته سنگی

بقیه (۳۹)

چگونه‌بیش از صدسال

یکهزارو نهصد کا لوری غذایـــی میگیرند .

تمام‌مردم معمردر سه منطقه متذ کره خیلی فعالانه زندگی دا شته همه در امور زرا عت واموزخانه و کار ها ی فزیکی دیگری مصروف می با شند. مردوزن از آوان جوانی تا آخر یـن روزهای عمر بکاروفا لیت مشغول می‌باشند. علاوه بران مردم این‌منطقه غیر از کارهای عادی روزانه بـــه فعا لیت‌های فزیکی میپردازندکه‌آنها رااز امراض تصلب‌شرائین وامراض قلبی محافظت مینماید و همه‌مردمان ازچاق شدن های بیجا جلو گیری می نما یند .

علم‌طب‌ازقدیم‌الایام ثابت ساخته که صحت‌بودن قلب مربوط به فعا لیت های فزیکی بوده واین موضوع در ادبیات کلا سیك طبی روی یکتعداد کارمندان پستی انگلستان آزما یش واثبات شده. ونشان داده شد که آنها ئیکه عقب میز دفا تر بصور ت مداوم کار می کنندزود تر بامراض مختلف ومرگ گرفتار میشوند.نزد این هامرگ ازاثر امراض قلبی‌خیلی نسبت به‌آنها ییکه بامور فعال‌تری مصروف اند بلند است. خصو صیت دلچسپ مردمان این سه منطقه‌درین است که‌هر کدام دا رای خصوصیت های‌علیحده طرز زندگی وفامیلی‌بودند وشرایط زندگی آنها یکی بادیگـری متفاوت بود .

تمام مردمان معمری‌راکه من درین سه منطقه ملا قات نمودم با فامیل‌ها وخویشا وندا ن نز دیك شان‌درخانه های‌دهاتی بزرگ زندگی دا شته ودر امور زندگی خانواد گی سهم‌بیشتری دا شته وا تفا قا در تمام آنها یـك

بقیه در صفحه ۹۶

ژوندون

موتر های مازدای جاپانی

موتر های مازدای جاپانی چارسلندره بهترین موتر جهان ومخصوصاً به شرایط افغانستان



موترهای قشنگ وبادوام مازدای جاپانی مورد علاقه همه فامیل های باذوق ومودپسند.

موترهای مازدای جاپانی به اقسام مختلف ۶۱۶، ۸۰۸ و ۱۵۰۰ باپیکپ های کوه پیکر ومستحکم به خدمت مشتریان محترم آماده است.

آدرس: نمایندهٔ گی درکابل :ـ امین سهامی شرکت حصه اول جادهٔ میوند المپیا هوتل.

مرجع فروش پرزه جات وسامان موتر مازدا (نمایندگی امین سهامی شرکت) ورکشاپ موتر ها ی مازدا شاه شهید (ع) مقابل مینار نجات متصل جوی پل مستان .

انگشتان این سرد ۳۲ . . .

دختران گمشده ارتباط بهم میرسانند که در خلال چار سال گذشته مفقود ویا باعمال زور کشته شده بودند .این سامانها عبارت بوداز لباسهای زنانه، زیورات، اوراق هویت وحتی دوپارچه دندان طلایی بدست آمد که بهدختری بنام کاترین ماریا ارتباط داشت این دختر سه سال قبل از منزل ناپدیدشد ودیگر از مرده وزنده اش خبری باز نیامد همچنان زیورات دختر دیگری بنام هیدلین بدست آمد .این دختر نیز در یك هوتل کار میکرد قبل ازینکه نامبرده از نظر ها ناپدید شود یاد داشتی عنوان شوهر ش در خانه گذاشته و نوشته بود که وی عازم میامی شده تا اندکی به بازی تینس مشغول گردد ولی از آن تاریخ ببعد اثری از ومشهود نگشت.

از داخل بکس شپیرد پارچه های لباس دو دختر دیگری بدست آمد این هر دو دختر آمده بودند فلوریدا تابازی ازنابش خورشید آن محظوظ گردند ولی بعداً هیچگونه خبری از آنان دستگیر نشد .

با بدست آمدن این شواهد این اشتباه نیز که نامبرده دو دختر چارده ساله رانیز بقتل رسانده باشد تقویت یافت .این دختران در سنین چارده سالگی قرار داشتند و اجساد شان چند صد متر دورتر از یك سا ختمان کشف گردید .گوشت بدن آنان نیز مورد هجوم موشان وکرگان قرار گرفته بود .

آنچه بیشتر مورد دلچسپی وتعجب پولیسان قرار گرفت درپهلوی سلاح مختلف کشف سه صد صفحه یاد داشت شپیرد راجع به انواع آدم کشی وترو ریزم، این کشف اتهام شپیرد را سنگین تر میسا خت .

درحالیکه شپیرد درسلول زندان برای برائت خود مذبوحانه تلاش میکرد مدعی العموم اسناد دلایلی برای سنگین سا ختن مسئولیت وی گرد می آورد .

شعبات کشف جرایم ایالت فلوریدا هر روز به اسناد ومدارك تازه ای دست مسی یابند .

یکتن از ماموران پولیس جنایی به خبر نگار بولتن اظهار داشته است که تازه در آغاز مرحله قرار داریم .

فکر میشود که لااقل ۳۲ قتل به شپیرد ارتباط پیدا خواهد کرد واگر این حدس درست ثابت گردد در آنصورت این شخص لقب «قهرمان قاتلین وجنا یتکاران» رااحراز خواهد کرد .

در خلال این جریانات شپیرد تحت معاینات اطبای مختلف روانی قرار خواهد گرفت .

واقعاً چه شوخی مسخره آمیزی خواهد بود که روان شناسان او را مرد دیوانه ای تشخیص بدهند ودر نتیجه بقیه عمر خود را تحت حراست پولیس سپری کند

چگونه بیش از صدسال

انکشاف سیستم ارثی وجود دارد .

استراحت کردن نزد این‌مردم مربوط به سن وسال نبوده بلکه تمام آنها بهرسن وسالی که‌باشند اجبارا به‌استراحت مجبور گردانیده‌میشوند. این‌مردم به‌سن کهولت و پیری نیز کارهای مفید را احساس نموده وحتی آنها یکه به سنین بالا تراز صدهم قرار دارند و طایف مهم‌رابدوش داشته و آنراانجام میدهند. آنها وظایف سنگینی رادر فامیل خویش بدوش‌میگیرند ازقبیل جمع آوری حاصلات زراعتی تغذیه وتربیه پرندگان وحیوانات خانگی از قبیل مرغ گوسفند و غیره،شستن لباس، جمع‌آوری چای، جاروب‌وپاک کردن خانه‌ومنزل وهمچنین مراقبت اطفال. نظریات آنها و توصیه ها واوامر شان در خانه نزد همه افراد فامیل قابل احترام بوده وحکم‌قانون محسوب میشود.در «اونزد»اشخاص معمر وسالخورده آنقدر قابل‌احترام می‌باشند که حتی‌درامور اداره‌کشور نیز نظرشان‌قابل‌تطبیق‌است‌همه‌روزه ساعت ده‌صبح‌حکمران«اونزد»مردمان سالخورده راجمع آوری نموده وبا آنها درامور کشوری‌بمشوره‌ومذاکره میپردازد. درمذاکرات همه‌روزه‌بیست نفرسالخورده ترین اشخاص شرکت میکنند . آنها بروی فرش قالین پهلوی هم بطور دائر و ی نشسته و در بارهٔ پرابلم‌های‌داخلی مشوره میکنند . وقتی آنهابه توافق آراء موضوعی را تصویب‌نمودند آنگاه حکمران فیصلهٔ نهائی خود را در مورد آن صادر میکند .

اکثریت علمای که مشغول مطالعه موضوع طول عمر میباشند باین عقیده رسیده اند که فکتور ارثی درین مورد نقش مهمی را بازی میکند واز قدیم باینطرف مثالهای زیادی موجود است والدین این مردمان نیز دارای عمر خیلی‌طولانی بوده‌اند واین موضوع ازروی‌صحبتی که‌با آنها صورت‌گرفته ثابت‌شده‌که والدین و اقوام قریب آنها نیز دارای طول عمر بوده اند . علم‌هنوز علت طول عمر را نمی داند ومیتوان گفت که شاید تنها عدم وجودجن های مضره باشد که این جین های مضره بعضی امراض رابوجودآورده وباعث عدم طول عمر میگردد .

برای ما این امکانات میسر میگردد که در اجتماع کوچکی مانند ولیکابامب در نزد یکتعداد افراد بصورت انفرادی این جین های مضره ازبین رفته و باعث طول عمر یک گروپ بیشتر گردیده است .

مجزا شدن این‌جمعیت‌کوهستانی باعث آن شده تا از جین های‌مضره جلوگیری شود . او نز که یک گوشهٔ مجزا شده است هر چند مساحت آن خیلی زیاد ووسیع و نفوس آن از نژاد های مختلف‌است تحت همین شرایط قرار گرفته‌ومردم آن طبق تعاملی که دارند با نواحی مجاور خویش ازدواج نمی کنند. مطالعه خیلی محتاطانه ودقیق وضع صحی و ادامه طول عمر مردمان مجاور آن مارا بسوی یک استدلال مهم دیگر رهنمائی میکند که نظر باینکه شرائط زندگی در او نز واطراف مجاور آن همانند است ولی یگانه فرقی که باآنها دارند موضوع نسل است .

این است سوال اساسی که‌ارتباط به‌طول عمر دارد واکنون تحت‌مطالعه است اما موضوع نسل از ابتدای ترکیبات سلولهاتحت پروگرام‌گرفته خواهدشد . یااینکه فکتور های محیط دور و پیش آن در طول تمام حیات بصورت مداوم به کرو ما تین هستوی لطمه وارد میکندکه در آخر مرحله سلول ها تشکل طبیعی خودرا متوقف میسازند .

نطفه در محیط تغذیه کننده پنجاه مرتبه بیشتر طول کشیده و تلف میگردند اگرجریان‌حقیقی‌طول‌کشیدن درمراحل مختلف مثلا سرد ساختن فوری قرار داده شود، سلول‌ها بعد از برآمدن از حالت‌انجماددوباره طویل‌شدن خودرا تاپنجاه مرتبه نه بیشتر ازآن ادامه میدهند. این موضوع فرضیهٔ را به حقیقت‌نزدیک میسازد که حد اکثر تقسیم شدن سلول به پنجاه در نتیجه ترکیب هستوی سلول های والدین‌بوده . مطالعه سیستم تلقیح مرضی‌دروجود امکانات جدیدی را برای تحقیقات علمی بالای سالخوردگان میسر می سازد .

این سیستم تولید مرکبات ضد جسم را مقابل باکتری ها واجسام اجنبی تامین مینماید . یکتعدادعلماومتخصصین فکر میکنند که امکانیت سیستم‌جوان‌ساختن‌دراثر تلقیح‌مرضی‌وجود دارد . اما من فکر میکنم که کشف این‌نوع‌دوائی‌یک‌جریان‌پیشبینی‌شده بوده ودر آینده نتایج‌آن‌معلوم خواهدشد . واین کار وقتی‌صورت‌خواهد گرفت‌که طبیعت‌سالخوردگان از هر نقطه نظر نزد علما معلوم‌شده‌بتواند .

تقریظ



شاغلی عاطفی

اولین شمارهٔ مجله اردو که باآن کلمه مقدس جمهوریت امضا فه گردیده است بانشر پیام رادیو یی شاغلی محمدداؤد رئیس دولت و صدراعظم جمهوریت افغانستان رئیس دوره تقنینیه ونشر مقالاتیکه از طرف منورین اردو به رشتهٔ تحریر در آورده ، از طبع بر آمده است .

این مجله از فداکاری های قهرمانانهٔ اردوی‌باشهامت‌جمهوریت افغانستان یاد آوری نموده‌ومساعی شبانه روزی جوانان اردوی دلیر افغانرا که از هیچ گونه خود گذری در راه استقرار نظام نوین دریغ ننموده اند درج اولین صفحات‌مجله‌نموده است .

این مجله طی راپور های مفصل‌ونشر عکس ها شدت استقبال مردم را از استقرار نظام جمهوری نوین‌بچاپ رسانده است .

در این مجله بر خی از صفحات‌وقف معرفی فرزند قهرمان وصدیق اردو « مرحوم‌لمری‌بریدمن‌حبیب‌الله‌شهید » که خودرا در راه بوجود آوردن نظام نوین قربان ساخت‌گردیده‌است .

درمتن مجله مضمون دیگری بنام« سپیده صبح سعادت » بچاپ رسیده که نویسنده آن مدیرمسئول‌مجله شاغلی « جگرن فیض محمد عاطفی» میباشد . اودراین‌نوشته‌اش‌که‌بابیان شیوا تحریر یافته چنین مینویسد : « مرغان سحری هنوزبخواب غنوده‌بودند، کائنات‌درسکوت عمیق بسر می‌برد و آرامش درسر تاسر گیتی حکمفرما بوده همه در بستر خویش بارو یاهای‌گوناگون آرمیده ، اما در دل شب ودردامان‌سکوت‌همیشگی، جوانمردی‌ازخواب گران بر خاسته بود ... میخواست بکابوس های و حشتناک‌ملت بینوا و مظلومش پایان دهد... حالا جان تازه در کالبداردوی‌فداکاردمیده شد و حیثیت معنوی این خدمتگاران واقعی در انظار همگان جلوگر گردیده اردو از ملت شد و ملت از اردو ... »

از نشر مضامینی که در این‌مجله بچشم می خورد چنین فهمیده میشود که روح تازه ای در وجوداین مجله دمیده شده است و اکنون این مجله با بیان رساتر ، مترقی‌تروپیشگام تر که خواسته جمهوریت نوین است آغاز به نشرکرده است. ماباین حرکت نوین را بنظر قدر دانی دیده و درخشش این‌ستاره را در آسمان مطبوعات نوین کشور تبریک گفته و موفقیت‌مزید کار کنان آنرا آرزومندیم .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بقیه‌از صفحه ٦١

حادثه‌در

قصر درباره ملاقات نماید این کار البته احمقانه بود «اگر آنتی به کمك ضرورت داشت ،دوشیزه تامکنیس می‌توانست که‌برای‌او همکار خو ب باشد ،برای‌لی چه‌فرقی می‌کدر که‌او رادرآنجا ببیند ویااز اودوری‌اختیار کند ،لذا اوهم خندیده و گفت :

ـبرای عمهٔ بزرگم خیلی‌تسهیلات پیش خواهد شد اگر شمادراین جا باشید .

آنتی گفت :

ـاما ،همین‌طوراست ،عزیزم‌همین طوراست حالابرو به‌طبقه فوقانی و لباست را تبدیل‌کن توباید درجریان این سفر گرسنه شده باشی .

لی‌اطاق را ترك‌گفته وراهش ر ا سوی سالون درپیش گرفت دراین جریان یکنوع احساس ترس ناخوش آیند می‌کرد .

ناگهان آنتی خیلی‌پیروسامخورده به‌نظرش‌آمد ،آه ، نسبت به‌آخرین مرتبهٔ که‌لی‌اورا دیده بودالبته د ر تابستان سال گذشته خیلی پژمرده وخسته به‌نظر میرسید واقعا تمام آنها تااندازه زیاد پیر معلوم می گردیدند ویلا ،ویسون‌و برنا آنها برای همیشه درآنجا بودند چه‌چیزی از رفتن آنها جلو گیری می‌کرد ؟

آنها می‌توانستند که‌بروند امایك چیزی جلوآنها را گرفته بود آنها مانند آدمهای کوك شده بودند که نمی توانستند به‌میل واراده خودکار کنند فاقد هرنوع عکس‌العمل بودند صرف فرمان می‌بردند واین سو وآن سو می‌رفتند تااینکه یکروز خوب ، یك‌روز تمام اینها ،تمام این چیزهای که‌آنها ازخود نشان میدهند شا ید به‌شکل مسئولیت فردی‌لی در آید یك روز دیوالی ومیرات هاریش اپلیتون باکدام منفعت و فروش و وباکدام مشکلاتش شاید به‌او تعلق بگیرد .

او از فکر کردن درین باره‌وتوقع داشتن به‌این آرزوی دور ودراز و تقریبا خارج‌از عقل ومنطق را مشکل وباز مشکل یافت ،لی‌به‌اطاق‌خوابش رسید که‌یگانه‌اطاق دلخواه‌اودر قصر دیوالی‌بود «این اطاق به‌یکی‌ازاطاقهای برج قصر تعلق می‌گرفت که‌ازداخل به‌شکل دایروی ساخته شده بودو زیادتر مانند کلاه بود دارای سه پنجره بودکه ازآن می‌شد قسمت داخلی حیاط وماورای باغها راتماشا کرد این‌اطاق طوری تزئین گردیده بود که زیادتر به‌سبك اطاقهای فرانسه شبیه بود ،ویا حداقل مانند سبك فرانسوی بود که‌مردم‌دراخیر قرن نزده ازآن پیروی می‌کردند و منازل شان را مانند آن می‌آراستند.

درآنجا سامان ولوازم ضرور ی درهرگوشه وکنار وجود داشت ، تیلفون لی‌باداشتن‌لین مخانره‌شخصی اش توسط لباس گودی‌های‌فرانسوی که‌زیادتر مانند لباس قاضی ها ی محکمه که‌دامنش فوق‌العاده در از با کناره‌های دست دوزی شده بو د پوشیده شده بود .

مانند هردختر جوان ،می‌سا عات زیادی را دراطاقش سپری میکرددر وبه‌اصطلاح در رویاهای شیرنش غرق میگردید،او ازیك پنجره‌و سطی اطاق زانومی‌زد وپیش خود مجسم‌می کرد که یك روزی شهزاده خوابهای طلائی اش می‌آید ،شهزاده‌که اودر داستانها وافسانه‌های کهن خوانده بود این شهزاده مرد تنومند باچهره نمکین وخیلی جذاب در حالیکه روی اسپ سفید جنگی سوار است نزد اوخواهد آمد سوی پنجره نگا ه خواهدکرد واورا خواهدید .از روی تاکهای انگور ضخیم وریسمان‌مانند که تاآخر دیوار برج ادامه داشت بالا خواهدآمد وبعداورا در آغو ش گرفته وپائین خواهد برد بعد د ر کمال آزادی وصفا روی اسپ یکجا سوار شده وبگوشه خلوتی خواهند رفت .

درحالیکه لی می‌خواست‌این رویا هارا فراموش‌کند متوجه‌تصو یر ی دخترى شدکه روزی‌به‌اوتعلق‌خواهد گرفت‌بعدخندیدوبه‌این‌همه دنیاهای خیاتی‌روپوش کشیدوآنرا بدست نسیان سپرد ،سپس سوی تیلفو ن رفته گودی فرانسوی را به کنا ر گذاشته ونمره را دایل کرد،پدرش جوابداد :

ازویندرلند چه‌خبرها است ؟

ـخوب بالاخره توبه‌آنجا رسید ی لی درجواب گفت :

مانند همیشه غیر قابل قبول

ژوندون

دامتیاز خاوند :
د مجلا تو نشراتی مو سسه
دموسسی رئیس :

سراج الدین وها ج
تیلفون : ٢٣٨٣٤

مسؤول مدیر :
حسین هدی

ددفتر تیلفون : ٢٦٨٤٩
دکور تیلفون ٣١٦٥١(٣٣)

دچاپ مدیر : طورانشاه شهیم
دارتباط اوخبرنگارانو مدیر :

روستا باختری
فوتو را پورتر :مصطفی وزیری

عکاس :محمد ظاهر یوسفزی
پته: انصاری واټ
داشتراك بیه
په‌باندنیو هیوادو کښی ٢٤دالر

دیوی گنی بیه ١٢ افغانی
په کابل کښی ٤٥٠ افغانی

شماره ٢٢ـ٢٣

د(١٧) مخ‌پاتی

انسان‌دلومړی ځل‌دپاره

اود ١٠٧ مکعب فټو په‌اوږ دوا لسی دوه وزرونه در لود. له دغی شیبی وروسته هیڅ شی داو تو لیلنتال د خنډ مانع نه گرځیده،دده د هلکتوب خوبونه حقیقت ته نژدی کید ه‌او یو شمیر نوری الو تکی یی هم‌جو ړ ی کړی.

لیلنتال حتی دبر لین په‌یوه باغه کښی د ٥٠فټو په لوړوالی یـو ه مصنوعی غو نډی جوړه کړی و ه. ددغی مخرو طی شکله خاو رینی غونډی دپاسه یو مخرو طی هنګر موجود ؤ چه الو تکی پکښی ځای درلودی .له‌دغه‌ځای‌څخه«اوتولیلنتال» له‌هغه خوا څخه چه‌باد جاری و ه ، هرلوری ته‌چه زړه یی غو بنتنه‌ځان خوشی کاوه .په ١٨٩٤ کال کښی لیلنتال خپله نهمه ا لو تکه جوړ ه کړه. دغه الوتکه دنورو په شا ن‌یوه جوړه وزرونه در لوده خود اځل نومورې آلمانی فضا نورد یو ه افقی لیندی چه دبیدله لرگی څخه جوړه شوی وه، دټکان د شنډولو په‌منظور دالو تکی دو زرپه‌مخکنی برخه‌کښی ودرو لـه کلـه چـه ا لـو تکـه وغور ځیده ،دده آز مو ینه مثبته نتیجه ورکړه .

په ١٨٩٥ کال‌کښی«او تولیلنتال» خپله لومړنی دو ه وزره الو تکـه جوړه کړه، خو په دی و خت‌کښی دده دپاره چانس زیات ؤ.لکه چه لیلنتال په‌د ی بر خه کښی پخپلـه ویلی ؤ:« قربانی ګانی باید ورکړی شی »ده خپلی تجر بی سرته‌رسولی وړاندی تله اود الو تنی دبریا لـی وختونو هرکلی یی کاوه.

دده داخترا عاتو مربوط خبرونـه اوپه فضا کښی ددهدالو تنوعکسونه په‌ټوله نړۍ کښی خپاره شول ا و نوروته یی بلنه ورکوله چه‌دا لو تنو ماشینو نه جوړ کړ ی.

«قربانی باید اروم‌رو ور کړی‌شی»

دلیلنتال ا لوتکو ، نو مورې‌خپل شهرت ته ورساوه مګر په‌پای کښی یی‌دی ووازه .د١٨٦٩ کال دا گست دمیاشتی په‌یوه رو ښانه و ر ځا و تولیلنتال پخپله ١١لمبره دو ه‌ورز ه الوتکه کښی الو تنی کو لی. خلکو په‌ډیره تلوسه ددغی الوتنی نندارە کوله ،خو وروسته په ډیر وحشت سره یی دیوی ناڅاپی‌سیلی دراتګ احساس وکړ. دلیلنتال الو تکه پـه نیمه فضا کښی ودریده خلکو ولیدل چه‌لیلنتال ځان وړاندی وغور ځا و ه اوهڅه یی وکړه چه دالوتکی مخکنی برخه ښکته کړی ،خوو خت له وخته تیر ؤ.الو تکه له حرکت‌څخه ولویده وزریی ولو یده او الوتکه په‌یوه خوا وغور ځیده.

په لومړی سر کـښی دا سـی ښکاریده چه الو تکه ښایی ډیر لږ زیان لیدلی وی ځکه چه‌یو وزریـی زیانمن شوی ؤمګر «او تولیلنتال » الوتکی‌ته په‌لږه فاصله‌هاخوا بیسده پروت ؤ. ده ددرد احساس نه کا ؤ خوشا یی ماته شوی وه. په‌بله‌ورځ لیلنتال دبرلین دبر ګمن په‌کلینـك کښی مړشو. دده دقبرپه‌تیږه باندی دغه شعار ولیکل شو :«قربا نی باید ارو مرو ورکړی شی ».داد لیلنتا ل خپله خبرۍ وه .

داتلا نتیك په‌بله خواکښی داوهیو ده«ډیټن» په وړو کی ښار کښی دوو ورونو دلیلنتال دمړ ینی‌دخوا شینی خبره واوریده او تصمیم یی ونیوچه دلیلنتال هغه اقدام تعقیب کړی چه نیمګړی یی پری ایښی ؤ.«اور ویل» اوموبلبر رایت» ددوی نومو نه ؤ.

(c) Vetabton.com: The Digital Library

حضرت عمر ((ض))

خواندم گفتم: شهادت‌میدهم باینکه خدای‌جز او نیست وگواهم بر اینکه حضرت محمد فرستاده اوست .

در بین اثنا آن ها که‌خود را از ترس من پنهان کرده بودند ظاهر شدند وحمد خدا را بجا آوردند وگفتند‌ای ابن عمر باتو بشارت میدهیم که روز دو شنبه پیغمبر إسلام «ص» دعا نموده بودند که اسلام رابه‌انقیاد یکی ازدو عمر خداوند عزت دهد ومامطمئن هستیم که دعای پیغمبر اسلام در شان تو قبول إفتاده است .

حضرت عمر «رض» میگوید وقتیکه صدق یقین مرادر مورد اسلام دانستند گفتم : جای پیغمبر اسلام را بمن نشان دهید . گفتند :در پائین‌صفا منزل‌فلان شخص سپس به تنهایی بر آمدم وآن دروازه را کوبیدم صدای را شنیدم که میگفت کیست ؟گفتم: ابن‌خطاب پیغمبر اسلام گفتند .دررابازکنید اگر إرادهٔ خدا رفته باشد هدایت خواهدشد در را باز کردند ودو نفر بازویم‌را گرفتند ونزدرسول‌خدابردند ودرآنجانشستم.وپیغمبر اسلام بسوی من نگریست وگفت :یا ابن خطاب ! مسلمان شو تا خدا ترا هدایت‌دهد گفتم گوایم به اینکه خدائی جز او نیست وتو رسول آنی .سپس مسلما نان همه با آواز بلند تکبیر گفتند که آواز شان تا مکه رسید این حادثهٔ نیك در سال ششم نبوت که عمر «حضرت عمر» به۲۶ بالغ میگردید وسه روز بعد ازاسلام حضرت حمزه «رض» صورت گرفته است .ولقب فاروق‌را حضرت پیغمبر اسلام برای شان دادند

تردیدی نیست که باعث گرائیدن حضرت عمر رض به اسلام بلاغت وفصاحت واعجاز قرآن بوده است که در قلب یکمرد عر بی تالیر ش را بخشید واز تمام منکوره ها ی منفی جاهلیت دفعتا بازگشت وراه صواب‌را پیش گرفت .

حضرت عمر «رض» در جنگ ها از خود شجاعت نشان داده در إجرای حق وعدا لت از شدت کار می گرفت در ینمورد ازملامتی احدی باکی نداشت در صراحت لهجه نمونهٔ بزرگی بوده بر رعیت خودشفقت داشته و إگر کار بدی را مواجه میشد اشك از چشمانش جاری میگشت حاکم عادل،سر باز شجاع ومسلمان واقعی بودحتی‌قبل ازاسلام نیزشهرت خوبی‌داشته‌دارای شخصیت‌وحثیت عالی بود که مردم قزیش جهت حل وفصل منازعات نزد یشان مراجعه می کردند .

شخصیت حضرت عمر «رض» نزدهمه روشن است که بواسطه شان لوای اسلام بلندشد وباین شخصیت قوی سیاست اسلا می‌درهر جا پیروز آمد چنانچه بزر گترین مثال شخصیت شان اینست که بعد از گرائیدن به اسلام روشن خود را اعلام کرد وهمچنان وقتیکه حضرت رسول خدا«ص» اصحاب‌شان را به مهاجرت اجازه فرمودند اصحاب کرام بصورت پنهانی مهاجرت‌میکردند ولی حضرت عمر «رض» بصورت اشکار به این کار اقدام نمودند که حضرت علی کرم الله وجهه در مورد میگوید .پوره بیاد ندارم که احدی‌از مسلمانان بصورت اشکار بجز حضرت عمر «رض»هجرت کرده‌باشد .وقتیکه‌ارادهٔ هجرت نمود شمشیر خود را بگردنش آویخت کمان را بشانه وچند تیر را بدست گرفت وبکعبه آمد در حالیکه إشراف قریش‌در آنجا جلسه نموده بودند هفت بار طواف کرد وبمقام حضرت ابراهیم «ع» دور کعت نماز إدانمود سپس به مجلس هرکدام شان آمد وگفت : رو های تان سیاه بار ذلت متو جه باشد هر که میخواهد که مادرش بیوه فرزندش یتیم وزنش بی شوهر بماند عقب من به این وادی بیاید که من ارادهٔ هجرت دارم سپس راه خود را گرفت واحدی عقب آن نیامد تا اینکه بمدینه منوره رسید .

در مورد شفقت ودلجوئی حضرت عمر نسبت به رعیت چنین میاور ند .با آنکه حضرت شخص با هیبت وتند خو بود ولی دارای قلب رقیق وشفقت زیاد بود که‌اوراق تاریخ از حوادث وامثلهٔ آن مملو است و مادر اینجا باذکر چند مثال در باره اکتفا میکنیم .

میگو یند که شبی حضرت عمر در «ض» طبق عادت جهت إحوال‌گیری رعایا دراطراف مدینه از خانه بر آمد خیمه‌ای را درصحرا دید که روز آنرا ندیده بود نزدیك آن خیمه رفت آواز زنی را شنید مردی راپیش روی خیمه درحال ایستاده دیدو ازآن‌پرسید که کیستی ؟آن مرد گفت :مردی از اهل بادیه هستم به نزد امیر المو مین آمدم تااز فضل وجود آن بهره‌مند شوم چه زمان ولادت همسرم فراز سید «وکسی ندارم تااو را یاری کرد سپس حضرت عمر «رض» به خانه آمد وبه همسرش گفت آیا میخواهی‌که ثواب بزرگی کمائی کنی ازنیست از مرد م بادیه میعاد ودلانش قریب شده‌وکسی ندارد تااورا مساعدت کند آرزو منم با من بروی وآنچه ضرورت میشود با خود بگیر ی سپس هر دو قدری روغن ودیك را با خود گرفتند ونزد آن زن آمدند وبه همسر شان إجازه‌دخول دادند وخودشان‌باآن‌مرد دربیرون نشستند گفتند با من مساعد ت کن‌تابه‌کمك یکدیگرزیر دیك‌آتش روشن‌کنیم تا وقتیکه طعام تهیه گردد آن زن نیز وضع حمل خواهد کرد درهمین موقع همسرحضرت عمر گفت یاامیرالمو منین به رفیقت بشارت ده که پسر متولد شد وقتیکه آنمرد لفظ امیر المو منین را شنید لرزید وخجل شد و گفت یا إمیر المو منین مرا خجا لت ساختی به اینکه خود آتش‌در دادی حضرت عمر «رض» در جواب گفت ای برادر عر ب اگر امور مسلما نان بکسی داده میشودباید از احوال خورد وبزرگ آن دلجوئی کند چه او در زمینهٔ مسئولیت دارد واگر درین باره غفلت‌کندزیان دنیاو آخرت‌بوی متوجه میشود سپس حضرت عمر «رض» خود شخصا آن دیگ را گرفت وتا نزدیك خیمه برد و خانمش آن زن را طعا م‌داد سپس حضر ت عمر «رض» وخانمش ازآنجابرآمدندوبه‌آنمرد گفت که فردا به دار لخلافه بیا ید، آن مرد فردا آمد وماإحتیاج خودرا از بیت المال اخذ کرد .

حضرت عمر «رض »در عدل ومساوا ت نمونه بارزی‌میان‌مردم درمعامله‌محسوب‌گشته میان قوی وضعیف ،غنی وفقیر هیچگو نه امتیازی قائل نمیشد که در باره احنف بن قیس چنین میاورد .با حضرت عمر «رض» نشسته بودم که مردی آمد وگفت .فلان مرد بمن ظلم نموده ومرا یاری نمای حضرت عمرآن مرد را بادره زد وگفت امیر المومنین رانمی گزارید که بکار مسلما نان اشتغا ل ورزد آن‌مرددر حالیکه آثار حزن ازسیمایش هویدا بودباز گشت سپس حضرت عمربخود اندیشه وگفت که در باره از انصاف کا ر نگرفته است آنمرد را خواست ودره را به دستش داد وگفت قسمیکه ترازدم مرا بزنی آن مرد از زدن ابا ورزید وگفت به خاطر خدا وتواز حقم گذ شتم حضرت عمر گفت یا محض «بخاطر خدا خواهی گذشت‌و یازاء حقیقت را خواهی گرفت ؟آنمرد گفت بخاطر خدا‌گذشتم .سپس حضرت‌عمر بخانه رفت‌وبا او همراه بودیم بعداً دو رکعت نماز خواند ومیگفت یا ابن خطاب‌پائین‌بودی خداوند ترا رفعت‌داد ضعیف بودی عزت‌داد وترا خلیفه مسلمانان ساخت‌راه‌گم‌بودی خدا تراهدیت کرد‌مردی‌نزدت‌می‌آیدوازتو میخواهد که‌ازآن ظلم‌رفع‌شود تواوراظلم‌میکنی پس‌فردا بخدایت چه خواهی گفت ؟

بانفس خود محاسبه مینمود وباخود گفتم‌که‌او بهترین اهل روی زمین است.

همچنین روایت است‌که ابوموسی اشعری والی عراق مردی راباچوب زدوسرشس را تراشیده آن‌مردشکایت کنان نزدحضرت عمر

آمد وحضرت عمر ازین حادثه متاثر شدوبه ابوموسی نوشت‌بایدمعاملة بالمثل اجراشود. ابو موسی‌مردم راجمع نمود وازآن معذرت خواست آنمرد نپذیرفت وبه آنمرد گفت که بیاو حقت را ازمن گیر وچندان آنمرد اجازه نداد وازحقش صرف نظر نمود.

امثال اینگونه مثال‌هادر باره شخصیت،عدالت شفقت وسیاست ورعیت داری حضرت‌عمررض از حدزیاد است‌که‌نمیتوان تمام‌آنرا درج‌این خلاصه کرد .

بالاخره این خلیفه شجاع وعادل اسلام بعداز زحمات زیادی در اثنای‌ادای‌نماز صبح ذریعه کارد توسط ابولولو فیروز نام غلام مغیره مجروح گردیده وفات یافت ودرآن إثناگفت: خدا راسپاس‌میگویم که‌مرگ من‌توسط‌شخصی صورت گرفت که‌ادعای إسلام را نداشت .

قول رایج‌این‌است‌که فیروزمذکور عدیم‌العقل بوده بدست حضرت عمر سیزده تن دیگررا نیز زخمی ساخته که‌هفت از إیشان وفات وباقی زنده ماندند.وقتیکه یقین حاصل‌کرد‌که کشته میشود بدون مداخله احدی خودرابقتل رساند در روز چهار شنبه ماه ذی‌الحجه

سال ۲۳هجری‌این حادثه اتفا قی‌افتاد ودرروز یکشنبه اول ماه‌محرم سال ۲۴هجری مطابق ٦٤٤م در حالیکه‌سن‌شان به«٦٣» سال‌رسیده بود بخاك سپرده شدومدت خلافت این خلیفه عادل وشخصیت بزرگ إسلامی ده‌سال وپنج ماه و۲۱ روز بوده است .

امام بخاری درصحیح خود مینویسد .

اولین کسیکه مردم رابخاطرنماز تراویح‌گرد هم‌جمع نمود وابی‌ابن‌کعب ابن‌قیش‌رابه‌إمامت موظف ساخت حضرت عمر «رض» بود .

ازحضرت علی روایت است‌که روزی وی‌درماه رمضان از مسجدی گذشت که درآن قندیل هاآویزان بود گفت .خداوند قبر حضرت عمر را روشن ساز چنانکه او مساجد رادروشن ساخت .

روزنه اواخلاق

ته پتوی اووایی : همدغه مذهبی شعایر دی چه په باطن اوزړونو باندی حاکمیت لری .

که دتاریخ زړه ته نظرواچوو اوپاتی یی واړوونو پوهیږه‌شوچه‌به‌پوهوخت کی‌دانسان‌خپلی عملونه‌خطالغزیدل‌اودپاك خدای‌له اوامروخخه فاره‌غرول‌پدل‌کیده‌اوس همغه کارونه‌لهدی‌کبله خطااوناوړه بلل‌کیږی چه‌داجتماعی ژوندانه‌له اساس سره ضدیت اومخالفت لری، همغه خه چه‌پرون مذهب‌وکناه کنله همغه خه ثن لدی جهته چه له قانون څخه مخالف دی «جرم»بولی. مذهبی احکام چه په کامل قدرت سره یی‌دخلکو په زړونو، افکارو، خبرواوعمل باندی تسلط اوحکومت درلود اوپه مینه سره عملی کیدل نه، په اجبارسره اوس یی داجتماعی وظایفو نو م کتلی اوخوك چه له اجتماعی مسئولیت سره څه ناڅه علاقه لری عملی کوی یی اوکه نه دبل ژوند له بدی نتیجی څخه څه اندیښنه ورسره نشته او داموٴثر عامل له مغزونه وتلی دی .

غلابنده بلل‌کیږی نه‌له‌دی کبله چه له‌اجتماعی هوساینی اوآرامی څخه پرته دین حرامه بللی اوسارق ته په حقیقی اوبله دنیاکی سزاورکول کیږی ، بلکه په ننني عصرکی غلاله دی کبله بده ده چه امنیت اواجتماعی آرامی ته صدمه رسوی . تاسی وظیفه لری چه دخپل ملګری سره یی وفایی ونه‌کړی نه له‌دی سببه چه بی‌وفایی اخروی‌سزا لری اودپاك خدای دقهر وسیله‌ده، چه‌له‌ځانه‌څخه ډیره‌ډیره پکسار ده بلکه له‌دی سببه چه داکارستاسی دخپلوی او دوستی روابطو ته زیان رسوی مذهبی امورونه توجه‌دپاك خدای دتقرب‌دپاره نه‌ده‌بلکه‌یوازی دډی دپاره‌ده‌چه‌پخوانیو اوقدیمی‌آدابوا‌وسنتو ته یوډول احترام دی . تقوی داخرت دثواب اواجرپه غرض نه احترام کیږی بلکه دهغو آثارواوګټوپه غرض یی احترام کیږی چه په اجتماعی اوفردی‌ژوندکی په‌هغه پوری تړلی‌دی، مګر دا ډول اخلاق دزمان ،مکان او محیط په تناسب دتغیر وړدی‌اود «نسبی اخلاقو» ټولو پری اینښودی‌شو، په‌دی‌اخلاقو کی‌هیڅ یومطلق امروجودنه لری دغه کوتی که هرڅومره عظمت هم ولری مګربیاهم دهغی پایی ضعیفی اودلږی زلزلی په مقابل کی خپل موجودیت له لاسه ورکوی اودشرایطو دمحیط ، زمان او مکان په تغییر سره ورانیږی . په دغه ډول‌اخلاقو باندی هیڅ‌کوم متین اوروښانه سیستم حاکمیت نه‌لری، خلاصه داده چه نه‌کوم اصل لری او نه‌کوم ماخذاومبناء مګربنایی دی ته خیر شو چه دغه اخلاق‌کلکی ریښی نه لری اوددی دپاره چه‌عقیده اوایمان‌په‌همغه باندی تقویه شی‌هیڅ لاره نه‌لروا‌ونه‌یی پیداکولی شو. دیوی حادثی په پیښیدویادیوه علمی کشف په‌وسیله سره دبدلون اوتغییرموردګرځی مثلافرویدیزم دډیرو خلکواخلاقی جهان کتنی ته تغییر وروسټ .

یوداسی دولت په نظرکی ونیسی چه هغه دننني علم په‌اساس دکوم جرم دپاره اعدام لازم وګڼی مثلادهغه دولت مقننین تصویب وکړی : هغه کسان چه‌په دولتی دستګا ڼ کی دغلامرتکب شی باید هغوی اعدام شی، ددی دولت له تشخیص سره سم اجتماع دغه قانون ته احتیاج لری، نوځکه یی هغه تصویب‌کړی دی آیاددی قانون له تصویب څخه وروسته د همغه دولت خلك حق نه‌لری چه عقیده ولری دغه قانون داخلاقو له نظره غلط اوهغه اعدامو نه چه ددغه قانون په سبب صورت مومی ناوړه کاردی څکه دانسان وژل څه معقول کارنه دی یوځه نورهم مخکښی لاړشی . اوهغه دولت په نظرکی ونیسی چه دهغوخلکو دپاره یی‌مرګ په نظرکی ټیولی‌وی چه قوتونه یی منحل شوی وی اوددوی دژوند ادامه داجتماع له رفاهیت سره تناقض لری ، مذهب له دغه ډول عمل څخه متنفردی مګر په‌کوم اساس ؟که‌په‌دی معتقد یوچه داجتماعی إحتیاجاتو دانسانی قوانینود ارزښت دپاره‌وړعالی‌او محکم‌اساس دی، نوسره له دی مفکوری آیاکولی شوو وایو چه داکار داخلاقو له نګاه څخه یوغلط کاردی، که په‌دی معتقدنه شوچه «پاك خدای دانسان خالق اودهغه حیات‌یی محترم اومصئون بللی» څنګه به معتقد واوسوچه دانساناتو حیات او مقدس دی ؟ اوپه ضمن‌کی ددی ضعیفوناتوانو کسانو حیات چه عمریی پای ته رسیدلی او قوتونه یی منحل شوی دی هم محترم اومقدس دی .

عرض تبریک

منسوبین د افغانستان بانک بهترین

تبریکات خود را بمناسبت سالگرد

جشن استقلال وطن بحضور مؤسس جمهوریت

و رئیس دولت بنا علی محمّد داؤد وکافه

ملّت نجیب افغان تقدیم میدارند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض تبریک

نساجی عبدالرؤف مقصودی
ABDUL RAUF MAQSUDI
TEXTILE MILLS
P.O. BOX 210 KABUL
AFGHANISTAN

عبدالرؤف مقصودی، منسوبین و کارگران فابریکه نساجی

مقصودی و فابریکهٔ پلاستیک سازی مقصودی بهترین

تبریکات خود را بمناسبت سالگرد جشن استقلال وطن -

بحضور مؤسس جمهوریت و رئیس دولت بنا غلی محمد داؤد و کافهٔ

ملّت نجیب افغان تقدیم میدارند

امید واریم در پرتو تحولات تاریخی کنونی مملکت ما در عرصه صنعت

و سایر ساحات زندگی اجتماعی بترقیات روزافزونی نایل آید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض تبریک

منسوبین فاریاب که در ایام فرخنده سالگرد استقلال

عنقریب شروع بکار نموده افتخار دارند پنجاه و پنجمین سالگرد

استرداد استقلال کشور را به موسسین ارجمند رژیم جمهوری

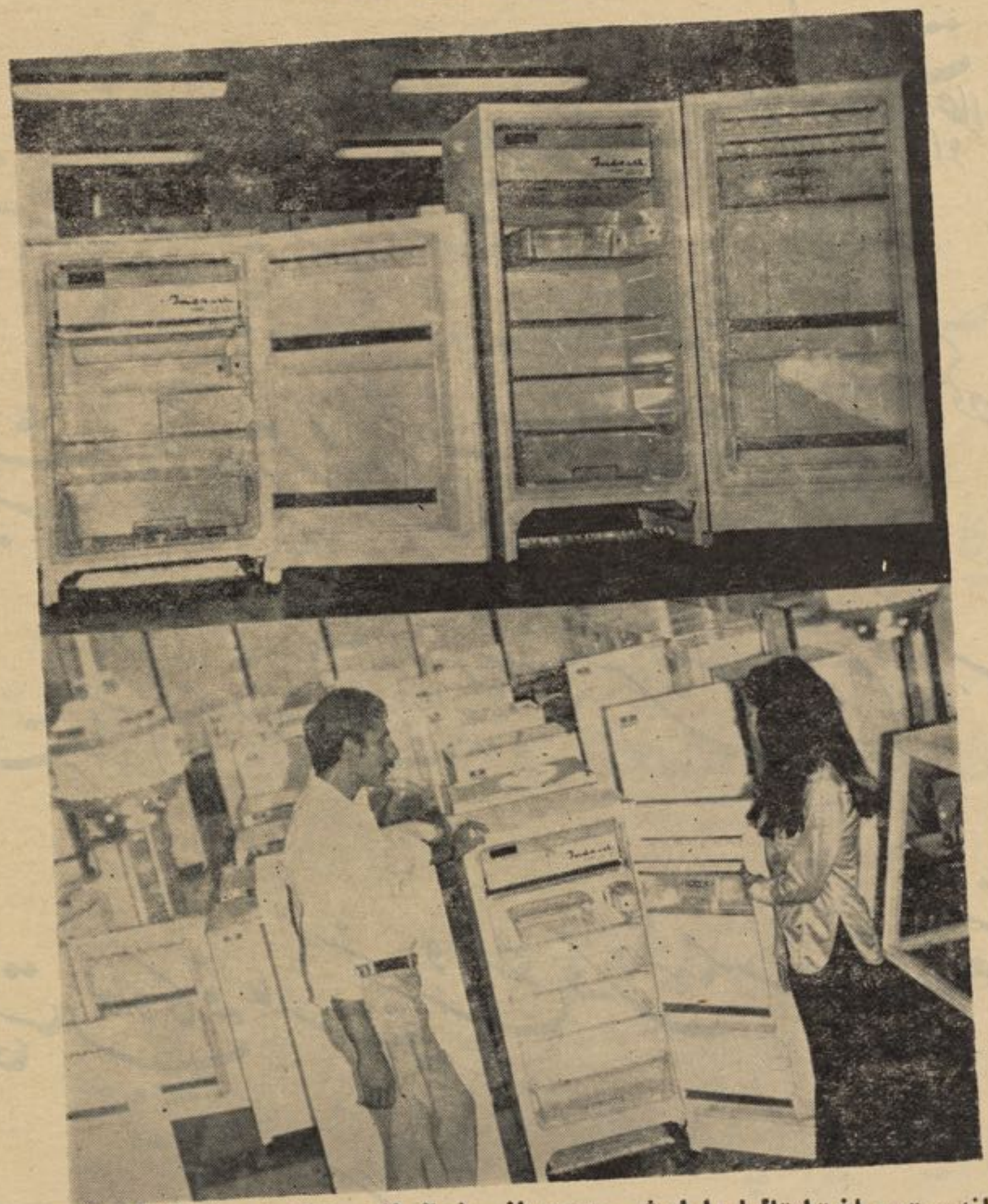
افغانستان و کافهٔ ملت نجیب و اصیل ما شهامت و غیور افغان

تبریک و تهنیت میگویند.

(c) Archive.com: The Digital Library

فروشگاه بزرگ افغان

بابهترین وقشنگ ترین یخچال های جهان در خدمت شما



یخچال اندست ساخت ایتالیا دارای شهرت جهانی یخچال اندست که در بیش از یکصدو بیست کشور جهان مردم باعلاقمندی زیاد ازان استقبال کرده اند.

یخچال اندست مدرن قشنگ وخوش ساخت.

یخچال اندست درگرمای تابستان غذای صحی را برایتان نگهداشته شمارا فرحت میبخشد .

یخچال اندست راصاحبان ذوق وسلیقه عالی انتخاب میکنند.

یخچال اندست را ازفروشگاه بزرگ افغان بدست آورده میتوانید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دیماحیوانی محصولاتو سهامی شرکت

YAMA ANIMAL PRODUCTS .CO

KABUL / AFGHANISTAN

عرض تبریک

تمام منسوبین دیماحیوانی محصولاتو سهامی شرکت پنجاه و پنجمین

سالگرد استرداد استقلال کشور را بحضور مؤسسن جمهوریت.

افغانستان، اردوی باشهامت وغیور افغان وکافهٔ

ملت نجیب افغانستان عزیز تبریک عرض نموده ورفاه مردم

را تحت رژیم جوان جمهوری از خداوند متعال آرزو دارند.

دیماحیوانی محصولاتو سهامی شرکت افتخار دارند ازینکه با

صدور محصولات حیوانی، زراعتی جهت جلب اسعار وارد باد

صادرات کشور رول مهم وفعال را در اقتصاد وطن دارد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بقیه صفحه ۳

خطاب بمردم افغانستان

داد ـ مرحله به مرحله بـــه‌پیش رفت .

شـرط ضـروری انـجا م‌موفقانه وظایف مبرم ملی بـا شرکت قاطبه مردم در حیات‌اقتصادی ـاجتماعی‌و سیاسی کشور است .

هموطنان! اکنون در مرحله‌قرار داریم که‌سوالهای ز یر مطرح است : چه کرده مـی‌توانیم؟ ازکـجا باید شرو ع کرد؟ بکدام جهت باید رفـت؟ برای جواب دادن به ایـن پرسشی ها باید قبل از همه‌اعلام داشت که در اوضا ع و احوال کنونی وظیفه عمـده‌و مبرم و ضروری دو لـت جمهوری جـوان افغانستا ن تحکیم پایه‌های‌رژیم جمهوری تامین کامل امنیت مصئونیت‌و رعایت قانـون در کشو ر است تا شرایـط سالـم ومطمئن و دیمو کراتیك برای مردم سرا سر افـغانستا ن‌بدون تبعیض و امتیاز امـاده گردد و در زود ترین فرصت‌کمیسیونی بغرض مطالعه و تدوین مسوده قانون اساسی‌جدید جمهوریت تعین و پس از طی مراحـل قـانونـی وتصویب آن ازطرف لوی‌جرگه افغانستان به مرحله انفا ذدراید و دمو کراسی واقعی ملی تحقق یابد .

دولت جمهوری افغانستان‌خواهان تحول عمیق واساسی در نظام اجتماعی کشور است‌دولت بادرنظر داشت وایفای وظایف متذکره و به موازا ت‌آن در اجرای وظایف ذیـل مجدانه سعی خواهد کرد :

۱ ـ اصلاحات سیاسی :

با ازبین رفتن رژیم گذشته‌اکنون امکانات آن بوجود آمده است که کلیه قـوای دولتـی‌بدست مردم‌واستقرار حاکمیت ملی در وجود جمهوری جـوان‌ودیمو کرا تیك افغا نستـان متمرکز گردد .

حاکمیت ملی:

خو ش بختا نه جمهوریت‌جوان از پشتی بانی صمیمانه اکثریت مـردم افغا نستـا ن‌بـرخور دار است واز منافـع اوشان نمایند گـی میکند. درآینده براساس قانون اساسی جمهور یت کـه نـافذ میگرددتجدید انتخا ب هیئت دولـت جمهوری و تفکیك قوای دولت‌بـر اساس تـساوی حقـو ق و اشتراك قـا نـو نـی مردم‌افغا نستـا ن صورت خواهـد گرفت .

دولت جمهوری بمنظوردفاع‌از تمـامیت ارضی و استقلال وطن ما افغانستان و حاکمیت‌ملی‌که از وظـایف مقدس آن است بانظر داشت موازنه قوادراین منطقه دنیا قوای مسلح وقدرت دفاعی کشور را تقویه‌خواهـد نـمود اردوی جـوان افغا نستان دیگر یـك اردوی‌جمهوریت است .

دولـت جمهوری د ستگـاه‌اداری دولت‌را ازلحاظ پرسونل شیوه های‌کار سادگی‌وسرعت‌عمل و سیستم اداره تصفیـه واصلاح خواهد کرد وآنرا سرازنو تشکیل و تـکامل خواهد داد .

دولت جمهوری افغا نستان‌که براساس منافع مردم کـه در نتیجه فـدا کـاری مردان‌وطن پرست جمهوری بوجـود آمده است بسط وتوسعه‌حقوق‌آزادیهای دیمو کراتیك را در وجود قانون‌اساسی جمهوریت‌ودیگر قوانین متمم آن بخاطر ترقی وتکامل جامعه، استحکام‌نظام جدید و پیشرفت مـادی ومعنوی لازم می‌شمارد .

دولت جمهوری افغا نستان‌برای تامین ازادیـهای مرد م درچوکات منافع ملی و مصالح‌رژیم جمهوری از همین اکنون به اقـدامات مقتضی متو سل‌خواهـد شد .

مسألهٔ ملی:

افغانستان کشوریست کـه‌در آن اقـوام بـرادر مختلف زندگی دارندرشته های‌مختلفی‌این ساکنین افغانستان را بهم پیوند میدهد کـه در تاریـخ‌طولا نـی کشور سر نـوشت مشترك داشته ودرراه استقلال‌وآزادی کشور متحدانه مبارزه کرده اند در ایجاد فرهنگ‌مشترك ملـی با هم همـکاری نموده اند .

لـهذا دو لت جمهوری برای‌ایجاد یك اتحاد واقعی مـادی ومعنوی بین مردم افغا نستان‌بر اسا س برابری، بـرادری ودوستی سعی می‌نماید ودرپی‌آنست که همه انواع واشکال تبعیض را ریشه کن سازد .

۲ ـ ا صلا حا ت اقتصادی:

افغانستان ازلحاظ اقتصادی‌کشوریست درحال رشد ورفع این عقب ماند گـی مستلـزم‌آنست کـه گـا مهای سریـع ووسیعی دراین‌زمینه برداشته‌شود وتحولات بنیادی در این مورد اجراء گردد ویك اقتصادملی مستقل مترقی همآ هنگ وبراساس پلان وبرپایه‌ساینس‌وتکنولوژی معاصر باید ایجاد شود .

توسعهٔ صنایع :

دولت جمهوری افغا نستان‌ایجاد صنایع سنگین از قبیل صنایع استخراج معادن، ایجادصنایع فلز کـاری و ماشیـن سازی صنایع کیمیاوی و برق‌را که ضامن پیشرفت سریع اقتصاد وتحکیم‌استقلال کشوراست حا ئـز اهمیت بزرگـ می‌شمارد و در تحت سـکتوراقتصاد دولتی اقدامات جدی‌را در زمینه مرعی خواهد داشت‌استفاده از معدن‌آهن حاجی‌گك بمنظور ایجاد کار خانه ذوب‌آهن و صنعتی ساختن کشور آرزوی دیرین ماست .

دولت جمهوری سر ما یـه‌گزاری های‌خصوصی وتشبثات خصوصی را در رشته ایجـادصنایع‌کوچك ومتوسط وصنایع دستی تشویق حمایه، رهبری‌وکنترول خواهد کردوهمکاری های لازم را بین سرمایه های‌دولتی وسرمایه های خصوصی بمنظور ترقی هماهنگی و رشدمتعادل اقتصاد مـلی بصورت مختلف بوجود خواهد آورد.

دولت جمهوری حما یت ازصنایع ملی، صنا یع دستـی وهنر های ملی را وظیفه‌جدی‌خود مـی شمارد و سیاسـت حمایوی را از صنایع و تجارت‌داخلی در برابر رقابت اموال وسرمایه های خارجی در پیش خواهد گرفت .

تجارت:

د و لت جمهوری تجـارت خارجی کشور را به اساس‌یك تجارت رهنمائی شده بر روی منافع ملی رهبری خواهدکرد.

د ر سا حهٔ پو لی ومالی:

دولت جمـهو ر ی اسعـار خارجی را در کشور کنترول جدی خواهد کـرد. دولت از دوران پول دربازار سیاه سر سود فاحش جلو گیـری بعمل خواهد آورد وامانـات و پس انداز هارا دربانك ها تشویق وتضمین خواهد کرد .

دولت جمهوری افغا نستان سیستم مالیاتی کشور را بـر اساس رجحان دادن ما لیا ت مستقیم برغیر مستقیم اصلاح خواهد کرد .

زراعت :

دولت جمهوری افغا نستان اصلا حات ارضی را بـرای منافع اکثریت مردم‌افغانستان یکی از اقدا مات عمـده در پرو گرام اصلا حات بنیا دی خو یش در نظر خوا هـد گرفت .

کو پرا تیف ها و شرکـت های تعاونی زراعتی تو لیـد و مصرف باشترا ك اکثر یت زا رعین و به نفع آنان‌بوسیلهٔ دو لت جمهو ری تا سیس خواهد شد .

دولت اراضی بائـر را در صو رتیکه امکان آن موجـود باشد آباد وشبکه های آبیاری را تو سعه خـواهـد داد .

همچنان دو لت تدابیر علمی را برای بسط و تو سعه‌تربیهٔ حیوا نات اتخاذ خواهد کرد.

ساختمان مواصلات وحمل‌و نقل:

دو لت جمهو ری ساختمان های عامه را مطابق به مقتضیات و شرایط عصر بوجود خواهد آورد فعا لیت های خانه سازی را تسر یع خواهد کرد و به بی خانه و مستحقین وا قعی قرارمقررات آن توزیع خواهد کرد .

دولت امور شهر سا زی را در کشور اصلاح و بخصو ص پلان بیست و پنجسا له تجد ید سا ختمان شهر کابل را تطبیق خواهد نمود .دو لت شبکه ها ی موا صلاتی را توسعه شهرها و مراکز عمده اقتصا دی کشور را بوسیله راه ها ی اساسی موتر روباهم و صل و امکان تاسیس شبکه های راه آهن را برای آینده کشور مطالعه خوا هد نمود .

دو لت جمهو ری بمنظور تسر یع حمل و نقل و تامین رفاه‌مردم وسائل ترانسپورتی عامه و در درجهٔ اول شرکت های بز رگ تراز سپو رتی را رهبری و تقو یه خواهد کرد و در امور سرو یس های شهری‌برای مردم‌سهولت بیشتری را در نظردارد .

۳ - ا صلا حا ت اجتماعی :

در وضع کنونی کشور ما اکثر یت مطلق مردم ازحقوق و نعمات مادی و معنو ی محروم اند و ازلحاظ اجتماعی در شرایط د شواری بسر می برند این وضع رقت بار به هیچ وجه متناسب بامدنیت معاصر و در خور مردم نجیب و مستعد افغا نستان نیست. لهذا دولت‌جمهوری افغانستان پرو گرام اصلا حات اجتماعی ذیل را درنظردار د :

بهبود شرایط کار:

دو لت جمهو ری برای‌بهبود شرایط کار و معیشت ما مورین و مستخدمین دولتی‌اقدا مات مقتضی را بعمل خواهد آورد .ار تقابه مقامات‌دولتی را براساس شایستگی و تقوی صلا حیت سوا بخ‌خد مت رو حیه وطن پرستی وعشق به خدمت درراه اعتلاو ترقی وطن در نظر خواهد گرفت.

دو لت در جملهٔ نخستین‌اقدا مات خو یش حد اقل دستمزد کارگران را متناسب‌با مخارج زندگی و احتیاجات ضرو ری مادی و معنوی‌ایشان‌و سا عات کار کارگران تعین خوا هد کرد و اصل‌مزد مسا وی در برابر کار مساوی راب ر قرار خوا هدسا خت .

دو لت قانون مترقی ودیمو کراتیك کار را بمنظور اصلاح وبهبود شرایط کا روتامین مصؤنیت حقو ق فر دی و اجتما عی کار گران‌صنعتی و زرا عتی و ضع وتطبیق خواهد کرد.

دو لت جمهو ری بیمه های‌اجتما عی راب رای کار گران سائر زحمت کشان شهر وده نظر به وضع و بنیهٔ مالی خویش تاسیس خوا هدکرد .و نیز بهبود وضع‌بلدی را جز اقدا مات خو یش‌بغرض بهبود شرایط زندگی مردم در نظر خواهد گر فتو در تثبیت کرایه خانه ها موسسات و د کا کین جداًاقدام خوا هد کرد .

ترقی‌عمومی:

دو لت جمهوری افغانستان‌بر پرو گرامهای معارف‌تجدید نظر نموده و آنها را اصلاح‌خواهد کرد برای امحای بیسوا دی عمو می و ایجادتحول فر هنگی در مملکت بر اساس فر هنگ ملی ومترقی‌مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی و بار وحیهٔوطن پر ستی و خدمت بمردم پرو رش خواهد داد .

دولت تعلیمات ابتدا ئی‌عمومی و مجا نی راب رای تمام کود کان اعم از دخترو پسراز طریق بسط و تو سعهٔ مکا تب دو لتی تامین خواهدکرد همچنان زمینه های تعلیمات متو سط و عالی رابمنظور پرو رش کادر علمی آماده خواهد ساخت.

دو لت جمهو ری برای‌بسطو تو سعه مطبو عات و انتشا رات دیمو کراتیك‌بمنظور بیدا ری مردم کمك موثر خواهد کرد و هنر های‌ملی تیاتر سینما ها و رادیو را تقویه و تو سعه خواهدبخشید و همچنان برای ایجاد شبکهٔ تلو یز یون در مملکتاعند اللزوم اقدام خواهد کرد.

دو لت بمنظور تو سعه‌تحقیقات علمی و تا ریخی در باره مد نیت گذ شته مملکت‌برای حفظ آثار با ستانی و تحقیقات باستا نشناسی وتاسیس مو زیم های ملی اقدام لازم را مرعی خواهدداشت .

دو لت در ایجاد کتا بخانه‌ها بسو یه های مختلف و در نقاط مختلف کشور سعی‌بعمل‌خواهد آورد .

دو لت‌جمهوری طب معالجوی‌و شفا خانه های‌د و لتی‌را بسط و توسعه خواهد داد ،تا زمینه تداوی و معا لجه برای عموم اها لی کشورحتی المقدور فرا هم گردد .

مخصو صا طب و قایوی راتو سعه خواهد بخشید و برای جلو گیری از بیما ری‌های‌ساری و سایل وتجهیزات لازم را فراهم خواهد کرد .

دولت نظر به ایجاب وضع‌مالی مملکت زایشگاه ها شیر خوارگاه‌ها وکود کستا نهارا بمنظور حمایه ما دران و کود کان و رشد سالم وتر بیت نسل جدید ایجاد خواهد کرد .

دو لت برای ریشه کن‌کردن‌فحشاء اعتیاد به چرس تر یاك و الکهول به اقدامات‌جدی متو سل خواهد شد . همچنان علیه گرانی ـ احتکاروقاچاق جداً مبارزه‌خواهدکرد.

دو لت جمهوری برای ایجادشرایط لازم جهت تامین و تساوی حقوق زنان افغان بامردان در کلیه شئون حیات اقتصا دی اجتما عی سیاسی‌وفرهنگی اقدام خواهد نمود .

دولت شرایط لازم راحتی المقدور جهت مسکون شدن کوچی ها و همچنان‌توزیع املاك دو لتی را برای مردمان بی‌زمین فراهم خواهدآورد وآثاز حیات بدوی کوچی و عشیره وی را از بین‌خواهدبرد .

هموطنان‌عزیز!

مسلم است که ترقی‌اقتصا دی و اجتما عی وتحول فر هنگی اجرای ریفورم های‌بنیا دی و تامین دیمو کراسی واقعی ار تباط نز دیك داردد وضع سیر تکاملی منطقه و جهان تحو لات عظیم‌اجتما عی و سیاسی به وقوع پیو سته است جنبش های‌ملی و اجتما عی بطور روز افزون اوج میگیرد .نیرو های‌صلح دوست و آزاد یخواه در برابر جنگ و تجاوز برتری‌کسب می نمایند سیاست صلح و همز یستی مسالمت‌آمیز روز بروز در جهان طر فدار بیشتر پیدا میکند .

دو لت جمهو ری جوان‌افغا نستان با در نظر داشت تحو لات جها نی و به تاسی‌از سیا ست دا خلی مترقی خو یش مسائل آتی را درسیا ست خارجی خود در نظر میگیرد :

افغا نستان همیشه یک‌کشور صلح دو ست بوده و خواهد بود این سیا ست‌بخصو ص از طرف دو لت جمهو ری جوان افغا نستان‌بصو رت دوام دار تعقیب میگر دد .

دو لت جمهو ری‌افغانستان‌در حا لیکه به معا هدات عا دلانه بین المللی خودوفادار میبا شد معتقد است‌که با کمك کشور های عضوساز مان ملل متحد و به‌اتفاق سائر کشورهای صلح دوست‌جهان میتوا ند در امر تامین صلح و امنیت رفع تشنجات‌بین‌المللی و موفقیت سیاست دیتانت سهم بگیرد .

دو لت جمهو ری‌افغانستان‌معتقد است که باید به سیاست استعمار و نژادپر ستا نه خاتمه داده شود . اصل حق تعیین سر نو شت‌ملل‌تحقق یابد آثار تجاو ز اسرا ئیل بر کشور های‌عربی‌از میان برده شود و حقوق ملی مرد مان فلسطینی احیاءگردد .

لطفا ورق بزنید

(c) ketabton.com: The Digital Library

خطاب به مردم افغانستان

سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشور های پیرو نظام های اجتماعی مختلف بطوردوا مدار تعقیب گردد و به سیاست تجاوز و جنگ خاتمه داده شود و از توسل بقوه در زمینهٔ حل مسائل مورد اختلاف اجتناب بعمل آید .

بخاطر اعتقاد باین هدف نهادو لت جمهو ری افغا نستان بر اساس سیاست مستقل صلح جو یانه بیطر فی مثبت و فعال و عدم شرکت درپیما نهای نظامی احترام به منشور ملل‌متحد پشتیبانی ازنهضت آزادی خواهی دوستی و همکا ری و تحکیم روابط حسنه با تمام کشور های صلح دو ست جهان ـ بسطو تو سعه روابط و همکا ری اقتصا دی فنی و فر هنگی بااین کشور ها بر مبنای منافع متقابل ملی استوار میباشد .

دو لت جمهوری افغانستان به پیروی از اراده آزاد مردم خود ـ یکبار دیگر به تائید اعلا میهٔ جمهو ری بصراحت و صدا قت اعلام میدارد که ما هیت سیا ست دا خلی و خارجی افغا نستا نرا اصل صلح و عدالت ،آزادی ملی حا کمیت ملی و استقلال ملی تشکیل مید هد بنا براین تکرار میکنم که زیستن در صلح و تقو یهٔ علایق دو ستا نه با ساس احترام متقا بله با همه مردم و ملل دنیا یکی از آرزو های قلبی ماست بحکم اصول همجوا ری خاطر نشان می سا زیم که روابط همسا یگی نیك و دو ستی ما با اتحاد جما هیر شو روی خلل نا پذیر است .

با همسا یهٔ دیگر خود جمهوریت مردم‌چین مناسبات دو ستانه و صمیما نه داریم و آرزو مندیم این دو ستی باز هم گستر ش یابد .

روابط ما با برا دران ایرانی همیشه دو ستانه بوده وامید واریم این روابط دو ستانه بیشتر تحکیم گردد .در مورد مناسبا ت با پاکستان با ید گفت که متاسفانه این یگانه کشور یست که روی مسئله ملی پشتونستان و حقوق حقهٔ برا دران پشتون و بلوچ خودبا آن اختلاف نظر داریم ـ دو لت جمهو ری افغا نستان با حو صله و خون سر دی کامل در راه پیدا کردن راه حل مسا لمت آمیز و شرافت مندانه مسئله ملی پشتونستان مجدانه سعی خوا هد کرد. ما عقیده داریم منا سبا ت افغا نستان و پاکستان با منافع دو کشور و با منافع ترقی و تحکیم صلح در منطقه مطا بقت دارد .امید واریم سر انجام باین امر توفیق خوا هیم یافت .

پیوند های معنوی فرا وانما را با کشور های ملی و مترقی عربی بسته می سازدما با کشور های غیر منسلك جهان سوم بخاطر تامین صلح و مبارزه علیه استعمار بهر شکلیکه با شد و تبعیض نژا دی همکا ری نز دیك خواهیم داشت .

رشته های محکم و وجوه مشترك قابل توجه دو ستی ما را باهند و بنگله دیش تامین کرده است و خوا هان صلح دائمی در نیم قا ره میبا شیم .در این موقع بی مورد نخوا هد بود از تمام موسسات بین المللی و همه ممالك دو ست مخصو صا اتحاد جما هیر شو روی ـ ممالك متحده امر یکا ـ جمهو ریت فد رالی المان ـ جمهوریت مردم‌چین وهم تمام ممالك دو ستیکه در راه انکشاف و پیشر فت وطن ما سهم گر فته اند ـ قدردانی نموده و ازصمیم قلب ازطرف دولت و مردم افغانستان اظهار تشکر نمایم .

هموطنان عزیز :

اجازه میخواهم تا بصراحت که خاصهٔ ما افغا نیاست در روشنی واقعی ترقی خواهانه اسلا می و مطابق با ایجابات عصر و زمان اعلام دارم که دو لت جمهو ری جوان افغا نستان در راه اصلا حات بنیا دی بدون شتاب قدم بقدم و بیاری خدا .بدون لغز ش بجانب افراط وتفریط شجا عانه به پیش خوا هدرفت ـ مامستشعریم که وظیفهٔ اساسی دو لت جمهو ری افغا نستان در این مر حلهٔ تا ریخی عبارت از پا یان بخشیدن به نابرابر ی ها ی اجتما عی ـ فقر و عقب ماندگی که در طول قرون متوا لی دا منگیر کشور ماست تحکیم استقلال سیاسی و نیل به استقلال اقتصا دی میباشد .

دو لت جمهو ری هر گاه در مرحلهٔ مبارزه بخاطر ترقی اجتما عی و ایجاد یك اقتصاد مستحکم ملی وارد نگر دد ـ استقلال سیاسی کشور ـ حا کمیت ملی مردم ما به مخا طره می افتد ـ بخاطر ایجاد یك اقتصاد ملی متکی به سیانس و تکنو لو ژ ی معاصر و ار تقای سطح زندگی مردم ما ـ لازمی است که ریفورم های عمیق و بنیاد ی اقتصا دی و اجتما عی اجرا گردد ـ سکتور دو لتی تحکیم و تکامل یابد ـ کشور صنعتی وصنایع ملی احدا ث گردد ـ دیموکراسی در حیات اجتماعی سیاسی واقتصادی تعمیم یابد.

صرف تحو لات انقلا بی واقعی کشور را قادر خواهد سا خت که استقلال ملی خویش را تحکیم نماید و با اطمینان بیار ی خدا وند بز رگ در شا هراه ترقی اقتصا دی و اجتما عی گام نهد .

هموطنان بسیار عزیزوگرامی!

ایفای این وظایف عظیم ملی ایجاب میکند که در این مر حلهٔ خطیر و حسا س تا ریخی تمام نیرو های ملی و مترقی و تمام طبقات وطن پرست کشور در یك جبههٔ وسیع تحت لوای رژیم جمهو ریت جوان کشور متحد گردند .بفضل خدا و به جهت اصلا حات بنیا دی و ایجاد یك افغا نستان نوین مقتدر و مترقی ـ با شور و شوق وطن پر ستا نه با شجا عت و اطمینان به آینده ـ باسرود انقلا بی جمهو ری جوان افغا نستان عزیز به تو کل خالق بی نیاز به پیش روند .

مذ هب زنده دلان خواب
پر یشانی نیست
از همین خاك جهان
دگری سا ختن است
زنده وجاوید باد افغانستان
سربلند بادمردم افغانستان
بر افراشته باد بیرق
جمهو ری ومن الله التو فیق

بقیه صفحه (۲۳)

نقش قاتل ...

نیش هفته بعد از آن تاریخ ،شنسیلا و شوهرش بسوی پاریس حرکت مینما یند . علت آن روشن است :یکتن از دوستان به موریس دوال اطلاع میدهد که اسم وی در لیست سیاه گشتا پو درج گردید ... زن و شوهر ترسان وهراسان بر سلا ورا در نیمهٔ شب ترك میدهند .

روز های نخست در شهر زیبای پاریس بر زن وشوهر فراری سخت میگذرد .آنا ن فاقد إسعار إستند ،ولی موریس دوال گوپی قبلا متوجه این مشکل شده پولهای خود را بر سلاو به «اصحار کریمه» تبدیل کرد ه است .

«موریس به خویشا وندان خود که درپاریس کمك میکنند ومنزل برای رهایش مسافران فراری تهیه مینمایند .سنگهای قیمتی وی نیز بفروش میرسد وباین ترتیب گویی خواب وخیال شتیلا بحقیقت میرسد وآن دوزندگی نوی را در پاریس زیبا آغاز مینمایند .

سریعتر از آنچه تصورش را میکرد ند، موریس دوال در حلقهٔ نقاشان جوان پاریس راه می یابد وهنر وی زودتر از آنچه پیشبینی میشد ،مورد تائید صنعتگران پاریس قرار میگرد .موریس ظاهرا بلند مرود وباوج ارتقا نزدیك میشود ،اما ...

اما یکشب واقعهٔ عجیبی اتفاق می افتدکه همهٔ این امتیازات را با یك ضربه مغشوش میسازد .هیچکس نمیدا نسته است که در آن شب تراژیدی وحشتنا کی در حال وقوع است ،آری ،هیچکس ،بجز موریس دوال... بود که«مردم قریش»جهت حل وفصل منازعات

چشمتان را معالجه کنید

میکنند وبهمین منظور برای ا طفا ل درس ای بامتود های مخصو ص از قبیل کشیدن رسم وغیره نیز تدریس میشود .

تداوی باآلات مخصو ص چشم درین واقعات کمتر صورت گر فته واضافه تراز طریق بازی های تفریحی بتداوی شان پرداخته میشود که اطفال بدون اینکه از مقصد تداوی این بازیهای تفریحی ملتفت گردند . باعلاقمندی زیادی مشغو ل این نوع بازیها میشوند .

آنها قطعاء از مریضی خو یش اطلاعی نداشته واحساس مر یضی نمی کنند وهمین امربا عث میشودکه زودتر تداوی آنها صورت گیرد .

نتائج این متود جدید تداو ی از این قرار است :اطفال که دارای ۳۰ فیصد بینائی میبا شند تا ۹۰ فیصد قدرت بینا ئی شان بلند رفته واز ۲۰فیصد این نوع اطفال به صدفیصد رسیده است وتعداد زیاداطفال دارای عارضهٔ (دوبینی یا احول) بکلی صحت یاب شده اند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض تبریک

هیئت عامل ، مامورین ومنسوبین بانک رهنی وتعمیراتی

سالگرد استقلال وطن عزیز وتاسیس جمهوریت افغانستان را

بحضور بنا غلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم اردوی

رشید وفداکار وکافهٔ ملت باشهامت افغان تبریک

میگویند واعتلای افغانستان را از خداوند بزرگ نیازمی کنند

(c) ketabton.com: The Digital Library

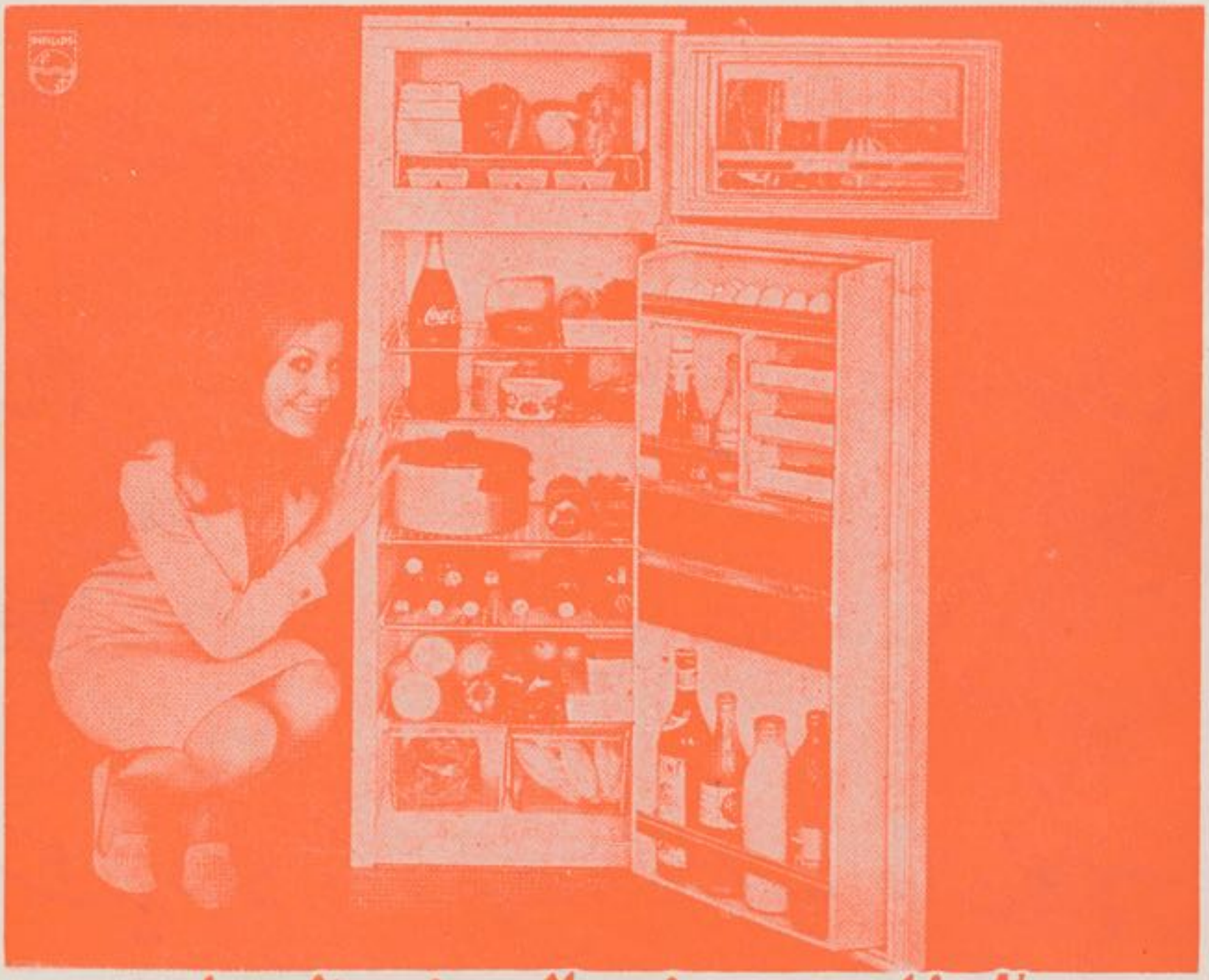
عرض

فیلیپس

علامت برتری واطمینان

تبریك

حاجی میرمحمدنعیم یعقوبی رئیس وکارکنـــان نمایندگی فلیپس یعقوبی تبریکات صمیمانه شان‌را بمناسبت پنجاه وپنجمین‌سالگرداستردادا ستقلال کشوربحضور مؤسس ارجمند جمهوری،اردوی ملی افغان وکافه‌هموطنان‌عرض‌نموده‌سعاد ت وترقی افغانستان را تحت‌رژیم جوان جمهوری‌تمنا دارند.



یخچال فلیپس، یخچال یخچال ها است

نمایندگی فیلیپس ،نمایشگاه فیلیپس ، ور کشاپ فیلیپس درخدمت‌شما.

آدرس : ۳۰ محمد جانخان واټ ،تیلفو نهای ۲۵٤۸٤ ـ ۲۵٤۸٦ ـ ۲۸۸۰٤

قیمت یك شماره ۱۲ـافغانی

دولتی مطبعه

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library